

# وفادار باشید



**بررسی‌ای از عهدجدید:  
اول و دوم تیموتائوس، تیتوس، فلیمون**

## برای نومی‌شدن همیشه زود است

در زندگی هیچ چیز نمی‌تواند جای وفاداری و امانت را بگیرد. بزرگترین فضیلت آن است که شخص، مورد اعتماد باشد. در این کتاب شما خواهید آموخت که چگونه:

- \* نسبت به کلام خدا وفادار باشید
- \* در انجام کارما و وظایف خود وفادار باشید
- \* نسبت به دیگران وفادار باشید

این کتاب شما را ...

یاری خواهد داد تا بدانید کلیسای محلی چه وظایفی دارد  
تشویق خواهد کرد که به آن بپیوندید و وفادار باشید!

دکتر وارن ویرزبی، به عنوان مؤلف و کشیش و گوینده رادیویی شهرت به سزایی دارد. او به مدت هفت سال شبانی کلیسای Moody Memorial Church را در شیکاگو به عهده داشت. در این اواخر به عنوان مدیر و معلم برنامه رادیویی "بازگشت به سوی کتاب مقدس" (Back to Bible) خدمت کرده است. او بیش از صد جلد کتاب تألیف نموده است که از آن جمله، سری کتابهای تفسیر عهد عتیق و عهد جدید است. کتاب حاضر نمونه‌ای از این مجموعه است. این کتاب شامل راهنمای شخصی و گروهی نیز می‌باشد.

# وفادار باشید

برای نومید شدن همیشه زود است

نویسنده: وارن ویرزبی

این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب

Be Faithful

By: Warren W. Wiersbe

که با اجازه رسمی ناشر متن انگلیسی منتشر می‌گردد

© English Version 1981 SP Publicatoins, Inc.

© Persion Version 2011 David C Cook

Published by:

David C Cook

4050 Lee Vance View, Colorado Springs, CO USA  
80918

ناشر:

دیوید سی. کوک

۴۰۵۰ خیابان لی ونس ویو

کلرادوسپرینگز، کلرادو، ایالات متحده آمریکا

You are free to copy or transmit this work but only in its entirety. If you do, you must attribute the work as specified in the copyright. You may not alter, transform or build upon this work in any way, and you must make clear to others the contractual terms of this work.

All rights reserved

حق چاپ محفوظ است

## فهرست مطالب

۵	پیشگفتار نویسنده
۷	نگاهی اجمالی به وقایع زندگی پولس
۹	رئوس مطالب اول تیموتائوس
۱۱	فصل اول- پایداری در خدمت (اول تیموتائوس ۱)
۲۵	فصل دوم- خدمت یا سیرک (اول تیموتائوس ۲)
۴۱	فصل سوم- پیروی از رهبران (اول تیموتائوس ۳)
۵۷	فصل چهارم- شرط خادم بودن (اول تیموتائوس ۴)
۷۱	فصل پنجم- نظم در کلیسا (اول تیموتائوس ۵)
۸۵	فصل ششم- دستورات مافوق (اول تیموتائوس ۶)
۱۰۱	رئوس مطالب تیتس
۱۰۳	فصل هفتم- نماینده ما در کریت (تیتس ۱)
۱۱۷	فصل هشتم- کلیسای سالم (تیتس ۲-۳)

۱۳۳	رئوس مطالب دوم تیموتائوس
۱۳۵	فصل نهم- شجاعت مسیحیان (۲ تیموتائوس ۱)
۱۴۹	فصل دهم- تشبیهات شبانی (۲ تیموتائوس ۲)
۱۶۵	فصل یازدهم- وظایف روزهای آخر (۲ تیموتائوس ۳)
۱۷۹	فصل دوازدهم- سخنان آخر (۲ تیموتائوس ۴)
۱۹۳	رئوس مطالب فلیمون
۱۹۵	فصل سیزدهم- داستان دو شهر
۲۰۵	سوالاتی برای کمک به مطالعه

## پیشگفتار نویسنده

تیموتائوس از شرایط کلیساهای افسس خرسند نبود و تیطس در جزیره کریت در شرایط سختی به سر می‌برد. پولس به هردو آنها نوشت "وفادار باشید، خیلی زود است که مسئولیت را رها کنید".

پولس می‌خواهد مسیحیان امروزی نیز به این پیام گوش فرا داده و به آن توجه خاص مبذول دارند. فکر نکنید که رسالات شبانی صرفاً خاص شبانان و دیگر خادمین مسیحی می‌باشد. این سه رساله برای هر مسیحی و هر عضو کلیسا مفید است.

Pistos لغت یونانی به معنی "وفادار"، دست کم هفده مرتبه در سه نامه پولس به کار برده شده است.

موضوعی که سرلوحه تمام فصول این سه رساله می‌باشد، عبارت است از: وفاداری به کلام خدا، وفاداری به مسئولیت خود و وفاداری به آنان که خدمت روحانی می‌کنند. چرا؟ چون خدا وفادار است.

من یک فصل این کتاب را به فلیمون اختصاص داده‌ام. اگرچه فلیمون شبان نبود ولی آنچه پولس به او نوشت دقیقاً به موضوع این کتاب مربوط می‌شود. فلیمون با فرار غلامش انیسیمس دچار گرفتاری زیادی شد و نصیحت پولس او را تشویق کرد تا با حل شایسته مشکلش به خدا وفادار بماند. این رساله آنچه را که خدا برای ما توسط مسیح انجام داده است به تصویر می‌کشد.

مرحوم دکتر ریموند ادموند، رئیس دانشکده ویتون اغلب به مسیحیان یادآوری می‌کرد که همیشه برای ترک مسئولیت خیلی زود است! حق با او بود و آنان که با شهادت نصیحت او را پذیرفتند، دریافتند که خدا قدرت پایداری می‌بخشد.

امیدوارم که مطالعه این کتاب شما را در دو مطلب یاری کند:

- ۱- به شما در درک خدمت در کلیسای محلی یاری رساند.
  - ۲- تشویق شوید تا از خدمت خود دست بر نداشته و وفادار بمانید.
- اگر من و شما به مسؤلیتهایی که خدا به ما عطا فرموده وفادار بمانیم، آنگاه کارهای عظیم خداوند افزونی یافته و نامش جلال خواهد یافت. بیش از این دیگر چه می‌خواهیم؟
- وارن و. ویرزی

## نگاهی اجمالی به وقایع زندگی پولس

پولس در سال ۵۷ میلادی در اورشلیم دستگیر شد و به مدت دو سال در قیصریه زندانی شد (اعمال ۲۱: ۱۹-۲۶: ۳۲). در حدود سپتامبر سال ۵۹ میلادی او را برای محاکمه نزد قیصر روم بردند. بعد از غرق شدن کشتی‌شان و سه ماه انتظار در مالت، حدود فوریه سال ۶۰ میلادی به روم رسیدند (اعمال ۲۷-۲۸). او را در آنجا در یک خانه اجاره‌ای نگه داشتند و به او برای خدمت به خداوند آزادی عمل دادند.

پولس از اتهاماتش در روم تبرئه و آزاد شد. مدت دو سال بعد از آن، در جاهای مختلف خدمت کرد و رساله اول تیموتائوس و تیتوس را نوشت.

حدود سال ۶۵ میلادی دوباره دستگیر شد و به زندان افتاد. آنجا بود که دوم تیموتائوس یعنی آخرین نامه خود را نوشت. در اولین دوره اسارتش در روم، رساله‌های افسسیان، فیلیپیان، کولسیان و فلیمون را نوشت.





## رئوس مطالب اول تیموتائوس

موضوع: چگونگی اداره کلیسای محلی (۳: ۱۵)

### ۱- کلیسا و پیام آن – فصل ۱

۱- تعلیم صحیح اصول (۱: ۱-۱۱)

۲- اعلام مژده انجیل (۱: ۱۲-۱۷)

۳- دفاع از ایمان (۱: ۱۸-۲۰)

### ۲- کلیسا و اعضای آن – فصل‌های ۲ تا ۳

۱- مردان دعا (۲: ۱-۸)

۲- زنان مطیع (۲: ۹-۱۵)

۳- شبانان واجد شرایط (۳: ۱-۷)

۴- شماسان واجد شرایط (۳: ۸-۱۳)

۵- ایمانداران با اخلاق (۳: ۱۴-۱۶)

### ۳- کلیسا و خادم آن – فصل ۴

۱- شبان خوب، واعظ کلام (۴: ۱-۶)

۲- کشیش خداپرست، اطاعت از کلام (۴: ۷-۱۲)

۳- شبان در حال رشد، پیشرفت در کلام (۴: ۱۳-۱۶)

### ۴- کلیسا و خدمات آن- فصل‌های ۵ تا ۶

۱- به اعضای مسن (۵: ۱-۲)

- ۲- به بیوه زنان سالخورده (۵: ۳-۱۰)
- ۳- به بیوه زنان جوان (۵: ۱۱-۱۶)
- ۴- به مسؤولین کلیسا (۵: ۱۷-۲۵)
- ۵- به غلامان (۶: ۱-۲)
- ۶- به معلمین دروغین (۶: ۳-۱۰)
- ۷- به شبانان (۶: ۱۱-۱۶، ۲۰-۲۱)
- ۸- به ثروتمندان (۶: ۱۷-۱۹)

## فصل اول

# پایداری در خدمت

## اول تیموتائوس

"مردانی برای سفری مخاطره‌آمیز، با حقوق کم، سرمای سخت، ماه‌های طولانی در تاریکی مطلق، با خطر دائمی و عدم اطمینان از بازگشت سالم مورد احتیاج است. در صورت موفقیت، درجه افتخار و ترفیع اعطا خواهد شد".

این آگهی در یکی از روزنامه‌های لندن چاپ شد و از آنجایی که به امضای آقای ارنست شکلتون کاشف مشهور قطب شمال رسیده بود، هزاران نفر از آن استقبال کردند.

اگر عیسی مسیح برای استخدام خادمین آگهی کرده بود، محتوای آن چیزی شبیه به این می‌شد:

"مردان و زنانی برای کار دشوار کمک به بنای کلیسا مورد نیاز است، در این کار حتی از جانب همکارانتان مورد سوء تفاهم قرار خواهید گرفت. دائماً دشمنی نامرئی به شما حمله می‌کند و احتمالاً نتیجه زحمات خود را نمی‌بینید و پاداش کامل شما تا اتمام کار به شما داده نخواهد شد. این کار ممکن است به قیمت از دست دادن مالتان، آرزوهایتان و یا حتی جانتان تمام شود".

علیرغم تمام این شرایط سخت و جدی، عیسی مسیح "تقاضا نامه‌های" بسیاری دریافت می‌کند که همه با شوق زیاد حاضرند تمام هستی خود را فدای او کنند. او مطمئناً بزرگترین اربابی است که همه حاضرند برایش کار کنند و بنای کلیسای مسیح مسلماً بزرگترین چالشی است که هر ایماندار حاضر است آن را به جان بخرد.

تیموتائوس یکی از مردان جوانی بود که به دعوت مسیح برای کمک به بنای کلیسا پاسخ مثبت داد! او یکی از دستیاران مخصوص پولس رسول بود. تیموتائوس با همراهی تیطس از عهده مأموریت‌های سخت در کلیساهایی که پولس تأسیس کرده بود، بر آمد. او در یک خانواده مذهبی بزرگ شده (۲ تیموتائوس ۱: ۵) و از طریق پولس به مسیح ایمان آورده بود؛ به همین دلیل پولس او را "فرزند حقیقی خود در ایمان" خواند (اول تیموتائوس ۱: ۲).

تیموتائوس از مادری یهودی و پدری یونانی متولد شد. تعهد او به مسیح به قدری زیاد بود که رهبران کلیسای محلی سفارش او را به پولس کردند و پولس او را به "گروه بشارتی" خود فراخواند (اعمال ۱۶: ۱-۵). پولس اغلب به او یادآور می‌شد که برای خدمت به بشارت دعوت شده‌است (اول تیموتائوس ۱: ۱۸، ۴: ۱۴). او به خداوند وفادار بود (۱ قرن‌تین ۴: ۱۷) و توجه خاصی به ایمانداران داشت (فیلیپیان ۲: ۲۰-۲۲).

تیموتائوس علیرغم دعوت و معاشرت نزدیکش با پولس و عطایای روحانی‌اش خیلی زود دلسرد می‌شد. پولس در آخرین ملاقاتش، او را تشویق کرد تا در افسس بماند و خدمت خود را به کمال برساند (۱ تیموتائوس ۱: ۳). گذشته از اینکه تیموتائوس گاهی مأیوس می‌شد، ظاهراً مشکلات جسمانی نیز داشت (۱ تیموتائوس ۵: ۲۳)؛ چنین برداشت می‌شود که برخی اعضای کلیسا به شبانان که خادمین خداوند بودند، احترام نمی‌گذاشتند (اول تیموتائوس ۴: ۱۲، ۲ تیموتائوس ۶: ۲-۸).

افسس محل آسانی برای شبانی کلیسا نبود (شک دارم که واقعاً جایی پیدا شود که بتوان به آسانی خدمت کرد!). این شهر برای پرستش بت دیانا که مظهر لذات جنسی بود، بنا شده بود. مجسمه‌های شهوت‌انگیز

آن، انواع مختلف روابط غیر اخلاقی جنسی را تشویق و رواج می‌داد (ر.ک. اعمال ۱۹). پولس در مدت سه سال خدمت خود در افسس، خدمات روحانی بزرگی به انجام رسانید طوری که "تمام آنان که در ایالت آسیا زندگی می‌کردند کلام عیسی مسیح را شنیدند" (اعمال ۱۹: ۱۰). برای تیموتائوس خیلی مشکل بود تا در جای پای مردی بزرگ و روحانی چون پولس قدم بگذارد. البته شیطان هم خدمتگزارانی در آن شهر داشت زیرا که هر جا که فرصت‌های روحانی دست می‌داد، موانع شیطانی نیز قد علم می‌کرد (اول قرن‌تینان ۱۶: ۸-۹).

پولس نامه‌ای که آن را اول تیموتائوس می‌نامیم، برای تشویق تیموتائوس نوشت و در آن نحوه اداره کلیسا و چگونگی استفاده از اقتدار روحانی را شرح داد. در این بخش، پولس به شرح سه مسؤلیت شبان و جماعت کلیسای محلی می‌پردازد.

#### ۱- تعلیم صحیح اصول کلام (۱ تیموتائوس ۱: ۱-۱۱)

از همان ابتدای نامه، پولس به اقتدار روحانی خود بر عنوان خادم عیسی مسیح صحنه می‌گذارد. آنانی که باعث زحمت تیموتائوس شده بودند، لازم بود به خاطر بیاورند که شبانشان را خدا در آن خدمت گذاشته است. زیرا این خدا بود که به پولس این اقتدار روحانی را داده بود. پولس، "رسولی" بود با مأموریتی خاص. رسالت پولس به "حکم" عیسی مسیح بود. این کلمه در اصل دلالت بر حکم "سلطنتی" دارد. پولس و تیموتائوس، هر دو را شاه شاهان فرستاده بود!

عیسی مسیح نه تنها خداوند بلکه "نجات‌دهنده" نیز می‌باشد؛ این عنوان ده مرتبه در رسالات شبانی به کار برده شده است (۱ تیموتائوس ۱: ۱؛ ۲: ۲؛ ۳: ۴؛ ۱۰؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ تیطس ۱: ۳-۴؛ ۲: ۱۰، ۱۳؛ ۳: ۴، ۶). برای تیموتائوس که مأیوس بود، عنوان "امید ما" (۱ تیموتائوس ۱: ۱) تشویق بزرگی بود. پولس نامه تشویق‌آمیز

مشابهی نیز به تیطس نوشت (۱: ۲؛ ۲: ۱۳؛ ۳: ۷). علم به اینکه عیسی مسیح روزی به خاطر ما بازگشت خواهد کرد، ما را تشویق می‌کند تا او را وفادارانه خدمت کنیم.

دلیلی که خادمین مسیحی باید در کار خود پایداری ورزند این است که معلمین دروغین سخت مشغولند تا مسیحیان را اسیر کنند. مثل زمان ما، در زمان پولس هم معلمین دروغین وجود داشتند و ما باید این موضوع را خیلی مهم و جدی تلقی کنیم. این معلمین دروغین هیچگونه خبر خوشی برای گمراهان ندارند، در عوض به دنبال مسیحیان هستند تا آنها را گمراه و اسیر امیال و خواسته‌های خود سازند.

پولس برای نشان دادن وخامت اوضاع از اصطلاحات نظامی بهره می‌جوید (اول تیموتائوس ۱: ۳). "دستور دادن" عبارت است از "صدر دستورات از سوی افسر مافوق". پولس این کلمه را (که گاهی "امر کردن" و "امر" ترجمه شده است) هشت مرتبه در دو نامه‌اش به تیموتائوس به کار برده است (اول تیموتائوس ۱: ۳، ۵، ۱۸؛ ۴: ۱۱؛ ۵: ۷؛ ۶: ۱۳، ۱۷؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱). پولس می‌خواست به تیموتائوس خاطر نشان کند که "نه تنها شبانی تو در این شهر مشکل است، بلکه تو سربازی تحت فرمان پادشاه هستی. پس این فرمان را به تمام سربازان کلیسای خود برسان."

این امر یا فرمان چه بود؟ "تعلیم دیگری غیر از تعالیم پولس نده". در متن اصلی این رساله در سی و دو جا به "اصل"، "تعلیم"، "معلم" و "تعلیم دادن" اشاره شده است. در کلیسای اولیه، کلام خدا و مفاهیم اصول اساسی مسیحیت به ایمانداران تعلیم داده می‌شد. در بیشتر کلیساهای امروزی، منبر و سرودهای پرستشی به سرگرمی تبدیل شده و خبری از رشد و غنای روحانی نیست.

خداوند حقیقت کلام را به پولس (اول تیموتائوس ۱: ۱۱) سپرد و پولس آن را به تیموتائوس سپرد (۶: ۲۰). وظیفه تیموتائوس این بود که ایمان را حفظ کند (۲ تیموتائوس ۱: ۱۴) و آن را به افراد امین و وفادار بسپارد (۲: ۲).

پولس این تعالیم غلط را "افسانه‌ها و شجره‌نامه‌های بی‌پایان" می‌نامد (اول تیموتائوس ۱: ۴). تیطس هم با همین تعالیم غلط در کریت مواجه بود (تیطس ۱: ۱۴؛ ۳: ۹). معلمین دروغین با استفاده از قوانین عهد عتیق مخصوصاً نسب‌نامه‌ها، تعالیم مضرری را بدعت می‌گذاشتند که باعث گمراهی مردم می‌شد. این معلمین دروغین مسائلی را مطرح می‌کردند که خود جوابی برای آنها نداشتند. آنها به‌جای ترویج "نقشه نجات خدا" (شناخت خدا از راه ایمان، ۱ تیموتائوس ۱: ۱۴)، مردم را از حقیقت دور می‌کردند. این تعالیم نوظهور به جای ایجاد محبت و تقدس وجدان پاک و ایمان خالص، باعث تفرقه و ریاکاری و انواع مشکلات می‌شد.

پولس واژه "ضمیر" (وجدان) را بیست و یک بار در نامه‌هایش به کار برده است که شش بار آن را در نامه‌های شبانی می‌یابیم (اول تیموتائوس ۱: ۵، ۱۹؛ ۳: ۹؛ ۴: ۲؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۳؛ تیطس ۱: ۱۵). کلمه "وجدان" به معنای "آگاهی" است. وجدان آن داور درونی است که به هنگام خطاکاری ما را محکوم، و به هنگام نیکوکاری ما را تأیید می‌کند (رومیان ۲: ۱۴-۱۵). به رغم وجود وجدان، امکان گناه کردن وجود دارد و گناه وجدان را آلوده می‌کند (تیطس ۱: ۱۵). تکرار گناه، وجدان را سخت کرده، دیگر گناهکار را معذب نمی‌کند (اول تیموتائوس ۴: ۲).

خیلی دردناک است که برخی ایمانداران این اصول سالم را نمی‌پذیرند؛ ایشان مرتکب اعمال خلاف شده، از راه راست منحرف



می‌شوند (اول تیموتائوس ۱: ۱۰). پولس نیز این اصول خدایان را (۳: ۶)، "تعلیم صحیح" (۲ تیموتائوس ۱: ۱۳)، "اصول صحیح" (۴: ۳؛ تیطس ۱: ۹؛ ۲: ۱)، "ایمان" (۱: ۱۳؛ ۲: ۲) و "سخنان صحیح" (۲: ۸) خواند. اما بسیاری "بیهوده‌گویی‌های" بدعت‌گزاران را بر اصول صحیح و خالص کلام خدا که قادر است پاکی و قدوسیت را در زندگی به وجود آورد، ترجیح می‌دهند (اول تیموتائوس ۱: ۱۶).

بدبختانه، امروزه نه تنها در تعلیم و موعظه، بلکه در موسیقی نیز "بیهوده‌گویی" را تجربه می‌کنیم. بسیاری از این سرودها بی‌بهره از اصول هستند و حتی برخی اصول غلط را رواج می‌دهند. همان‌طور که نباید اصول غلط و کاذب را تعلیم داد، باید از سرودهایی نیز که اصول دروغ و ناسالم را رواج می‌دهند، اجتناب کرد.

دلیل این تعلیم غلط به سوء استفاده از قوانین عهد عتیق بر می‌گردد. این معلمین دروغین محتوا و مفهوم قانون خدا را درک نمی‌کردند. ایشان ایماندارانی را که به واسطه فیض مسیح آزاد شده بودند، بار دیگر با تعلیم غلط خود در زنجیر شریعت اسیر می‌کردند (غلاطیان ۵: ۱ به بعد)، مصیبتی که تا به امروز هم دامنگیر ما است. جسم (طبیعت کهنه) به شریعت گرایش دارد، زیرا مقررات و آیین‌های مذهبی باعث می‌شوند که شخص بدون آنکه لازم باشد قلبش را عوض کند، مقدس و پاک جلوه کند.

پولس به چهارده گروه مختلف مردم اشاره می‌کند که با شریعت محکوم شدند (اول تیموتائوس ۱: ۹-۱۰). این یکی از چندین فهرستی است که در عهد جدید وجود دارد (مرقس ۷: ۲۰-۲۳؛ رومیان ۱: ۱۸-۲۳؛ غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱). استفاده مشروع از شریعت یعنی افشا، مهار کردن، و محکوم نمودن بی‌قانونی. شریعت نمی‌تواند گناهکار را نجات دهد (غلاطیان ۲: ۲۱؛ ۳: ۲۱-۲۹)، بلکه فقط نیاز به نجات‌دهنده را

آشکار می‌کند. وقتی گناهکاری به عیسی مسیح ایمان می‌آورد، از لعنت شریعت آزاد می‌شود (غلاطیان ۳: ۱۰-۱۴). با در اختیار گذاشتن عنان زندگی خود در دست روح حیات‌بخش خدا است که می‌توان از دستورات پیروی کرد (رومیان ۸: ۱-۴).

پولس (اول تیموتائوس ۹: ۱-۱۰) به طور ویژه‌ای بر پنج فرمان از ده فرمان خروج، فصل بیستم تاکید دارد:

پنجم- "پدر و مادرت را احترام کن" - "قاتلان پدر و ... مادر."

ششم- "قتل مکن" - "قاتلان پدران ... مادران... و آدمکشان."

هفتم- "زنا مکن" - "زناکاران و همجنس بازان."

هشتم- "دزدی مکن" - "آدم‌ربایان"

نهم- "شهادت دروغ مده" - "دروغگویان ... و کسانی که شهادت دروغ می‌دهند."

این "مژده پر جلال انجیل" است که گمراهان را نجات می‌دهد. پولس قدرت انجیل را تجربه کرده بود (رومیان ۱: ۱۶) و خود را مسؤول انتشار آن می‌دید (۱ تسالونیکیان ۲: ۴). شریعت و انجیل مکمل یکدیگرند؛ شریعت بدون انجیل همچون تشخیص بیماری است بدون درمان. اما انجیل بدون شریعت تنها مژده خوش نجات برای آنانی است که معتقد نیستند به آن احتیاج دارند، چون هرگز خبر هولناک داوری را نشنیده‌اند. شریعت، مژده نجات نیست، اما انجیل نیز عاری از شریعت نیست (رومیان ۳: ۲۰-۳۱).

## ۲- اعلام مژده نجات (اول تیموتائوس ۱: ۱۲-۱۷)

عنوان "انجیل جلال خدای متبارک" (۱: ۱۱) پولس را منقلب کرد تا شهادت شخصی خود را اعلام کند. وجود خود او دلیل "محکم و ثابتی" بود که مژده انجیل پرفیض خدا حقیقتاً عمل می‌کند. با مطالعه

شهادت‌نامه پولس (اعمال ۹: ۱-۲۲؛ ۲۲: ۱-۲۱؛ ۲۶: ۹-۱۸) به عظمت فیض خدا و قدرت نجات‌بخش او پی می‌بریم.

*الف- پولس که بود؟ (اول تیموتائوس ۱: ۱۳).* او کافر بود چون الوهیت عیسی مسیح را انکار می‌کرد و دیگران را نیز وادار می‌کرد مسیح را انکار کنند. "ستمگری" بود که سعی داشت کلیسا را نابود کند. "تهدید به قتل" جزء ذاتش بود (اعمال ۹: ۱). او کلیسای خدا را مورد جفا و آزار قرار داد (۱ قرن‌تیا ۱۵: ۹) و بعدها متوجه شد که حقیقتاً عیسی مسیح موعود را مورد آزار و جفا قرار داده است (اعمال ۹: ۴). قبل از نجاتش با سنگسار شدن استیفان موافقت نمود و مسؤول خرابی و غارت کلیسا بود (اعمال ۸: ۱-۴).

پولس شخص زورگو و آسیب‌رسانی بود و به آن وقیحانه می‌بالید. مفهوم مدرن آن "گردن‌کشی و قلدری" است. او شخص منفور و مغروری بود که با وحشیگری در پی صدمه زدن به دیگران بود. دلیل اصلی رفتار کفرآمیز او "جهالت" و "بی‌ایمانی" بود. گرچه شائول طرفوسی، شخصی تحصیل‌کرده و روشن فکر بود (اعمال ۲۲: ۳؛ غلاطیان ۱: ۱۳-۱۴)، ولی از درک حقیقت عاجز بود (۱ قرن‌تیا ۲: ۱۴، ۲ قرن‌تیا ۴: ۳-۴). پولس شخص دینداری بود، ولی به بهشت راهی نداشت! اما البته تا وقتی که به مسیح ایمان آورد و نجات یافت (فیلیپیان ۳: ۱-۱۱).

*ب- پولس چطور نجات یافت؟ (اول تیموتائوس ۱: ۱۳-۱۵).* چطور ممکن است خدای مقدس چنین شخص مذهبی‌نمای گناهکاری را عفو کند و نجات بخشد؟ "رحمت" و "فیض" دو کلمه کلیدی برای پاسخ به این سؤال هستند. پولس شایسته نجات نبود، اما خدا به سبب رحمت و شفقت خود او را نجات بخشید.

فیض و رحمت، بیانگر محبت خدا در عمل هستند. محبت خدا "بهایی" را که لازمه نجات گناهکاران است می‌پردازد. تنها محبت خدا نیست که ما را نجات می‌دهد، چون خدا همه جهانیان را دوست دارد (یوحنا ۳: ۱۶)؛ توسط فیض است که ما نجات می‌یابیم (افسیان ۲: ۸-۹)، چون او در رحمت (۲: ۴) و فیض (۲: ۷) غنی است.

"جهالت" پولس چه ارتباطی به نجات او داشت؟ آیا جهالت در نزد خدا می‌تواند عذر و بهانه باشد؟ البته که نه! حقیقت جهالت پولس به قانون خاص شریعت مربوط می‌شد (لاویان ۵: ۱۵-۱۹؛ اعداد ۱۵: ۲۲-۳۱). اگر در اسرائیل کسی "دانسته" مرتکب گناه می‌شد، از اجتماع مطرود می‌شد تا برای جبران گناهش قربانی مناسبی وقف کند. مسیح بر این اصول صحه گذاشت آنگاه که بر صلیب دعا کرد: "پدرآنان را عفو کن، چون نمی‌دانند چه می‌کنند" (لوقا ۲۳: ۳۴). جهالت آنان و دعای مسیح به تنهایی موجب نجات آنان نشد، بلکه ترکیب این دو، داوری خدا را به تأخیر انداخت و فرصت نجات را میسر ساخت.

پولس بیان کرد که فیض "بی‌اندازه" سبب نجات او شد! پولس پیشوند یونانی Huper به معنی "مقدار بی‌نهایت زیاد و فراوان" را اغلب به کلماتی که در رسالاتش به کار می‌برد، اضافه می‌کرد.

بعضی از این نمونه‌ها را می‌توانید در کلام خدا بیابید: "رشد فوق‌العاده چشمگیر ایمان" (۲ تسالونیکیان ۱: ۳)؛ "عظمت بی‌نهایت قدرت" (افسیان ۱: ۱۹)؛ "پیروزی قطعی و کامل" (رومیان ۸: ۳۷). همین لغت به صورت Hyper به زبان انگلیسی وارد شده است، برای مثال در کلمات "بچه‌های فوق‌العاده فعال" و "اشخاص فوق‌العاده حساس".

پولس روشن کرد که این نجات تنها مختص او نیست، بلکه شامل تمام کسانی می‌شود که به مسیح ایمان می‌آورند (اول تیموتائوس ۱:

۱۵). اگر عیسی مسیح توانست شائول طرطوسی را که سردسته گناهکاران بود نجات دهد، پس می‌تواند هرکسی را نجات دهد! ما فروتنی پولس را تحسین می‌کنیم، او خود را "کوچکترین رسولان" (۱۵: ۹) و "کوچکترین همه مقدسین" (افسیان ۳: ۸) لقب داد. توجه کنید که پولس ننوشت سردسته گناهکاران بودم، بلکه نوشت، سردسته گناهکاران هستم.

ج- پولس تبدیل به چه نوع انسانی شد؟ (اول تیموتائوس ۱: ۱۲، ۱۶). فیض خدا ستمگر را واعظ و قاتل را خادم و مبشر انجیل نمود! تحول زندگی پولس چنان عظیم بود که کلیسای اورشلیم به او مظنون شده بود. پذیرش این همه دگرگونی او برای آنها سخت بود (اعمال ۹: ۲۶-۳۱). پولس این خدمت را از خدا و نه از پطرس یا دیگر رسولان دریافت نمود (غلاطیان ۱: ۱۱-۲۴). مسیح قیام‌کرده در آسمان، این رسالت را به او سپرد.

به سبب صداقت و وفاداری پولس بود که خدا بشارت مژده انجیل را به او سپرد. با اینکه وی یک رهبر یهودی بی‌ایمان و بی‌اعتنا به انجیل بود، ولی وجدان خوب و پاکی داشت و مطابق آنچه شریعت انتظار داشت زندگی می‌کرد. بسیاری از مواقع، آنان که عمیقاً در اشتباهند و در منجلا ب گناه اسیرند، تبدیل به ایماندارانی متعهد می‌شوند و خدا آنها را برای صید جان‌ها به طریق ویژه‌ای به کار می‌برد. خدا نه تنها به پولس اطمینان کرد و انجیل را به او سپرد، بلکه به او قدرت داد تا خادم توانای انجیل شود (فیلیپیان ۱۳: ۴؛ ۱۵: ۱۰). کسی که دعوت خدا برای خدمت را می‌پذیرد، خدا او را تجهیز و توانمند می‌سازد.

پولس نه تنها خادم انجیل، بلکه الگو نیز شد (اول تیموتائوس ۱: ۱۶). از چه لحاظ پولس الگوی خوبی برای گمراهانی که به مسیح

ایمان می‌آورند می‌باشد؟ هیچ یک از ما تجربه او را در راه دمشق نداشته‌ایم (اعمال ۹). ما نوری ندیده، به خاک نیفتاده و صدای عیسی مسیح را از آسمان نشنیده‌ایم. پولس الگویی ("نمونه") برای تمام گناهکاران است، چون او بزرگترین گناهکاران بود! او حتی بر این واقعیت است که فیض خدا می‌تواند هر گناهکاری را نجات بخشد.

کاربرد مشابهی در مورد قوم امروز اسرائیل (هموطنان پولس) وجود دارد، قومی که پولس به خاطرشان درد جانگاهی را متحمل شد (رومیان ۹: ۱-۵؛ ۱۰: ۱-۳). مردم امروزی اسرائیل همچون شائول طرسوسی قبل از ایمان آوردنش، دیندار و مذهبی‌نما و بی‌اعتنا به پیام شریعت در مورد مسیح موعود هستند و میلی به ایمان ندارند. روزی قوم اسرائیل مسیح را همان‌طور که پولس او را دید، خواهند دید و تمام آنها نجات خواهند یافت. "بر من که نیزه زده‌اند خواهند نگریست" (زکریا ۱۲: ۱۰). شاید این دلیلی بر این گفته پولس باشد "مثل طفلی که پیش از وقت به دنیا آمده باشد" (۱ قرننتیان ۱۵: ۸). بازگشت مسیح قیام کرده برای همگان در آخر زمان روی خواهد داد ولی برای پولس این اتفاق در شروع عصر کلیسا روی داد (متی ۲۴: ۲۹ به بعد).

### ۳- دفاع از ایمان (اول تیموتائوس ۱: ۱۸-۲۰)

پولس علاوه بر تعلیم صحیح کلام و اعلام مژده انجیل، مسؤولیت سومی به کلیسای محلی داد. بار دیگر پولس برای قوت بخشیدن به سخن خود از کلمه نظامی "فرمان دادن" (۱: ۱۸) استفاده می‌کند که عبارت است از "فرمان صادره از سوی افسر مافوق" (۱: ۳). همچنین پولس به تیموتائوس خاطر نشان کرد خدا او را برای خدمت خود برگزیده است. ظاهراً تعدادی از مقدسین در جماعت‌های محلی با هدایت روح‌القدس تیموتائوس را برای خدمت انتخاب کرده بودند (اعمال ۱۳: ۱-۳ را برای مشاهده این شیوه در کلیسا مطالعه نمایید).

خدمت در افسس کار آسانی نبود، اما تیموتائوس مردی تحت فرمان بود و باید اطاعت می‌کرد. وظیفه سرباز این است که "رضایت فرمانده‌اش را جلب کند" (تیموتائوس ۲: ۴)، نه اینکه خود را راضی کند. به علاوه، این انتصاب الهی بود که تیموتائوس در آنجا باشد؛ خدا او را انتخاب کرده و فرستاده بود و همین حقیقت در روزهای دشوار به او قوت قلب و اطمینان می‌بخشید. اگر خادم خدا هستید و توسط روح القدس به خدمت فراخوانده شده‌اید با اطاعت از اراده خدا قادر خواهید بود "در خدمت بمانید و کار را به اتمام برسانید". این اطمینان به تیموتائوس توان بخشید تا در این نبرد به خوبی استقامت کند.

پولس تشبیهات نظامی را به تشبیهات دریایی تغییر داد (اول تیموتائوس ۱: ۱۹) و به تیموتائوس خاطر نشان کرد که تنها راه موفقیت، محکم ایستادن در ایمان و پاک نگه داشتن وجدان است. تنها به زبان آوردن کافی نیست، بلکه باید در زندگی روزمره آن را اجرا کنیم. شخصی در مورد شبان ریاکارش چنین گفت: "او چنان واعظ خوبی است که هرگز نباید منبر را ترک کند و چنان مسیحی ضعیفی است که هرگز نباید به منبر برود".

حفظ وجدان پاک برای جنگ روحانی و خدمت عالی بسیار مهم است. سردبیر مجله اچ ال منکن، وجدان را این‌طور تعریف می‌کند: "وجدان، ندای درونی است که به ما گوشزد می‌کند که یکی ما را زیر نظر دارد". آنکه وجدان پاک دارد، اراده خدا را با وجود نگاه‌ها و حرف‌های مردم انجام می‌دهد. آنکه وجدان پاک دارد مانند مارتین لوتر خواهد گفت: "من اینجا ایستاده‌ام؛ کار دیگری نمی‌توانم بکنم؛ پس خدایا کمک کن!"

دلیلی که ایمان مسیحیان مدعی دچار تزلزل می‌شود این است که از ندای وجدان خود سرپیچی کرده و به انجام کارهای خلاف آن دست

می‌زنند. تعالیم نادرست معمولاً با کردار بد و گناهان مخفی شروع می‌شود. هیمینائوس و اسکندر آگاهانه وجدان پاک خود را کنار گذاشتند تا از زندگی گناه‌آلودشان دفاع کرده باشند. پولس به نوعی گناه آنها را به "کفرگویی" نسبت داد، ولی ما را در جریان جزئیات آن قرار نداد. هیمینائوس می‌گفت که روز قیامت فرا رسیده است (۲ تیموتائوس ۲: ۱۶-۱۸). اسکندر در آن زمان اسم رایجی بود و نمی‌توان به‌طور حتمی گفت که این همان شخصی است که در نامه دوم پولس به تیموتائوس (۲ تیموتائوس ۴: ۱۴) نامش ذکر شده است. اما اگر او همان شخص باشد، بدون شک با تعلیم اصول غلط، با پولس به مخالفت پرداخته و برای او موانعی را بوجود آورده بود.

"به دست شیطان سپردن" (اول تیموتائوس ۱: ۲۰) روشی بود که رسولان برای انضباط کلیسا به‌کار می‌بردند (۱ قرن‌تیان ۵: ۵) که به معنی اخراج خطاکار از کلیسای محلی می‌باشد. فعل "تأدیب شدن" (اول تیموتائوس ۱: ۲۰) به معنی "یاد گرفتن با توبیخ و انضباط" است. وقتی مسیحی از گناه خود اظهار پشیمانی نکرده، توبه نمی‌کند، جماعت کلیسای محلی باید برای انضباطش او را از مشارکت با مقدسین محروم کنند تا بدین وسیله شخص در برابر حملات شیطان آسیب‌پذیر شود. مشارکت کلیسای محلی در صورتی که در راستای اراده خدا باشد، موجب حفاظت روحی ایماندار می‌شود. شیطان برای حمله به ایماندار باید اول از خدا اجازه بگیرد (ایوب ۱-۲؛ لوقا ۲۲: ۳۱-۳۴).

هر کلیسای محلی به‌طور دائم در حال نبرد علیه نیروهای شیطان است. پیامبران و معلمین دروغین و همچنین مسیح‌های کاذب زیادی وجود دارند. شیطان منشأ اصول غلط است، چون از همان ابتدا در غگو بود (یوحنا ۸: ۴۴). برای کلیسای محلی تنها تعلیم اصول صحیح کلام و اعلام خبر خوش انجیل کافی نیست؛ بلکه باید برای دفاع از ایمان،



دروغ‌ها را آشکار و با تعالیم غلط شیطان مقابله کرد (اول تیموتائوس ۴: ۱).

"تعادل" در خدمت روحانی بسیار حائز اهمیت است. بعضی کلیساها فقط به موعظه انجیل می‌پردازند و به ندرت به نوایمانان حقایق زندگی روزمره مسیحی را تعلیم می‌دهند. کلیساهای دیگر نیز فقط به مخالفت با تعالیم غلط پرداخته و هیچ خدمت روحانی مثبتی ندارند. ما باید تعالیم درست و سالم را به مردم بدهیم ("تعلیم صحیح" اول تیموتائوس ۱: ۱۰)، در غیر این صورت ایمانداران رشد نخواهند کرد. ما باید مزده انجیل را بشارت داده، گمراهان را برای مسیح خداوند صید کنیم؛ باید از ایمان خود علیه آنان که با تعالیم غلط و زندگی فاسد کلیسا را خراب می‌کنند، دفاع کنیم.

خواندن قسمت اول نامه پولس باید خیلی به تیموتائوس کمک کرده و مایه تشویق او شده باشد. خدا تیموتائوس را خواند، مجهز نمود و به خدمت روحانی گماشت. وظیفه تیموتائوس این نبود که در سراسر افسس بگردد و خود را درگیر کارهای دیگر کند. مسؤولیت او شامل بشارت به گمراهان، تعلیم به ایمانداران و دفاع از ایمان می‌شد. هر برنامه دیگری که به این خدمات روحانی مربوط نمی‌شد باید کنار گذاشته می‌شد. یک دلیل رویارویی کلیسا با مشکل این است که شبانان و رهبران روحانی خود را درگیر فعالیت‌های فوق برنامه می‌کنند و به انجام کاری که خدا آنها را مأمور کرده، مشغول نیستند. خیلی خوب است که کلیسا فهرستی از خادمین و وظایف روحانی ایشان داشته باشد.

## فصل دوم

### خدمت یا سیرک؟

#### اول تیموتائوس ۲

پولس می‌فرماید: "همه چیز به انتظام و شایستگی باشد" (اقرنتیان ۱۴: ۴۰)؛ این اصل زیر بنای رهبری کلیسا را تشکیل می‌دهد. ظاهراً تیموتائوس جوان در به‌کارگیری این اصل در کلیسای افسس با مشکلاتی روبه‌رو شده بود. از آنجایی‌که اعضای کلیسا از کلام خدا اطاعت نمی‌کردند، پرستش عمومی دچار هرج و مرج شده و کارآیی خود را از دست داده بود.

بنا به اظهار کشیشی "کلیسا همچون بدنی زنده است، بنابراین نباید مثل تشکیلات سازمانی با آن برخورد کرد، بلکه باید به روح‌القدس کاملاً آزادی دهیم".

من بلافاصله یادآوری کردم: "اما اگر جامعه‌ای از نظم و ترتیب برخوردار نباشد از هم می‌پاشد؛ البته موافقم که باید به روح‌القدس آزادی بدهیم، اما حتی روح‌القدس هم در سرپیچی از کلام خدا آزاد نیست".

اغلب آنچه که فکر می‌کنیم "آزادی روح" است، عقاید دنیوی بعضی از ایمانداران است که در روح گام بر نمی‌دارند. عاقبت، این "آزادی" بی‌نظمی ایجاد کرده و باعث دور شدن تدریجی کلیسا از استانداردهای کلام خدا می‌شود که تاسف و اندوه روح‌القدس را به همراه دارد.

برای خنثی کردن این تمایل، پولس مردان و زنان کلیسا را تشویق می‌کند و مسؤولیت روحانی‌شان را به آنها یادآوری می‌کند.

### ۱- مردان- دعا کردن (اول تیموتائوس ۱: ۲-۸)

الف- اولویت دعا (اول تیموتائوس ۲: ۱). عبارت "از همه چیز اول" نشان می‌دهد که دعا مهمترین پرستش جماعت کلیسا است. باعث تأسف است که دعا اهمیت خودش را در بسیاری از کلیساها از دست داده است. کشیشی می‌گفت: "اگر اعلام کنم جشنی برپاست، مردم از گوشه و کنار استقبال می‌کنند، ولی اگر اعلام جلسه دعا کنم، اگر شانس بیاورم فقط خادمین کلیسا شرکت می‌کنند".

نه تنها از ارزش جلسات مخصوص دعا در اکثر کلیساهای محلی کاسته شده است، بلکه حتی دعا در جلسات پرستشی هم چندان دیده نمی‌شود. اکثر کشیشان وقت بیشتری صرف اعلانات می‌کنند تا دعا!

مرحوم پیتر دینکا، دوست عزیز من و مؤسس انجمن اسلاو اغلب به من یادآور می‌شد "دعای زیاد، قدرت زیاد" و "نبود دعا، نبود قدرت". دعا مثل موعظه و تعلیم کلام، جزء لاینفک خدمت روحانی می‌باشد (اعمال ۶: ۴). با این حال، بعضی از کشیشان ساعت‌ها وقت صرف تهیه موعظه کرده ولی اهمیتی به آماده نمودن دعا نمی‌دهند. در نتیجه دعای ایشان تکراری و معمولی است. پیشنهاد نمی‌کنم که شبان کلمه به کلمه دعای خود را نوشته و از روی آن بخواند، بلکه به تفکر در مورد دعا بپردازد. بدیت ترتیب "دعای شبانی" را از خطر تکرار مداوم هفتگی حفظ می‌کند.

اما اعضای کلیسا هم لازم است برای دعا آماده شوند. قلب‌های ما باید برای خدا و یکدیگر پاک گردد؛ باید واقعاً اشتیاق به دعا داشته باشیم و صرفاً جهت خشنودی و خوشامد مردم (مثل دعای ریاکاران در متی ۶: ۵) و یا انجام وظیفه دعا نکنیم. وقتی کلیسا به دعا توسل می‌جوید، خداوند هم آن خدمت روحانی را برکت می‌دهد.

ب- انواع دعا (اول تیموتائوس ۲: ۱). در زبان یونانی دست کم هفت عنوان مختلف برای "دعا" وجود دارد که در اینجا چهار عنوان مورد استفاده واقع شده است. دعای تضرع که در آن "درخواست برای احتیاج خاصی" است.

دعا شایع‌ترین واژه برای عمل تضرع می‌باشد و بر تقدس آن تأکید می‌شود. ما به سوی خدا دعا می‌کنیم؛ دعا عمل پرستش است و فقط بیان خواسته‌ها و نیازهای ما نیست. هنگام دعا بایستی احترام و عزت قلبی نسبت به خدا داشته باشیم.

دعای شفاعت یا "عرض حال". عین این واژه در اول تیموتائوس ۴: ۵، "دعا" ترجمه شده و به برکت دادن غذایی که می‌خوریم، اشاره دارد. (بدیهی است ما شفاعت برای غذا به معنی واقعی این کلمه نمی‌کنیم). اصل این معنی عبارت است از "تقرب جستن به خدا و گفتگوی محرمانه با او". به عبارتی توصیه می‌کند که ما از مشارکت و رابطه با خدا لذت برده، با اعتماد و یقین به نزد او دعا کنیم.

شکرگزاری قطعاً قسمتی از پرستش و دعاست. حمد و سپاس ما از خداوند نه فقط برای اجابت دعا بلکه برای حقیقت وجودی خدا و آنچه به خاطر جلال و عظمتش محقق ساخته می‌باشد. نباید به سادگی در آخر دعای خودپسندانه خود، حمد و ستایش او را به جا آوریم، بلکه شکرگزاری باید جایگاه ویژه‌ای در دعاها ما داشته باشد. در حقیقت لازم است که گاهی همچون داود فقط با شکرگزاری بدون درخواست و عرض حال به درگاه خداوند برویم (مزمور ۱۰۳).

"دعا و تمنا (عریضه) با شکرگزاری" بخشی از فرمول پولس به ما برای بهره‌مندی از آرامش الهی در روح و دل است (فیلیپیان ۴: ۶). شایان ذکر است که دانیال، دلاور بزرگ دعا، به این روش دعا می‌کرد (دانیال ۶: ۱۰-۱۱).

ج- موضوع دعا (اول تیموتائوس ۲: ۱-۲). عبارت "جمیع مردم" در آیه مذکور نشان می‌دهد که کسی در این دنیا وجود ندارد که محتاج دعا نباشد (نمونه‌ای نداریم که ما را ترغیب به دعا برای مردگان کرده باشد؛ اگر بنا بود تا برای مردگان دعا کنیم، پولس فرصت خوبی داشت تا در این نامه به آن اشاره کند). این بدین معنی است که ما باید برای ایماندار و گمراه، اشخاص دور و نزدیک و برای دوست و دشمن دعا کنیم. متأسفانه از آنجا که ذهن فریسیان ریاکار فقط متوجه اسرائیل بود، دید جهانی در دعاهایشان وجود نداشت.

پولس دعا برای زمامداران (صاحبان منصب) را سفارش کرد. آیا ایمانداران باید برای امپراطور خدانشناسی که در آن زمان حکمرانی می‌کرد، دعا می‌کردند! حتی اگر زمامداران را دوست نداشته باشیم، باید به آنها احترام گذاشته و برای آنها دعا کنیم تا از زندگی سرشار از صلح و آرامش برخوردار بوده و در کمال تقدس و خداترسی زندگی کنیم (۲:۲). کلیسای اولیه همیشه در معرض مخالفت و جفا قرار داشت و عاقلانه بود برای زمامداران حکومت دعا می‌شد. "آرامش" در اینجا به معنی اوضاع و احوال پیرامون ماست. حال آنکه "وقار" فراغت بال و آسایش خاطر درونی است و نتیجه آن زندگی خدایسندانه و افتخارآمیز می‌باشد.

بدیهی است که پولس اسامی تمام اشخاصی را که ما می‌توانیم و باید برای ایشان دعا کنیم مشخص نکرد. چون عبارت "جمیع مردم" موضوع را تمام و کمال شامل می‌شود. نمی‌توان تمام مردم دنیا را نام برد و برای ایشان دعا کرد، ولی باید برای آنانی که می‌شناسیم یا درباره آنها شنیده‌ایم دعا کنیم. چرا؟ چون انجام این کار موجب رضایت خدا است.

د- دلایل دعا (اول تیموتائوس ۲: ۳-۴). "نیکو" کلمه‌ای کلیدی در نامه‌های شبانی پولس به شمار می‌آید (۱: ۸، ۱۸؛ ۲: ۳؛ ۳: ۱، ۷، ۱۳؛ ۴: ۴، ۶؛ ۵: ۴، ۱۰، ۲۵؛ ۶: ۱۲-۱۳، ۱۸-۱۹؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۴؛ ۲: ۳؛ ۳: ۴؛ ۷: ۲؛ ۱۴: ۳؛ ۷، ۱۴؛ ۸: ۱۴). کلمه یونانی آن بر آنچه ذاتاً نیکو بوده تأکید دارد نه صرفاً بر اثرات آن. "نسبتاً خوب" و "زیبا" مترادف "نیکو" هستند. مطمئناً دعا روشی الهی بوده و فواید بسیاری به همراه دارد.

دعا همچنین موجب خرسندی خداست. پدر از دعای فرزندانش که مطابق فرمان اوست خشنود می‌شود. ریاکاران دعا می‌کردند تا مورد تمجید و ستایش مردم واقع شوند (متی ۶: ۵) یا سایر عبادت‌کنندگان را تحت تأثیر قرار دهند (لوقا ۱۸: ۹-۱۴). ایماندار حقیقی فقط برای خشنودی خدا دعا می‌کند. این نشان می‌دهد که ما باید مطابق خواسته خداوند دعا کنیم؛ یقیناً دعای خودپسندانه خدا را خشنود نمی‌کند (یعقوب ۴: ۱-۱۰؛ یوحنا ۵: ۱۴-۱۵). اغلب گفته شده که مقصود از دعا این نیست که اراده آدمی در آسمان انجام شود، بلکه اراده خدا در زمین انجام پذیرد.

اراده خدا چیست؟ یکی از اراده‌های الهی، نجات گمراهان است. ما می‌توانیم برای "همه مردم" دعا کنیم؛ اراده خداوند بر این است که "همگی مردمان" به معرفت نجات توسط ایمان به مسیح خداوند نائل شوند. خداوند جهانیان را دوست داشت (یوحنا ۳: ۱۶) و مسیح برای تمام عالمیان جان داد (۱ یوحنا ۲: ۲؛ ۴: ۱۴). مسیح روی صلیب جان داد تا تمام مردم را به سوی نجات سوق دهد (یوحنا ۱۲: ۳۲). این بدین معنی نیست که نجات شامل همه مردم بدون استثنا خواهد شد؛ مطمئناً تمام دنیا نجات نخواهد یافت. منظور، تمام مردم بدون تبعیض شامل یهودی، کافر، غنی و فقیر، مذهبی و گمراه است.

اگر خدا نمی‌خواهد کسی هلاک شود، چرا بسیاری در گمراهی هستند؟ خدا برای گناهکاران رنج می‌کشد، حتی داوری آنان را به تأخیر می‌اندازد تا بلکه هدایت شده، به سوی او آیند (۲ پطرس ۳: ۹)؛ اما برای نجات و رستگاری لازم است به معرفت حقیقت نائل شوند (اول تیموتائوس ۲: ۴). همه کس مژده انجیل را نشنیده و بسیاری که آن را شنیده‌اند، انکار نموده‌اند. ما قادر به شرح اسرار و حاکمیت عظیم خداوند و مسؤولیت انسان نمی‌باشیم (یوحنا ۶: ۳۷)، ولی می‌دانیم که هر دو در کتاب مقدس تعلیم داده شده‌است و با نقشه عظیم نجات هماهنگی و توافق دارد.

خوب می‌دانیم که دعا بخش مهمی در برنامه خدا برای بشارت به عالم گمراهان می‌باشد. پس مسؤولیت داریم برای جان‌های گمشده دعا کنیم (رومیان ۱۰: ۱) و خود را برای بشارت آماده نماییم.

هـ. پایه و اساس دعا (اول تیموتائوس ۲: ۵-۷). بسیاری از ایمانداران متوجه نیستند که اساس دعا بر رسالت مسیح به عنوان منجی و شفیع بنا شده است. عیسی مسیح به عنوان خدا و انسان، شفיעی بسیار عالی و کامل بین خدای قدوس و فرزندان خطاکار اوست. یکی از شکایات ایوب فقدان شفיעی بود که پیام او را به تخت فیض خدا ببرد. "ای کاش بین ما شفיעی می‌بود تا ما را با هم آشتی می‌داد" (ایوب ۹: ۳۳، ترجمه تفسیری).

چون فقط یک خدا وجود دارد، تنها احتیاج به یک شفیع هست و آن شفیع عیسی مسیح می‌باشد. هیچ‌کس دیگری لیاقت آن را ندارد. عیسی مسیح هم خدا و هم انسان است. او در زندگی کامل خود اوامر برحق خدا را اطاعت نمود و جان خود را کفاره گناهان بشر کرد. او برای همه "بهای گزافی" داد، این "بهای گزاف" را با جان سپردن روی صلیب برای آزادی بشر از شر گناه پرداخت. مصلوب شدن او "به

خاطر همه جهانیان" بود، گرچه مرگ مسیح فقط برای آنانی که به او اعتماد می‌کنند مؤثر واقع می‌شود. مسیح می‌فرماید آمده‌ام "تا به مردم خدمت کنم و جانم را در راه نجات بسیاری فدا سازم" (متی ۲۰: ۲۸، ترجمه تفسیری).

مسیح برای "همه مردم" جان سپرد و خدا می‌خواهد "همه مردم نجات یابند". چطور مژده نجات به دنیای گناهکاران می‌رسد؟ خدا پیام‌آوران را برگزیده و دست‌گذاری می‌کند تا مژده انجیل را به گناهکاران گمشده برسانند. پولس یکی از پیام‌آوران بود: او "واعظ" بود (منادی پادشاه اعظم)، و نیز "رسول" یعنی فرستاده‌ای با مأموریت ویژه، و همچنین "معلم". همان خدایی که هدف (یعنی نجات گمراهان) را مقدر می‌کند، همچنین ابزار دستیابی به این هدف (دعا و موعظه کلام) را نیز فراهم می‌کند. این خبر خوش تنها خاص یهودیان نیست، بلکه برای همه مردم است.

اگر اساس دعا بر قربانی شدن مسیح روی صلیب بنا شده باشد، پس دعا باید مهمترین برنامه کلیساها باشد. دعا نکردن بی‌اعتنایی به صلیب است. دعا کردن فقط برای شخص خود، انکار بشارت صلیب به جهانیان است. بی‌اعتنایی به گمراهان بی‌اعتنایی به صلیب است. "همه مردم" عبارت کلیدی پاراگراف است. ما برای "همه مردم" دعا می‌کنیم، زیرا مسیح برای "همه" جان داد و اراده خداوند بر این است که "همه" نجات یابند. باید قبل از اینکه خیلی دیر شود، خود را تسلیم خداوند کنیم تا جزئی از برنامه جهانی او برای رساندن مژده نجات به مردم شویم.

و- طرز فکر در دعا (اول تیموتائوس ۲: ۸). پولس مخصوصاً تأکید کرد که مردم باید در جلسات محلی دعا کنند. زن و مرد هر دو در کلیسای اولیه دعا می‌کردند (۱ قرنتیان ۱۱: ۴-۵). اما اینجا تأکید بیشتر



بر مردان است. جلسه دعای زنان خیلی معمول است، ولی به ندرت به جلسات دعای مردان بر می‌خوریم. چنانچه مردان دعا نکنند، کلیسای محلی رهبران متعهد برای نظارت بر خدمات روحانی نخواهند داشت. برای مردان یهودی خیلی معمول بود که به هنگام دعا دست‌های خود را به طرف آسمان بلند کنند. در هیچ جای کتاب مقدس به روش‌های سنتی سر خم کردن، دست به سینه ایستادن و چشم‌ها را به هنگام دعا بستن اشاره نشده است. عملاً حالات متعددی از دعا در کتاب مقدس به چشم می‌خورد: ایستاده با دستان باز و گشاده (۱ پادشاهان ۸: ۲۲)؛ زانو زدن (دانیال ۶: ۱۰)؛ ایستادن (لوقا ۱۸: ۱۱)؛ نشسته (۲ سموئیل ۷: ۱۸)؛ تعظیم با سر (پیدایش ۲۴: ۲۶)؛ به آسمان چشم دوختن (یوحنا ۱۷: ۱)؛ به خاک افتادن (پیدایش ۱۷: ۳). وضعیت وحالات بدنی مهم نیست، بلکه حالات روحی و قلبی است که در دعا مؤثرند.

پولس سه اصل برای دعای مؤثر بیان کرد. اولین آن "دستان مقدس" می‌باشد که قطعاً به زندگی مقدس اشاره دارد. "دستان پاک و منزه" مظهر زندگی عاری از گناه و تقصیر می‌باشد (۲ سموئیل ۲۲: ۲۱؛ مزمور ۲۴: ۴). اگر در زندگی گناه می‌ورزیم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم خدا دعا‌های ما را اجابت کند (مزمور ۶۶: ۱۸).

"بدون غیظ" دومین اصل دعای مؤثر است. لازم است با یکدیگر رابطه خوبی داشته باشیم. شاید "بدون خشم و عصبانیت" ترجمه بهتری برای آن باشد. شخصی که دائماً با دیگر ایمانداران در اختلاف و ناراحتی است و به جای صلح و آرامش، زحمت و مشکل ایجاد می‌کند، نمی‌تواند از خدا برای دعایش جواب بگیرد.

سومین اصل این است که ما باید "بدون شک" در ایمان دعا کنیم؛ به عبارت دیگر، بدون بحث و مشاجره. وقتی قلبمان آکنده از خشم

است، علناً با سایرین در تضاد هستیم. مسیحیان باید یاد بگیرند با وجود اختلاف سلیقه، با یکدیگر در توافق باشند. ما باید هر کاری را بدون هممه و مجادله انجام دهیم (فیلیپیان ۲: ۱۴).

بنابراین لازمه دعای مؤثر، داشتن رابطه مناسب و شایسته با خدا (دستان مقدس) و سایر ایمانداران (بدون هممه و جنجال) است. مسیح خداوند هم همین حقیقت را تعلیم داده است (مرقس ۱۱: ۲۴-۲۶). اگر ما وقت بیشتری برای تهیه دعا و آماده کردن قلب‌هایمان برای حضور در پیشگاه خدا صرف کنیم، آنگاه شاهد آثار دعا‌هایمان خواهیم بود.

## ۲- زنان- تسلیم (اول تیموتائوس ۲: ۹-۱۵)

"آزادی زنان" و سایر جنبش‌های مربوطه که امروزه در جهان شاهد آن هستیم، کلمه "تسلیم" را به صورت تهدید و خطری برای خود تلقی می‌کنند. بعضی نویسندگانی که نیت خوبی نیز داشتند، پولس را مورد تهمت و حمله قرار داده و او را "پیرمردی مجرد و خشن" قلمداد کردند که مخالف حقوق زنان می‌باشد. افرادی مثل ما که به الهامات و قدرت کلام ایمان داریم، می‌دانیم که تعلیمات پولس به او تعلق نداشته بلکه از آن خداوند است. اگر ما مسئله‌ای با تعالیم کتاب مقدس در مورد زنان در کلیسا داریم، این ربطی به پولس (یا پطرس- ۱ پطرس ۳: ۱-۷) ندارد، بلکه به خدا که کلام را وحی نموده است مربوط می‌شود (۲ تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷).

کلمه‌ای که در اول تیموتائوس ۲: ۱۱ "اطاعت" ترجمه شده است، در افسسیان ۵: ۲۱-۲۲ در مفهوم "تسلیم بودن" و در کولسیان ۳: ۱۸ "تسلیم" به کار رفته است. معنی تحت‌اللفظی آن "درجه‌ای پایین‌تر" می‌باشد. کسی که در ارتش خدمت کرده است می‌داند که "درجه" به حکم و مقام و نه ارزش و توانائی مربوط می‌شود. مقام یک سرهنگ از سرباز بالاتر است، ولی بدین معنی نیست که سرهنگ شخص

بهتری نسبت به سرباز می‌باشد. فقط درجه سرهنگ بالاتر و از قدرت بیشتری برخوردار است.

"لیکن همه چیز به شایستگی و انتظام باشد" اصلی است که خداوند در آفرینش دنبال می‌کند (۱ قرن‌تیاں ۱۴: ۴۰). همان‌طور که در ارتش بدون مقام مافوق هرج و مرج پدید می‌آید، جامعه نیز بدون تبعیت و پیروی، از هم گسیخته می‌شود. فرزندان باید مطیع والدین باشند؛ خدا به والدین اختیار داده‌است که فرزندان را با محبت منضبط کنند. کارگران باید صاحب‌کاران خود را چون مسیح با ترس و لرز و با ساده‌دلی اطاعت کنند (افسیان ۶: ۵-۸ اشاره اولیه به بردگان خانگی است، اما می‌تواند به کارگران امروزی نیز اطلاق شود). مردم باید تابع مقامات دولتی باشند، حتی اگر مسئولین، مسیحیان ایماندار نباشند (رومیان ۱۳، ۱ پطرس ۲: ۱۳-۲۰).

اطاعت و تسلیم به معنی اعمال کنترل بر کسی نمی‌باشد. تسلیم یعنی تشخیص فرمان خدا در خانه و کلیسا، و اطاعت شادمانه از آن است. وقتی زنی با شادی تسلیم خدا و همسرش می‌شود، بهترین خصلت‌ها در او نمودار می‌گردد. برای دستیابی به چنین هدفی، شوهر باید به همسرش عشق و محبت بورزد و فرمان خدا را به صورت ابزاری برای رشد و تکامل و نه همچون سلاحی برای نزاع به کار برد (افسیان ۵: ۱۸-۳۳). تسلیم، کلید رشد روحانی فرد و کلیسا می‌باشد. شوهران باید از خدا پیروی کنند و مسیحیان باید از یکدیگر تبعیت کنند (افسیان ۵: ۲۱) و زنان باید تسلیم خدا و شوهرانشان باشند.

پولس (اول تیموتائوس ۲: ۹-۱۵) در این فصل بر جایگاه زنان در کلیسای محلی تأکید می‌کند و روش‌هایی را که لازم است برای نشان دادن ایمانشان اتخاذ نمایند، به آنها خاطر نشان می‌کند.

الف- لباس با وقار (اول تیموتائوس ۲: ۹). تناقض در اینجا بین زرق و برق‌های مصنوعی دنیوی با زیبایی واقعی زندگی الهی است. پولس استفاده از جواهرات و لباس‌های زیبا را منع نکرد، بلکه مصرف افراطی آنها را به عنوان جایگزینی برای زیبایی واقعی یعنی روحیه آرام و مهربان مورد نکوهش قرار داد (۱ پطرس ۳: ۱-۶). زنی که به زینت و آرایش ظاهری متوسل می‌شود، خیلی زود کشش و جذبه خود را از می‌دهد. ممکن است در ابتدا توجه دیگران را به سوی خود جلب کند، اما دوامی نخواهد داشت. شاید آخرین مد روز، زنان کلیسای افسس را به وسوسه انداخته بود و به همین علت پولس از طریق تیموتائوس به آنان گوشزد کرد تا گرفتار این مسائل نشوند.

کلمه ترجمه شده "با وقار" (۱ تیموتائوس ۲: ۹، تفسیری) به معنی شایسته، آراسته و متعارف می‌باشد. ترجمه انگلیسی این لغت به اقتباس از کلمه یونانی "آرایش و زیبایی" است.

لباس زن بایستی شایسته، مرتب و باسلیقه باشد. "حیا و پرهیز" در معنی تحت‌اللفظی آن "شایسته و به دور از افراط" می‌باشد. زنی که دارای چنین خصلتی است شرم و حیا داشته، از حد شایستگی و تناسب خود تجاوز نمی‌کند. "پرهیز" از کلمه‌ای یونانی گرفته شده و به معنی "ذهن سلیم و بینش عالی" است. این کلمه بر خویش‌تنداری و تسلط بر نفس دلالت داشته و مثل "رادار" روحانی عمل می‌کند؛ یعنی هر آنچه را که خوب و پسندیده است به انسان می‌نمایاند.

افسس شهر ثروتمند و تجاری بود و به همین دلیل برخی زنان برای جلب توجه و شهرت با هم رقابت می‌کردند. در آن زمان آرایش مو و استفاده از جواهرات قیمتی راه مقبولی برای کسب اعتبار اجتماعی بود. پولس به زنان مسیحی تذکر می‌دهد در کسب زیبایی درونی که زیبایی حقیقی است تلاش کنند، زیرا تنها مسیح می‌تواند آن را به ایشان

عطا کند. پولس شیک‌پوشی و زیورآلات را منع نمی‌کند، ولی تعادل و شایستگی در پوشش و تقدس و متانت در کردار را توصیه می‌کند. امروزه برای زن مسیحی یافتن لباس با وقار و مناسب بسیار سخت شده است. یک روز تابستانی یکی از اعضای کلیسا می‌گفت: "ترجیح می‌دهم به شنا نرم، مایوهایی که در بازار عرضه می‌شوند زننده و غیرقابل پوشش هستند". دیگر خبری از وقار و متانت پوشش زمان قدیم نیست!

ب- نیکوکاری (۱ تیموتائوس ۲: ۱۰). پولس توصیه نمی‌کند نیکوکاری جایگزین پوشاک شود. وی تناقض بین ارزش‌های واقعی منش الهی و خدمت مسیحی را با "بیهودگی و پوچی" ارزش زیورآلات و لباس‌های فاخر و گرانبه‌تر روشن می‌کند.

"دینداری" کلمه کلیدی دیگری است که در نامه‌های شبانی پولس زیاد به چشم می‌خورد (۲: ۲، ۱۰؛ ۳: ۱۶؛ ۴: ۷-۸؛ ۶: ۳، ۵-۶؛ ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۵؛ تیطس ۱: ۱). شاید زیبایی را بتوان تا حدودی در ظاهر نمایش داد، اما زیبایی که از خداترسی و دینداری بدست می‌آید و از درون می‌تراود.

هرگز نباید نقش مهمی را که زنان در خدمت کلیسا ایفا کردند، نادیده بگیریم. پیام انجیل تأثیر زیادی روی زنان گذاشت، زیرا بر ارزش آنان در پیشگاه خداوند و برابری آنان با مردان در مسیح صحه گذاشت (غلاطیان ۳: ۲۸). زنان در زمان رومیان از جایگاه پستی برخوردار بودند، اما انجیل آن را تغییر داد.

در زمان حیات زمینی مسیح، زنان متعهدی به او خدمت کردند (لوقا ۸: ۱-۳). زنان در موقع مصلوب و دفن شدن مسیح حضور داشتند و این یک زن بود که برای اولین بار خبر پرجلال رستاخیز را اعلام کرد. در کتاب اعمال رسولان ما زنانی همچون طابیتا (دورکاس

یا غزال) (اعمال ۹: ۳۶ به بعد)، لیدیا (۱۶: ۱۴ به بعد) و پرسکلا (۱۸: ۱-۳) را مشاهده می‌کنیم؛ زنان دینداری در کلیساهای بیریه و تسالونیک (۱۷: ۴، ۱۲) به چشم می‌خورند؛ در کتاب رومیان ۱۶، پولس دست کم به هشت زن سلام و درود می‌فرستد. فیبی که رساله رومیان را به مقصدش حمل کرد، یکی از خادمان کلیسای محلی بود (رومیان ۱۶: ۱). تعداد زیادی از زنان، همسران خود را ایماندار کرده و منازل خود را برای خدمات روحانی مسیحیت به روی مردم گشوده‌اند.

ج- *فراگیری در سکوت (اول تیموتائوس ۲: ۱۱)*. سکوت ترجمه مناسبی نمی‌باشد، چون به ذهن خواننده چنین تداعی می‌کند که زنان ایماندار علناً حق صحبت در گردهمایی‌ها را ندارند. عین این کلمه در آیه ۲ "آرامی" ترجمه شده است. بعضی از زنان از آزادی جدیدی که در مسیح یافته بودند سوء استفاده کرده و با مداخله بی‌جا در جلسات مزاحمت ایجاد می‌کردند و به همین علت است که پولس این مسئله را مورد بررسی قرار داد. این خطر احساس می‌شد که زنان به دلیل آزادی که داشتند، این حق را بر خود روا داشته و نظم و آرامش کلیسا را برهم زنند.

پولس اندرز مشابهی هم به کلیسای قرننیان (۱ قرننیان ۱۴: ۳۴) نوشت، گرچه عمدتاً در این نامه بیشتر به موضوع تکلم زبان‌ها پرداخته شده است.

د- *احترام به اختیارات (اول تیموتائوس ۲: ۱۲-۱۵)*. زنان حق تعلیم دارند. زنان مسن‌تر باید زنان جوانتر را تعلیم دهند (تیطس ۲: ۳-۴). مادر و مادر بزرگ تیموتائوس او را تعلیم دادند (تیموتائوس ۱: ۵؛ ۳: ۱۵)، ولی آنان نباید در تعلیماتشان بر مردان مسلط شوند. مسئله‌ای ندارد که زن دیندار در خفا به مرد تعلیم بدهد (اعمال ۱۸: ۲۴-۲۸).

اما زن نباید تصور کند که باید در کلیسا قدرت را به دست گرفته و جای مرد را بگیرد. بلکه باید "سکوت" را پیشه خود ساخته و در برقراری نظم در کلیسا بکوشد.

پولس به مردان مسیحی تذکر داد که رهبری کلیسا را بر عهده گرفته و اجازه ندهند زنان بر آنان مسلط شوند و برای تقویت این تذکر به نکاتی چند اشاره کرد. اولین نکته به مسئله خلقت مربوط می‌شود، خدا نخست "آدم" را آفرید و بعد "حوا" را (اول تیموتائوس ۲: ۱۲-۱۳). (پولس از همین نکته در اول قرنتیان ۱۱: ۱-۱۰ استفاده می‌کند). اما بایستی به خاطر داشته باشیم که "اولویت" به معنی "برتری" نیست. خدا مرد و زن را آفرید و به شباهت خود ساخت. مسئله فقط اولویت بود، مرد نخست آفریده شد.

نکته دوم به سقوط مرد مربوط می‌شود. شیطان زن را فریب داد و او را به گناه انداخت (۲قرنتیان ۱۱: ۳؛ پیدایش ۳: ۱ به بعد). مرد با چشم و گوش باز گناه کرد. زیرا آدم دستور خدا را انکار و به زنش گوش کرد و گناه و مرگ را به این دنیا آورد. اطاعت همسر از شوهر قسمتی از خلقت اولیه می‌باشد. بی‌نظمی که در جامعه امروزی شاهد آن هستیم نتیجه تخلف از فرمان خداست.

پولس نگفت که زنان از مردان ساده لوح‌تر بوده و به راحتی فریب می‌خورند؛ تجربه ثابت کرده است که شیطان زن و مرد را فریب می‌دهد. برای نمونه، ابراهیم به حرف زنش گوش داد و خود را گرفتار کرد (پیدایش ۱۶) و بعد زنش به او پیشنهادی می‌دهد و خداوند به ابراهیم می‌گوید آنچه زنت می‌گوید انجام بده (پیدایش ۲۱). در خدمت شبانی‌ام، از تشویق و مشاوره زنان دیندار بهره بسیار برده‌ام، اما سعی کرده‌ام نگذارم بر کلیسا مسلط شوند. در حقیقت زنان خداشناسی می‌شناسم که هیچ تمایلی به "اداره" امور کلیسا ندارند.

به نظر می‌رسد خلقت انسان و سقوط او، زن را در موضعی پست قرار می‌دهد. اما خدا به زن خدمت روحانی عطا کرده‌است (اول تیموتائوس ۲: ۱۵). احتمالاً از نظر پولس، رابطه نزدیکی بین اشاره‌ای که او در اینجا می‌آورد با آنچه موسی در پیدایش ۳: ۱۶ نوشت وجود دارد، وعده نجات دهنده‌ای که "از یک زن" به‌وجود خواهد آمد (غلاطیان ۴: ۴). مسیح "نجات دهنده" از طریق زن به این دنیا آمد (به خاطر داشته باشید که مسیح پدر زمینی نداشت؛ لوقا ۱: ۳۴-۳۵؛ متی ۱: ۱۸ به بعد).

پولس درس عملی می‌دهد (اول تیموتائوس ۲: ۱۵). او وعده می‌دهد اگر زن و شوهر "هر دو" در ایمان زندگی کنند و خالصانه خود را وقف خدا کنند، زن را از درد زایمان نجات خواهد داد.

اما آیا به این معنی است که مادران مسیحی هرگز به هنگام وضع حمل نمی‌میرند؟ تاریخ و تجربه هر دو خلاف این را ثابت کرده‌اند. راه‌ها و افکار خدا، راه‌ها و افکار ما نیستند (اشعیا ۵۵: ۸-۹). پولس اصل کلی را بنا نهاد که مایه تشویق و دلگرمی زنان ایماندار در آن زمان شد. خدمت زنان "اداره" کلیسا نیست، بلکه برای جلال خدا به خانه‌داری بپردازند و بچه‌دار شوند (اول تیموتائوس ۵: ۱۴). خدمت زنان در خانه فرصت‌های زیادی برای تعلیم کلام و کمک به مقدسین فراهم کرد (رومیان ۱۶: ۱-۶ را ملاحظه نمایید).

زنان ایماندار خدمت مهمی در کلیسای محلی بر عهده دارند، گرچه فراخوانده نشده‌اند که به عنوان شبان به تعلیم کلام بپردازند. خدا خدمتی را که با "کمال احترام و انضباط" انجام گیرد، برکت می‌بخشد.





## فصل سوم

# پیروی از رهبران

## اول تیموتائوس ۳

رهبری در همه امور موجب ترقی یا تنزل می‌گردد، خواه در خانواده باشد، خواه در کلیسای محلی. روح‌القدس عطایایی به ایمانداران جهت خدمت در کلیسای محلی می‌بخشد. از جمله این عطایا "شبانان و معلمان" (افسیان ۴: ۱۱) و همچنین "مددکاران" و "مدیران" (رهبری و هدایت، ۱۲: ۲۸) هستند. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره کردیم گرچه کلیسا بدنی است دارای روح حیات، در صورتی که سازماندهی نشود از بین خواهد رفت. رهبری قسمتی از سازماندهی روحانی است.

در این قسمت، پولس به شرح شرایط اسقف و شماس و کلیسا می‌پردازد. درک این سه مفهوم ما را یاری خواهد رساند تا کلیسا را بهتر رهبری کنیم.

### ۱- شبان (اول تیموتائوس ۳: ۱-۷)

بنا بر عهد جدید، واژه‌های "اسقف"، "کشیش" و "مشایخ" مترادف هستند. "اسقف" یعنی "ناظر" و مشایخ مسؤلیت نظارت بر امور کلیسا را بر عهده دارند (۱ پطرس ۵: ۱-۳؛ اعمال ۲۰: ۱۷، ۲۸). "شیخ" ترجمه کلمه یونانی presbutes می‌باشد، به معنی "مرد سالخورده". پولس کلمه presbytery را در اول تیموتائوس ۴: ۱۴ به کار می‌برد نه تا به یک فرقه اشاره کند، بلکه به "رهبری" جماعتی که تیموتائوس را دستگازی کرد. مشایخ و اسقف‌ها (دو عنوان برای یک سمت، تیطس ۱: ۵، ۷) اشخاص بالغ، با حکمت و با تجربه

روحانی بودند و سرانجام "کشیش" به معنی شبان، کسی است که خلق خدا را هدایت و مراقبه می‌کند.

با مقایسه شرایط لازم برای احراز مقام اسقفی و نیز شیخی (تیطس ۱: ۵-۹)، بی‌درنگ به تشابه سمت هر دو آنها پی می‌برید. کلیسا در زمان رسولان از سازمانی کاملاً ساده برخوردار بود که متشکل از شبانان (مشایخ، اسقف‌ها) و شماسان (فیلیپیان ۱: ۱) بود. به‌نظر می‌رسد عده‌ای از مشایخ بر کار کلیسا نظارت داشتند، برخی به "اجرا" (سازماندهی و رهبری) و برخی به تعلیم (۱ تیموتائوس ۵: ۱۷) مشغول بودند.

ولی این افراد بایستی حائز شرایطی می‌بودند. برای ایماندار در حال رشد، آرزوی ارتقا به مقام اسقفی خوب بود ولی بهترین روش جهت دستیابی به این مقام، رشد منش و سیرت مسیحی و احراز شرایط آن بود. کسب مقام اسقفی یا شیخی تصمیمی جدی بود که در کلیسای اولیه هرگز مورد سهل‌انگاری واقع نمی‌شد. بنا به نظر پولس، شخصی که اشتیاق مقام اسقفی، شیخی یا شبانی را در کلیسا دارد باید حائز شانزده شرط باشد.

الف- بی‌ملامت باشد (اول تیموتائوس ۳: ۲)، معنی تحت‌اللفظی آن یعنی "چیزی که مایه دستاویز نباشد"؛ یعنی، نباید چیزی در زندگی او باشد که شیطان یا گمراهان از آن به عنوان دستاویزی برای انتقاد از کلیسا یا حمله به آن استفاده کنند. کسی نیست که از گناه منزّه باشد اما باید سعی کنیم بی‌ملامت یا "بدون عیب" باشیم.

ب- شوهر یک زن باشد (اول تیموتائوس ۳: ۲). تمام صفات و شرایط مذکور در این فصل، خاص مردان است. گرچه زنان خدمت روحانی وسیعی را در کلیسای محلی بر عهده دارند، اما سمت شیخی به زنان اعطا نمی‌شود. به هر حال، زندگی شخصی شبان به ویژه

وضعیت زناشوئی او بسیار حائز اهمیت است. (بنا بر آیه ۱۲ همین شرط در مورد شماسان نیز صادق است). بدین معنی که شبان نباید طلاق گرفته و دوباره ازدواج کرده باشد. پولس یقیناً به تعدد زوجات اشاره نکرده است، چون هیچ عضو کلیسا، و نه فقط شبان، اگر بیش از یک زن داشته باشند، مورد پذیرش کلیسا نمی‌باشد. همچنین به ازدواج مجدد بعد از وفات زن هم مربوط نمی‌شود. مطابق پیدایش ۲: ۱۸ و اول تیموتائوس ۴: ۳ چرا باید مانع از ازدواج مجدد شبان پس از فوت همسرش شد؟ قطعاً اعضای کلیسا که همسر خود را از دست داده‌اند می‌توانند دوباره ازدواج کنند، پس چرا کشیش را از ازدواج مجدد محروم کنیم!

بدیهی است که توانایی مرد در حفظ ازدواج و اداره خانواده بیانگر صلاحیت او در نظارت بر کلیسای محلی است (اول تیموتائوس ۳: ۴-۵). شبانی که طلاق گرفته است، خود و کلیسا را در معرض انتقاد قرار می‌دهد و بعید به نظر می‌رسد کسانی که اختلاف زناشوئی دارند بتوانند از مشورت کسی بهره‌مند شوند که خود توانایی حفظ ازدواجش را نداشته است. دلیلی وجود ندارد که مسیحیان سرسپرده که طلاق گرفته و دوباره ازدواج کرده‌اند نتوانند در سایر سمت‌های کلیسا خدمت کنند اما ایشان شرایط لازم برای احراز مقام شیخی یا شماسی را دارا نمی‌باشند.

ج- هشیار باشند (اول تیموتائوس ۳: ۲). هشیاری یعنی "میان‌روی". "لکین تو در همه چیز هشیار باش" (۲ تیموتائوس ۴: ۵)، یا "در همه شرایط هوشیار و مراقب باش". شبان باید کاملاً هوشیار بوده و در همه امور قضاوت عادلانه داشته باشد.

د- خردمند باشد (اول تیموتائوس ۳: ۲). کشیش باید نگرشی جدی داشته باشد و مشتاق کارش باشد. این بدین معنی نیست که اهل مزاح

نباشد یا در همه حال موقر و محزون باشد. بلکه شایسته است ارزش امور را بداند و با رفتار ناشایست خود به خدمت روحانی مژده انجیل صدمه نزند.

ه- *صاحت نظام باشد (اول تیموتائوس ۲: ۳)*. "منظم" ترجمه خوبی است. کشیش باید در شیوه اندیشه و سبک زندگی و همچنین تعلیم و موعظه‌اش از انضباط برخوردار باشد. این همان کلمه یونانی است که در اول تیموتائوس ۲: ۹، "باوقار" ترجمه شده که به شیوه پوشش زنان مربوط می‌شود.

و- *مهمان‌نواز باشد (اول تیموتائوس ۲: ۳)*. معنی تحت‌اللفظی آن "غریب‌دوست" است. در کلیسای اولیه فراهم نمودن مکانی برای استراحت ایمانداران خدمت مهمی به شمار می‌آمد (رومیان ۱۲: ۱۳؛ عبرانیان ۱۳: ۲؛ ۳ یوحنا ۵: ۸). حتی در عصر امروز نیز مهمان‌نوازی کشیش و همسرش به مشارکت کلیسای محلی کمک بزرگی می‌کند.

ز- *راغب به تعلیم باشد (۱ تیموتائوس ۳: ۲)*. تعلیم کلام خدا یکی از خدمات اصلی مشایخ به شمار می‌آید. در حقیقت، تعداد بسیاری از محققین معتقدند که "شبانان و معلمین" در افسسیان ۴: ۱۱ به یک شخص با دو وظیفه اشاره می‌کند. شبان معلم نیز هست (۲ تیموتائوس ۲: ۲، ۲۴). فیلیپس بروکس، اسقف معروف قرن هجدهم گفت: "اشتیاق به تعلیم به صورت تصادفی و به‌طور شور ناگهانی سراغ فرد نمی‌آید". شبان باید به مطالعه دقیق کلام خدا و همه آنچه به او یاری می‌رساند بپردازد، تا به شناخت و تعلیم کلام خدا نائل شود. کشیشی که در مطالعه تنبلی می‌کند، شایستگی این مقام را ندارد.

ح- *میگسار نباشد (اول تیموتائوس ۳: ۳)*. این عبارت کسی را توصیف می‌کند که در خوردن شراب زیاده‌روی می‌کند. سفارش پولس

به تیموتائوس مبنی بر استفاده از شراب به عنوان درمان بیانگر این حقیقت است که ایمانداران به طور کلی از استعمال شراب منع نشده‌اند. متأسفانه بعضی از اعضای کلیسای قرنتس در جشن محبت که همراه با شام خداوند بود خود را به مستی می‌کشاندند (۱قرنتیان ۱۱: ۲۱). یهودیان شراب خود را با آب مخلوط می‌کردند تا مبادا مست شوند. مسلماً در آن زمان آب آشامیدنی آلوده بود، بنابراین نوشیدن شراب رقیق برای سلامتی آنها سودمندتر بود.

با این حال، تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین فرهنگ مصرف شراب در کتاب مقدس و حمایت از صنعت مشروبات الکلی عصر حاضر وجود دارد. هشدار و مثال پولس در رومیان ۱۴ مخصوصاً آیه ۲۱ در دنیای امروز به طرز خاصی کاربرد دارد. شبان خوب یقیناً خواستار این است که الگوی شایسته‌ای برای سایر ایمانداران ضعیفتر بوده و بهانه‌ای برای گناه کردن به دستشان ندهد.

ط- زننده (تندخو) نباشد (اول تیموتائوس ۳: ۳). "اهل نزاع و ستیزه‌جو" نباشد. چالز اسپرجن به دانشجویانش در دانشکده شبانی گفت "با مشتهای گره کرده و هفت‌تیر الهیات به جنگ دنیا نروید."

ی- طماع (حریص) نباشد (اول تیموتائوس ۳: ۳). پولس در ۶: ۳ به بعد بیشتر به صحبت در مورد پول می‌پردازد. برای آدم بی‌وجدان، خدمت روحانی می‌تواند راه آسانی برای سودجویی باشد (نه به این دلیل که شبانان در بیشتر کلیساها حقوق مکفی ندارند!). شبانان حریص همواره در خارج کلیسا "معاملاتی" دارند و این فعالیت‌ها باعث خدشه‌دار و چرکین شدن شخصیت و خدمات روحانی‌شان می‌شود. شبانان نایستی برای مقاصد پلید و حریصانه خود کار کنند (۱پطرس ۵: ۲).

ک- *حلیم (صیور) باشد (اول تیموتائوس ۳:۳)*. "با ملایمت" ترجمه بهتری است. شبان باید به مردم گوش فرا داده و توانایی پذیرش انتقاد بدون واکنش را داشته باشد. او باید این فرصت را به سایرین بدهد تا بدون "جبر و اعمال زور" آزادانه در کلیسا خدمت کنند.

ل- *جنگجو (اهل مشاجره) نباشد (اول تیموتائوس ۳:۳)*. شبان باید صلح‌جو بوده و از حادثه‌جویی بپرهیزد. این بدین معنی نیست که باید با تقصیرات خود مصالحه کند، بلکه باید "مخالفت" کند بدون آنکه "ناسازگار" باشد. تندخویی برای کلیسا سرانجامی ندارد.

م- *طمعکار نباشد (اول تیموتائوس ۳:۳)*. علاوه بر پول چیزهای دیگری نیز موجب طمع می‌شوند: محبوبیت، خدمت روحانی بزرگی که شهرت می‌آورد، پیشرفت فرقه‌ای و غیره. این کلمه عمدتاً بر پول تمرکز دارد.

ن- *خانواده الهی داشته باشد (اول تیموتائوس ۴:۴-۵)*. این بدین معنی نیست که شبان باید ازدواج کند، یا در صورت ازدواج دارای فرزندی باشد. با این حال، ازدواج و خانواده احتمالاً خواست خدا برای اکثر شبانان می‌باشد.

اگر فرزندان شبان از او اطاعت نکنند و به او احترام نگذارند، احتمال دارد که کلیسا نیز به رهبری او احترام نگذارد و از او اطاعت نکند. برای مسیحیان خانواده و کلیسا یکی است. باید هر دو آنها با محبت، حقیقت و انضباط اداره شود. شبان نمی‌تواند دو شخصیت متفاوت در خانواده شخصی خود و کلیسا داشته باشد. اگر چنین باشد فرزندان متوجه آن شده و مشکلاتی پدید خواهد آمد. کلمه "تدبیر کردن" در آیات ۴ و ۵ به معنی "حاکم بودن" و "سرپرستی کردن" است و بیان می‌کند شبان کسی است که امور کلیسا را اداره می‌کند (البته نه مثل دیکتاتور، بلکه همچون شبانی مهربان اِپتروس ۵:۳).

کلمه‌ای که در آیه ۵ "مواظبت کردن" ترجمه شده به معنی خدمت شخصی به نیازهای کلیسا است. این عبارت در مثل سامری نیکو به کار رفته است (لوقا ۱۰: ۳۴-۳۵).

س- نوایمان نباشد (اول تیموتائوس ۳: ۶). "مبتدی" در لفظ یعنی "چیزی که تازه کاشته شده است" که به مسیحی نوایمان اشاره دارد. سن، ضمانتی بر بلوغ فرد نیست. ولی بهتر است قبل از پذیرش مقام در کلیسا، مطالعه کرد و به رشد رسید. البته بعضی از افراد زودتر از بقیه رشد می‌کنند. مشاهده شبان جوانی که به سبب موفقیتش مغرور شده و همه آنچه که را به دست آورده از دست می‌دهد شیطان را شاد می‌کند.

ع- شاهد خوبی در خارج کلیسا باشد (اول تیموتائوس ۳: ۷). آیا حساب‌هایش را می‌پردازد؟ آیا در معاملات که با بی‌ایمانان دارد از محبوبیت برخوردار است؟ (کولسیان ۴: ۵ و اتسالونیکیان ۴: ۱۲ را ملاحظه نمایید).

هیچ شبانی فکر نمی‌کند آنچه را باید باشد دارا است و جماعت کلیسا باید مرتباً برای او دعا کنند. خدمت در مقام شبانی یا شیخی آسان نیست، اما چنانچه شخصیت شما کاملاً مطابق خواست خدا باشد، انجام آن بسیار آسان‌تر می‌گردد.

## ۲. شماس (اول تیموتائوس ۳: ۸-۱۳)

در انگلیسی، کلمه‌ای که برای شماس به‌کار می‌رود (deacon)، از کلمه یونانی Diakonos به معنی "خادم" گرفته شده است. احتمالاً منشا کلمه شماس را می‌توان در اعمال رسولان فصل ۶ یافت. شماسان اولیه به عنوان مددکار رسولان انتخاب می‌شدند. در عصر حاضر انجام برخی وظایف شبانان یا مشایخ توسط شماسان در کلیسای محلی



سبب شده تا شبانان بر کلام خدا، دعا و نظارت روحانی تمرکز بیشتری داشته باشند.

گرچه اختیارات مشایخ به شماسان اعطا نمی‌شود، با این حال، افراد برای احراز مقام شماسی بایستی حائز شرایطی باشند. وفاداری و خدمت شایسته بسیاری از شماسان موجب ارتقا ایشان به مقام شیخی شده است.

الف- باوقار (قابل احترام) باشد (اول تیموتائوس ۳: ۸). شماس باید سزاوار احترام باشد. فردی با سیرت مسیحی ارزش تقلید را دارد. شماس باید مسئولیت‌هایش را جدی گرفته و در مقامی که به او داده شده است به نحو احسن انجام وظیفه کند و تنها اسم آن را حمل نکند.

ب- دو رو نباشد (اول تیموتائوس ۳: ۸). سخن‌چینی نکند و شایعه‌افکن نباشد. به یکی یک چیز نگوید و به دیگری خلاف آن را. باید بتوان به آنچه می‌گوید اطمینان کرد.

ج- میگسار نباشد (اول تیموتائوس ۳: ۸). این مطلب در آیه ۳ بحث شده است.

د- طماع و سودجو نباشد (اول تیموتائوس ۳: ۸). شماسان عهده‌دار هدایا می‌باشند و از آن طریق احتیاج نیازمندان را تامین می‌کنند؛ لذا امکان وسوسه برای سرقت یا مصرف خودسرانه بودجه وجود دارد. مسئولین مالی کلیسا باید طرز فکر روحانی در مورد پول داشته باشند.

ه- عقاید استوار روحانی داشته باشد (اول تیموتائوس ۳: ۹). کلمه "سِر" یعنی حقیقتی که نهان بوده ولی اکنون توسط خدا آشکار شده است. اصول عالی ایمان بر آنان که ایمان ندارند مخفی است اما برای آنان که به خدا توکل می‌کنند قابل درک است. شماسان باید قادر به درک اصول مسیحیت بوده و با بصیرت کامل از آن اطاعت کنند. صرفاً حضور در جلسات و تصمیم در مورد شیوه اداره کلیسا کافی

نیست، تصمیمات آنها بایستی بر کلام خدا استوار باشد و زندگی روحانی‌شان تجلی تصمیمات آنها باشد.

بعضی مسؤولین کلیسا قوانین کلیسا را بهتر از کلام خدا می‌شناسند. گرچه داشتن شرایط و قوانین برای حفظ نظم در کلیسا لازم است، اما آنچه حائز اهمیت است اداره امور کلیسا بر اساس کلام مقدس است. آیات کلام خدا اساس کلیسای اولیه بود! شماسی که دانش کافی از کتاب مقدس ندارد برای پیشرفت کلیسا مانعی بیش نیست.

یکی از دوستان کشیش من که اکنون در نزد خداست، رهبری کلیسایی را به عهده گرفت که از کلیسای دیگری جدا شده بود. این کلیسا پیوسته در نزاع و کشمکش بود. دوستم می‌گفت که جلسات رهبری دیدنی بود. قوانین کلیسا که آن را "کتاب سبز" می‌نامیدند به اندازه کتاب مقدس مورد احترام بود. او اقدام به تعلیم کلام نمود و روح القدس شروع به تحول زندگی مردم کرد. اما شیطان برخی از مسؤولین کلیسا را اغوا نمود تا با او مخالفت کنند. آنان می‌گفتند شما مطابق با "کتاب سبز عمل نمی‌کنید"!

دوست من کتاب مقدس را بلند کرد و پرسید: "آیا می‌خواهید کتاب خدا را اطاعت کنید یا کتاب سبز را که نوشته دست انسان است؟" همین نقطه تحول بود و خداوند به طرز شگفت‌انگیزی به کلیسا قدرت و برکت بخشید و بر شمار ایمانداران افزوده شد.

شماسی که کلام خدا را نمی‌شناسد نمی‌تواند امور کلیسا را اداره کند؛ کسی که مطابق کلام خدا زندگی نمی‌کند و باطنی گناه‌آلود دارد قابلیت اداره کلیسا را ندارد. صرفاً به این دلیل که عضو کلیسایی محبوب عام است و در کسب و کار خود موفق است و کمک مالی فراوانی به کلیسا می‌کند نمی‌توان گفت که وی شرایط لازم برای شماس شدن را دارا است.

و. آزموده و تأیید شده باشد (اول تیموتائوس ۱۰: ۳). نظارت بر زندگی شماسان و دقت در رفتار ایشان اصلی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. در اکثر کلیساها، عضوی جدید یا ایمانداری نو ممکن است خدمت خود را به کلیسا با ملاقات، یاری رسانی، کمک به کانون شادی و امثال اینها آغاز نماید. این اصل در متی ۲۵: ۲۱ آمده است "بر چیزهای اندک امین بودی، تو را بر چیزهای بسیار خواهم گماشت".

شایان ذکر است که رهبران بسیاری که نام آنها در کتاب مقدس ذکر شده، نخست تحت امتحان قرار گرفتند. یوسف سیزده سال در مصر خادم بود قبل از آنکه دومین حاکم بزرگ آن سرزمین بشود. موسی قبل از دعوت خدا چهل سال شبان گوسفندان بود. یوشع قبل از اینکه جانشین موسی شود، خادم او بود. داود از گوسفندان پدرش نگهداری می کرد آن هنگام که سموئیل از او دعوت کرد تا پادشاه اسرائیل گردد. حتی مسیح خداوند نیز به صورت خادم در آمد و به عنوان نجار کار کرد. پولس رسول، خیمه دوز بود و اول خادم و بعد حاکم.

اعطای مقام به عضوی که مورد آزمایش و تأیید واقع نشده است، نشان ضعف کلیسا است. این نگرش که شاید اگر به جیمز مقام شماسی دهیم بیشتر به کلیسا بیاید، نشانگر ناآگاهی از خصوصیات جیمز و همچنین نداشتن دانش کافی از کلام خداست. مسیحی که مورد آزمایش قرار نگرفته است، آمادگی دریافت سمت را ندارد و چنانچه بدون آزمون صاحب مقامی شود بیشتر موجب زیان خواهد شد.

ز- خانواده‌ای الهی داشته باشد (اول تیموتائوس ۳: ۱۱-۱۲). زن شماس نیز در خدمت سهیم است، چون تقدس از خانه شروع می شود. شماس نباید طلاق گرفته و دوباره ازدواج کرده باشد. همسر شماس باید مسیحی باشد، در خدمت خود جدی و وفادار و از تهمت و افترا

بپرهیزد (در معنی تحت‌اللفظی، "دستیار شیطان" نباشد چون کلمه شیطان به معنی تهمت‌زننده و افترازننده می‌باشد). باعث تأسف است که می‌بینیم غیبت و تهمت همسر شماسان و مشایخ موجب صدماتی به کلیسای محلی شده است.

بعضی از صاحب‌نظران معتقدند که آیه ۱۱ به همسر شماسان اطلاق نمی‌شود، بلکه به شماسان زن اشاره دارد. در بسیاری از کلیساها بانوان شماس در امور مربوط به زنان، غسل تعمید، مشارکت و غیره خدمت می‌کنند.

فیبی، شماس زن در کلیسای کنخریا بود (رومیان ۱۶: ۱ که کلمه آن diakonos می‌باشد). احتمالاً در بعضی از کلیساها، همسر شماسان به عنوان شماس زن خدمت می‌کردند. ما خدا را برای خدمت زنان در کلیسای محلی شکر می‌کنیم، خواه عهده دار مقامی باشند و خواه نباشند! احتیاجی به مقام به جهت خدمت یا اجرای عطیه الهی نیست.

ح- اشتیاق به کار داشته باشد (اول تیموتائوس ۳: ۱۳). شماس بایستی از مقام خود به نفع کلیسا استفاده کند و تنها عهده‌دار عنوان آن نباشد.

ترجمه کلمه یونانی آن "درجه" یعنی منصب (مثلاً در ارتش)، پایه، قدم، پله یا نردبان می‌باشد. چه تشویقی برای شماس وفادار! خدا او را ترفیع روحانی داده و به او بیشتر و بیشتر محبوبیت و احترام در بین ایمانداران عطا می‌کند و بدین ترتیب فرصت بهتری برای خدمت فراهم می‌شود. شماس خوب اعتبار خوبی در نزد خدا و انسان دارد و خدا از او برای بنای کلیسا استفاده می‌کند. غیرت روحانی باعث کارآیی او در خدمت می‌شود.

قطعاً قسمتی از این برکت امکان "ارتقای معنوی" را نیز برای او فراهم می‌آورد. این مایه خوشبختی شبان است که ببیند شماسان به

افتخار شیخی نایل می‌شوند و برخی از مشایخ به طور تمام وقت به خدمت شبانی در می‌آیند. (باید به خاطر داشته باشیم در کلیساهای عهدجدید مشایخ از جماعت کلیسای محلی خود و نه از کلیساهای دیگر به خدمت فراخوانده می‌شدند).

خدمت در کلیسای محلی امری جدی است و لازم است هریک از ما قلب خود را تقویت کنیم تا اطمینان حاصل کنیم که شایستگی فیض خداوند را دارا هستیم.

### ۳. ایمانداران (۱ تیموتائوس ۱۴-۱۶)

شایسته است به مشایخ، شماسان و اعضای کلیسا تعریفی از کلیسای محلی ارائه داد. در این پاراگراف پولس به طور مختصر سه تصویر از کلیسا ارائه می‌دهد.

*الف- خانه خدا (اول تیموتائوس ۳: ۱۵).* کلیسای خداوند خانه محسوب می‌شود. شاید "اهل خانه" ترجمه بهتری باشد. یکی از کلمات مورد علاقه پولس "برادران" است (۴: ۶ را ملاحظه نمایید). وقتی گناهکاری به مسیح خداوند به عنوان منجی ایمان می‌آورد، بی‌درنگ در خانه خداوند تولد می‌یابد (یوحنا ۱: ۱۱-۱۳؛ اپطرس ۱: ۲۲-۲۵). پولس به تیموتائوس یادآور شد که با اعضای کلیسا مثل اعضای خانواده خود رفتار نماید (اول تیموتائوس ۵: ۱-۲).

از آنجا که کلیسا همچون خانواده است، پس بایستی تغذیه شود. تنها با کلام خداست که می‌توان مردم را تغذیه نمود. کلام خدا نان (متی ۴: ۴)، شیر و گوشت (۱ قرنتیان ۳: ۱-۲، عبرانیان ۵: ۱۲-۱۴) و عسل برای ما است. کشیش باید خود را با کلام تغذیه کند تا بتواند دیگران را نیز تغذیه نماید (اول تیموتائوس ۴: ۶). کلیسا نه با تعداد، بلکه با تغذیه رشد می‌کند (افسیان ۴: ۱۱-۱۶). حزن‌آور است که می‌بینیم بعضی

شبانان تمام وقت خود و کلیسا را تلف می‌کنند و در روز خداوند چیزی برای تغذیه مردم ندارند.

همچون خانواده، کلیسا نیز باید با محبت منضبط شود. بچه‌ها اگر تادیب نشوند، یاغی و خودسر می‌شوند. رهبران روحانی جماعت کلیسا باید انضباط را پیشه خود سازند (۲ قرننیاں ۲: ۶-۱۱). گاهی اوقات لازم است بچه‌ها را توبیخ نمود یا شدت عمل بیشتری به خرج داد. بچه‌ها نیز به تشویق و الگو نیازمندند (۱ تسالونیکیان ۲: ۷-۱۲). رهبران روحانی باید لطافت مادر شیرده و قدرت پدر پرمهر را داشته باشند.

ب- جماعت (اول تیموتائوس ۳: ۱۵). لغت کلیسا ترجمه کلمه یونانی ا کلیسا به معنی "جماعت" است. این کلمه به جماعت‌های سیاسی شهرهای یونان اطلاق می‌شد (اعمال ۱۹: ۲۹، ۳۲)، در این شهرها داد و ستد توسط افراد لایق صورت می‌گرفت. در عهدجدید، این کلمه حدود صد مرتبه جهت اشاره به کلیساهای محلی ایمانداران استفاده شده است. کلمه یونانی آن عبارت است از "آنان که خوانده شده‌اند" (از این کلمه در اعمال ۷: ۳۸ برای توصیف قوم اسرائیل که به مصر خوانده شدند، استفاده شده است. اما در عهد جدید اسرائیل به مفهوم "کلیسا" نبود).

پولس می‌خواست که تیموتائوس شیوه "رهبری" کلیسای محلی را بداند. نامه‌های شبانی همچون کتاب راهنمایی برای اداره کلیسا به شمار می‌آیند. کتاب‌های متعددی در سال‌های اخیر به منظور آشنایی با شروع، بنا و توسعه کلیسا به چاپ رسیده است و بعضی از آنها مطالب مفیدی در اختیار خواننده قرار می‌دهند. با این حال بهترین منبع جهت آشنایی با اداره کلیسا را می‌توان در این سه نامه یافت.

شایسته است کشیش جوان یا مجرب در تعالیم پولس به تیموتائوس و تیپس تفکر کند.

انواع مختلف اجتماعات وجود دارد. اما کلیسا اجتماع خداوند زنده است و به همین دلیل این حق خداوند است که شیوه سرپرستی کلیسا را به ما بیاموزد. کلیسا با خون پسر خدا خریداری شده است (اعمال ۲۰: ۲۸). بنابراین ما باید خیلی مواظب رفتار خود باشیم. مسؤولین کلیسا نباید با رفتار دیکتاتورگونه و مذهبی خود و با سوء استفاده از مردم به مقاصد خودخواهانه خود دست یابند (۱ پطرس ۵: ۳-۵، ۳ یوحنا ۹-۱۲).

ج- ستون و پایه حقیقت (اول تیموتائوس ۳: ۱۵-۱۶). این یک تصویر معماری است و از آنجاییکه معابد بزرگ دینا ۱۲۷ ستون داشت این مفهوم برای تیموتائوس در افسس کاربرد زیادی داشت. کلمه "پایه" به معنی "حفاظ یا اساس" است. کلیسای محلی روی حقیقت مسیح خداوند بنا شده است (یوحنا ۱۴: ۶، ۱ قرنتیان ۳: ۹-۱۵)، اما در عین حال خود کلیسای محلی نیز ستون و پایه حقیقت است.

احتمالاً منظور از ستون بودن کلیسا نمایش حقیقت کلام خدا می‌باشد. ما بایستی حقیقت کلام خدا را استوار و پا برجا نگاه داریم تا همه آن را ببینند (فیلیپیان ۲: ۱۶). وفاداری اعضای کلیسا به کلام، تجلی سیرت مسیحی و نمایش حقیقت کلام است.

کلیسا باید از کلام همچون ستون محکم محافظت نماید و اطمینان حاصل کند که از سقوط در امان است (حقیقت را در کوچه‌ها افکنده‌ایم و عدالت را زیر پا نهاده‌ایم، اشعیا ۵۹: ۱۴).

وقتی کلیسا از حقیقت دور می‌شود (اول تیموتائوس ۴: ۱ به بعد) و در خدمت سازش می‌کند، آنگاه دشمن مجال پیشروی می‌یابد. گاه لازم است رهبران کلیسا موضع نظامی و مستحکمی در برابر گناه و

معصیت اختیار کنند. گرچه اتخاذ چنین روشی عامه پسند نیست اما خداوند را راضی می‌سازد.

حقیقت محضی که کلیسا باید به آن بشارت دهد مسیح و تعالیم اوست (۳: ۱۶ - احتمالاً این آیه از سرود مسیحی کلیسای اولیه نقل شده است). مسیح به هنگام تولد و در طول خدمت زمینی‌اش، تجلی خداوند در جسم بود (یوحنا ۱۴: ۱-۹). گرچه قوم خودش او را انکار کردند اما مسیح خداوند "حمایت در روح" داشت، زیرا به وسیله قدرت روح خدا دست به معجزات زد و حتی از مردگان برخاست (رومیان ۱: ۴) و همان روح بر دنیا دآوری خواهد نمود (یوحنا ۱۶: ۷-۱۱).

"رویت فرشتگان" نمایانگر دفعات زیادی است که فرشتگان منتخب با زندگی و خدمت خداوندان در ارتباط بودند (کلمه "انجلوس" که فرشتگان ترجمه شده به معنی قاصدان نیز می‌باشد. یعقوب ۲: ۲۵ را ملاحظه نمایید).

شاید پولس به قاصدان منتخبی که که رستاخیز مسیح را شاهد بودند، اشاره می‌کند. به هر حال مسیح نه برای فرشتگان بلکه برای گناهکاران مرد و به این ترتیب به قوم‌ها موعظه شد. این حکم مسیح مبنی بر موعظه انجیل تا انقضای عالم را یادآوری می‌کند تا همه عالمیان ایماندار شوند. در روز صعودش به آسمان به جلال وارد شد (اعمال ۱: ۲؛ ۲۲) و روزی بازگشت خواهد نمود تا کلیسایش را در آن جلال سهیم سازد.

چه چالش هیجان‌انگیزی برای کلیسا است تا به گمراهان در تمام نقاط دنیا بشارت مسیح را برساند.





## فصل چهارم

# شرط خادم بودن

## اول تیموتائوس ۴

اگر می‌خواستید شرحی از شغل شبانی بنویسید، در آن چه می‌نوشتید؟ نوشته شما چه تفاوتی با توصیفی خود شبان از کار خودش می‌داشت؟ شبان مرتباً موعظه می‌کند، عقد می‌کند، خدمات دیگر انجام می‌دهد، مریضان را ملاقات می‌کند و به دردمندان یاری می‌رساند. اما خدمت شبانی واقعاً چیست و چه کسی می‌تواند این خدمت خدادادی را انجام دهد؟

پولس در این قسمت از نامه‌اش به تیموتائوس، بر طرز رفتار و کار شبان تاکید می‌کند. پولس سه ویژگی را که شبان جهت پیروزی در خدمتش باید دارا باشد، عنوان می‌کند.

### ۱- شبان خوب کلام خدا را موعظه می‌کند (اول تیموتائوس ۴: ۱-۶)

پولس به مشایخ افسس هشدار داده بود که معلمین دروغین به کلیسا هجوم خواهند آورد (اعمال ۲۰: ۲۸-۳۱) و حال ظهور آنان را شاهد هستیم. روح القدس به‌طور مخصوص در مورد این معلمین صحبت کرده بود و این نبوت در زمان پولس داشت به وقوع می‌پیوست و مطمئناً در زمان ما هم رخ داده است. با شرحی که پولس در این پاراگراف در مورد معلمین دروغین می‌دهد، شناسایی آنها دشوار نیست.

*الف- از شیطان قدرت و انرژی می‌گیرند (اول تیموتائوس ۴: ۱).*  
اینجا تنها جایی است که در نامه‌های شبانی پولس از شیطان نام برده شده است. همان‌طور که "سِرّی الهی" در مورد مسیح وجود دارد (اول

تیموتائوس ۳: ۱۶)، "رازی شرارت‌بار" شیطان و اعمال او را فرا گرفته است (۲سالونیکیان ۲: ۷). شیطان مقلد است (۲قرننتیان ۱۱: ۱۳-۱۵)، او اصول اعتقادی خود را دارد و سعی می‌کند که مردم را فریب بدهد و آنان را گمراه سازد (۲قرننتیان ۱۱: ۳). اولین سنجشی که می‌توان از هر اصل اعتقادی به عمل آورد، توجه به توصیفی است که از مسیح ارائه می‌دهد (۱یوحنا ۴: ۱-۶).

شیطان از ایمانداران واقعی در کلیسا برای انجام مقاصد خود استفاده می‌کند و این برای برخی بسیار رعب‌آور است. شیطان یک بار پطرس را به کار برد تا مسیح را گمراه سازد (متی ۱۶: ۲۱-۲۳) و حنا نیا و صفوره را فریب داد تا کلیسای اورشلیم را گمراه کند (اعمال ۵). پولس هشدار داد که معلمین دروغین از خود کلیسا ظاهر می‌شوند (اعمال ۲۰: ۳۰).

ب- مردم را گمراه می‌کنند (اول تیموتائوس ۴: ۱). هدف معلمین دروغین اغفال مردم و برگرداندن آنها از ایمان است. این معلمین آزادانه از حقیقت ایمان مسیحی برگشته‌اند. ایشان برای بنای کلیسا و هدایت مردم، برای به‌دست آوردن شناخت عمیق‌تر از مسیح تلاش نمی‌کنند، بلکه سعی دارند طرفدارانی پیدا کنند و برنامه‌های خود را ترویج دهند. این فرق بین کلیسای حقیقی و شیطانی است. کلیسای واقعی در تکاپوی هدایت ایمانداران به سیرت مسیحی و کمک به رشد آنها است. برعکس، کلیسای شیطانی آیین جدید ابداع می‌کند، از کلیسا گوسفند دزدی می‌کند، مردم را خادم و حتی برده رهبران می‌سازد. با این حال، همه این بدعت‌ها از شیطان پدید نمی‌آیند؛ بعضی از آنها حتی برخاسته از کلیسا و پشت منبر هستند و با تعلیم آیین غلط مردم را گمراه می‌کنند.

ج- ریاکارند (اول تیموتائوس ۴: ۲). "ایشان را از میوه‌هایشان خواهید شناخت" (متی ۷: ۱۵-۲۰). این معلمین بر خلاف آنچه تعلیم می‌دهند، عمل می‌کنند و آنچه را که به پیروانشان توصیه می‌کنند خود انجام نمی‌دهند. شیطان از ریاکاری دروغگویان بهره می‌برد (اول تیموتائوس ۴: ۲). یکی از نشانه‌های ایماندار بودن، درستی و راستی است. ایماندار به تمرین آنچه موعظه می‌کند، همت می‌گمارد. این بدین معنی نیست که کاملاً بی‌گناه است، بلکه خالصانه در پی اطاعت از کلام خداست و سعی می‌کند وجدانش را پاک نگاه دارد (ر.ب.ک. ۱: ۵، ۱۹: ۳).

"داغ شدن" یعنی "بی‌حس و سخت" شدن. همان‌طور که بدن انسان وقتی داغ می‌خورد، سخت و بی‌حس می‌شود، وجدان آدمی نیز در اثر گناه به تدریج بی‌حس شده، دیگر گناه عذابش نمی‌دهد. هر آنچه که با زبان تاکید کنیم ولی مطابق آن زندگی نکنیم (خواه مردم بدانند یا ندانند) بر سختی و بی‌حسی وجدانمان می‌افزاییم. مسیح خداوند به روشنی فرمود که سخنان مذهبی یا انجام معجزات، فرد را شایسته بهشت نمی‌کند، بلکه انجام اراده خدا در زندگی روزمره است که او را راهی بهشت رهسپار می‌سازد (متی ۷: ۲۱-۲۹).

معلم کاذب نه تنها پیرو اصول غلط است، بلکه از نظر اخلاقی هم منحرف است. تغییر در اصول اعتقادی او پس از انحراف در زندگی ایجاد می‌شود. در حقیقت امکان دارد برای اینکه به زندگی گناه‌آلود خود ادامه دهد و وجدان خود را ارضا کند، تعالیم خود را تغییر داده باشد. ایمان و رفتار همیشه با هم عمل می‌کنند.

د- کلام خدا را انکار می‌کنند (اول تیموتائوس ۴: ۳-۵). معلمین دروغین در افسس شریعت یهود را با زهدگرایی شرقی آمیخته بودند. پولس در نامه‌اش به کولسیان در مورد این اصول دروغین هشدار

می‌دهد (۲: ۸-۲۳). برای نمونه، ایشان را تعلیم می‌دادند که زندگی مجردی روحانی‌تر از زندگی مشترک است. "خوب نیست که آدم تنها باشد" (پیدایش ۲: ۱۸)؛ این آیه خلاف تعلیم ایشان را ثابت می‌کند. مسیح خداوند بر ازدواج مهر تأیید زده است (متی ۱۹: ۱-۹)، گرچه اشاره می‌کند که هرکس نیز قرار نیست ازدواج کند (۱۹: ۱۰-۱۲). پولس نیز تأکید کرد که ازدواج نه تنها خلاف کلام نیست، بلکه در حقیقت اساس آن است (۱ قرن‌تیاں ۷: ۱-۲۴) و تعلیم داد که هرکس باید در این ارتباط مطابق اراده خدا عمل کند.

از هر مذهبی که سعی در تحریف قانون ازدواج دارد برحذر باشید و از تعالیمی که موجب تحریف اصل خلقت می‌گردد، دوری گزینید. معلمین دروغین در کلیسای افسس تعلیم می‌دادند که خوردن بعضی غذاها حرام بوده و روحانیت و قداست را از شما می‌زداید و بدین ترتیب افکار مردم را منحرف می‌کردند. با اینکه خدا تمام آفرینش خود را "خوب" خواند (پیدایش ۱: ۱۰، ۱۲، ۱۸، ۲۱، ۲۵)، اما این معلمین به سخن خدا بی‌اعتنایی می‌کردند. ایشان در سمتی که داشتند به مردم احکام خوراک را دیکته و به این وسیله بر آنها حکومت می‌کردند.

آنانی که "ایماندارند و حقیقت را می‌دانند" تحت تأثیر "بایدها" و "نبایدها" شارعین قرار نمی‌گیرند. مسیح فرمود هر نوع خوراکی پاک است (مرقس ۷: ۱۴-۲۳). در جای دیگر در مورد اینکه خوراک انسان را نجس نمی‌سازد به پطرس تعلیماتی داد (اعمال ۱۰) و بار دیگر از طریق پولس گفته خود را تصدیق کرد (۱ قرن‌تیاں ۱۰: ۲۳-۳۳). شخصی ممکن است به دلیل جسمانی از خوردن برخی غذاها پرهیز کند (مثلاً به دلیل حساسیت)، پس آزادی ما در خوردن و آشامیدن نباید باعث تضعیف ایمان ایمانداران شود (رومیان ۱۴: ۱۳-۲۳). دعا و

شکرگزاری قبل از خوردن غذا آن را پاک ( تمییز و وقف خدا) می‌کند. پس کلام خدا و دعا حتی خوراک معمولی را تبدیل به خدمت روحانی برای جلال خدا می‌سازد (۱قرننتیان ۱۰: ۳۱).

زندگی شبان بایستی بر "کلام خدا و دعا" استوار باشد (اول تیموتائوس ۴: ۵). درناک است که گرفتاری شبانان کلیسا با امور جزئی، وقت گرانبهای ایشان را در پرداختن به دعا و کلام می‌گیرد (اعمال ۶: ۱-۷). پولس مسؤولیت عظیم تیموتائوس جوان را در مطالعه، تعلیم و موعظه کلام و دعا به او یادآوری کرد. "شبان خوب" بایستی در کلام رشد کند (اول تیموتائوس ۴: ۶). تیموتائوس مسؤولیت‌های شبانی ویژه‌ای بر عهده داشت.

م- به کلیسا حقیقت را تعلیم ده (اول تیموتائوس ۴: ۶الف). قوم خدا لازم بود در مورد اصول کاذب و روحانیون مذهبی آگاهی به‌دست آورد. لازم نیست که شبان روی این موضوع متمرکز شود، زیرا متعهد است "پیغام خدا" را به همه تعلیم دهد (اعمال ۲: ۲۷)، اما در عین حال نباید منکر آن شود. وقتی در خیابان‌ها و بزرگراه‌ها مسافرت می‌کنیم به دو نوع تابلو برمی‌خوریم: علائمی که مقصد را به ما نشان می‌دهد (بوستون ۴۵ مایل) و علائمی که ما را از خطرات احتمالی آگاه می‌کند (پل ریخته). شبان موظف است اصول مثبت روحانی را تدریس کند تا مردم درک روشنی از ایمانشان داشته و منحرف نشوند. اما همچنین باید اصول دروغین را آشکار کند تا مردم فریب نخورده و گمراه نشوند.

و- شبان باید در کلام تغذیه کند (اول تیموتائوس ۴: ۶ب). البته هر ایماندار باید هر روزه از کلام تغذیه کند (متی ۴: ۴، اول پطرس ۲: ۲، ارمیا ۱۵: ۱۶). مخصوصاً برای یک شبان تغذیه و رشد در کلام از

ضروریات است. با مطالعه روزانه "اصول صحیح و درست" و تفکر در کلام است که شبان رشد می‌کند و می‌تواند کلیسا را هدایت کند. "شبان خوب" کلامی را موعظه می‌کند که خود هر روز از آن تغذیه می‌شود. ولی تنها تعلیم کلام کافی نیست، بلکه باید مطابق آن عمل کرد.

## ۲- شبان خداترس و عمل‌کننده به کلام (۱ تیموتائوس ۴: ۷-۱۲)

پولس در این قسمت از نامه‌اش از تشبیهات ورزشی بهره می‌جوید. درست همانطور که ورزشکار یونانی یا رومی لازم بود از چیزهای خاصی امتناع ورزد، غذای مناسب بخورد و تمرینات درست انجام بدهد، یک مسیحی نیز باید به "تمرینات روحانی" خود بپردازد. اگر یک مسیحی مثل ورزشکار انرژی خود را صرف زندگی روحانی خود نماید، در ایمان به سرعت رشد کرده و برای خداوند سومندتر خواهد بود. در این قسمت پولس سه مرحله از زندگی را شرح می‌دهد: *الف- "افسانه‌های بیهوده" (اول تیموتائوس ۴: ۷)*. البته اینها تعالیم غلط و سنن معلمین دروغین است، این اصول دینی در کتاب مقدس اساسی نداشته و در حقیقت، در تناقض با تعالیم کلام است. فقط جاهلان هستند که جذب این نوع تعلیمات می‌شوند نه زنان و مردان متعهد به کلام خدا. بدون شک این تعالیم، اصولی غلط هستند (۴: ۲-۳). پولس همچنین درباره "افسانه‌های یهود" به تیطس اخطار داد (تیطس ۱: ۱۴). همین هشدار را در نامه دومش به تیموتائوس نیز می‌یابیم (۲ تیموتائوس ۴: ۴).

ایماندار نباید دنبال اصول دینی جدید باشد. پولس تیموتائوس را تشویق کرد تا به "اصول روحانی صحیحی که تا به حال پیروی کرده‌است" وفادار بماند (۴: ۶ب). به او هشدار داد که دنبال "افسانه‌ها و شجره نامه‌های" بی‌پایان نرود (۴: ۱). شبان باید از تعالیم دشمنان

آگاه باشد و تحت تأثیر آنها قرار نگیرد. یک شیمیدان به بررسی و مطالعه سموم می‌پردازد ولی مراقب است بدنش به سم آلوده نشود.

ب- "ورزش بدنی" موقت (اول تیموتائوس ۴: ۷-۸). باز پولس از تشبیه ورزشی استفاده می‌کند. بی‌شک باید از بدن‌های خود مراقبت کنیم و ورزش بخشی از آن است. بدن‌های ما معبد خدا است که باید برای جلال او به کار برده شود (۱ قرن‌تیا ۶: ۱۹-۲۰) و ابزاری برای خدمت در دست او باشیم (رومیان ۱۲: ۱-۲). ورزش بدنی فقط در این دنیا سودمند است اما ورزش روحانی ما را هم در این دنیا و هم در آخرت برکت می‌دهد. پولس از تیموتائوس نخواست تا یکی از این دو را انتخاب کند، خدا می‌خواهد که ما هر دو را انجام دهیم. بدن سالم را خداوند به کار می‌گیرد ولی همزمان باید در تقدس هم رشد کنیم.

ج- امر ابدی: "خدائرسی" (اول تیموتائوس ۴: ۷-۸). فیلیپس بروکس گفته است: "بزرگترین مقصود زندگی، شکل دادن شخصیت مطابق حقیقت است". شخصیت و رفتار خدایسندانه بسیار مهمتر از مدال‌های افتخار گلف و رکوردهای بیس‌بال است، گرچه امکان بهره‌مندی از هر دو میسر است. پولس تیموتائوس را به چالش طلبید تا مثل یک ورزشکار که خود را وقف ورزش می‌کند، خود را وقف خدائرسی و دینداری کند. زندگی ما به خاطر ابدیت است.

پولس در رساله خود به قرن‌تیا دو مثال ورزشی را به کار برد (۱ قرن‌تیا ۹: ۲۴-۲۷) و بر انضباط که لازمه زندگی روحانی است، تأکید کرد. مثل یک ورزشکار که بدن خود را کنترل می‌کند و قوانین ورزشی را رعایت می‌کند، بدن یک مسیحی نیز باید از او اطاعت کند نه او از بدنش. دیدن تیم‌های فوتبال و بیس‌بال دبیرستان‌ها در زیر آفتاب گرم تابستان، به من یادآوری می‌کند که تمرین‌های روحانی نیز وجود دارند که من باید انجام دهم (عبرانیان ۵: ۱۴). دعا، تفکر،



خودآزمایی، مشارکت، خدمت، از خودگذشتگی و شهادت همه می‌توانند با قدرت روح‌القدس کمک کنند تا بیشتر خدا را بشناسیم و مسیحی بهتری شویم.

تمرین روحانی آسان نیست. ما باید متحمل "زحمت و رنج" بشویم (۱ تیموتائوس ۴: ۱۰). برای دستیابی به تقدس "تلاش" می‌کنیم. کلمه‌ای "تلاش" ترجمه شده است یک عنوان ورزشی است که معادل انگلیسی آن "مشقت کشیدن" می‌باشد. این اصطلاح ورزشکاری را توصیف می‌کند که تمام کوشش خود را به کار می‌گیرد تا بازی را ببرد. یک مسیحی نیز اگر می‌خواهد به مراحل عالی روحانی برسد باید برای جلال خدا زحمت بکشد و تلاش کند.

وقتی برای زندگی مطابق معیارهای الهی تلاش می‌کنیم، نه تنها برای خود، بلکه برای دیگران نیز سودمند خواهیم شد (۴: ۱۱-۱۲). پولس چندین مرحله زندگی را نام برده است که ما باید در آنها نمونه باشیم.

"در کلام" (۴: ۱۲) که متضمن این مفهوم است که گفتار ما باید همیشه درست و پرمحبت باشد، یعنی اینکه "حقیقت کلام را با محبت اعلام کنیم" (افسیان ۴: ۱۵).

"در رفتار" منظور این است که زندگی ما باید در کنترل کلام خدا باشد. نباید مانند ریاکارانی باشیم که پولس در تیطس (۱: ۱۶) توصیف کرد: "آنان به زبان اعتراف می‌کنند که خدا را می‌شناسند ولی در عمل او را انکار می‌کنند".

"در محبت" (مهر) که به انگیزه زندگی ما اشاره می‌کند. ما خدا را اطاعت نمی‌کنیم برای اینکه مردم ما را تمجید و ستایش کنند (متی ۶: ۱ به بعد)، بلکه عشق ما نسبت به خدا و خلق او است که ما را مطیع کرده است.

"در روح"، در بسیاری از نسخ قدیمی وجود ندارد. به هر حال، شوق ذاتی و هیجان فرزند خدا را توصیف می‌کند.)  
"در ایمان" بیانگر این است که ما به خدا توکل داریم و به او وفاداریم. محبت و ایمان همواره مکمل یکدیگرند (۱ تیموتائوس ۱: ۱۴، ۲: ۱۵، ۶: ۱۱، ۲ تیموتائوس ۱: ۱۳، ۲: ۲۲). ایمان همیشه به وفاداری می‌انجامد.

"در پاکی" حائز اهمیت بسیاری است، زیرا ما در این جهان اهریمنی زندگی می‌کنیم. افسس مرکز ناپاکی‌های شهوانی بود و تیموتائوس جوان با وسوسه‌های زیادی روبرو بود. او باید در رابطه‌اش با زنان کلیسا، زهد و پرهیزکاری را پیشه خود می‌ساخت (۱ تیموتائوس ۵: ۲) و ذهن و قلب و بدنش را از آلودگی حفظ می‌کرد. زندگی خدایسندانه نه تنها به ما و دیگر ایمانداران کمک می‌کند، بلکه بر گمراهان نیز اثر می‌گذارد. پولس به تیموتائوس جوان یادآور شد که مسیح خداوند نجات‌دهنده است (۴: ۱۰) و وظیفه ایمانداران این است که خبر نجات را به گمراهان بشارت دهند. به همین دلیل نوشت "امید ما مسیحیان به خدا است، ولی گمراهان امیدی ندارند و خدای زنده را نمی‌شناسند".

عنوان "نجات‌دهنده جهان" متضمن این نیست که همه دنیا نجات خواهند یافت یا خدا انسان‌ها را بر خلاف اعمالشان نجات می‌دهد چون پولس در ادامه اضافه کرد: "به ویژه آنان که ایمان دارند".  
این ایمان است که جان را رهایی می‌بخشد (افسیان ۲: ۸-۱۰). از آنجایی که خدا می‌خواهد همه نجات یابند و چون مسیح "خود را برای همه فدیہ کرد" (۲: ۶)، پس هر گناهکاری می‌تواند به خدا اعتماد کرده و نجات یابد. هیچ‌کس نباید ناامید شود چون مسیح "منجی تمام انسان‌ها است".

تیموتائوس نباید در تمرین کلام خدا و اجرای آن در کلیسا هراس داشته باشد. چون این کلام "سخنی امین و قابل اعتماد و ارزش پذیرش همگانی" را دارد (۴: ۹).

این کلام امین خلاصه‌ای از حقیقت برای کلیسای اولیه بود (به ۱: ۱۵، ۳: ۱، ۲ تیموتائوس ۲: ۱۱، تیطس ۳: ۸، مراجعه کنید). جوان بودن تیموتائوس او را از تعلیم تبرئه نمی‌کرد. در حقیقت او باید "فرمان" به اجرای کلام می‌داد. "فرمان" کلمه‌ای نظامی به معنی "پیش به جلو است" (۱ تیموتائوس ۱: ۳). کلیسای محلی یگانی از ارتش خدا است و رهبرانش باید اوامر خدا را با اقتدار و اطمینان به مردم اعلام کنند.

### ۳- پیشرفت در کلام (۱ تیموتائوس ۴: ۱۳-۱۶)

"تا ترقی و پیشرفت تو بر همه آشکار شود" (۴: ۱۵)، نکته کلیدی این بخش است. کلمه ترقی اصطلاح نظامی یونانی به معنی "پیشرو" است. مقصود سربازانی است که پیشاپیش جبهه در حرکتند و موانع را از میان بر می‌دارند که بقیه بتوانند پیشروی کنند. به عنوان شبان روحانی، تیموتائوس می‌بایست چنان رشد می‌کرد که تمام کلیسا متوجه رشد روحانی او شده و از او تقلید می‌کرد.

هیچ شبانی نمی‌تواند بدون اینکه خود را هدایت کند دیگران را رهنمون شود. "آنچه که دارم به تو ارزانی می‌دارم" اصل اساسی زندگی و خدمت روحانی است (اعمال ۳: ۶).

شبانی (یا عضو کلیسا) که رشد روحانی نمی‌کند در حقیقت پسرفت می‌کند؛ در زندگی مسیحی در جا زدن ممکن نیست. زندگی روزمره، تعلیم، موعظه و رهبری شبان باید تجلی رشد روحانی او باشد.

چه عواملی سبب رشد روحانی می‌شود؟

الف- تأکید بر کلام خدا (۱ تیموتائوس ۴: ۱۳). "سپردن به" یعنی "خود را وقف کردن، ادغام شدن در". تعلیم کلام چیزی نبود که تیموتائوس پس از فراغت از کارهای دیگر انجام دهد، بلکه مهمترین کار او بود. قرائت عبارت است از خواندن کلام در حضور عموم در کلیسا. یهودیان همواره تورات و انبیا را در کنیسه‌های خود قرائت می‌کردند، بدین ترتیب این شیوه در کلیسای مسیحیان نیز رواج یافت. مسیح خداوند کتاب‌مقدس را در کنیسه در ناصره قرائت کرد (لوقا ۴: ۱۶ به بعد). پولس رسول هم دروس را در کنیسه‌هایی که ملاقات می‌کرد قرائت می‌کرد (اعمال ۱۳: ۱۵).

در طول خدمات روحانی‌ام، متوجه شده‌ام که خیلی از کلیساها دیگر قرائت کلام را در کلیساها اجرا نمی‌کنند و این بسیار باعث ناامیدی است. وقت برای موزیک مخصوص و اعلانات بی‌پایان دارند اما وقتی برای قرائت کلام خدا ندارند. کشیش ممکن است آیاتی را قبل از موعظه قرائت کند، اما بحث من چیز دیگری است. باید برنامه‌ای جهت قرائت کتاب‌مقدس برای جماعت کلیسا گذاشته شود. در کلام خدا به خواندن کلام در حضور عموم امر شده است (باید اضافه کنم آن‌کس که می‌خواهد کلام را بخواند باید با آمادگی کامل به این امر مبادرت ورزد، نباید در دقیقه آخر از کسی خواست تا کلام را قرائت کند. کتاب‌مقدس شایسته بهترین‌ها است).

"موعظه" (۱ تیموتائوس ۴: ۱۳) در لغت به معنی "تشویق" است و مفهوم به‌کارگیری کلام در زندگی انسان را در بر می‌گیرد. شبان باید کلام را قرائت و تشریح نماید. "تعلیم" در نامه‌های شبانی پولس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این سیزده فصل دست کم بیست و دو بار به "تعلیم" یا "اصول اعتقادات" اشاره شده است.

"راغب به تعلیم" یکی از شرایط شبانی است (اول تیموتائوس ۳: ۲) و گفته می‌شود "راغب به تعلیم، راغب به یادگیری". شبان در حال رشد (یا عضو کلیسا) باید همواره در حال تحصیل کلام باشد. او موظف است قبل از تعلیم دیگران، خود را تعلیم دهد (رومیان ۲: ۲۱). پیشرفت روحانی او الگوی خوبی برای کلیسایش و مشوق خوبی برای دیگران است.

ب- به‌کارگیری عطایای روحانی (اول تیموتائوس ۴: ۴). در سال‌های اخیر در مورد عطایای روح القدس کتاب‌های بسیاری نوشته شده است که تقریباً فیض روح را فراموش کرده‌ایم (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳).

کلمه یونانی عطیه Charisma می‌باشد که "عطیه فیض خدا" معنی می‌دهد (مردم کلمه Charisma را برای توصیف فردی که دارای شخصیت جذاب و مصمم است به کار می‌برند). هر مسیحی ایمانداری از موهبت روح القدس بهره‌مند است (رومیان ۸: ۹) و خدا دست‌کم یکی از عطایای روح القدس را به ایماندار عطا می‌کند (۱ قرن‌تیان ۱۲: ۱-۱۱). عطا روح القدس در لحظه نجات به ایماندار بخشیده می‌شود (۱ قرن‌تیان ۱۲: ۱۳ به بعد).

به هر حال وقتی خدا ایمانداری را برای خدمت روحانی خاص بر می‌گزیند، او را با عطایای روحانی لازم برای انجام خدمت تجهیز می‌کند. وقتی تیموتائوس از سوی مشایخ (presbyters) دستگذاری شد، از خدا عطایی قدرت‌بخش دریافت کرد. اما تیموتائوس به‌عللی از به‌کارگیری این عطیه که برای پیشرفت روحانی او لازم بود، غفلت کرد. در حقیقت، پولس رسول در نامه دومش او را نصیحت کرده، می‌گوید: "به تو یادآور می‌شوم که آن را عطیه الهی که در توست،

شعله‌ور سازی؛ همان عطیه‌ای که خدا به هنگام قرار گرفتن دست‌های من بر سر تو در وجودت قرار داد" (۲ تیموتائوس ۱: ۶).

مایه دلگرمی است که بدانیم خدایی که ما را به خدمت روحانی فراخوانده است، ما را برای انجام آن نیز مجهز می‌سازد. ما چیزی از خود برای انجام خدمت نداریم، فیض خدا است که به ما اقتدار می‌بخشد (۱ قرن‌تیان ۱۵: ۹-۱۰، ۱ تیموتائوس ۱: ۱۲، فیلیپیان ۴: ۱۳). نباید در به‌کار بردن عطیه خدا سهل‌انگاری کنیم بلکه باید آن را رشد داده و به کار بندیم و در کلیسای محلی یا هر جا که خداوند ما را قرار می‌دهد آن را توسعه دهیم.

ج- وقف کامل به مسیح (۱ تیموتائوس ۴: ۱۵). "تأمل نمودن" یعنی "کاملاً خود را وقف کردن، مجذوب شدن". زندگی و خدمات روحانی تیموتائوس می‌بایست امور زندگی او را تحت کنترل داشته باشد، نه اینکه به صورت کار جانبی گاهی به آن توجه کند. در خدمات روحانی چنانچه سرسپردگی کامل نباشد، فرد به هیچ مقام والایی صعود نمی‌کند. "کسی نمی‌تواند دو ارباب را خدمت کند" (متی ۶: ۲۴).

گرچه نمی‌خواهم انتقاد کنم، اما باید این حقیقت را اعتراف کنم که بسیاری از شبانان و خادمین روحانی وقت و علاقه خود را بین کلیسا و مسائل جانبی دیگر تقسیم کرده‌اند و این بسیار حزن‌آور است. این امور جانبی از معاملات ساختمانی، مسافرت به اماکن مقدسه و سیاست گرفته تا خدمات شهری یا حتی خدمات فرقه‌ای را شامل می‌شود. این شبانان و خادمین به این دلیل که وقت خود را کاملاً وقف خدمت خود نکرده‌اند، از نظر روحانی صدمه می‌بینند و کلیسا را به زحمت می‌اندازند. انگیزه کنترل‌کننده پولس این بود: "اما تمام نیروی خود را صرف یک کار می‌کنم". ما نیز باید همچون او باشیم (فیلیپیان ۳: ۱۳). انسان دودل در همه احوال بی‌ثبات است.

د- *تفتیش روحانی (اول تیموتائوس ۴: ۱۶)*. قلب خود را در نور کلام خدا آزمایش کنید. توجه داشته باشید که پولس "خود" را مقدم بر "اصل" قرار داد. پولس همین هشدار را در پیام خداحافظی به رهبران افسس داد: "پس مواظب خویشتن باشید" (اعمال ۲۰: ۲۸). خادم می‌تواند آنقدر مشغول خدمت به دیگران باشد که از خود و رشد روحانی‌اش غافل شود.

بزرگترین مبشر آمریکایی قرن هجدهم "چارلز فینی" اغلب در این خصوص موعظه می‌کرد. او عنوان موعظه‌اش را "ای کشیش، خود را نجات بده" گذاشته بود. امروز ما به این موعظه نیاز داریم زیرا شاهدیم که بسیاری از خدمات روحانی خود دست می‌کشند تنها به این دلیل که زندگی و حرفه‌شان با یکدیگر مطابق نیست. مسائل اخلاقی، طلاق و بسیاری رفتارهای شرم‌آور دیگر بسیاری از خادمین خدا را تباه ساخته است. "پس آنکه گمان می‌برد قائم است، هشیار باشد که گرفتار گناه نشود" (۱ قرن‌تیا ۱۰: ۱۲).

ارتقا روحانی نجات‌یافتگان و هدایت گمراهان از مقاصد اصلی خدمت روحانی به شمار می‌آید که باعث جلال خداوند می‌شود. اما خدا باید قبل از آنکه ما را به خدمت بگیرد، ما را مطابق اراده خود متحول کند (فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳). چون شبان خوب، کلام را موعظه می‌کنیم؛ چون خادم خوب، کلام را به کار می‌بریم؛ چون شبان در حال رشد، در کلام پیشرفت می‌کنیم.

## فصل پنجم

### نظم در کلیسا

#### اول تیموتائوس ۵

اولین مشکلی که کلیسای اولیه با آن روبرو شد، مشکل امروز نیز هست. سهل‌انگاری و غفلت خادمین کلیسا باعث شده بود گروهی از اعضای کلیسا لب به گله و شکایت بگشایند (اعمال ۶). یک بار یکی از اعضای کلیسا در مورد شبانش می‌گفت: "در طول هفته از نظر ناپدید می‌شود و یکشنبه هم بسیار دشور بتوان او را درک کرد". این حکایت از سهل‌انگاری و بی‌اعتنایی مسؤلین کلیسا می‌کند. پولس شیوه رفتار با گروه‌های خاص در کلیسا را به تیموتائوس تعلیم داد.

#### ۱- اعضای ساخورده (اول تیموتائوس ۵: ۱-۲)

پولس به تیموتائوس نصیحت کرد تا با مردم رفتاری یکسان داشته و تبعیض قائل نشود (اول تیموتائوس ۵: ۲۱). از آنجایی که تیموتائوس جوان بود، این امکان وجود داشت که به اعضای ساخورده کلیسا بی‌اعتنا باشد. به همین دلیل پولس او را تشویق می‌کند که به مردم در هر گروه سنی با مهر و محبت خدمت کند. کلیسا همچون خانواده است، با سالخوردگان همچون مادر و پدر خود و با جوانان همچون خواهر و برادر خود رفتار کنید.

#### ۲- بیوه زنان (۱ تیموتائوس ۵: ۳-۱۰)

کلیسا از همان ابتدا نگران بیوه‌زنان بود (اعمال ۶: ۱؛ ۹: ۳۹). البته، قوم اسرائیل در تلاش برای حمایت از بیوه‌زنان بود و خداوند در این خصوص دستورالعمل ویژه‌ای به آنان داده بود (تثنیه ۱: ۱۸، ۲۴:



۱۷، مزمور ۹۴: ۶، ملاکی ۳: ۵). کلیسای محلی باید به بیوه زنان نیازمند دلسوزی و ترحم نشان می‌داد. با این حال، کلیسا باید مراقب بود تا منابع خود را صرفاً در اختیار نیازمندان واقعی قرار دهد. پذیرش این حقیقت دشوار است که افراد یا خانواده‌هایی به دلیلی تنبلی یا استفاده ناصحیح از منابع خودشان، از کلیسای محلی سوءاستفاده می‌کنند. چنین افرادی تا وقتی که از حمایت کلیسا بهره‌مند هستند چرا باید زحمت کار کردن به خود بدهند؟ پولس شرایطی را که بیوه زن باید برای حمایت شدن از جانب کلیسا دارا باشد، عنوان کرد.

*الف- بی‌کسی (اول تیموتائوس ۵: ۵).* مسؤلیت سرپرستی بیوه زنی که خویشاوندی دارد بر عهده آنها است تا کلیسا بتواند منابع خود را به نفع کسانی که خویشاوندی ندارند، مصرف کند. اگر فرزندان در قید حیات نباشند، نوه‌ها موظف به نگهداری از او هستند. تسهیلاتی که امروزه در اختیار ماست شامل حقوق بازنشستگی، بیمه اجتماعی و خانه بازنشستگان در آن زمان وجود نداشت و این اهمیت واقعی خانواده در نگهداری از بیوه زنان را در آن زمان به روشنی آشکار می‌کند. البته وجود این مؤسسات، خانواده را از مسؤلیت‌های عاطفی معاف نمی‌کند. "پدر و مادرت را احترام کن" هنوز حکم قطعی و مسلم کتاب مقدس است (خروج ۲۰: ۱۲، افسسیان ۶: ۱-۳).

پولس گفت آنکه به اعضای خانواده خود بی‌اعتناست از کافر هم پست‌تر است (اول تیموتائوس ۵: ۸؛ آیه ۱۶ را نیز نگاه کنید). مبشری کار خود را ترک کرد تا از پدر و مادر مریض و سالخورده‌اش مراقبت کند. برخی از دستیارانش به شدت از او انتقاد کردند (باید خدا را بیشتر از پدر و مادرمان دوست بداریم)! اما این زن تا به آخر به والدینش وفادار ماند و با علم به اینکه مطیع خداوند بوده است، به خدمت بازگشت و خداوند خدمتش را برکت و فزونی بخشید. عشق ما

به خدا در عشق به خلق او تجلی می‌یابد. خداوند عنایت خاصی به سالخوردگان، بیوه زنان و یتیمان دارد.

ب- ایماندار وفادار (اول تیموتائوس ۵: ۵ب). کلیسا نمی‌تواند از همه بیوه زنان شهر حمایت کند، اما مکلف است از ایمانداران وفادار به کلیسا حمایت کند. "به همه... به ویژه آنان که مسیحی مؤمن هستند نیکی نمایید" (غلاطیان ۶: ۱۰). بیوه‌ای که تحت حمایت کلیسا قرار می‌گیرد، نباید راحت‌طلب و به فکر خوشگذرانی خود باشد، بلکه باید به خدا امیدوار باشد و وقت خود را صرف دعا و عبادت کند (به لوقا ۲: ۳۶-۳۷ نگاه کنید).

سه تجربه عملی در خدمت شبانی‌ام به من ثابت کرده‌است که بیوه زنان مؤمن "منبع قدرت" کلیسا هستند. ایشان پشتوانه خوبی در جلسات دعا به شمار می‌آیند. در بازدیدها مشارکت داشته و بخش بزرگی از معلمین مدرسه یکشنبه‌ها را تشکیل می‌دهند. همچنین تجربه کرده‌ام چنانچه این بیوه زنان ایماندار نباشند، می‌توانند مشکل بزرگی برای کلیسا باشند. انتظار دارند کلیسا به آنان توجه کند و از افراد جوانتر شکایت می‌کنند و اغلب بیکار گشته و شایعه پراکنی می‌کنند (البته شاید واقعاً "شایعه" نباشد، ایشان سعی دارند به دوستانشان کمک کنند که با اشراف کامل به جریان امور دعا کنند). پولس روشن نمود که بیوه زنان تحت حمایت کلیسا باید "بدون عیب" یعنی عاری از خطا باشند (اول تیموتائوس ۵: ۷).

ج- بیش از ۶۰ سال (اول تیموتائوس ۵: ۹الف). در آن زمان احتمال ازدواج مجدد زن در این سن بسیار بعید بود، گرچه امروزه شصت سالگی سن پیری تلقی نمی‌شود. احتمالاً فعل "به شماره آوردن" ما را راهنمایی می‌کند. این لغت در لفظ به معنی "ثبت نام سربازان" استفاده می‌شد. کلیسای اولیه فهرست رسمی زنان واجد شرایط را داشت و

چنین برداشت می‌شود که این زنان کمک شایانی به کلیسا می‌کردند (دورکاس و دوستان بیوه‌اش را در اعمال ۹: ۳۶-۴۳ به خاطر دارید؟). اگر این زنان رسماً به عنوان شماس زن دستگذاری شده بودند، پولس به ما می‌گفت.

د- سابقه ازدواج خوب (اول تیموتائوس ۵: ۹). قبلاً این شرط را در مورد اسقف‌ها (۲: ۳) و شماسان (۳: ۱۲) مطالعه نمودیم. مفهوم ضمنی آن این است که بیوه زن مطلقه نبود، زیرا به بیوه زن جوانتر توصیه می‌شد ازدواج مجدد کنند (۵: ۱۴). این شرط به زنی که پس از مرگ همسرش ازدواج مجدد موقت داشته است اشاره نمی‌کند. وفاداری در ازدواج نزد خدا بسیار مهم است.

ه- نیکوکاری آشکار (۱ تیموتائوس ۵: ۱۰). آنکه خدا را وفادارانه خدمت می‌کند، نورش بر همگان می‌تابد، مردم کارهای نیک او را دیده و پدر آسمانی را تمجید می‌کنند (متی ۵: ۱۶). "تربیت فرزندان" به فرزندان خود بیوه زن یا یتیمان بی‌سرپرست اشاره دارد. اگر مقصود فرزندان خود بیوه زن باشد، یکی از شرایط لازم برای حمایت کلیسا این است که فرزندان در قید حیات نباشند. احتمال دارد منظور سرپرستی بیوه زنان از بچه‌های بی‌خانمان باشد که آنها را مطابق کلام تربیت می‌کنند.

مهمان‌نوازی مشخصه دیگری است؛ در آن زمان سفر پرخطر و جای امن برای استراحت کم بود، به همین دلیل غریب‌نوازی خدمت مهمی به شمار می‌آمد. شستن پا به آیین مذهبی خاصی اشاره نمی‌کند بلکه این عمل، عمل شایعی بود که در آن زمان به محض ورود میهمان به خانه انجام می‌شد (لوقا ۷: ۴۴). چنین خدمت متواضعانه‌ای از منزلت زن نمی‌کاست.

"یاری رساندن به محتاجان" انواع خدمت به نیازمندان را شامل می‌شود: سیر کردن گرسنگان، مراقبت از مریضان، دلگرمی دادن به غمگینان. شبانان خدا را برای زنان ایماندار می‌گذارد که به نیازهای مادی و طبیعی کلیسا رسیدگی می‌کنند، سپاس می‌گذارند. کلیسا از بیوه زنان حمایت می‌کند، ایشان نیز در عوض به کلیسا خدمت می‌کنند.

### ۳- بیوه‌های جوانتر (۱ تیموتائوس ۵: ۱۱-۱۶)

بیوه زنان جوانتر، زنان زیر ۶۰ سال را شامل می‌شد. اما شکی نیست که پولس زنان بسیار جوانتر از این سن را مد نظر داشت. بعید به نظر می‌آید که زن ۵۹ ساله در صورت ازدواج مجدد صاحب اولاد شود (۵: ۱۴)! سفر، بیماری، جنگ و بسیاری خطرات دیگر می‌توانست جان همسر جوانتر را تهدید کند. اما پولس به تیموتائوس توصیه نکرد که اسامی بیوه‌های جوان را برای حمایت کلیسا به فهرست اضافه کند.

*الف- علت نپذیرفتن بیوه‌های جوان (اول تیموتائوس ۵: ۱۱-۱۴).*  
بیوه زنان جوان به طور طبیعی به مردان گرایش دارند و خواستار ازدواج مجدد هستند و این چیز بدی نیست. پولس ظاهراً به طور ضمنی بیان می‌کند که هریک از بیوه‌های "فهرست شده" با خود پیمان بستند که ازدواج مجدد نکرده و در خدمت خدا باشند (۵: ۱۲). البته نباید این پیمان را "پیمان مجردی" تلقی کرد یا "حکم راهبه‌ای" به آن نسبت داد. به نظر می‌رسد این توافقی بین بیوه زنان و کلیساست که ایشان ازدواج مجدد نکرده و فقط در خدمت پروردگار باشند.

تفسیر احتمالی دیگر این است که بیوه‌های جوان ممکن است در صورت حمایت کلیسا به خوشگذرانی پرداخته و برای خود همسرانی برگزینند که به احتمال قوی ایماندار نیستند و باعث شود که ایمان

اولیه‌شان را هم از دست بدهند. با این حال تفسیر اول را ترجیح می‌دهم.

پولس روشن می‌کند که اگر بیوه‌های جوان تحت حمایت کلیسا قرار بگیرند، ممکن است وقت خود را به بطالت گذرانده و به فعالیت‌های گناه‌آلود مشغول شوند؛ به تنبلی عادت کنند و فایده‌ای به کسی نرسانند؛ خانه به خانه بگردند و بخواهند که از کار این و آن سر در بیاورند. قطعاً بین بیکاری و گناه رابطه وجود دارد.

پولس به تیموتائوس هشدار داد که حمایت و خیر رسانی کلیسا باعث نشود که عده‌ای به تنبلی و بیکاری روی آورند. کلیسا موظف است به آنانی یاری رساند که واقعاً محتاجند تا زمینه برای گناه فراهم نشود. در خدمت شبانی‌ام تصمیم‌گیری در این خصوص آسان نبوده است.

ب- شرایط پذیرش بیوه‌زنان جوانتر (اول تیموتائوس ۵: ۱۴-۱۶).  
پولس فهرستی از کارهای نیکی که بیوه زنان جوان باید برای پذیرش و تأیید کلیسا انجام دهند، ارائه داد. او می‌خواست بیوه‌های جوانتر ازدواج کرده و صاحب اولاد شوند. گرچه قرار نیست هر کسی هم ازدواج کند، اما طبیعی است آنان که قبلاً ازدواج کرده‌اند، تمایل به ازدواج مجدد داشته باشند. چرا تنها زندگی کرد وقتی فرصت ازدواج و تشکیل خانواده وجود دارد. البته باید در این امر اراده خدا را طلب کنیم (۱ قرنتیان ۷: ۳۹).

"بارور و زیاد شوید" حکم خدا به نخستین والدین ما بود (پیدایش ۱: ۲۸). خانواده حاصل ازدواج است. کسانی که به دلیل سختی دنیای امروز ترجیح می‌دهند صاحب اولاد نشوند، باید می‌دیدند که چقدر در دوران پولس این امر دشوار بود! اگر مسیحیان از اینکه صاحب اولاد شوند و آنها را مطابق احکام خدا تربیت کنند هراس دارند، از دیگران چه انتظاری می‌توان داشت؟

"خانه‌داری" (اول تیموتائوس ۵: ۱۴) در لفظ به معنای اداره خانه است. زن موظف است امور خانه را اداره کند و شوهرش باید به او اعتماد کند (امثال ۳۱: ۱۰-۳۱). البته ازدواج شراکت است اما هر شریک مسئولیت خاصی بر عهده دارد. آنچه که یک زن به تنهایی قادر به انجامش است، چند مرد قادر به انجامش نیستند. وقتی همسر مریض می‌شد یا از بچه‌ها مراقبت می‌کرد، من می‌بایست کارهای خانه را انجام می‌دادم؛ طولی نکشید که فهمیدم این واقعاً کار من نیست.

شیطان همیشه با زیرکی دنبال فرصتی است تا به خانواده مسیحی حمله کند و آن را تباہ سازد. کلمه "سبب" واژه نظامی است که "اساس عملیات" معنی می‌دهد. زن مسیحی که وظیفه خود را در خانه به انجام نمی‌رساند به شیطان بهانه‌ای برای حمله می‌دهد که سرانجامی حزن‌آور دارد. گرچه گاهی زنان و مادران مسیحی ناگزیر به کار در خارج از خانه هستند، اما معمولاً خدمت زن در خانه است. زنی که صرفاً برای به‌دست آوردن تجملات کار می‌کند از برخی ضروریات زندگی غفلت می‌کند و ممکن است زمانی به این مطلب پی ببرد که دیگر بسیار دیر باشد. شاید آنچه که پول می‌تواند بخرد، لذت‌بخش و شادی‌آور باشد ولی باید مراقب باشیم که آنچه که پول نمی‌تواند بخرد را از دست ندهیم.

شیوه اداره خانه توسط همسران و مادران مسیحی الگوی مناسبی برای بی‌ایمانان است. همان‌طور که شبان باید شهرت خوبی در خارج از کلیسا داشته باشد (۳: ۷) و خادمین نباید موجب شوند که سایرین کلام خدا را به باد انتقاد و تمسخر بگیرند (۶: ۱)، زنان مسیحی نیز باید شاهد خوبی برای غیرمسیحیان باشند. ممکن است زنان قادر به احراز مقام شیخی در کلیسا نباشند، اما می‌توانند در خانه‌هایشان به مسیح خدمت کنند (تیتس ۲: ۴-۵).

سپس پولس این اصل را که هر خانواده‌ای باید به احتیاجات اعضای خود رسیدگی کند، خلاصه نمود (اول تیموتائوس ۵: ۱۶). پولس در مورد چگونگی سرپرستی اعضای خانواده توضیح دقیقی نمی‌دهد، مثلاً کمک هزینه به آنها بدهند، از آنها در خانه‌های خود نگهداری کنند یا برایشان کاری فراهم کنند و غیره. تصمیم کلیسا بسته به احتیاجات خاص افراد فرق دارد. چگونه این اصل مهم و اساسی در زندگی مسیحیان عملی است؟

شکی نیست که ما وظیفه داریم به والدین و اجداد خود احترام گذاشته و احتیاجات آنها را تأمین کنیم. هر خانواده مسیحی قادر به پذیرش عضو دیگری به جمع خانواده نیست و هر بیوه‌ای نیز خواستار زندگی با فرزندان نیست. در صورت بیماری و معلولیت، مراقبت ضروری است و احتمالاً بعید به نظر می‌رسد چنین توجه و مراقبتی را بتوان در خانه فراهم نمود. هر خانواده‌ای در این خصوص باید مطابق خواسته خدا تصمیم بگیرد و البته آسان هم نیست. مسئله مهم این است که ایمانداران عشق و توجه خود را نثار نیازمندان کرده و تا آنجا که می‌توانند به یکدیگر کمک کنند.

#### ۴- مسئولین کلیسا (۱ تیموتائوس ۵: ۱۷-۲۵)

دستورالعمل‌های این بخش عمدتاً به مشایخ مربوط می‌شود اما می‌توان از آن برای رابطه بین شبان و مسؤل کلیسا نیز استفاده کرد. همکاری صمیمانه بین مشایخ و شماسان (و سایر مسؤلان) ستایش برانگیز است. باعث تأسف است وقتی شبان سعی دارد با دیکتاتوری کلیسا را هدایت کند (۱ پطرس ۵: ۳)، یا وقتی مسؤل کلیسا سعی دارد خود را همچون رهبری برجسته جلوه دهد (۳ یوحنا: ۹-۱۰).

به نظر می‌رسد تیموتائوس مشکلاتی با مشایخ کلیسای افسس داشت. او جوان بود و خیلی چیزها باید می‌آموخت. افسس محل آسانی برای

خدمت نبود. همچنین برای تیموتائوس پیروی از کسی مثل پولس که مسئولیت نظارت بر کلیسا را بر عهده داشت آسان نبود. گفتار تودیدی پولس با مشایخ افسس (اعمال ۲۰) حکایت از سخت‌کوشی، وفاداری، احترام و محبت مشایخ نسبت به او می‌کند (۲۰: ۳۶-۳۸). با اینکه پولس شخصاً تیموتائوس را به افسس فرستاده بود اما او با مشکلاتی روبرو بود. شاید به همین علت پولس او را به نوشیدن شراب توصیه می‌کند (اول تیموتائوس ۵: ۲۳). آیا تیموتائوس ناراحتی معده داشت؟ یا به علت مسئولیت‌ها و مشکلاتی زیادی که داشت مریض شده بود؟ آیا از عقاید برخی معلم‌ها پیروی کرده بود (۴: ۱-۵) یا این رژیم غذایی‌اش بود که موجب ناراحتی‌اش شده بود. ما جوابی برای این سوالات نداریم. شایان ذکر است توصیه به نوشیدن شراب، تأییدی بر صنعت مشروبات الکلی نمی‌باشد. مصرف شراب برای مقاصد دارویی نیاپستی مصرف عمومی آن را تشویق کند. کتاب مقدس ما را به پرهیز کامل از شراب توصیه نمی‌کند اما مستی را نکوهش می‌کند. سفارش پولس به تیموتائوس در رابطه با مشایخ شامل سه موضوع می‌شود:

*الف- حقوق مشایخ (اول تیموتائوس ۵: ۱۷-۱۸).* در کلیسای اولیه، علاوه بر شبانان، مشایخ نیز رهبری کلیسا را بر عهده داشتند. ایشان به طور کامل خود را وقف کار خدا می‌کردند و شایسته دریافت مزد بودند. امروزه در اکثر کلیساها مشایخ، مشاغل دیگر داشته و با کلیسا نیز همکاری دارند. معمولاً خدمتگزاران شبان در خدمت کامل کلیسا هستند (البته منشی و متصدیان و... هم جزء مشاغل تمام وقت کلیسا به شمار می‌آیند. اما تأکید پولس در اینجا بر ایشان نیست).

مشایخ کلیسا شامل دو گروه می‌شوند: ناظرین که بر امور اجرایی کلیسا نظارت دارند و معلمین که کلام خدا را تعلیم می‌دهند. این مشایخ از خود کلیسا بر مبنای دعوت خدا، و تجهیز روح القدس و منس و



خدمت روحانی‌شان انتخاب می‌شدند. پس از انتخاب، برای خدمت دستگذاری می‌شدند (اعمال ۱۴: ۲۳؛ ۲۰: ۱۷، ۲۸؛ تیطس ۱: ۵).

کلیسای محلی نیازمند ناظر و معلم است. روح القدس عطیایی برای کمک و هدایت به کلیسا می‌بخشد (۱ قرن‌تیا ۱۲: ۲۸). کلیسای بی‌نظم باعث ائتلاف زحمت، پول و فرصت‌ها می‌شود. بدون نظارت رهبران روحانی بر خدمت‌های مختلف کلیسای محلی، هرج و مرج همه جا را فرا می‌گیرد. با این حال، نظارت مستبدانه نیز پسندیده نیست. اداره کلیسا با مدیریت فروشگاه خواربار یا کارخانه تولیدی فرق دارد. با اینکه رعایت اصول تجاری و سازمانی مفید در کلیسا شایسته است، ولی کلیسا محل تجاری نیست.

رفتار مستبدانه برخی رهبران کلیسا باعث رانده شدن مردم از کلیسا شده است که این خود بی‌احترامی به کلام خدا است. نظارت بدون تعلیم نتیجه‌ای ندارد. کلیسای محلی با کلام رشد می‌کند (افسیان ۴: ۱۱ به بعد). اگر ایمانداران با کلام خدا تغذیه و تجهیز نشوند، ضعیف و بی‌فایده شده و فقط مشکل ایجاد می‌کنند.

پولس به تیموتائوس گفت که اطمینان حاصل کند رهبران بر حسب نوع خدمتشان حقوق کافی دریافت می‌کنند و برای اثبات نظرش به قانونی از عهد عتیق اشاره کرد (تثنیه ۲۵: ۴). بهترین تفسیر در این خصوص را می‌توان در ۱ قرن‌تیا ۹: ۷-۱۴ یافت.

سپس وی کلامی از خداوندمان عیسی مسیح آورد "فرد زحمتکش، مستحق مزد خویش است" (لوقا ۱۰: ۷). این قول در آن زمان شایع بود ولی پولس کلام مسیح را قانون عهد عتیق مقایسه می‌کند. اگر شبان کلیسا در موعظه کلام و هدایت و رهبری مردم وفادار است، کلیسا نیز موظف است وفادار بوده و حقوق کافی به او پرداخت کند. "حرمت مضاعف" (اول تیموتائوس ۵: ۱۷) را می‌توان "پرداخت سخاوتمندانه"

ترجمه کرد (کلمه استفاده شده که عبارت است از کسی که زحمت زیاد می‌کشد و شایسته عزت و دریافت حقوق بیشتر می‌باشد).

برنامه خدا این است که احتیاجات خادمینش توسط اعضای کلیسا تأمین شود؛ خداوند کلیسائی را که به خدمتگزارانش وفادار است، برکت می‌دهد. اگر احتیاجات شبان کلیسا بر آورده نشود نشانگر بی‌وفایی و ضعف کلیسا است. خداوند روزی‌رسان است و نیاز خادمینش را به طریقی فراهم می‌کند، اما خدا چنین کلیسایی را از برکت محروم می‌سازد یا خدمتگزارانش را به جای دیگر می‌فرستد. از سوی دیگر شبان نباید فقط برای پول خدمت کند (۳: ۳). "مجادله با کلیساها" و یا "جایی با حقوق بیشتر پیدا کردن" خواسته خدا نیست. شایسته نیست شبان نیازهای مالی خود را برای جلب حمایت کمیته مالی در موعظه‌اش بگنجاند.

ب- انضباط مشایخ (اول تیموتائوس ۵: ۱۹-۲۱). انضباط معمولاً دو جنبه افراطی دارد. یا اصلاً انضباطی وجود ندارد و گناه و سرپیچی موجب تضعیف ایمان اعضای کلیسا شده است یا مسئولین پا را از حد فراتر گذاشته و بسیار سخت می‌گیرند، طوری که اصول روحانی کلام را زیر پا می‌گذارند. جهت مطالعه بیشتر در مورد انضباط در کلیسا این آیات را مطالعه نمایید: متی ۱۸: ۱۵-۱۸؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۶-۱۶؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۳-۲۶؛ رومیان ۱۶: ۱۷-۱۸؛ ۲ یوحنا ۹-۱۱؛ غلاطیان ۶: ۱-۳؛ تیطس ۳: ۱۰؛ ۱ قرنتیان ۵: ۲؛ ۲ قرنتیان ۲: ۶-۱۱. پولس در این متن (۱ تیموتائوس ۵: ۱۹-۲۱) به بحث در مورد انضباط رهبران کلیسا پرداخت. باعث تأسف است که گاهی اعضا کلیسای نیاز به توبیخ دارند و بدتر از آن توبیخ رهبر روحانی است که مرتکب گناه شده است. رهبران الگوی کلیسا هستند و چنانچه بلغزند بر دیگران اثر بدی می‌گذارد.

هدف از انضباط و توبیخ کلیسا، اصلاح است نه انتقام. هدف برگرداندن خطاکار به راه راست می‌باشد، نه گریزاندن او از جماعت کلیسا. بایستی در کمال محبت و فروتنی رفتار کرد (غلاطیان ۶: ۱-۳). در حقیقت مفهومی که از کلمه "اصلاح کردن" در غلاطیان ۶: ۱ استنباط می‌شود عبارت است از "جا انداختن استخوان شکسته"، انجام چنین کاری حوصله و دقت زیادی می‌طلبد.

اولین هشدار که پولس به تیموتائوس داد این بود که از حقیقت اتهامی که به کشیش وارد می‌شود اطمینان حاصل کند و برای این منظور از دو یا چند شاهد استفاده کند (اول تیموتائوس ۵: ۱۹). این اصل همچنین در تثنیه ۱۹: ۱۵؛ متی ۱۸: ۱۶ و ۲ قرنتیان ۱۳: ۱ آمده است. کاربرد دو جانبه این اصل را می‌توان در اینجا یافت.

نخست، آنان که اتهامی می‌زنند باید با شاهد آن را ثابت کنند. شایعه و سوء ظن دلیل کافی برای توبیخ نیست.

دوم در صورت اتهام، شاهد باید حاضر باشد؛ یعنی متهم این حق را دارد در حضور شاهد با متهم روبرو شود.

یک شب عضو کلیسایی موقع صرف شام در کلیسا به من نزدیک شد و دنبال فرصتی بود تا مرا متهم به خرابی کلیسا کند. این زن شایعه‌های زیادی شنیده بود که هیچ‌یک اساسی نداشت. وقتی شروع به صحبت کرد از دو نفری که نزدیک ما ایستاده بودند خواهش کردم تا شاهد گفتگوی ما باشند. لازم نیست بگوییم که او بلافاصله حرفش را قطع کرد و از ما دور شد.

باعث تأسف است که کلیساها از کلام خدا سرپیچی کرده و به شایعات، دروغ‌ها و بیهوده‌گویی‌ها گوش فرا می‌دهند. زندگی و خدمت بسیاری از شبانان از همین طریق تباه شده است و برخی حتی از خدمت خود استعفا داده‌اند. "آنجا که دود است، آتش است" این شعاری

مناسب برای داوطلبین حرفه آتش‌نشانی است اما کاربردی در کلیسا ندارد. این شعار احتمالاً به این معنا است که زبان همچون زبانه آتش جهنم است و می‌تواند زندگی را به نابودی کشاند (یعقوب ۳: ۶).

هشدار دوم پولس این بود که تیموتائوس توبیخ را در حضور همه انجام دهد. سیاست پنهانی مقامات دولتی جایی در کلیسا ندارد. مسیح فرمود: "به کسی مخفیانه چیزی نگفته‌ام" (یوحنا ۱۸: ۲۰).

اگر مسؤلی گناهکار است، باید او را در حضور سایر رهبران توبیخ کرد (اول تیموتائوس ۵: ۲۰). باید به او فرصت توبه داد و در صورت توبه او را بخشید (۲ قرنتیان ۲: ۶-۱۱) و وقتی که بخشیده شد نباید موضوع حل و فصل شده را دوباره مطرح کرد.

هشدار سوم پولس (اول تیموتائوس ۵: ۲۱)، تیموتائوس را موظف می‌کرد بدون توجه به احساسات شخصی دستورات کلام را اجرا کند. باید وظیفه خود را بدون تعصب یا تبعیض در مقابل گناهکار به انجام می‌رساند. اعضای کلیسا هیچ برتری بر دیگری ندارند؛ همه نزد خدا و کلام خدا مقام یکسان دارند؛ تعصب یا تبعیض به وخامت اوضاع می‌افزاید.

ج- انتخاب و دست‌گذاری مشایخ (اول تیموتائوس ۵: ۲۲-۲۵). تنها خدا از قلب همه با خبر است (اعمال ۱: ۲۴). کلیسا برای انتخاب مسؤولین نیازمند حکمت و هدایت روحانی است. سپردن مسؤولیت از روی عجله به ایماندار جدید یا عضو جدید کلیسا خطرناک است. گناه برخی از مردم آشکار است، اما عده‌ای می‌توانند گناهان خود را پنهان کنند گرچه از عواقب آن در امان نخواهند بود و در روز داوری حقیقت آشکار خواهد شد (اول تیموتائوس ۵: ۲۴). هرچند نیکوکاری ایمانداران متعهد برای جلب توجه مردم نیست اما اعمال خوب ایشان بر همگان آشکار است (۵: ۲۵).

به عبارت دیگر کلیسا باید با دقت زندگی رهبران احتمالی آینده را تحت نظر داشته باشد تا اطمینان حاصل کند مسئله‌ای جدی وجود ندارد. با دستگذاری مشایخ گناهکار در گناه ایشان شریک شده و آن را تأیید می‌کنیم. گفتار "خدا با تو باشد" به یک گناهکار، مهر تأییدی به اعمال پلید اوست (۲ یوحنا ۱۰-۱۱). چقدر بیشتر مقصر خواهیم بود اگر ایمان‌داری را دستگذاری کنیم که زندگی خدایسندانه‌ای ندارد.

هیچ شبان یا عضو کلیسایی کامل نیست، اما نباید دلیل شود که از تلاش برای دستیابی به کمال دست بکشیم. رهبری کلیسا موجب صعود یا سقوط خدمت روحانی می‌گردد. در سایه رهبری الهی است که برکت و رحمت خدا شامل حال ما می‌گردد. این همان چیزی است که به آن نیازمندیم.

## فصل ششم

# دستورات مافوق

## اول تیموتائوس ۶

این فصل به ادامه نصایح پولس به تیموتائوس در خدمت به گروه‌های مختلف ایمانداران در کلیسا می‌پردازد. پولس از واژه نظامی استفاده می‌کند: "برای خدا خوب بجنگ" (۶: ۱۲)؛ "تو را مکلف می‌سازم" (۶: ۱۳)؛ (این همان واژه نظامی است که در ۱: ۳ استفاده شد). "به آنان که ثروتی دارند بگو" (۶: ۱۷)؛ "ای تیموتائوس آنچه را که به تو امانت سپرده شده حفظ کن" (۶: ۲۰). به عبارت دیگر، ممکن است بگویید پولس ژنرالی بود که دستوراتی را از خدا (فرمانده ارشد) به تیموتائوس می‌داد.

دی. ال. مودی از سراینده کلیسایش، آیرا سانکی می‌خواست تا در فعالیت‌های بشارتی‌شان از سرود "به پیش ای سرباز مسیح" استفاده نکند. او فکر کرد کلیسایی که می‌دید اصلاً به یگان ارتشی شباهتی ندارد. اگر متوسط مردان نظامی طرف ما در جنگ جهانی دوم آن‌طور که مسیحیان مطیع فرمان خدا هستند، از دستورات افسر مافوق اطاعت می‌کردند ما جنگ را باخته بودیم. پیشنهاد شد به جای این سرود، از "سرباز مسیحی گوش به فرمان" استفاده شود.

پولس نحوه رفتار با چهار گروه را در کلیسا به تیموتائوس تعلیم داد و به او آموخت چگونه در زندگی‌اش اراده خدا را پیشه خود سازد.

### ۱- غلامان مسیحی (۱ تیموتائوس ۶: ۱-۲)

برخی از مورخین تخمین زده‌اند که نیمی از جمعیت امپراطوری روم را بردگان تشکیل می‌دادند. بسیاری از ایشان تحصیل کرده و با

فرهنگ بودند، اما از نظر قانونی حتی اشخاص عادی هم تلقی نمی‌شدند. پیام نجات انجیل و آزادی در مسیح مورد توجه بردگان قرار گرفت و بسیاری از ایشان ایمان آوردند. هرگاه برده‌ها فرصت پیدا می‌کردند به کلیسا می‌رفتند، زیرا در آنجا برده بودن عار نبود (غلاطیان ۳: ۲۸).

اما مشکلی وجود داشت، برخی بردگان از آزادی جدیدشان در مسیح سوء استفاده می‌کردند و از اربابشان سرپیچی می‌کردند. ایشان لازم بود بدانند آزادی روحانی‌شان در مسیح، موقعیت اجتماعی‌شان را تغییر نمی‌دهد. با این حال، جماعت کلیسا آنها را با محبت و احترام می‌پذیرفتند.

**الف- بردگانی با اربابان غیر مسیحی (۱ تیموتائوس ۶: ۱).** هیچ ارباب مسیحی برده‌اش را "تحت سلطه" خود قرار نمی‌دهد بلکه با عشق و احترام با او رفتار می‌کند (کولسیان ۴: ۱، فلیمون ۱۶). ترمرد برده‌ای علیه ارباب غیر مسیحی، بی‌حرمتی به انجیل است. "نام خدا" و تعالیمش مورد اهانت قرار می‌گیرد (رومیان ۲: ۲۴) و به همین دلیل است که پولس و بشارت‌دهندگان اولیه از موعظه علیه عمل شنیع برده‌داری امتناع می‌کردند، در غیر این صورت کلیسا به عنوان گروه نظامی شناخته می‌شد که سعی در بهم زدن نظم اجتماعی دارد و در نهایت به پیشرفت انجیل به طور قابل ملاحظه‌ای صدمه می‌زد.

**ب- بردگان با اربابان مسیحی (اول تیموتائوس ۶: ۲).** خطری که در اینجا احساس می‌شود این است که برده مسیحی از اربابش به این علت که هر دو نجات‌یافته هستند، سوء استفاده کند. شاید برده بگوید که "ارباب من، برادر من است" یا "ما با هم برابر هستیم و او نمی‌تواند به من دستور بدهد". این نگرش باعث ایجاد مشکلاتی در خانه و کلیسا می‌شود.

پولس با سه دلیل روشن کرد که چرا بردگان مسیحی باید به ارباب مسیحی‌شان احترام گذاشته و از ایشان سوء استفاده نکنند. روشنترین دلیل این است که اربابشان مسیحی است (وفادار = ایمان داشتن). چگونه ایمانداری می‌تواند از ایماندار دیگر سوء استفاده کند؟ دوم اینکه اربابشان مورد محبت مسیح است. عشق طغیان نمی‌کند و یا به دنبال فرصتی برای فرار از مسؤولیت نیست. و بالاخره، ارباب و برده هر دو از اطاعت بهره می‌برند ("مشارک" به هر دو آنها اطلاق می‌شود). وقتی مسیحیان یکدیگر را مطابق خواست خدا خدمت می‌کنند، هر دو از رحمت خدا بهره‌مند می‌شوند.

مشاوره زن جوانی را به یاد دارم که از کارش استعفا داده بود تا در یک سازمان مسیحی مشغول به کار شود. پس از یک ماه کار در آنجا کاملاً سرخورده و ناامید شده بود. او می‌گفت: "فکر می‌کردم کار در آنجا مثل بهشت روی زمین خواهد بود، اما جز مشکلات چیز دیگری نبود." پرسیدم: "آیا همان قدر که برای رئیس مسیحی‌ات کار کردی برای رئیس دیگر هم کار می‌کردی؟"، جوابش را از روی چهره‌اش خواندم، به او توصیه کردم که سعی کند سخت‌تر کار کند و به رئیس‌اش احترام بگذارد. نجات او در مسیح باعث نمی‌شد که کمتر از آنچه که باید کار کند. آن دختر جوان به نصایح من عمل کرد و مشکلاتش رفع شد.

## ۲- معلمین کاذب (۱ تیموتائوس ۶: ۳-۱۰)

پولس این نامه را با هشدارهایی درمورد معلمین دروغین آغاز کرد (۱: ۳ به بعد) و حتی برخی از تعالیم خطرناکشان را نیز رد کرد (۴: ۱ به بعد). رهبران روحانی کلیسای محلی باید پیوسته بر تعلیمات نظارت کنند تا از ورود تعالیم دروغین به کلیسا ممانعت به عمل آورند



(اعمال ۲۰: ۲۸-۳۲). شبانی را می‌شناسم که متوجه شد معلم مدرسه یکشنبه به جای تعلیم کلام، رویاهای خود را تعریف می‌کند.

*الف- خصوصیات این معلمین دروغین (اول تیموتائوس ۶: ۳-۵ الف).* اولین ویژگی ایشان امتناع از پذیرش "تعلیمات صحیح و کامل خداوند ما عیسی مسیح و اصول خداپسندانه" است (۶: ۳). این تعلیم الهی بوده و اصول زندگی خداپسندانه را ترویج می‌دهد. اشعیا سخن هر معلمی را مطابق کلام خدا می‌سنجید: "مردم موافق کلام و دستورات خدا سخن نمی‌گویند و کلامشان عاری از نور حقیقت است" (اشعیا ۸: ۲۰). بسیار مهم است که کلیسا به "تعلیم صحیح [سالم] پایبند باشد" (۲ تیموتائوس ۱: ۱۳).

ویژگی دوم، نگرش خود معلم است. معلم کاذب به جای رفتار متواضعانه، بسیار مغرور است. البته دلیلی برای غرورشان وجود ندارد، آنها از دانش بی‌بهره هستند (اول تیموتائوس ۶: ۴، ۱: ۷).

ایمانداری که کلام خدا را درک می‌کند و مطابق آن عمل می‌کند، دلش از شور و شوق لبریز و سرش از باد غرور تهی می‌شود (لوقا ۲۴: ۳۲، دانیال ۹: ۱-۲۰). "نگرش متکبرانانه" معلم باعث می‌شود در مسائل کوچک کلام بحث و مشاجره کند (اول تیموتائوس ۶: ۳). به جای تغذیه از کلام عالی و کامل مسیح، با سوالات بیهوده روح خود را بیمار می‌کند. حاصل چنین تعلیم غیر روحانی "حسادت، نزاع، ناسزا، توهین، بدگمانی و جر و بحث دائمی" است (۶: ۴ تا ۵).

چنین بحث‌هایی مردم را از حقیقت دور می‌کند (۶: ۵)، در حالیکه ایشان فکر می‌کنند که به حقیقت دست یافته‌اند! فکر می‌کنند مشاجرات هفتگی آنها در جلسات و تبادل عقایدشان که جهالتی بیش نیست باعث رشد روحانی‌شان می‌شود، حال آنکه اصلاحی صورت نمی‌گیرد و موجب انحطاط اخلاق می‌شود.

ب- انگیزه تعالیشان (۱ تیموتائوس ۶: ۵- ۱۰). این معلمین کاذب تصور می‌کردند "دین وسیله‌ای برای کسب ثروت است" (ترجمه لفظی). "دین" در اینجا (۵: ۶) به معنی "حرفه" بوده و مفهوم زندگی خدایسندانه با قدرت روح‌القدس را در بر نمی‌گیرد. این معلمین از حرفه دینی‌شان به عنوان وسیله‌ای برای کسب پول استفاده می‌کردند. ایشان از روی راستی و حقیقت خدمت نمی‌کردند بلکه صرفاً تجارت مذهبی به راه انداخته بودند. پولس همواره مراقب بود که از خدمتش برای کسب منافع مادی استفاده نکند. در حقیقت، یک بار کمک مالی کلیسای قرنتس را نپذیرفت تا کسی او را به حرص و طمع متهم نکند (۱قرنتیان ۹: ۱۵-۱۹). او هرگز از موعظه‌اش برای جلب حمایت مالی مردم استفاده نکرد (۱تسالونیکیان ۲: ۵). حزن‌آور است که باجگیران دینی مردم ساده لوح را طعمه خود قرار داده و با وعده کمک به ایشان، پولشان را به یغما می‌برند.

برای آگاهی تیموتائوس و ما از خطرات حرص و طمع، پولس چهار حقیقت را روشن می‌کند:

۱- ثروت رضایت نمی‌آورد (اول تیموتائوس ۶: ۶). کلمه خشنودی عبارت است از "رضایت درونی که آرامش ما را علیرغم شرایط بیرون حفظ می‌کند". پولس از همین لغت نیز بعداً استفاده کرد. "آموخته‌ام به آنچه دارم، راضی و قانع باشم" (فیلیپیان ۴: ۱۱). رضایت حقیقی نتیجه قلبی پاک و خالص است؛ مادیات شادی نمی‌آورد. هرکه به چیزهای مادی برای آرامش و اطمینان تکیه کند، هرگز خشنود نخواهد بود، زیرا مادیات جذبه و کشش خود را از دست می‌دهند. بیشتر این ثروتمندان هستند که به روانپزشکان روی می‌آورند و به فکر خودکشی می‌افتند، نه فقرا.

۲- ثروت دوام ندارد (اول تیموتائوس ۶: ۷). دوست دارم این آیه را اینطور ترجمه کنم "ما با خود چیزی به این دنیا نیاوردیم، زیرا نمی‌توانیم چیزی از این دنیا ببریم" (ایوب ۱: ۲۱). هنگام مرگ روح از بدن جدا می‌شود و روح نمی‌تواند چیزی با خود ببرد. انسان وقتی به این دنیا آمد، برهنه بود و برهنه نیز از این دنیا خواهد رفت. هرچه ثروت اندوخته‌ایم نصیب دولت، وارثین و شاید سازمان‌های خیریه و کلیسا می‌شود. این سوال هرگز بی‌جواب نمی‌ماند، "چقدر با خودش برد؟" هیچ!

۳- نیازهای اساسی ما به آسانی تأمین می‌شود (اول تیموتائوس ۶: ۸). احتیاجات اساسی ما شامل غذا و پوشش (پوشاک و خانه) است. با از دست دادن آنها، توانایی‌مان را برای حفظ سایر امور از دست می‌دهیم. پول پرست تا لحظه آخر که دارد از گرسنگی می‌میرد، همچنان پولش را می‌شمارد. یاد داستانی افتادم؛ کوئیکری (عضو انجمن مذهبی دوستان به تأسیس جرج فاکس) همسایه جدیدش را نگاه می‌کرد که مشغول آوردن اسباب و اثاثیه و وسائل تفنی که ثروتمندان جمع می‌کنند، بود. او پیش همسایه‌اش رفت و به او گفت: "اگر یک وقت چیزی خواستی، پیش من بیا. من به تو خواهم گفت که چطور بدون آن به زندگی‌ات ادامه دهی."

هنری دیوید توریو مؤلف معروف قرن هجدهم به ما یادآوری کرد که ثروتمند بودن فرد به این بستگی دارد که چقدر می‌تواند بدون چیزهایی که ندارد، زندگی کند. احتمالاً خدا از بحران‌های اقتصادی که دنیا با آن روبرو است برای تشویق به ساده‌زیستی استفاده می‌کند. بسیاری از ما قیمت چیزها را می‌دانیم اما ارزش چیزها را نمی‌دانیم. آن قدر جذب تجملات شده‌ایم که اصول زندگی را فراموش کرده‌ایم.

۴- پول دوستی به گناه می‌انجامد (اول تیموتائوس ۶: ۹-۱۰). "آنان که ثروتمند خواهند شد" ترجمه صحیح‌تری است. این عبارت کسانی را توصیف می‌کند که برای خشنودی و رضایت بیشتر به دنبال ثروت‌اندوزی می‌روند. اما ثروت دامی بیش نیست؛ فرد را به اسارت می‌کشد و آزادی را از او می‌رباید. به جای رضایت و خشنودی بیشتر، طمع بیشتر می‌شود. حرص، سیری ندارد. ثروت زیاد به جای سلامتی و حمایت، صدمه می‌زند و زحمت به بار می‌آورد. پولس نتیجه ثروت‌اندوزی را صریحاً چنین توصیف کرد: تمایلات مضر... فرد را به سوی تباهی و نابودی می‌کشاند (۶: ۹). این تصویر کسی را ترسیم می‌کند که در حال غرق شدن است! آدم پول‌دوست به ثروتش اعتماد کرد و بیشتر و بیشتر به دنبال آن دوید، اما هنگام سختی او را نجات نداد و او هلاک شد.

استفاده از مذهب به عنوان پوششی برای مال‌اندوزی عمل خطرناکی است. زحمتکشان خدا مستحق دریافت دستمزد خود هستند (۵: ۱۷-۱۸). انگیزه خادم خدا نباید پول باشد؛ یعنی نباید مانند مزدوران فقط برای پول کار کند (یوحنا ۱۰: ۱۱-۱۴). نباید بپرسیم "چقدر به نفع است" بلکه باید بگوییم "چقدر می‌توانم ببخشم".

### ۳- شبان (۱ تیموتائوس ۶: ۱۱-۱۶، ۲۰-۲۱)

تیموتائوس در حالی که به احتیاجات مردم رسیدگی می‌کرد، باید مراقب خودش هم می‌بود. "به‌دقت مراقب ... باش" (۴: ۱۶)، یکی از نصایح پولس بود. عبارت "اما تو" (۶: ۱۱) تناقض بین تیموتائوس و معلمین دروغین را نشان می‌دهد. آنها به این دنیا دلبستگی داشتند، اما تیموتائوس "مرد خدا" بود. این لقب ویژه هم‌چنین به موسی (تثنیه ۳۳: ۱)، سموئیل (۱ سموئیل ۹: ۶)، ایلیا (پادشاهان ۱۷: ۱۸) و داود (نحمیا ۱۲: ۲۴) داده شد. تیموتائوس در جمع خوبی بود.

پولس به تیموتائوس چهار سفارش کرد که در صورت پیروی از آنها موفقیت خدمت روحانی‌اش تضمین می‌شد و شهادتی بر لقبش یعنی "مرد خدا" بود:

*الف- بگریز (اول تیموتائوس ۶: ۱۱ الف).* گاهی گریختن نشان ترس و بزدلی است. نحیا پرسید: "آیا می‌شود مردی همچون من از خطر فرار کند؟" (نحمیا ۶: ۱۱). اما زمانی گریز نشانه حکمت و راهی برای پیروزی است. یوسف از زن اربابش گریخت (پیدایش ۳۹: ۱۲) و داود از دست پادشاه شائول که سعی در کشتن وی داشت، فرار کرد (اسموئیل ۱۹: ۱۰). کلمه "گریختن" که پولس در اینجا از آن استفاده کرد مفهوم لفظی دویدن را نمی‌دهد، بلکه منظور کناره‌گیری تیموتائوس از اعمال زشت معلمین کاذب می‌باشد. بازتاب این سفارش را در ۶: ۵ می‌بینید: "از اینگونه اشخاص دوری کن".

همیشه وحدت خوب و جدایی بد نیست. زمانی است که خدمتگزار باید در برابر اصول غلط و آیین شیطانی موضع مستحکمی اتخاذ کند و از آنها دوری گزیند. با این حال بایستی یقین حاصل کند که جدایی او از معلمین کاذب مطابق کلام باشد نه از روی تعصب شخصی و جانبداری.

*ب- پیشه خود ساز (اول تیموتائوس ۶: ۱۱ ب).* جدایی بدون رشدی مثبت و سازنده به انزوا می‌انجامد. بایستی فیض‌های روح را در خود تقویت کنیم در غیر اینصورت تنها به عنوان کسی که مخالف اصول غلط است شناخته شده و فیض‌های روح را در خود رشد نداده‌ایم. "درستکاری" یعنی "صداقت شخصی".

"خداپسندانه" یعنی "پرهیزگاری عملی". نخستین ویژگی به شخصیت و دومین ویژگی به عمل مربوط می‌شود.

"ایمان" بهتر است که "وفاداری" ترجمه شود. گفته شده قابلیت اعتماد، بزرگترین توانایی است.

"عشق" محبت فداکارانه‌ای است که به خاطر دیگری از حق خود می‌گذرد. عشق نمی‌ستاند بلکه می‌بخشد.

"صبر" به معنی تحمل و پایداری در شرایط دشوار است. این انتظار نه از روی بی‌خیالی بلکه شجاعانه انجام می‌گیرد.

"نرم خویی" دلیل بر ضعف نیست، بلکه "قدرت تحت کنترل" است. بردباری شجاعانه بدون نرمی، استبداد است. شاید "لطافت" بهترین تعریف باشد.

ج- بجنگ (اول تیموتائوس ۶: ۱۲-۱۶). این فعل به معنی "دست نکشیدن از مبارزه" می‌باشد. این کلمه‌ای است که از آن واژه "رنج و مشقت کشیدن" به دست می‌آید که برای ورزشکاران و سربازان استفاده می‌شود. این کلمه فردی را توصیف می‌کند که رنج می‌کشد و تمام سعی‌اش را می‌کند تا جایزه را ببرد یا در نبرد پیروز شود. پولس در اواخر عمرش نوشت "من مبارزه زندگی‌ام را به خوبی به پایان رساندم" (۲ تیموتائوس ۴: ۷).

منظور "جنگ" بین ایمانداران نیست، بلکه به انسان خداشناس با دشمنی که او را محاصره کرده‌است، اشاره دارد. او برای دفاع از ایمان حقیقی که به امانت به کلیسا سپرده شده، می‌جنگد (۶: ۲۰). مسیحیان امروز همچون نحمیا در عهد عتیق لازم است ابزاری برای بنا در یک دست و شمشیری برای جنگ در دست دیگر داشته باشند (نحمیا ۴: ۱۷). حزن‌آور است که برخی مسیحیان وقت زیادی صرف نبرد با دشمن می‌کنند و وقتی برای انجام کارشان و بنای کلیسا ندارند. از سوی دیگر، اگر ما موضع مستحکمی در برابر مخالفین اتخاذ نکنیم، هر آنچه را که بنا کرده‌ایم از دست می‌دهیم.

چه عاملی ما را به نبرد تشویق می‌کند؟ "حیات ابدی" امید بزرگی برای ما است. ایمان راسخ به این وعده ما را از ناامیدی می‌رهاند. خدا ما را خوانده است و این تضمین پیروزی ما است. ما در حضور عموم به ایمانمان به مسیح اعتراف کرده‌ایم و دیگران در کلیسا دوش به دوش ما در این نبرد می‌جنگند.

عامل دیگر تشویق در نبرد، عیسی مسیح است که برای ما شهادت می‌دهد. مسیح در برابر "پنطیوس پیلاطوس" شهادت داد (۱۳: ۶) و در برابر دشمن انعطاف نشان نداد. او می‌دانست خدا با او و محافظ اوست و از مردگان برخواید خاست. این خداوند است که به همه چیز زندگی می‌بخشد (ترجمه لفظی) و مراقب ماست. پس لازم نیست از چیزی بهراسیم. شاید ترس ذاتی تیموتائوس او را می‌داشت تا از نبرد شانه خالی کند. اما تنها کاری که باید می‌کرد این بود که اعتراف بی‌پاکانه مسیح را به خاطر آورد و به او توکل کند (۱۳: ۶).

پولس به تیموتائوس دستور نظامی داد، "من تو را مکلف می‌سازم" (آیه ۱۳، ۱: ۳). تیموتائوس وظیفه داشت این حکم را حفظ کرده و از آن اطاعت کند، چرا؟ چون روزی فرمانده خواهد آمد و او باید گزارش عملکردش را بدهد! او تنها از طریق اجرای اوامر "بدون عیب و نقص" می‌توانست آماده باشد (۴: ۱۶).

کلمه یونانی ترجمه شده "ظهور" (۶: ۱۴)، "ظهور پر جلال و شکوهمندانه" معنی می‌دهد. در زمان پولس، این کلمه را در افسانه‌ها برای توصیف رب‌النوعی استفاده می‌شد که فرد گرفتار را نجات می‌داد. پولس با استفاده از این لغت، ظهور عیسی مسیح را پس از رستاخیزش از قبر (۲ تیموتائوس ۱: ۱۰) و بازگشتش (آخر زمان) (۲ تیموتائوس ۴: ۱، ۸) توصیف می‌کند. زمان بازگشت مسیح را نمی‌دانیم، اما خدا او را در "زمان معین" خواهد فرستاد (اول

تیموتائوس ۶: ۱۵). وظیفه ما این است که هر روز به او وفادار باشیم و به فرامین او عمل کنیم (۱ یوحنا ۲: ۲۸).

فاعل اول تیموتائوس ۶: ۱۶ خدا است، خدا و پدر سرور ما عیسی مسیح. خدا تنها فرمانروا است، گرچه ممکن است دیگران چنین عنوانی داشته باشند. "فرمانروای مطلق" (۶: ۱۵) مفهوم "قدرت" را افاده می‌کند. شاید پادشاهان و حکمرانان این دنیا فکر کنند که صاحب قدرت و اختیارند، حال آنکه خدا بر همه چیز مسلط است (مزمور ۲).

"پادشاه پادشاهان" و "سرور سروران" (اول تیموتائوس ۶: ۱۵) ما را به یاد مسیح می‌اندازد (مکاشفه ۱۷: ۱۴؛ ۱۹: ۱۶). اما اینجا این عنوان به خدای پدر اطلاق می‌شود. البته مسیح تجلی خدای پدر است، پس می‌تواند مدعی این عنوان نیز باشد.

"فنا ناپذیر" (اول تیموتائوس ۶: ۱۶) یعنی "ابدی و جاودانی". بشر محکوم به مرگ است اما خدا ابدی و جاودانی است. جاودانگی جزء ذات خدا است. او غیرفانی، نادیدنی و عالم کل است (۱: ۱۷). مرگ و نابودی بر خدا تسلط ندارد؛ او خود حیات و حیات‌بخش است و دستخوش تغییر و فساد نمی‌شود. در این دنیا ایمانداران در بدن‌های فانی هستند، اما وقتی مسیح بازگشت کند ما در جاودانگی مسیح شریک خواهیم شد (۱ قرن‌تیان ۱۵: ۵۰-۵۸).

به خاطر داشته باشید که پولس همه این حقایق را درباره خدا به تیموتائوس توضیح داد تا او را تشویق کند "جنگ" کند و تسلیم نشود. لازم نیست از زندگی بهراسیم چون حاکم مطلق خداست؛ و دلیل ندارد از مرگ هراسان شویم چون در جاودانگی با خدا شریک هستیم.

تیموتائوس در افسس زندگی می‌کرد، شهری که مردمش خدا را نمی‌شناختند. اما خداوند با نور پرجلال خود در میان ما ساکن شد. "حضور پرجلال خدا همچون شعله‌های فروزان آتش بود" (خروج ۲۴:



۱۷). "تو خود را با عزت و جلال آراسته و خویشتن را با نور پوشانده‌ای" (مزمور ۱۰۴: ۲). توصیف یوحنا از بهشت تأکیدی است بر جلال و شکوه خدا که روشنایی به شهر می‌بخشد (مکاشفه ۲۱: ۱۱، ۲۳-۲۴، ۲۲: ۲۵). البته نور، نشان تقدس است (۱: ۵-۷). خداوند از گناه مبرا است و جلال و شکوه او در تقدسش می‌باشد.

برای انسان گناهکار تقرب به خدای مقدس ممکن نیست. تنها از طریق عیسی مسیح است که ما به حضور خدا راه می‌یابیم. یعقوب حضور خدا را روی زمین دید (پیدایش ۳۲: ۳۰) و خدا به موسی اجازه داد تا کمی از شکوه و جلالش را ببیند (خروج ۳۳: ۱۸-۲۳). کسی هرگز خدا را ندیده است (یوحنا ۱: ۱۸). این عبارت به دیدن ذات خدا یعنی به ماهیت روحانی‌اش اشاره دارد. ما تنها تجلی ذات خدا را می‌بینیم (مثلاً در شخص عیسی مسیح).

چرا پولس بر وجود خدا و شکوه و جلالش تأکید داشت؟ احتمالاً به عنوان هشدار علیه "پرستش امپراطور" که در زمان امپراطوری روم وجود داشت. شایع بود که سزار را سرور و خدای خود خطاب کنند! البته مسیحیان می‌گفتند که مسیح سرور و خدای ماست. تنها خدا صاحب قدرت و عزت ابدی است (اول تیموتائوس ۶: ۱۶). اگر تیموتائوس می‌خواست که در راه خدا خوب بجنگد، باید عیسی مسیح را به عنوان تنها کسی که شایسته پرستش و اطاعت کامل است، می‌پذیرفت.

د- وفادار باش (اول تیموتائوس ۶: ۲۰-۲۱). خدا حقیقت را به پولس به امانت داده بود (۱: ۱۱) و پولس آن را به تیموتائوس سپرده بود. این مسؤلیت تیموتائوس بود که از این امانت محافظت کرده و آن را در اختیار دیگران قرار دهد تا ایشان نیز آن را به نسل‌های بعد بسپارند (تیموتائوس ۲: ۲). این روش خدا برای حفاظت از حقیقت و انتشار

آن می‌باشد. ما خدمتگزاران اصول ایمان هستیم و خداوند از ما انتظار دارد تا در انتشار خبر خوش نجات وفادار باشیم.

کلمه "معرفت" در (اول تیموتائوس ۶: ۲۰) به معنی تکنولوژی عصر حاضر نیست؛ "دانش دروغین" ترجمه بهتری است. پولس در اینجا به تعالیم گروهی بی‌ایمان اشاره کرد که گنوستیک نامیده می‌شدند. این گروه ادعا می‌کردند است که دارای دانش روحانی ویژه‌ای هستند. نیازی نیست به بحث تفصیلی در مورد ادعاهای تعالیم گنوستیکی بپردازیم. نامه پولس به کولسیان برای مقابله با این گروه نوشته شد. ایشان ادعا می‌کردند از دانش روحانی عالی به واسطه رویاها و سایر تجارب برخوردارند. همچنین می‌گفتند که به حقایق مرموزی در مورد عهد عتیق به ویژه شجره نامه‌ها دست یافته‌اند. ایشان تعلیم می‌دادند ارتباط انسان با خدا از طریق فیض‌های زیادی صورت گرفت و عیسی مسیح تنها یکی از بزرگترین این فیض‌ها بود.

گنوستیک‌ها در حقیقت اصلی داشتند که ترکیب عجیبی بود از مسیحیت، زهدگرایی شرقی، فلسفه یونان و شریعت یهود. همچون بسیاری از مذاهب هندویی که امروزه شاهد آنها هستیم، این اصل "چیزی برای همه" داشت. اما پولس همه تعالیم ایشان را در یک عبارت خلاصه کرد، "سخنان باطل، بیهوده و ضد خدا". ترجمه فیلیپس از اصل عبارت است از "ترکیبی از عقاید ضد و نقیض غیر الهی".

چرا تیموتائوس باید از این تعالیم اجتناب می‌کرد؟ زیرا برخی از ایشان در اثر همین بحث‌های بیهوده "ایمانشان را از دست داده بودند" (۶: ۱۲). نه فقط انگیزه‌های منفی (۶: ۱۰) بلکه اعمال غلط نیز باعث از دست رفتن ایمان می‌شود. این دروغ‌ها آهسته و پنهانی وارد قلب و ذهن فرد می‌شوند و او را از حقیقت دور می‌کنند.

#### ۴- ثروتمندان (۱ تیموتائوس ۶: ۱۷-۱۹)

پولس در مورد خطرات پولپرستی مطالبی نوشته بود، اما او به تیموتائوس دستور ویژه‌ای می‌دهد. شاید فکر کنیم که این حکم به ما مربوط نمی‌شود و فقط مختص ثروتمندان است، حال آنکه این‌طور نیست. علاوه بر این، سبک زندگی امروزی ما به گونه‌ای است که یقیناً از نظر کلیسای تیموتائوس "ثروتمند" به حساب می‌آید!

*الف- فروتن باشید (اول تیموتائوس ۶: ۱۷/الف).* اگر ثروت باعث خودخواهی می‌شود، فرد درک درستی از دارایی‌اش ندارد. "اما خدا را همیشه به خاطر داشته باش، زیرا او توانایی ثروتمند شدن را به شما می‌بخشد" (تثنیه ۸: ۱۸). ما مالک چیزی نیستیم بلکه خدمتگزاریم. ثروت ما به خاطر نیکی خدا است نه شایستگی ما. دارایی‌های مادی باید فرد را فروتن نموده و باعث اکرام و جلال خدا شود، نه خودش!

امکان اینکه در این دنیا غنی (اول تیموتائوس ۶: ۱۷) و در دنیای دیگر فقیر باشیم یا در این دنیا فقیر (اول تیموتائوس ۶: ۱۷) و در دنیای دیگر غنی باشیم، هست. مسیح در مورد هر دو سخن گفت (لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱). اگر ایماندار آنچه را که دارد برای تکریم و تمجید خدا استفاده کند، می‌تواند هم در این دنیا و هم در آن دنیا ثروتمند باشد (متی ۶: ۱۹-۳۴). در حقیقت کسی که در این دنیا فقیر است می‌تواند حتی از دارایی اندک خود برای جلال بخشیدن به خدا استفاده کند و پاداش عظیم آن را در دنیای دیگر بگیرد.

*ب- اعتماد به خدا و نه به ثروت (اول تیموتائوس ۶: ۱۷/ب).* کشاورز ثروتمند در مثال مسیح (لوقا ۱۲: ۱۳-۲۱) فکر کرد که ثروت برای او امنیت می‌آورد، حال آنکه در واقع خلاف آن صادق بود. او واقعاً به خدا توکل نداشت. ارزش و دوام ثروت متغیر است. دزد ممکن است مالتان را ببرد، ممکن است از ارزش

سرمایه‌گذاری‌های شما کاسته شود و یا ممکن است با گذشت زمان خانه و ماشین خود را از دست بدهید. اگر خدا به ما ثروتی می‌بخشد، بایستی به او اطمینان کنیم، اطمینان به بخشاینده ثروت نه به خود ثروت.

ج- لذت از مواهب خدا (اول تیموتائوس ۶: ۱۷ ج). بله، کلمه لذت بردن در کتاب مقدس وجود دارد! در حقیقت یکی از موضوعات تکراری کتاب جامعه است: "از موهبت‌های زندگی‌ات لذت ببر، زیرا سرانجام خواهی مرد" (۲: ۲۴؛ ۳: ۱۲-۱۵، ۲۲؛ ۵: ۱۸-۲۰؛ ۹: ۷-۱۰؛ ۱۱: ۹-۱۰). از موهبت‌های زندگی لذت بردن گناه نیست؛ خدا این موهبت‌ها را بخشیده تا از آنها لذت برده و او را تمجید و تکریم کنیم.

د- استفاده از موهبت‌های الهی در کارهای نیک (اول تیموتائوس ۶: ۱۸-۱۹). باید از ثروت خود نفعی به دیگران برسائیم؛ آن را با دیگران قسمت کنیم و برای انجام کارهای نیک از آن استفاده نماییم. نیکوکاری به غنای روح افزوده و باعث برکت و رزق بیشتر می‌شود (لوقا ۱۶: ۱-۱۳). "با انجام اعمال نیک به زندگی جاوید دست یابند" (اول تیموتائوس ۶: ۱۹) به این معنی نیست که نجات نیافته‌اند. "زندگی واقعی را به دست آورند"، مفهوم جمله را کاملاً روشن می‌کند. ثروت باعث اسارت فرد در دنیای غیر واقعی لذت سطحی می‌شود، اما ثروت با "اراده خدا" زندگی واقعی به فرد بخشیده و آن را طولانی و پرثمر می‌کند.

جمله پایانی پولس "فیض خدا بر شما باد"، صرفاً خطاب به تیموتائوس نوشته نشده است، بلکه روی سخنش با تمام کلیسا است (ضمیر جمع است). تیموتائوس در مقام رهبر کلیسا موظف بود به سخن پولس توجه خاص مبذول دارد، اما اعضای کلیسا نیز از این

مسئولیت معاف نبودند و موظف بودند از آن اطاعت کنند و همینطور ما در عصر حاضر موظف به اطاعت از آن هستیم.

## رئوس مطالب تیطس

موضوع: مسیحیان باید در اعمال نیکو نمونه باشند (۳: ۸).

### ۱- سازمان کلیسا- فصل اول

- ۱- کلام خدا را موعظه کن (۱: ۱-۴)
- ۲- رهبران شایسته را دستگذاری کن (۱: ۵-۹)
- ۳- دهان معلمین دروغین را ببند (۱: ۱۰-۱۶)

### ۲- وظایف مسیحی- فصل دوم و سوم

- ۱- مقدسین مسن (۲: ۱-۴ الف)
- ۲- مقدسین جوان (۲: ۴ ب-۸)
- ۳- مسیحیان برده (۲: ۹-۱۵)
- ۴- مسیحیان در مقام شهروند (۳: ۱-۸)
- ۵- افراد مشکل‌آفرین (۳: ۹-۱۱)
- ۶- خاتمه (۳: ۱۲-۱۵)



## فصل هفتم

# نماینده ما در کریت

## تیطس ۱

در حالی که تیموتائوس در مرکز افسس زحمت می‌کشید، تیطس در جزیره کریت سرگرم کارهای زیادی بود. تیطس ایماندار یونانی بود (غلاطیان ۲: ۳) که خدمت شایانی به پولس در مأموریتش در کلیسای قرنتس نمود (۲ قرن تیان ۷: ۱۳-۱۴؛ ۸: ۶، ۱۶، ۲۳؛ ۱۲: ۸). ظاهراً مثل تیموتائوس (اول تیموتائوس ۱: ۲)، تیطس هم از طریق خدمت شخصی پولس به مسیح ایمان آورده و نجات یافته بود (تیطس ۴: ۱). پولس در مورد تیطس نوشت "او همکار من است و برای کمک به شما آمده است" (۲ قرن تیان ۸: ۲۳).

چون کار خدا در جزیره کریت آسان نبود، تیطس تا حدودی دلسرد شده بود. او نیز مانند تیموتائوس احتمالاً مرد جوانی بود. ولی بر خلاف او کمرو و بیمار نبود. پولس با تیطس در جزیره کریت بود و او را آنجا گذاشت تا اشتباهات را رفع کند. یهودیان کریت که در روز پنطیکاست حضور داشتند (اعمال ۲: ۱۱) احتمالاً خبر خوش نجات را به سرزمین خود برده بودند.

تیطس به سهم خود مشکلاتی داشت! کلیساها به رهبران شایسته احتیاج داشتند و گروه‌های مختلفی در کلیسا محتاج رهبری بودند. گروهی از معلمین کاذب سعی داشتند شریعت یهود و فیض نجات را بیامیزند (تیطس ۱: ۱۰، ۱۴)؛ ایشان معتقد بودند که مسیحیان نیز باید احکام دین یهود را اجرا کنند. تعدادی از ایمانداران غیر یهودی هم پیام فیض را برای مقاصد شخصی مورد سوء استفاده قرار می‌دادند (۲: ۲).



۱۱-۱۵). با طبیعت مردمان کریت کار کردن دشوار بود (۱: ۱۲-۱۳) و تیطس به صبر و محبت فوق‌العاده‌ای نیاز داشت. برای تیطس خیلی آسان بود بگوید خداوند او را مأمور خدمت در جای دیگر نموده است، ولی با همه سختی‌ها دست از کارش نکشید. با مطالعه دقیق این نامه پی خواهید برد که خلاصه نامه پولس به تیموتائوس است. در همین فصل پولس سه مسئولیت بزرگی که تیطس باید به انجام می‌رسانید، به او گوشزد کرد.

#### ۱- کلام خدا را موعظه کن (تیطس ۱: ۴-۱)

در این سلام و احوال‌پرسی نسبتاً طولانی، پولس بر اهمیت کلام خدا تأکید می‌کند. چهار مرتبه حرف اضافه یونانی "کاتا" که معنی اصلی آن پایین است، به کار برده شده است. اما در این متن، کاتا به ما کمک می‌کند تا رابطه بین خدمت روحانی و کلام را دریابیم. به این چهار نکته توجه کنید:

*الف* - "مطابق ایمانی که ما برگزیدگان خدا به طور مشترک دارا می‌باشیم" (تیطس ۱: الف). کلام خدا حاکم بر خدمت پولس بود. او "غلام خدا" (تنها جایی که پولس این مفهوم را به کار برده است) و "فرستاده‌ای با مأموریت خاص" از سوی عیسی مسیح بود. هدف پولس اشاعه ایمان یعنی بشارت حقیقت کلام بود. "برگزیدگان خدا" آنانی هستند که به مسیح خداوند به عنوان نجات‌دهنده ایمان دارند (۱ پطرس ۱: ۵-۱، افسسیان ۱: ۴).

*ب* - "حقیقتی که مطابق با دینداری است" (تیطس ۱: ب). همچون نامه اول تیموتائوس، دینداری مفهوم کلیدی این نامه است. گرچه خود کلمه فقط یک بار به کار برده شده است ولی تکرار "اعمال نیک" این منظور را تأکید می‌کند (تیطس ۱: ۱۶؛ ۲: ۷، ۱۴؛ ۳: ۱، ۵، ۱۴، ۸). حقیقت کلام، زندگی شریران را تبدیل به زندگی مقدس می‌کند (۲:

۱۲). متأسفانه عده‌ای در کلیسای کریت مثل بعضی اعضای کلیساهای کنونی مدعی بودند که نجات یافته‌اند ولی زندگی‌شان خلاف ادعایشان را ثابت می‌کرد (۱: ۱۲).

ایمان به مسیح خداوند نه تنها امروز ما را نجات می‌دهد و زندگی‌مان را مقدس می‌سازد، بلکه امید به آینده را در ما زنده می‌کند (۲: ۱). ما به آینده مطابق وعده‌های خدا اطمینان کامل داریم و خداوند دروغ نمی‌گوید (اعداد ۲۳: ۱۹). با ایمان به مسیح تولد تازه یافته‌ایم و به "امید حیات جاودانی" زنده‌ایم (۱ پطرس ۱: ۳). ما ایمانداران حیات ابدی داریم (۱ یوحنا ۵: ۱۱-۱۲، یوحنا ۳: ۱۶) و با بازگشت مسیح خداوند از این حیات جاودانی به‌طور کامل بهره‌مند و محفوظ خواهیم شد.

ج- "طبق حکم خدا" (تیطس ۱: ۳). خدا پیام خود را از طریق موعظه آشکار می‌کند. موعظه در اینجا به معنی اعلام کلام نیست، بلکه بر محتوای پیام اشاره دارد. "خدا به این رضا داد تا به وسیله جهالت موعظه (انسان با منطق و حکمتش قادر به درک "پیام صلیب" نیست) ایمانداران را نجات بخشد (۱ قرنتیان ۱: ۲۱). پولس برای تعلیم پیام انجیل تعیین شد (اول تیموتائوس ۱: ۱۱) و آن را به تیطس سپرد. این خدمت روحانی از خدا الهام شده بود و زاینده فکر و خیال هیچ انسانی نبود (غلاطیان ۱: ۱۰-۱۲).

همچون نامه اول تیموتائوس، عنوان نجات‌دهنده اغلب در نامه تیطس تکرار شده است (۱: ۳-۴؛ ۲: ۱۰، ۱۳؛ ۳: ۴، ۶). کلام الهام شده خداوند، مسیح نجات‌دهنده را مکشوف می‌کند، زیرا که گناهکاران به نجات‌دهنده احتیاج دارند. فیض خداوند ما را محکوم نمی‌کند بلکه نجات می‌دهد (۲: ۱۱). مسیح می‌توانست به عنوان داور به این دنیا

بیاید اما او انتخاب کرد که به عنوان نجات‌دهنده بر ما آشکار شود (لوقا ۲: ۱۰-۱۱).

د- "مطابق با ایمان عام" (تیطس ۱: ۴). کلمه عام به معنای "مشترک بودن در" می‌باشد. این ایمان متعلق به همه خلق خدا است نه عده‌ای اندک. ایمانداران در فرقه‌های مختلف مسیحیت ممکن است عناوین مختلفی داشته باشند، ولی همه آنها در یک "نجات عام" سهیم هستند (یهودا ۳). یک حقیقت مسلم به کلیسا عطا شد، "ایمانی که یک بار به مقدسین سپرده شد" (یهودا ۳). خروج از این ایمان عام تعلیم دروغین است و کلیسا نباید با آن سازش کند. با بررسی این چهار نکته در می‌یابید که اساس خدمت پولس بر کلام خدا استوار است. مأموریت و موعظه او بر ایمان به مسیح بنا شده است. پولس می‌خواست تیطس به این مهم پی ببرد و کلام خدا را مقدم بر هر چیز دیگر بداند. در تمام این سه نامه شبانی تأکید بر کلام خدا است. کلیساهای محلی باید "مدرسه‌های کتاب‌مقدس" باشند و کلام را به طور منظم و عملی تدریس کنند.

## ۲- دست‌گذاری رهبران شایسته (تیطس ۱: ۵-۹)

دلیلی که پولس، تیطس را در جزیره کریت گذاشت این بود که جماعت محلی را نظم و سامان بخشیده و کاستی‌ها و کارهای ناتمام را مرتب کند. "اصلاح کردن" اصطلاح پزشکی است که مورد کاربرد آن جا انداختن دست و پای شکسته است. تیطس دیکتاتور روحانی کریت نبود، بلکه نماینده رسمی پولس با اختیارات تام برای خدمت بود. پولس رهبران کلیساهایی را که بنا می‌کرد، دست‌گذاری می‌کرد (اعمال ۱۴: ۲۳)، ولی در کریت به او این فرصت دست نداد تا تیطس را دست‌گذاری کند.

چند شرط لازم را که در اینجا شرح می‌دهیم (تیطس ۱: ۶-۸) قبلاً در اول تیموتائوس ۳: ۲۳ مطالعه کردیم: بدون ملامت، دارای همسر، مهمان‌نواز و جدی باشد؛ از میگزساری، تندخویی و ستیزه‌جویی و حرص و طمع بپرهیزد. شرایطی را که برای رهبری مسیحیان کریت آورده شد در مورد رهبری ایمانداران افسس نیز صدق می‌کند و این نشان می‌دهد که معیار خدا برای تمام رهبران ثابت است. کلیسای شهر بزرگ یا کوچک فرق نمی‌کند، هر دو به مردان خداشناس برای رهبری احتیاج دارند.

حال به ۹ شرط دیگر توجه نمایید:

*الف- "داشتن فرزندان وفادار" (تیطس ۱: ۶ب).* وفادار بودن یعنی ایمان داشتن. فرزندان اسقف باید ایماندار باشند. انصافاً اگر خادم خدا نتواند فرزندان را ایماندار و دیندار کند چگونه می‌تواند دیگران را به سوی مسیح هدایت کند؟ این همان اصلی است که پولس به تیموتائوس تأکید کرد (اول تیموتائوس ۳: ۵). زندگی مسیحی و خدمات مسیحی باید از خانه شروع شود. فرزندان مشایخ نه تنها باید نجات‌یافته باشند، بلکه باید الگوی شایسته اطاعت و تعهد باشند. چنانچه فرزندی روح یاغی‌گری یا سرپیچی داشته باشد، پدر شرط لازم برای رهبری را از دست می‌دهد. البته این مربوط به فرزندی می‌شود که هنوز تحت سرپرستی والدینشان هستند.

اغلب، نوایمانان فکر می‌کنند برای خدمت روحانی فراخوانده شدند و مایلند قبل از آنکه خانواده خود را در ایمان مستحکم کنند، دست‌گذاری شوند. چنانچه فرزندان کوچک باشند، مسئله‌ای نیست؛ اما فرزندان بالغ صدمه زیادی می‌بینند چون والدینشان به ناگاه "مذهبی" می‌شوند. پدر فهمیده قبل از اقدام به هر کاری، ابتدا خانواده خود را ایماندار می‌کند و

به آنها امکان رشد می‌دهد. چنانچه این خط مشی را در کلیسا بیشتر مورد توجه قرار می‌دادیم، از صدمات روحانی بسیاری کاسته می‌شد.

ب- "مباشر خدا" (تیطس ۱: ۷/الف). مباشر آنچه اربابش به او می‌سپارد مدیریت می‌کند ولی صاحب آنها نیست. شاید معروف‌ترین مباشر در کتاب مقدس یوسف است که کنترل کامل بر کلیه امور تجاری فوطیفار داشت (پیدایش ۳۹: ۱-۹). بزرگترین خصلت مباشر، وفاداری اوست (۱ قرن‌تیا ۴: ۱-۲؛ متی ۲۵: ۲۱). مباشر باید آنچه اربابش به او سپرده برای نیکویی و جلال او و نه برای استفاده شخصی خود به کار برد (لوقا ۱۶: ۱-۳).

شبان هرگز نباید بگویند که "این به من تعلق دارد"؛ آنچه او دارد از آن خدا است (یوحنا ۳: ۲۷) و باید برای خدا به کار گرفته شود. وقت، دارایی، همت و استعداد همه از جانب خدا به او قرض داده شده و باید با وفاداری برای جلال خدا و بنای کلیسا به کار گرفته شود. البته همه مسیحیان، نه فقط شبانان، موظفند مباشران وفاداری باشند.

ج- "خودرأی" نباشد (تیطس ۱: ۷/ب). شبان نباید "غیر قابل تحمل" باشد، یعنی به زور بخواهد حرفش را به کرسی بنشانند. اعضای کلیسا باید به رهبران و شماسان احترام گذاشته و از آنان اطاعت کنند اما در عین حال باید یقین داشته باشند که تحت رهبری هستند، نه تحت دیکتاتوری. شبان خودرأی، متکبر است، به انتقادات و پیشنهادهای مردم ترتیب اثر نمی‌دهد و همیشه سعی می‌کند همه کارها مطابق رأی و سلیقه او باشد.

د- "تندمزاج نباشد" (تیطس ۱: ۷/پ). شبان نباید زود عصبانی شود. یک خشم موجه خلاف گناه وجود دارد (افسیان ۴: ۲۶)، ولی اکثراً خشم ما غیر موجه و علیه مردم است. به خودی خود خشم چیز خوبی است. مرد عادل با دیدن نادرستی عصبانی می‌شود. یکی گفت "خشم

چیز شگفت‌انگیزی است و خجالت‌آمیز است که آن را از دست دهیم".  
حقیقتاً چه سخن پر حکمتی!

ه- "دوستدار اعمال نیک" (تیتوس ۱: ۸/الف). ترجمه دیگری که می‌توان ارائه داد این است: کسی که به چیز خوب عشق می‌ورزد که شامل اشخاص نیک نیز می‌شود. همچنین شامل کتاب خوب، موزیک خوب، اتفاقات خوب و بسیاری چیزهای دیگر می‌شود. مرد نیک قلبی نیک دارد و خود را با چیزهای نیک سرگرم می‌کند. باورکردنی نیست که خادم سرسپرده و متعهد کلیسا عمداً با چیزهایی که برای او و خانواده‌اش مضرند، سازش کند.

و- "عادل" (تیتوس ۱: ۸/ب). "درستکار" ترجمه خوبی است. شبان باید صادق باشد، روی حرفش بایستد و به آنچه موعظه می‌کند، عمل کند. پارسایی مشخصه رفتار او باشد.

ز- "مقدس" (تیتوس ۱: ۸/ب). "بی‌لکه" مفهوم را روشن می‌کند. "مقدس باشید چون من مقدس هستم" (۱ پطرس ۱: ۱۶). مقدس در اصل "متفاوت" معنی می‌دهد. ایمانداران با گناهکاران فرق دارند، مسیحیان خلقتی تازه در فیض خداوند دارند (۲ قرنتیان ۵: ۱۷).

ح- "پرهیزکار" (تیتوس ۱: ۸/ت). "مسلط" به خود که به عمل مربوط می‌شود. "منضبط" واژه مترادف آن است. شبان باید وقتش را تنظیم کند تا به کارهایش برسد و بر هوس‌هایش مسلط باشد. مخصوصاً وقتی عضو مهمان‌نواز کلیسا با خوش‌نیتی قهوه و کیک تعارف می‌کند، باید فکر و جسمش را تحت کنترل داشته باشد و خود را تسلیم روح‌القدس کند (غلاطیان ۵: ۲۳، در اینجا "پرهیزکاری" به معنی "خویش‌داری" است).

ط- "استوار در کلام با ایمانی راسخ" (تیتوس ۱: ۹). "قابل اعتماد" کلمه مورد علاقه پولس بود (اول تیموتائوس ۱: ۱۵؛ ۴: ۹؛

۲ تیموتائوس ۲: ۱۱؛ تیطس ۳: ۸). کلام خدا قابل اعتماد است، چون خدا دروغ نمی‌گوید (تیطس ۱: ۲). در اینجا نیز پولس از واژه "تعلیم صحیح" که قبلاً در اول تیموتائوس به کار برده بود، بهره می‌جوید. تعلیم صحیح به اصول درست اشاره دارد که موجب رشد روحانی می‌شود.

بنابراین شبانان کلیسا دو وظیفه روحانی مطابق کلام دارند: ۱. بنای کلیسا بر اساس اصول سالم و ۲. پرهیز از معلمین کاذب که اصول ناسالم را ترویج می‌دهند. عضو ضعیف کلیسا که می‌گوید "احتیاجی به اصول نداریم؛ فقط به ما دعای مفید تعلیم دهید"، نمی‌داند که چه می‌گوید. بدون حقیقت (که همان اصول کتب مقدس است)، کمک روحانی سالم دیگری نمی‌توان یافت. چون از مخالفین اصول راستین سخن به میان آمد، پولس مسؤلیت سومی را به تیطس محول می‌کند.

### ۳- معلمین دروغین را خاموش کن (تیطس ۱: ۱۰-۱۶)

چندی از حیات اولیه کلیسا نگذشته بود که معلمین دروغین ظهور کردند. هر جا که خداوند بذر حقیقت را می‌کارد، شیطان بی‌درنگ برای نهادن بذر دروغ ظاهر می‌شود. تیطس با دشمنی مشابه که در اول تیموتائوس توصیف شد، روبرو گردید، یعنی آمیخته‌ای از شریعت یهود، سنت‌های ابداعی بشر و تصوف. پولس سه حقیقت مسلم در مورد معلمین دروغین ارائه داد:

*الف- چه شخصیتی داشتند؟* پولس هیچ چیز خوبی در مورد ایشان برای گفتن نداشت! ایشان به دلیل نافرمانی‌شان (ترجمه بهتر یاغی‌گری است)، تسلیم کلام خدا و خادمین خدا نشدند. از معلمینی که خود را تحت رهبری مسؤولین قرار نمی‌دهند، بر حذر باشید.

سخنان آنان پوچ و گمراه کننده بود. با اینکه کلامشان پوچ بود اما مردم را متاثر می‌کرد. اگر بخواهم خلاصه کنم باید بگویم که غیر از

پرحرفی کار دیگری انجام نمی‌دادند. به دیگران می‌گفتند چه باید بکنند ولی خود به آن عمل نمی‌کردند. به تیطس ۱: ۱۶ توجه کنید.

دردناکتر از همه این بود که با اصول دروغین خود مردم را اغوا می‌کردند. ادعا می‌کردند که حقیقت را تعلیم می‌دهند، ولی ایشان دست‌فروشان کذب و دروغ بودند. چون خود از شیطان فریب خورده بودند، دیگران را هم فریب می‌دادند، چیزهایی تعلیم می‌دادند که بنا نبود تعلیم بدهند (۱: ۱۱).

آنها اسیر تمایلات نفسانی و دنیوی خود بودند. "دروغو، حیوانات پلید، پرخور و تنبل" (۱: ۱۲). به جای زندگی در چیزهای فرح‌بخش روحانی از خواهش‌های نفسانی خود لذت می‌بردند. صفاتی که پولس برای توصیف این افراد استفاده کرد، جالب است. این افراد نه فقط "حیوات" بلکه "حیوانات پلید شیطان" بودند. نه تنها "پرخور" بلکه "تنبل" هم بودند. آنها مشهور بودند اما خادم خدا نبودند. از دولت پیروانشان و لخرجی می‌کردند.

پولس سیرت آنان را در آیه ۱۶ خلاصه کرده است. آنها "منفور" یعنی نفرت‌انگیز و مشمئز کننده هستند. مسیحیانی که دارای بینش روحانی عالی بودند، از سیرت و رفتار این معلمین نفرت داشتند و هرگز از آنها متابعت نمی‌کردند. این معلمین به سبب نافرمانی منحرف شده و از درک حقیقت عاجزند. "مردود" در لفظ عبارت است از "عدم توانایی قبولی در امتحان". خدا این اشخاص را به کار نمی‌گیرد، چون ثابت کردند که شایستگی خدمت را ندارند. این لغت یونانی در اول قرن نهم: ۲۷ "محرور" ترجمه شده است. این آیه در مفهوم ورزشی "واجد شرایط نبودن" معنی می‌شود. پولس پس از توصیف این ویژگی معلمین دروغین، حقیقت دومی را ارائه داد.



ب- چه کارهایی که کردند؟ تصویر روشن بود: این معلمین کاذب از این خانه به آن خانه می‌گشتند و با دروغ‌های خود باعث شک در ایمان مردم می‌شدند. ایمان همه خانواده‌ها تحت تأثیر این اصول ناسالم تضعیف می‌شد. مثلاً شریعت یهود را تعلیم می‌دادند (در میان آن دسته از مسیحیان یهودی نژاد که اعتقاد به ختنه داشتند، تیطس ۱: ۱۰ و ۳: ۹)، اما پولس مخالف آن بود. آنان همچنین "افسانه‌های یهود" را درس می‌دادند (۱: ۱۴) که احتمالاً تفسیرهای تخیلی از شجره‌نامه‌های عهد عتیق بود (اول تیموتائوس ۱: ۴). مردم چه چیزها که از آیات کتاب مقدس برداشت نمی‌کنند! یک بار در برنامه گفتگویی رادیویی در شیکاگو در مورد نبوت‌های کتاب مقدس صحبت کردم. مردی تلفن زد و سعی داشت وقت برنامه را با تعبیرات عجیبی که از نبوت‌های دانیال نبی داشت بگیرد. او توضیح روشن کتاب مقدس را رد می‌کرد و از اینکه با عقاید تخیلی‌اش هم عقیده نبودم، عصبانی شد.

دکتر دیوید کوپر همیشه می‌گفت: "وقتی معنی ساده آیه مفهوم است، دنبال معنی دیگر نروید". احتیاجی نیست در جستجوی معانی عمیق‌تر تعالیم ساده کتاب مقدس باشید.

چون می‌دانیم جماعت کلیسای اولیه در منازل با هم ملاقات می‌کردند، درک علت انحراف "کل خانواده‌ها" در اثر سخنان معلمین دروغین دشوار نیست (تیطس ۱: ۱۱). کسانی که جلسات مطالعه کتاب مقدس را در خانه‌هایشان تشکیل می‌دهند باید مراقب تازه واردان با اصول عجیب و غریبشان باشند. بدعت و فرقه‌هایی وجود دارند که با گماردن نمایندگانی در این جلسات سعی در انحراف افکار ایمانداران دارند. خیلی مراقب باشید!

ج- چرا این کار را می‌کنند؟ انگیزه اصلی ایشان پول بود، برای کسب منافع مالی ننگ‌آورشان (۱: ۱۱). ایشان خادم واقعی کلیسا نبوده

و از مذهب به عنوان وسیله‌ای برای پر کردن جیب‌های خود استفاده می‌کردند. به همین دلیل است که پولس یکی از شرایط لازم برای رهبری را "نداشتن حرص و طمع" ذکر کرد. خادم حقیقی خدا برای رسیدن به منافع شخصی خدمت نمی‌کند. بلکه برای رشد ایمان سایرین تلاش می‌کند.

اما در پس این طمعکاری، مشکل دیگری هم وجود داشت و آن فکر و وجدان آلوده بود (۱: ۱۵). این مشکل زمانی اتفاق می‌افتد که فرد دو ارباب را خدمت کند. در ظاهر به احترام حکم می‌کند و در باطن موجب هتک حرمت می‌شود. هیچ‌کس نمی‌تواند خادم دو ارباب باشد. عشق به پول در این فریبکاران باعث شد که آنها به تعلیم اصول غلط بپردازند و زندگی گناه‌آلودی داشته باشند که حاصل آن وجدان آلوده‌ای بود که آنان را محکوم نمی‌کرد. این یک قدم بیشتر با وجدان بی‌حس فاصله ندارد (اول تیموتائوس ۴: ۲).

تیتس ۱: ۱۵ از جمله آیاتی است که بعضی افراد نادان برای دفاع از اعمال شیطانی خود به کار می‌برند. "آنان که دلی پاک دارند، همه چیز را خوب و پاک می‌بینند"، این جمله به صورت عذری برای انواع گناه به کار برده می‌شود. به پسر جوانی در مورد کتابی که می‌خواند تذکر دادم و او برای تبرئه خود گفت: "زیبایی در چشم نگاه‌کننده است. قلب کثیف شما است که آنچه من می‌خوانم گناه می‌بینید، مگر نه اینکه برای پاکان همه چیز پاک است". به طور کلی، پولس تعلیمات غلط شریعت‌مداران را در مورد غذا رد می‌کرد. آنها تعلیم می‌دادند که قوانین خوراک یهودیان شامل ایمانداران مسیحی نیز می‌شود (اول تیموتائوس ۴: ۳-۵) و اگر از غذاهای منع شده بخورید، خود را به فساد خواهید کشاند، و اگر از آنها پرهیز کنید، مقدس‌تر می‌شوید.

پولس خلاف این را تصدیق کرد. این مدرسان کاذب افکار و وجدانشان آلوده و ناپاک است. بنابراین وقتی به این خوراک پاک نگاه می‌کنند، گناه می‌بینند، چون گناه چشم بصیرت آنها را کور کرده است. ولی ما که افکار و وجدان پاک داریم، می‌دانیم که تمام غذاها پاک هستند. این غذا نیست که افکار این معلمین دروغین را منحرف کرده است، بلکه ایشان هستند که غذاها را پاک و آلوده می‌کنند.

اما این اصل (آنانی که دل پاک دارند، همه چیز را پاک می‌بینند) را نبایستی در مورد چیزهایی که می‌دانیم شیطانی هستند، تعلیم بدهیم. برای مثال، تفاوت بین یک اثر هنری و هرزه‌نگاری در چشم بیننده بسیار زیاد است. یک هنرمند بدن انسان را برای منافع شخصی خود مورد استفاده قرار نمی‌دهد. ایمانداري که تسلیم هوای نفس می‌شود و در گناهان جنسی می‌افتد و بعد ادعا می‌کند که این اعمال پاک بودند چون قلبش پاک بود، از کلام خدا برای عذر گنااهش استفاده می‌کند. پولس این اصل را در مورد غذا به کار می‌برد و ما باید مراقب باشیم از حد آن تجاوز نکنیم.

د- تیطس چه باید می‌کرد؟ او نباید ساکت می‌ماند و اجازه می‌داد معلمین دروغین بر همه چیز حاکم شوند! نخست اینکه او باید با اصول صحیح آنان را تشویق و قانع می‌ساخت (تیطس ۱: ۹). تنها حربه موفقیت‌آمیز علیه شیطان، حقیقت خدا است. "پس خداوند فرمود" پایان بخش هر مشاجره و کشمکش است. دوم اینکه او می‌بایست با تعلیم دهانشان را ببندد (۱: ۱۱) و از تعلیم و پخش اصول غلط آنان جلوگیری کند. پولس همین نصیحت را در آخرین نامه‌اش به تیموتائوس کرد "دیگران را متقاعد و توبیخ و تشویق کن و با صبر و شکیبایی تمام تعلیم ده" (۲ تیموتائوس ۴: ۲).

البته مقصود پولس این بود که این معلمین را متقاعد سازد تا "ایمان حقیقی" را بیابند (تیطس ۱: ۱۳). شبان موظف است کلیسا را از تعالیم غلط حفظ کند. تعالیم غلط مثل خمیرمایه پنهانی است که به سرعت عمل می‌کند و همه جا را فرا می‌گیرد (غلاطیان ۵: ۹). بهترین زمان حمله به تعالیم غلط، قبل از شیوع آن است.

بعضی اعضای کلیسا فکر می‌کردند که تفاوتی نمی‌کند به چه ایمان داشته باشند، فقط باید به چیزی ایمان داشت. پولس مخالف این فلسفه احمقانه بود. انتخاب بین ایمان به حقیقت کلام یا ایمان به دروغ، انتخاب بین مرگ و زندگی است و این تفاوت چشمگیری ایجاد می‌کند. این با شماست که به چه ایمان داشته باشید، اما نمی‌توانید عواقب حاصل از انتخاباتان را تغییر دهید.

" و حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد ساخت"  
(یوحنا ۸: ۳۲).



## فصل هشتم

# کلیسای سالم

## تیطس ۲-۳

برخلاف معلمین دروغین، تیطس می‌بایست از اصول صحیح سخن می‌راند (۲: ۱). همان‌طور که میکروب برای بدن مضر است، تعالیم غلط نیز برای بدن روحانی یعنی کلیسا زیان آور است. در آیات این قسمت به اصول صحیح و نصایح عملی مربوط به آن خواهیم پرداخت.

### ۱- اعضا مسن‌تر (تیطس ۲: ۱-۴ الف)

برای مرد جوانی مثل تیطس خیلی راحت بود که از اعضای مسن‌تر کلیسا غفلت نموده و در مورد آنها دچار سوء تفاهم شود. روزی شبانی به من گفت "کلیسایی از جوانان می‌خواهم" و فراموش کرده بود که روزی خودش هم پیر می‌شود. کلیسا به افراد پیر و جوان احتیاج دارد تا به یکدیگر یاری رسانند. فیض خداوند به یاری ما می‌آید تا پلی روی این شکاف سنتی بنا کنیم. یک راه برای دستیابی به این مقصود این است که همه اعضا، پیر و جوان، مطابق استانداردهایی که خدا برای زندگی ما معین فرموده زندگی کنیم. اعضای مسن‌تر باید میانه رو و موقر باشند، "اسیر شراب" نباشند. ایشان ممکن است به سبب کمی مشغله، وقت خود را به صرف شراب بگذرانند.

موقر یعنی "دارای تکریم و احترام" اما این بدین معنی نیست که شخص موقر مثلاً هرگز نمی‌خندد. سنگینی و وقار پیری موجب احترام است و این احترام به آنها اقتدار می‌دهد. من خدا را برای پیران محترمی که در دوران خدمت روحانی به من یاری رساندند شکر

می‌کنم. آنگاه که سخن می‌گفتند تمام کلیسا به گوش بود. "پرهیزکاری" نگرش ذهنی را توصیف می‌کند که به اعتدال و خویشنداری در زندگی می‌انجامد. این درست برعکس سبکسری و بی‌پروایی است که بر جهالت استوار شده است.

پرهیزکاری در تیطس ۱: ۸، ۲: ۴، ۶ و ۱۲ "جدی و سخت‌کوش" و در ۲: ۵ "پاکدامن" ترجمه شده است. در زندگی مسیحی جدیت داشتن در زندگی و هدف حائز اهمیت بسیار است، خصوصاً این امر در مورد پیران صادق است چون عمرشان کوتاه است و وقت برای تلف کردن ندارند.

ایمان، محبت و صبر همه به یکدیگر وابسته هستند. پیران باید به اعتقادشان آگاه بوده و اصول ایمانشان مطابق کلام خدا باشد. زیرا اصول کتاب مقدس نمی‌تواند جانشین فضائل دیگری همچون محبت به دیگران و صبر در مشکلات زندگی باشد. در حقیقت، ایمانی که بر کلام خدا استوار باشد، ایماندار را تشویق به محبت و بردباری می‌نماید. احتمالاً کلمه "مشابه" در آیه ۳ بدین معنی است که پیرزنان نیز باید حائز شرایط مشابه پیرمردان و شرایطی افزون بر آن که فهرست شده باشند. رفتار پیرزنان باید همیشه تجلی تقدس آنان باشد. باید از افترا، سخن‌چینی و شایعه درست کردن پرهیزند ("تهمت غلط" که کلمه یونانی آن "ابلیس" به معنی کسی که افترا می‌زند، می‌باشد). آنان نیز باید در مصرف شراب روش میانه‌ای را برگزینند.

"معلمان تعلیم نیکو" اشاره‌ای است که پولس به پیرزنان می‌کند و تأکید بر تعلیم کلام است. زنان با تجربه و خدانشناس معمولاً معلمینی عالی هستند. کلمه تعلیم در ۲: ۴ با لغت ترجمه شده "پرهیزکار" در آیه ۲ ارتباط دارد. احتمالاً باید به این صورت ترجمه شود "که آنها را تعلیم پرهیزکاری دهند". پیرزنان نه فقط خانه‌داری را به مادران جوان

می‌آموزند، بلکه نگرش ذهنی و روحانی درست را بر ذهن و دل ایشان می‌گذارند.

مؤمنین مسن یکی از قدرتمندترین قوا در خدمت روحانی به شمار می‌آیند. شایسته است کلیساهای محلی بازنشستگان را که وقت برای خدمت دارند ساماندهی و برای خدمت‌رسانی تجهیز نمایند. کمک‌های شایانی توسط این پیران در دعا، تعلیم کلام، ملاقات‌ها، حل مشکلات و بنای کلیسا عاید من شده است.

## ۲- جوانان (تیطس ۲: ۴-۸)

مسئولیت پیرزنان تعلیم زنان جوان است تا ایشان به همسران، مادران و خانه‌داران موفق تبدیل شوند. زنان جوان وظیفه دارند گوش کنند و مطیع باشند. خانواده مسیحی ایده‌ای نو بود و زنان جوان نجات یافته از بت‌پرستی و گمراهی باید به اولویت‌ها و امتیازات جدید عادت می‌کردند. آنان که هنوز شوهر گمراه داشتند به تشویق مخصوصی احتیاج داشتند.

بزرگترین اولویت را در خانه باید به محبت داد. اگر زن، همسر و فرزندان را دوست می‌داشت، موفقیت ازدواج و خانه‌داری آشکار بود. در جامعه غرب، زن و مرد عاشق یکدیگر می‌شوند و بعد ازدواج می‌کنند، ولی در شرق ازدواج چندان عاشقانه نبود، اغلب ازدواج می‌کردند و بعد یاد می‌گرفتند به یکدیگر محبت کنند (افسیان ۵: ۱۸-۳۳ احتمالاً بهترین آیات برای زن و شوهری است که می‌خواهند مطابق اراده خداوند به یکدیگر محبت کنند). عشق مادر به فرزند طبیعی است ولی این غریزه باید کنترل شود. شنیدم که مادری می‌گفت که من آنقدر فرزندم را دوست دارم که نمی‌توانم او را تنبیه کنم. در واقع این مادر محبت خودخواهانه داشت و در واقع فرزندش را هم دوست نداشت. کسی که فرزند خود را تنبیه نمی‌کند، او را دوست



ندارد، اما کسی که فرزندش را دوست دارد، از تأدیب او کوتاهی نمی‌کند (امثال ۱۳: ۲۴). گرچه در شرق تربیت فرزندان معمولاً به عهده پدر بود اما مادر هم در تربیت آنها نقش داشت چون بچه‌ها برای محافظت به دامن مادر پناه می‌آوردند.

"خرداندیش باشید" (تیطس ۲: ۵) مترادف هوشیاری است (معتدل در آیه ۲). طرز تفکر آدمی بر عاقبت کار او اثر می‌گذارد، شخصی که فکر سالم ندارد رفتار شایسته‌ای بروز نخواهد داد. زن برای خدمت روحانی خود در خانه احتیاج به طرز فکر صحیح و منضبط دارد.

"خویشندناری" (عقیقه) دلالت بر این مفهوم می‌کند. اگر والدین از انضباط خود عاجز باشند، هرگز نمی‌توانند فرزندانشان را منضبط کنند. "پاکدامنی" یعنی "فکر و قلب منزّه". زن مسیحی نسبت به شوهرش از فکر، قلب و رفتاری پاک و خالص برخوردار است.

"خانهداری" به این معنی نیست که خانه، زندان زن شود. بلکه مقصود "اداره خانه" است. پولس در اول تیموتائوس ۵: ۱۴ به نگهداری و اداره خانه اشاره کرده است. شوهر عاقل به همسرش اجازه می‌دهد تا مدیریت خانواده را به عهده بگیرد، چون این برای زن خدمت روحانی به شمار می‌آید.

"نیکو" (تیطس ۲: ۵) را می‌توان "مهربان" ترجمه کرد. خشونت زن او را به جایی نمی‌رساند بلکه رفتار مهرآمیز او است که خانواده را حفظ می‌کند (امثال ۳۱: ۲۶).

با اینکه زن در خانه مشغول به کار است، این شوهر است که باید رهبری خانواده را بر عهده بگیرد، بنابراین زن باید مطیع همسر خود باشد. آنجا که محبت است (تیطس ۲: ۴) اطاعت آسان می‌گردد و آنجا که خواست دل تکریم و تمجید خداوند است، مشکلی نیست که آسان نشود.

"اینکه کلام خدا نباید متهم شود" انگیزه خوبی را برای همکاری و اطاعت در خانواده فراهم می‌آورد. باعث تأسف است که می‌بینیم مشکلات خانوادگی و طلاق در بین مسیحیان باعث می‌شود که اشخاص دنیوی کتاب مقدس را مورد استهزا قرار دهند.

تیطس به زنان مسن اجازه داده بود تا تعالیم روحانی را به زنان جوان آموزش دهند تا مبادا آنان خود را گرفتار وضعیت دشواری سازند. تیطس برای طبقه جوان کلیسا الگوی خوبی بود و آنها را به خوبی درک می‌کرد. تشویق و الگوی عملی ابزاری بود که او برای بنای ایمان کلیسا از آنها یاری می‌جست (۲: ۶-۷). تیطس جوانان را به خویشتنداری تشویق می‌کرد، چون وسوسه‌های زیادی وجود داشت.

تیطس بیشتر الگو بود تا مشوق! زندگی خادم بهترین تعلیم او است. بیشتر نوشته‌های پولس نشان می‌داد که تیطس الگوی عملی خوبی بود و کمتر از مشوق بودن او سخن رفته است. خادم باید در همه حال و همه چیز نمونه باشد. آنچه او در کلیسایش می‌طلبد، نخست خودش باید تجلی آن باشد. "حرف می‌زنند و عمل نمی‌کنند" ایراد مسیح به فریسیان بود (متی ۲۳: ۳) و این ریاکاری است.

کلمه یونانی tupos ("الگو"، تیطس ۲: ۷) معادل کلمه نمونه است. این لغت در اصل عبارت است از "تأثیری که فرد با دست شستن از خواهش‌ها و تمایلات نفسانی، بر دیگران می‌گذارد". زندگی تیطس باید به گونه‌ای می‌بود که دیگران از آن الهام می‌گرفتند. این امر از طریق اعمال خوب، تعلیم صحیح اصول، نگرش جدی و گفتار درست و سالم عملی بود، طوری که هیچ‌کس حتی دشمن نتواند او را محکوم کند. خواه باب میل ما باشد یا نباشد، افرادی هستند که همواره در پی جنگ و ستیزند. سخن شبان باید به گونه‌ای باشد که او را در موضعی مستحکم، بدون سرزنش اطرافیان قرار دهد.

شبان کلیسا بودن کار آسانی نیست. او برنامه کاری منظمی ندارد و همواره در حال انجام وظیفه است. باید خیلی مواظب باشد خود آنچه را که تعلیم می‌دهد به کار بندد. باید از هویتی واحد در پشت منبر و دور از منبر برخوردار باشد. ریاکاری در پیام و رفتار، دشمن بزرگ خدمت روحانی است و آن را به تباهی می‌کشاند. همچون عضو کلیسا، شبان نیز کامل نیست، ولی باید تلاش کند تا آنجا که ممکن است بهترین الگو باشد. هیچ کلیسایی بیشتر از رهبرانش پیشرفت نمی‌کند.

### ۳- غلامان مسیحی (تیطس ۲: ۹-۱۵)

پولس معمولاً کلام ویژه‌ای برای غلامان داشت (توجه کنید به افسسیان ۶: ۵-۹، اول تیموتائوس ۶: ۱-۲). ما برای این کلام پولس به تیطس بسیار خرسندیم چون در اینجا است که او یکی از بزرگترین خطابه‌هایش را در مورد نجات در عهد جدید آشکار کرد. پولس همواره اصول و وظیفه را بهم مربوط می‌ساخت. وی لزوم پرهیز از سه گناه شایع را به غلامان مسیحی هشدار داد (تیطس ۲: ۹-۱۰).

نخست، نافرمانی. غلامان در همه حال باید مطیع اربابان خود باشند و با تلاشی مضاعف سعی در جلب رضایت ایشان بکنند. ممکن است اطاعت ایشان نه از صمیم قلب (افسسیان ۶: ۶) بلکه از روی اکراه انجام گیرد. بعضی اربابان گمراه، بی‌ملاحظه بودند و از غلامان خود بیگاری می‌کشیدند.

دومین گناه، جواب پس دادن است (تیطس ۲: ۹). غلام نباید به ادامه جر و بحث دامن بزند (اربابان ممکن است او را به سختی توبیخ کنند). احتمالاً دلیلش این است که ارباب کمتر از غلام می‌داند و این باعث می‌شود غلام با او بحث و مشاجره کند. غلام همچنین ممکن است در نزد دیگران از اربابش شکوه کند، یقیناً این گواهی خوبی برای غلام مسیحی نیست.

سومین گناه، دزدی است. غلامان مسیحی همچنین باید از دزدی اجتناب کنند. این گناهی بود که احتمالاً انیسیموس نسبت به فلیمون مرتکب شده بود (به فلیمون آیه ۱۸ نگاه کنید). برای غلام بسیار آسان است که اشیاء کوچک را بردارد و آنها را بفروشد و بعد گزارش دهد که آنها شکسته یا گم شده‌اند.

در جامعه امروزی، غلام به آن مفهوم وجود ندارد، بلکه عنوان کارمند به آن نسبت داده می‌شود. کارمندان و کارگران مسیحی باید از دستورات اطاعت نموده و جواب پس ندهند. از مسؤولان خود دزدی نکنند. هر ساله میلیون‌ها دلار دزدی می‌شود، از گیره کاغذ و قلم گرفته تا ماشین و وسایل اداری. بهانه "به من بدهکار هستند" عذر موجهی نیست.

پولس دلیل خوبی در ضرورت قابل اعتماد بودن (نمایش کامل صداقت و وفاداری) ارائه داده است: درستی و صداقت کارمندان و کارگران مسیحی موجب فخر و احترام برای کلام خدا می‌شود. وقتی با صداقت و وفاداری خدمت می‌کنیم به جمال کتاب مقدس می‌افزاییم و پیام مسیحیت را برای بی‌ایمانان جذاب‌تر و خواستنی‌تر می‌سازیم. اما پولس در خطاب به غلامان کلیسای تیموتائوس (اول تیموتائوس ۶: ۱) گفت که "نام خدا و احکام او مورد بدگویی و اهانت واقع نشود". انگیزه مثبت پیام خدا را جذاب‌تر می‌کند و تعالیم خدا را از بدگویی حفظ کرده و زندگی را تحت کنترل در می‌آورد.

در تیطس ۲: ۱۱ پولس معنی مبسوطی از "نجات‌دهنده" ارائه می‌دهد (آیه ۱۰) و توضیح می‌دهد به چه سبب این نجات را توسط عیسی مسیح داریم. تأکید وی بر فیض است یعنی لطف و رحمت عظیم خدا نسبت به گناهکاران که شایستگی دریافت آن را نداشتند. پولس به

سه معجزه شگفت‌انگیز که در سایه فیض خداوند شامل حال ما می‌شد، اشاره می‌کند.

**الف- فیض ما را نجات می‌دهد (تیطس ۲: ۱۱، ۱۴ الف)،** انسان نمی‌تواند خود را نجات دهد. فیض خداوند راه نجات بشر گمراه را فراهم می‌نمود. نجات و رستگاری نه توسط گناهکاران بلکه از طریق زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی مسیح نمودار گشت. خداوند به واسطه فیض، پسرش را فرستاد تا آنان را که در اسارت گناهند، نجات بخشد. این نجات عظیم برای تمام عالم بشریت است (اول تیموتائوس ۲: ۴-۶ را ملاحظه نمایید). دنیا نیازمند بود و خدا علاج را برای همه آنانی که ایمان می‌آورند، فراهم ساخت. پولس در مورد این نجات توضیح بیشتری داد (تیطس ۲: ۱۴). مسیح "فدای ما شد" یعنی به جای ما بها را پرداخت. او بر روی صلیب، بار گناهان ما را بر دوش گرفت تا ما بتوانیم از چنگ گناه رهایی یافته، زندگی پاک‌دیده باشیم (۱ پطرس ۲: ۲۴). کلمه نجات یعنی "آزادی با پرداخت بها". ما همگی برده گناه (تیطس ۳: ۳) و از نجات خود عاجز بودیم. اما مسیح جان خود را برای آزادی ما از گناه فدا کرد. با مرگش شریعت مقدس خدا را به انجام رسانید تا خدا با فیضش ایمان‌آوردگان به مسیح را عفو نموده، رها سازد.

ما "از تمام گناهان" بازخریده شده‌ایم، بدین معنی که دیگر گناه بر ما تسلط ندارد. به یاد داشته باشید که موضوع این عبارت پند و اندرز پولس به غلامان است، آنان معنی بازخرید را می‌دانستند. "شرارت" یعنی "یاغی‌گری". هنگامیکه گمراه بودیم از شریعت خدا تهرمت کردیم، اما اکنون همه چیز عوض شده است. این پولس را به خدمت دوم فیض رهنمون ساخت.

ب- فیض ما را اصلاح می‌کند (تیطس ۲: ۱۲)، نجات تنها تغییر موضع نیست (رهایی از بردگی گناه)، بلکه همچنین تغییر فکر، رغبت، هدف و عمل است. همان فیضی که ما را بازخريد کرد همین‌طور زندگی ما را اصلاح و ما را دیندار می‌سازد. "تأدیب کردن" یعنی "منضبط کردن". ما با فیض خداوند منضبط می‌شویم و تعلیم می‌گیریم و به انسان‌هایی تبدیل می‌شویم که نام خدا را تمجید و تکریم می‌کنند.

زندگی الهی دارای جنبه منفی (نفی آنچه که خلاف مشیت الهی است) و جنبه مثبت (اتخاذ زندگی به دور از گناه) است. ما بی‌دینی (هر آنچه که خلاف اراده خدا است) و خواسته‌های دنیوی را نفی می‌کنیم (به ۱ یوحنا ۲: ۱۵-۱۷ نگاه کنید). یعنی یک بار و برای همیشه اعمال غیر الهی را نفی می‌کنیم و این امری قطعی و مسلم است. سپس بر جنبه مثبت موضوع کار می‌کنیم. یعنی زندگی خداپسندانه‌ای را در پیش می‌گیریم. "جدیت" مترادف "خویش‌داری، وقار و خرداندیشی" است (تیطس ۲: ۲). در اینجا رابطه ایماندار با خودش مورد تأکید است. در عین حال در روابطش با دیگران به درستی عمل می‌کند. "خداپسندانه" رابطه ایماندار با خدا را نشان می‌دهد. این روابط در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند.

ایمانداران در زمان حال زندگی می‌کنند، ولی مطابق آن یا برای آن زندگی نمی‌کنند. مسیح خود را برای گناهان ما داد تا ما را از این عالم شریر خلاصی بخشد (غلاطیان ۱: ۴)، پس نباید از این دنیا تبعیت کرده (رومیان ۱۲: ۱-۲) و مطابق استانداردهای آن زندگی کنیم (افسیان ۲: ۲). ما که لذت کلام نیکوی خداوند و قدرت‌های عالم آینده را چشیده‌ایم (عبرانیان ۶: ۵)، نباید بخواهیم که بی‌دینی و پوچی عصر حاضر را ترویج دهیم.

فیض ما را اصلاح می‌کند، چون که خدا ما را پاک ساخته، جزء قوم خاص خود می‌کند (تیطس ۲: ۱۴). این عمل پاکسازی "تقدیس" نامیده می‌شود و هدف این است که ایماندار بیشتر شبیه مسیح بگردد (رومیان ۸: ۲۹). تقدیس صرفاً جدایی از گناه نیست بلکه همچنین وقف خدا شدن است (۲قرننتیان ۶: ۱۴ تا ۷: ۱). "خاص" در اینجا به معنی عجیب یا غریب نیست، بلکه به قوم برگزیده‌ای که در مالکیت خداوند هستند، اشاره دارد (تثنیه ۱۴: ۲، ۲۶: ۱۸ را ملاحظه نمایید).

ج- فیض به ما پاداش می‌بخشد (تیطس ۲: ۱۳). ما در انتظار بازگشت مسیح هستیم و این تنها امید و جلال ما است. این آیه صریحاً تأکید می‌کند که عیسی مسیح خداوند است، چون فقط یک حرف تعریف در زبان یونانی وجود دارد: "خدای عظیم و نجات‌دهنده ما". پولس توضیحات مفصلی درباره وقایع مربوط به بازگشت مسیح نداده است. ایمانداران باید همیشه چشم انتظار بازگشت باشند و مانند کسانی زندگی کنند که مسیح را در برابر خود می‌بینند.

#### ۴- ایماندار در مقام شهروند (تیطس ۳: ۱-۸)

در امپراطوری روم مسیحیان مورد سوء ظن بودند، زیرا رفتارشان متفاوت بود. ایشان در جلسات خصوصی برای پرستش جمع می‌شدند (۱پطرس ۲: ۱۱-۲۵، ۳: ۱۳ تا ۴: ۵).

بسیار مهم است که بدون سازش در ایمان، شهروند خوبی نیز بود. ممکن است همسایگان گمراه از قانون سرپیچی کنند، اما ایمانداران باید مطیع مقامات دولتی باشند (رومیان ۱۳). "همواره آماده انجام کار نیک باشند" (تیطس ۳: ۱) یعنی "همکاری در اموری که کل اجتماع را شامل می‌شد". تبعه آسمانی بودن (فیلیپیان ۳: ۲۰) ما را از مسؤولیت‌های زمینی‌مان فارغ نمی‌سازد.

ایماندار نباید به مسئولین دولتی نگرشی نادرست داشته باشد و آن را با تهمت و اعمال ستیزمجویانه بروز دهد. کلمه ملایم (تیطس ۳: ۲) یعنی "طرز فکر ملایم و کمال حلم". مسیحیانی که چنین ویژگی را دارند در اطاعت از قانون مشکلی ندارند و چنانچه مسائل اخلاقی در میان نباشد، مشتاقانه حاضر به سازش هستند.

بار دیگر پولس وظیفه را به اصول مرتبط می‌سازد. او می‌نویسد "اینقدر از همسایگان گمراه انتقاد نکنید و به یاد داشته باشید خود قیل از نجات چگونه بوده‌اید". آیه سوم توضیح چندانی نمی‌طلبد. ما خود آن را تجربه کرده‌ایم.

"مهربانی و محبت خدا" (۴: ۳) چه تفاوت چشمگیری پدید آورد. اگر مایلید توصیف عالی از مهربانی و رحمت خدا داشته باشید به دوم سموئیل مراجعه کنید و به رفتار داود نسبت به مفیوشت، شاهزاده لنگ توجه کنید. مفیوشت از خاندان شائول بود و انتظار داشت که کشته شود ولی داود با محبت جانش را خرید و با او مثل یکی از پسرانش رفتار کرد و او را بر سر سفره شاهانه نشاند.

نجات نه تنها به خاطر لطف خدا، بلکه به سبب فیض او نصیب ما شد (تیطس ۳: ۵). ما باعث نجات خودمان نشدیم بلکه خدا ما را نجات داد. چگونه؟ توسط معجزه خلقت نو به واسطه روح مقدسش. تصور نمی‌کنم کلمه "تطهیر" در اینجا به معنی غسل تعمید باشد چون در زمان عهد جدید به اشخاص بعد از نجات غسل تعمید داده می‌شد. غسل تعمید باعث نجات نمی‌شود (اعمال ۴۳: ۱۰-۴۸). "تطهیر" در اینجا به معنی شستشوی کامل است. وقتی گناهکاری به خدا ایمان می‌آورد، از تمام گناهانش طاهر می‌شود و با سکنی گزیدن روح القدس در وجودش "شخص جدیدی" می‌شود.



پولس این تجربه پاکی را به کلام خدا نسبت داد (افسیان ۵: ۲۶). نجات گناهکار با ایمان به مسیح حاصل می‌شود، آنگاه که روح القدس با کلام خدا تولدی نو می‌دهد. ما از روح (یوحنا ۳: ۵-۶ "آب" به تولد جسمانی اشاره دارد که نیکودیمس قبلاً از آن سخن گفته بود، آیه ۴) و کلام تولد یافته‌ایم (۱ پطرس ۱: ۲۳-۲۵). در تیطس ۳: ۶ ضمیر "که" به روح القدس اشاره دارد که به هنگام تولد تازه به ما داده می‌شود (اعمال ۲: ۳۸، رومیان ۸: ۵، ۹: ۵).

ما مسیحیان نه تنها در مسیح پاک شده و خلقتی نو داریم، بلکه عادل هم شمرده شده‌ایم (تیطس ۳: ۷). در مورد این اصل شگفت‌انگیز به تفصیل در رومیان ۳: ۲۱ تا ۸: ۳۹ بحث شده است. عادل شمرده شدن ما در سایه فیض خدا است، یعنی خداوند گناهکاری را که ایمان آورده به سبب کاری که مسیح روی صلیب به انجام رسانید، عادل و درستکار می‌شمارد. خدا درستکاری پسرش را به حساب ما می‌گذارد تا دیگر در محکومیت نباشیم. نه تنها او گناهان ما را می‌آمرزد، بلکه حتی فراموش می‌کند که ما گناهکار بوده‌ایم.

نتیجه چنین مهربانی، محبت، رحمت و فیض چیست؟ امید!

ما وارثین خدا هستیم یعنی همین امروز می‌توانیم از ذخائر او بهره‌مند شویم. وقتی مسیح بازگشت نماید، در ثروت و پادشاهی او تا ابد سهم خواهیم بود. این امید را می‌توان در تیطس ۲: ۱۳ یافت. "آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات‌دهنده خود عیسی مسیح را انتظار کشیم". اما امید به اینجا خلاصه نمی‌شود. ما باید زندگی الهی داشته باشیم و بکوشیم که به اعمال نیکوی خود ادامه دهیم (۳: ۸). زندگی طبق استانداردهای الهی تنها حجتی است که گناهکاران بدان وسیله پی می‌برند ما به خدا تعلق داریم. "اعمال خوب" لزوماً کارهای کلیسایی و مذهبی نیست. کار در کلیسا، شرکت در دسته سرود یا

عهده‌دار بودن مقام نیکوست اما خدمت به همسایه بی‌ایمان یا مشارکت در کارهای اجتماعی و یاری رساندن به محتاجین نیز بسیار نیکوست. مواظبت از فرزندان مادر جوانی که مورد جفاست همان قدر روحانی است که انتشار مژده کتاب مقدس. خدمت فداکارانه اعضای کلیسا بهترین روشی است که می‌تون به گمراهان شهادت داد.

#### ۵- اشخاص مزاحم (تیطس ۳: ۹-۱۱)

ای کاش اشخاص مزاحم در کلیسا نداشتیم؛ هر جا که انسان باشد، مشکل هم هست. در این مورد، پولس به تیطس هشدار می‌دهد تا از کسانی که در مورد مسائل بی‌اهمیت ایمان بحث می‌کنند اجتناب کند. به یاد دارم بعد از جلسه تدریس کتاب مقدس جوانی به من نزدیک شد و شروع به بحث در مورد مسائل ناچیز نمود. "حالا اگر این حقیقت داشت... اگر آن حقیقت داشت..." تنها جملات و سوالاتی بود که او می‌کرد. آن زمان خیلی بی‌تجربه بودم، بایستی با ادب و نزاکت به سوالات او توجهی نمی‌کردم. توجه به او باعث شد که فرصت صحبت با چند نفر دیگر را که مشکلات شخصی داشتند از دست بدهم. ایماندارن مدعی که دوست دارند جر و بحث کنند، معمولاً افرادی هستند که می‌خواهند روی گناهان خود سرپوش گذارند یا در ایمان سست هستند و یا در خانه و محل کار خود راضی نیستند.

اما شخص مزاحم دیگری به نام "مرتد" وجود دارد که باید با او مقابله کنیم. این لغت کسی را توصیف می‌کند که به زور برای دیگری تصمیم می‌گیرد و تفرقه ایجاد می‌کند. این شخص خودخواه که همیشه فکر می‌کند حق با او است به این و آن روی آورده و مردم را در موقعیتی قرار می‌دهد تا بین او و شبان کلیسا یکی را برگزینند. این عمل جسمانی است (غلاطیان ۵: ۲۰). چنین فردی را باید دست کم دو بار نصیحت کرد و بعد عذرش را خواست.

چطور می‌توان چنین شیوه‌ای را در کلیسای محلی اجرا کرد؟ اگر عضو کلیسایی سعی در جمع کردن عده‌ای دور خود دارد تا پیروانی داشته باشد و بعد عصبانی شده و کلیسا را ترک می‌کند، مانع رفتن او نشوید. اما اگر باز گشت (شاید مورد پذیرش کلیساهای دیگر واقع نشود)، در صورت توبه او را بپذیرید. اگر دوباره به رفتار گذشته خود روی آورد که معمولاً هم اینطور می‌شود، به او فرصت دوباره بدهید؛ اگر از کردار خود دست نکشید، او را از شرکت در جماعت کلیسا محروم کنید (تیطس ۳: ۱۰). چرا؟ چون چنین فردی در رفتار بد تنبیه شده است، وی به گناه خود ادامه می‌دهد و خود را محکوم کرده است (۳: ۱۱ ترجمه تحت‌اللفظی). با رعایت این اصل، آشفتگی‌های کمتری را در کلیسای محلی شاهد خواهیم بود.

#### ۶- نتیجه‌گیری (تیطس ۳: ۱۲-۱۵)

در آیات پایانی، پولس اطلاعات شخصی در اختیار تیطس گذاشت و به او مضمون اصلی رساله را متذکر شد: "تا به این ترتیب، اعضای کلیسای ما یاد بگیرند که در رفع نیازهای ضروری و انجام کارهای نیک کوشا باشند و زندگی خود را بی‌ثمر سپری نکنند" (ترجمه تفسیری). ما در مورد آرتیماس یا تیخیکوس که در اعمال ۲۰: ۴ نامش ذکر شده است اطلاعی نداریم. در نخستین دوره حبس پولس در روم، تیخیکوس با او بود و او رساله‌های پولس به افسسیان (افسیان ۶: ۲۱)، کولسیان (کولسیان ۴: ۷-۸) و همچنین فلیمون (کولسیان ۴: ۷-۹، فلیمون ۱۰) را رسانید. آرتیماس یا تیخیکوس در کریت جانشین تیطس شدند و بعد قرار بود تیطس در نیکاپولیس به پولس ملحق شود.

امکان دارد زیناس و اپلس (تیطس ۳: ۱۳، اعمال ۱۸: ۲ به بعد) این رساله را به تیطس رسانده باشند. پولس آنان را به مأموریتی فرستاده بود و تیطس بنا بود تا آنجا که می‌توانست به ایشان کمک کند. پولس

کلیسای سالم ۱۳۱

نامه خود به تیطس را با دعای اختتام معمول و متنوع خود تمام می‌کند  
(تسالونیکیان ۳: ۱۷-۱۸)، "فیض خداوند با همه شما باد".  
فیض و اعمال نیک با هم عمل می‌کنند.



# رئوس مطالب دوم تیموتائوس

موضوع: آمادگی خدمت در روزهای آخر  
چهار تقاضای پولس برای تشویق تیموتائوس:

## ۱- تقاضای شبانی- فصل اول

- ۱- اشتیاق دلیرانه (۱: ۷-۱)
- ۲- رنج بدون خجالت (۱: ۸-۱۲)
- ۳- صداقت روحانی (۱: ۱۳-۱۸)

## ۲- تقاضاهای عملی- فصل دوم

- ۱- خدمتگزار (۲: ۱-۲)
- ۲- سرباز (۲: ۳-۴، ۸-۱۳)
- ۳- پهلوان (۲: ۵)
- ۴- کشاورز (۲: ۶-۷)
- ۵- معمار (۲: ۱۴-۱۸)
- ۶- ظرف (۲: ۱۹-۲۲)
- ۷- خادم (۲: ۲۳-۲۶)

## ۳- تقاضاهای نبوتی- فصل سوم

- ۱- از کذب و دروغ بر حذر باش (۳: ۱-۹)
- ۲- دنبال آنان که حقیقت جو هستند باش (۳: ۱۰-۱۲)
- ۳- به اطاعت از کلام خدا ادامه بده (۳: ۱۳-۱۷)

#### ۴- تقاضای شخصی- فصل چهارم

- ۱- کلام خدا را موعظه کن (۴: ۱-۴)
- ۲- خدمات روحانی خود را به انجام برسان (۴: ۵-۸)
- ۳- کوشا و وفادار باش (۴: ۹-۲۲)

## فصل نهم

# شجاعت مسیحیان

## دوم تیموتائوس

وقتی پولس رساله دوم به تیموتائوس را می‌نوشت، شرایط او به طرز چشمگیری تغییر کرده بود. او اکنون در روم زندانی و در انتظار مرگ حتمی بود (۲ تیموتائوس ۴: ۶). بنا به دلایلی، تقریباً همه دستیارانش او را ترک کرده بودند و فقط لوقا نزدش بود (۴: ۱۱). روزها برای پولس تیره و تار بود.

اما پولس به فکر خودش نبود، او بیشتر نگران تیموتائوس و موفقیت انجیل بود. همچون رساله اولش، او همکار عزیزش تیموتائوس را به وفاداری تشویق می‌کند. همانطور که می‌دانیم تیموتائوس کمرو بود و ناراحتی جسمانی داشت و به دیگران اجازه می‌داد که از او سوء استفاده کنند. او هیچ اقتداری در مقام شبان از خودش نشان نمی‌داد.

پولس تیخیکوس را به جای تیموتائوس به افسس فرستاد تا تیموتائوس در روم به او ملحق شود (۴: ۹، ۱۲). زمان رحلت پولس فرا رسیده بود و تیموتائوس قرار بود جای او را بگیرد و به رهبری کلیساها ادامه دهد. این کار آسانی نبود، اما او می‌توانست با کمک و قدرت خدا موفق شود. در فصل اول پولس سه اصل لازم جهت موفقیت را ارائه داد:

### ۱- اشتیاق شجاعانه (۲ تیموتائوس ۱: ۱-۷)

اشخاص کمرو که شور و شوقی ندارند، نمی‌توانند جای خود را در خدمت روحانی باز کنند. در حقیقت اشتیاق شجاعانه لازمه موفقیت در هر کاری است. پولس این نگرش را به شعلهور نمودن آتش درون



تشبیه کرده است (۱: ۶). نباید فکر کنیم تیموتائوس تنزل روحانی داشت یا از شور و شوق روحانی بی‌بهره بود، بلکه پولس دستیارش را تشویق می‌کرد تا با شعله‌ور نگاه داشتن آتش درون بر قدرت روحانی‌اش بیفزاید. پولس به چهار طریق تیموتائوس را تشویق کرد:

*الف- محبت پولس (۲ تیموتائوس ۱: ۱-۲).* "تیموتائوس، پسر محبوب من" خیلی قویتر از "تیموتائوس، پسر در ایمان" (اول تیموتائوس ۱: ۲) می‌باشد. این بدین معنی نیست که وقتی پولس رساله اولش را نوشت به او چندان علاقه‌ای نداشت. پولس اکنون داشت محبت خود را بیشتر نشان می‌داد. همچنانکه پولس به انتهای عمرش می‌رسید، بیشتر به عمق محبتش به تیموتائوس پی می‌برد.

پولس با شرایط دشواری روبرو بود، با این حال دلش به خیلی چیزها خوش بود و امیدش را از دست نداده بود. علتش این بود که او سفیر مسیح بود (نبی) و اطمینان داشت که سرورش از او محافظت خواهد کرد. هر اتفاقی که برای او پیش می‌آمد در دستان خدا بود، بنابراین از هیچ چیز هراسی نداشت. علاوه بر این در عیسی مسیح وعده حیات داشت و مسیح بر مرگ غلبه کرده بود (۱: ۱۰). جای شگفتی نیست که پولس قادر بود به تیموتائوس "فیض، رحمت و آرامش" اهدا کند. شایان ذکر است که "رحمت" در دروهای پولس زیاد به چشم می‌خورد (اول تیموتائوس ۱: ۲؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۲؛ تیطس ۱: ۴؛ پولس از اهمیت جایگاه رحمت در خدمت شبانان آگاه بود).

*ب- دعاهای پولس (۲ تیموتائوس ۱: ۳-۴).* چه تشویق بزرگی برای تیموتائوس بود از اینکه می‌دانست شخص بزرگی همچون پولس برای او دعا می‌کند. پولس از ضعف‌ها و مشکلات تیموتائوس آگاه بود و این بار را بر قلب خود حس می‌کرد که برایش دعا کند. دعاهای او شور و

شوقی درونی داشت. می‌دانست که به زودی خواهد مرد و بی‌صبرانه منتظر بود تیموتائوس به او ملحق شود تا در روزهای آخر عمرش همصحبتی داشته باشد. این باعث شادی دل پولس می‌شد.

نباید فکر کنیم پولس با این ادعا که همه اعمال شیطانی‌اش قبل از نجات با "وجدانی پاک" صورت گرفته، سعی می‌کرد آنها را موجه جلوه دهد. او مسلماً گناهکار بود، او عامل وحشت در میان مسیحیان بود؛ مردم را وادار به کفرگویی می‌کرد؛ با قتل استیفان موافقت کرد. درست است که پولس فکر می‌کرد خدا را خدمت می‌کند (یوحنا ۱۶: ۲)، ولی در جهالت روحانی بسر می‌برد (اول تیموتائوس ۱: ۱۳). با این حال این حقایق ضمانتی بر وجدان پاک نیست.

پولس از همان اوایل زندگی‌اش خدا را می‌شناخت زیرا او عبرانی بود (فیلیپیان ۳: ۵). اجدادش به او مذهب یهود را تعلیم داده بودند. ولی وقتی عیسی مسیح را ملاقات کرد متوجه شد ایمان یهودی او در واقع آمادگی برای دستیابی به کمالی بود که از طریق مسیح محقق می‌شد. او خدا را با وجدان پاک اجدادش خدمت نکرد، بلکه از نیاکانش در مورد خدا شنید و حال خدا را با وجدان پاک خدمت می‌کرد. در حقیقت به سبب وجدان پاکش دعاهایش مؤثر بودند.

ج- اعتماد پولس به تیموتائوس (۲ تیموتائوس ۱: ۵). پولس فکر نمی‌کرد که اشک‌های تیموتائوس نشان عجز او است بلکه یقین داشت که ایمانش حقیقی است و او را از مهلکه نجات خواهد داد. ظاهراً اولین کسی که در خانواده تیموتائوس نجات یافت مادر بزرگش لوتیس بود، بعد مادرش افنیکی ایمان آورد. پدرش یونانی بود (اعمال ۱۶: ۱)، بنابراین افنیکی به‌دقت به مذهب یهود عمل نکرده بود. با این حال مادر و مادر بزرگش به او آیات را تعلیم داده بودند (۲ تیموتائوس ۳: ۱۵) و این آمادگی بزرگی برای شنیدن مژده نجات بود. احتمالاً نجات

تیموتائوس در اولین سفر بشارتی پولس به لستره صورت گرفت و در مراجعت دومش، پولس او را به خدمت روحانی گماشت.

در طول آن سال‌ها، پولس زندگی و خدمت روحانی تیموتائوس را زیر نظر داشت و به حقیقت ایمانش یقین حاصل کرده بود. تیموتائوس میراثی عالی داشت؛ او در خانواده‌ای خدانشناس بزرگ شده بود و رسول بزرگی مثل پولس او را تعلیم داده و فرصت‌های عالی برای خدمت به او عطا شده بود.

د- هدیه خدا به تیموتائوس (۲ تیموتائوس ۱: ۶-۷). پولس به تیموتائوس یادآور شد که خدا او را به خدمت فراخواند و کلیسای محلی او را دستگذاری کرد (اول تیموتائوس ۴: ۱۴). خدا عطیه روحانی که تیموتائوس برای خدمت نیاز داشت از طریق پولس به او بخشید. دستگذاری در زمان رسولان عملی معمول بود (اعمال ۶: ۶؛ ۱۳: ۳)، ولی امروزه هیچ ایماننداری آن اقتدار و امتیاز رسولان را ندارد. امروزه دستگذاری عملی نمادین است و لزوماً هدایای روحانی از طریق آن دریافت نمی‌شود.

روح القدس به ما قدرت می‌بخشد تا خدا را خدمت کنیم و بر ترس و ضعف خود فائق آییم. کلمه ترس در دوم تیموتائوس ۱: ۷ "کمره‌ئی و هراس" معنی می‌دهد. روح القدس به ما قدرت بشارت و خدمت می‌دهد (اعمال ۱: ۸). بدون قدرت روح القدس تلاش ما برای خدمت خدا به جایی نمی‌رسد. استعداد، تعلیم و تجربه نمی‌تواند جای روح القدس را بگیرد.

روح القدس همچنین به ما محبت عطا می‌کند. اگر نسبت به گمراهان و خلق خدا محبت داشته باشیم، قادر خواهیم بود درد و رنج را تحمل کرده و رسالت خدا را محقق سازیم. غرور به ترس می‌انجامد، زیرا اگر خودپسند باشیم فقط به فکر این هستیم که از خدمت چه نصیبی

می‌بریم و ترس از دست دادن اعتبار، قدرت یا پول همیشه ما را نگران می‌کند. روح‌القدس محبت حقیقی مسیحی را در ما فزونی می‌بخشد (رومیان ۵: ۵) و ما را قادر می‌سازد شجاعانه فداکاری می‌کنیم. روح‌القدس به ما محبت می‌دهد (غلاطیان ۵: ۲۲).

روح‌القدس همچنین به ما خویشتن‌داری (عقل سلیم) عطا می‌کند. این کلمه با کلمات هوشیاری و جدیت که اغلب در نامه‌های شبانی دیده می‌شوند رابطه دارد (تیطس ۱: ۸؛ ۲: ۲؛ ۲، ۶، ۱۲؛ اول تیموتائوس ۲: ۹، ۱۵). ذهن "منضبط" ترجمه بهتری برای عقل سلیم است (۲ تیموتائوس ۱: ۷). کسی که دارای ذهن منضبط است از لحاظ ذهنی در تعادل بوده و بر زندگی خود کنترل کامل دارد. ترجمه تفسیری آن عبارت است از "آرام، تعادل عالی فکری، انضباط و خویشتن‌داری".

تیموتائوس همه آنچه را که لازمه خدمت روحانی بود در وجودش داشت. تنها کاری که باید می‌کرد این بود که آن را شعله‌ور سازد. پولس در نامه اولش نوشته بود: "از عطیه روحانی خود غافل مشو" (اول تیموتائوس ۴: ۱۴) و حال اضافه می‌کند "عطیه الهیات را شعله‌ور کن". وقتی شکست می‌خوریم روح‌القدس ما را ترک نمی‌کند (یوحنا ۱۴: ۱۶)، ولی اگر از زندگی روحانی خود غفلت کنیم، از عطایای روح‌القدس نصیبی نخواهیم برد. این روح‌القدس است که ما را از وجود خود لبریز می‌کند، قدرت می‌بخشد و برای خدمت به کار می‌گیرد. امکان دارد که روح‌القدس اندوهگین (افسیان ۴: ۳۰) یا محزون شود (۱ تسالونیکیان ۵: ۱۹). تیموتائوس دلایل زیادی داشت که به خاطرش امید و شور و شوق روحانی داشته باشد: پولس او را دوست داشت؛ برایش دعا می‌کرد؛ به حقیقت ایمانش اطمینان کامل داشت؛ تجارب زندگی‌اش او را برای خدمت مهیا کرده بود و

روح القدس تمام قدرتی را که برای خدمت لازم داشت به او می‌بخشید. بیش از این چه می‌خواست؟

## ۲- رنج بدون خجالت (۲ تیموتائوس ۱: ۸-۱۲)

"بدون خجالت" موضوع اصلی این فصل است. پولس خجل نبود (آیه ۱۲) و به تیموتائوس سفارش کرد که شرمسار نباشد (آیه ۸) و گزارش داد که انیسیفورس از در بند بودن او شرم ندارد (آیه ۱۶).

الف- از شهادت مسیح شرمسار نباشد (۲ تیموتائوس ۱: ۸-۱۰). شرم و حیای ذاتی تیموتائوس باعث شده بود از شهادت برای مسیح و تحمل رنج بپرهیزد. پولس به همکارش امید می‌دهد:

۱- خدا به ما قدرت می‌دهد (۲ تیموتائوس ۱: ۸). طبیعتاً هیچ‌یک از ما نمی‌خواهد درد و رنج بکشد. حتی مسیح دعا کرد "پدر اگر اراده توست، این پیاله را از من دور کن" (لوقا ۲۲: ۴۲). پولس سه بار دعا کرد که خدا او را از خارهای بدنش رهایی دهد (۲ قرنتیان ۱۲: ۷-۸). اما به احتمال زیاد رنج بخشی از زندگی وفادارانه مسیحی است. مسیحیان نباید به خاطر اعمال بد رنج بکشند (۱ پطرس ۲: ۲۰؛ ۳: ۱۷)، بلکه رنج ایشان به خاطر اعمال نیکی است که انجام داده‌اند. وقتی برای عمل نیکی رنج می‌کشیم، در رنج مسیح سهیم هستیم (فیلیپیان ۳: ۱۰) و از طرف تمام کلیسا رنج می‌بریم (کولسیان ۱: ۲۴).

سال‌ها پیش داستان زندگی یک مسیحی را می‌خواندم که به خاطر ایمانش در زندان بود. قرار بود او را روی چوب مرگ بسوزانند و مطمئن بود که نمی‌تواند این رنج را تحمل کند. یک شب انگشتش را روی شعله شمع گرفت تا دردش را امتحان کند، بلافاصله دست خود را عقب کشید و به خود گفت: "من تحمل این رنج را ندارم و خدا را بی‌حرمت خواهم ساخت". وقتی ساعت مرگش رسید، خدا را سپاس

کرد و شکوهمندانه برای مسیح شهادت داد. خدا "در وقت نیاز" و نه قبل از آن، به او قدرت داد.

۲- خدا ما را به واسطه فیضش فراخوانده است (۲ تیموتائوس ۱: ۹).  
قبل از آفرینش دنیا خدا ما را به عنوان بخشی از نقشه عظیم ابدی خود تعیین کرد. هدف از خلقت انسان این بود که نام خدا را جلال دهد. درد و رنج قسمتی از نقشه اوست. مسیح خداوند بنا به اراده خدا در این دنیا رنج برد و تمام کسانی که به او ایمان دارند نیز رنج خواهند کشید. در این آیه تأکید بر فیض است. ما عامل نجات خود نبودیم، بلکه خدا ما را رستگار کرد (افسیان ۲: ۸-۹). دعوت او نه بر اساس اعمال نیک ما بلکه بر فیض استوار است. ما موظفیم اهداف او را محقق سازیم و اگر با رنج همراه است آن را با ایمان بپذیریم و بدانیم که اراده خدا بهترین است. این جبر نیست، بلکه اطمینان به نقشه حکیمانه پدر آسمانی پر فیض ما است.

تمام این فیض در عیسی مسیح به ما عطا شده است. ما لیاقت به دست آوردن آن را نداشتیم، این فقط فیض خدا است.

۳- مسیح بر مرگ غلبه کرد (۲ تیموتائوس ۱: ۱۰). علت کمرویی ما ترس است. از چه می‌هراسیم؟ رنج و مرگ؟ پولس به هنگام دیکته این نامه با مرگ روبرو بود. اما مسیح آخرین دشمن ما یعنی مرگ را شکست داد. او با مرگ و رستاخیزش "مرگ را مغلوب کرد". "ای مرگ، پیروزی تو کجاست؟ ای قبر نیش تو چه شد؟" (۱ قرن‌تینان ۱۵: ۵۵).

مسیح نه تنها فاتح مرگ (عبرانیان ۲: ۱۴-۱۵)، بلکه تجلی حیات و جاودانگی بود. در عهد عتیق، اصول حیات ابدی، مرگ و رستاخیز و ابدیت در هاله‌ای از ابهام بود. گاهی جرقه‌ای از نور یافت می‌شد ولی عمدتاً مفاهیم مبهم بود. اما بعد مسیح خداوند نورش را بر مرگ و قبر

تابانید و از طریق خیر خوش نجات، حیات ابدی و رستاخیز و امید به بهشت را تضمین کرد.

گروه‌های مذهبی که "خواب روح" و دیگر اصول عجیب دیگر را تعلیم می‌دهند، معمولاً عقاید خود را از مزامیر و کتاب جامعه می‌گیرند، به جای اینکه اجازه بدهند که نور درخشان عهد جدید بر تاریکی عهد عتیق بتابد. اگر به نور خیر خوش نجات پشت کنید، تنها سایه دیگری می‌اندازید و صحنه را تاریکتر می‌کنید.

"فنا ناپذیری" (۲ تیموتائوس ۱: ۱۰)، یعنی "فاسد نشدنی" که به رستاخیز بدن اشاره دارد. بدن فعلی ما فساد پذیر است، می‌میرد و فاسد می‌شود. ولی با دیدن مسیح، بدن جلال یافته‌ای خواهیم داشت که مرگ و فساد نمی‌پذیرد (۱ قرن‌تیا ۱۵: ۴۹-۵۸، فیلیپیان ۳: ۲۱). در حقیقت، در میراث آسمانی سهیم خواهیم بود که به دور از هرگونه فساد، آلودگی و تباهی است (۱ پطرس ۱: ۴).

ب- از در بند بودن به خاطر مسیح خجل نباشید (۲ تیموتائوس ۱: ۱۱-۱۲). با اینکه پولس زندانی بود، ولی به بشارت خیر خوش نجات ادامه می‌داد. حزن‌آور است که مردم افسس به وقت نیاز پولس او را تنها گذاشتند (آیه ۱۵). بسیاری از آنان می‌توانستند از طرف پولس برای شهادت به روم بروند اما از این کار سر باز زدند، حتی از اینکه با پولس متحد شناخته شوند، شرم داشتند. اگر تیموتائوس به جمع مردم ملحق می‌شد، خدمتش در افسس (و شهرهای اطراف ۴: ۱۳) خیلی آسانتر می‌شد. اما پولس او را تشویق کرد تا در ایمانش ثابت قدم بایستد و از حقیقت روی نگرداند. پولس چهار دلیل می‌آورد که تیموتائوس نباید از همکاری با او احساس خجالت کند.

۱- پولس را خداوند خوانده بود (۲ تیموتائوس ۱: ۱۱). مسیح خداوند پولس را در راه دمشق ملاقات کرده (اعمال ۹)، شخصاً او را به

خدمت دعوت کرده بود. پولس منادی (واعظ) خبر خوش نجات بود. در روزگاران قدیم، "منادی" پیام‌رسان رسمی پادشاه یا امپراطور بود و پیامش را محترم می‌شمرد. با اینکه ایمانداران واقعی در آسیا پولس را انکار کردند اما او از خدمت به خدا و انتشار خبر خوش دست برنداشت.

۲- پولس تنها منادی نبود، او همچنین رسول بود یعنی "آنکه با مأموریت خاص فرستاده شده بود". هر مسیحی شایستگی احراز مقام رسالت را نداشت چون باید دارای شرایط ویژه‌ای می‌بود و باید توسط شخص مسیح یا روح‌القدس انتخاب می‌شد (اعمال ۱: ۱۵-۲۶؛ ۱قرن‌تیا ۹: ۱؛ ۲قرن‌تیا ۱۲: ۱۲). رسول نماینده مسیح بود و انکار او به مثابه انکار مسیح بود.

۳- پولس معلم غیریهودیان بود. بدین معنی که پولس مسؤولیت شبانی کلیساهای محلی را بر عهده داشت. همین کلمه "غیریهودیان" باعث اولین حبس او در زندان رومیان شد (اعمال ۲۲: ۲۱). ایمانداران ایالت آسیا باید با پشتیبانی از پولس ارادت و قدردانی خود را نشان می‌دادند، چون او بود که خبر خوش نجات را به آنها اعلام کرده بود، ولی ایشان از اوضاع می‌ترسیدند و نمی‌خواستند خود را درگیر کنند.

۴- پولس به مسیح اعتماد داشت (۲ تیموتائوس ۱: ۱۲)، و خجل نبود، چون می‌دانست خدا وفادار است و از او محافظت خواهد کرد. با تأکیدی که به شخص مسیح می‌کند توجه کنید، "من می‌دانم به که ایمان دارم". نجات، حاصل ایمان به اصولی خاص نیست، گرچه اهمیت اصول روحانی را نباید نادیده گرفت. ایمان گناهکار به شخص مسیح است که او را نجات می‌بخشد. پولس روح خود را به امانت به مسیح نجات‌دهنده سپرد و یقین داشت که مسیح وفادارانه از او محافظت می‌کند. برای پولس فرقی نمی‌کرد که هر روز چه پیش می‌آید، آنچه



اهمیت داشت این بود که در "آن روز" که مسیح به خادمین خود پاداش می‌دهد چه اتفاقی خواهد افتاد (۱: ۱۸، ۴: ۸).

در این روزهای سخت بسیار مهم است که در ایمان خود به مسیح ثابت قدم باشیم و مشتاقانه به خاطر او رنج بکشیم و شرمسار نباشیم. ممکن است مثل پولس زندانی نشویم ولی به طریقی رنج خواهیم برد: نداشتن دوست؛ تبعیض در ارتقا؛ نداشتن مشتری؛ بی‌توجهی و غیره. همچنین خیلی مهم است از خادمینی که به خاطر خدا رنج می‌کشند، پشتیبانی کنیم.

### ۳- وفاداری روحانی (۲ تیموتائوس ۱: ۱۳-۱۸)

قرن‌ها مردان و زنان در شرایط سخت استقامت کردند و رسالت خدا را به انجام رساندند. ایشان خیلی راحت می‌توانستند سازش کنند اما با عزمی راسخ ایستادگی کردند. پولس چنین ویژگی‌ای داشت و تیموتائوس را تشویق می‌کرد که او را سرمشق خود قرار دهد.

الف. به کلام خدا وفادار باش (۲ تیموتائوس ۱: ۱۳-۱۴). پولس آن حقیقت روحانی را که از خدا به امانت گرفته بود (اول تیموتائوس ۱: ۱۱)، به تیموتائوس سپرد (۶: ۲۰)؛ و حال مسؤلیت تیموتائوس بود که محکم به کلام خدا بچسبد (۲ تیموتائوس ۱: ۱۳) و این امانت گرانبهای حقیقت مسیح را حفظ کند (۱: ۱۴) و آن را با دیگران در میان بگذارد (۲: ۲). کلمه روش (آیه ۱۳) به معنی "الگو، نقشه معماری" است. در کلیسای اولیه طرح کلی معینی برای اصول روحانی وجود داشت و از آن به عنوان معیاری برای آموختن و تعلیم استفاده می‌شد. اگر تیموتائوس این طرح را تغییر یا به طور کلی کنار می‌گذاشت، دیگر معیاری برای سنجش معلمین و واعظین وجود نمی‌داشت. به همین دلیل ما نیز موظف هستیم به تعلیمات پولس پایبند باشیم.

بهرحال، توجه داشته باشد که تیموتائوس با "ایمان و محبت" حقیقت را بر ایشان آشکار می‌کرد. "بیان حقیقت با عشق و محبت" (افسیان ۴: ۱۵) الگوی آسمانی است. چقدر آسان است در دفاع از ایمان با مخالفین ستیزه‌جویی کرده، مشکل ایجاد کنیم.

روح‌القدس بود که حقیقت را به تیموتائوس عطا کرد و در حفظ آن به او یاری رساند. بدون روح‌القدس درک مبهمی از کلام خواهیم داشت. این روح‌القدس است که کلام را به ما تعلیم می‌دهد (یوحنا ۱۶: ۱۳) و ما را قادر می‌سازد از حقیقت محافظت کرده و آن را با دیگران در میان گذاریم.

از بدو تاریخ بشر، شیطان مخالف کلام خدا بوده است. "آیا حقیقت دارد که خدا گفت؟"، این اولین سؤال شیطان بود (پیدایش ۳: ۱) و هنوز هم این سؤال فریبنده را به کار می‌برد؛ در طول تاریخ کلیسا اغلب توسط افراد درون کلیسا به کلام حمله شده است. با این حال کلام هنوز هم تا به امروز ثابت و استوار مانده است. زیرا اشخاص متعددی چون پولس و تیموتائوس این امانت را وفادارانه حفاظت کرده، به نسل جدید مسیحیان سپردند. آزادانه عمل کردن کلیسا یا سایر سازمان‌های مسیحی معمولاً نشان می‌دهد که ایمان رهبران در کلام تضعیف شده است.

ب- وفاداری به خادمین خدا (۲ تیموتائوس ۱: ۱۵-۱۸). ایالت آسیای آن زمان شامل بخش‌هایی از امپراطوری روم می‌شد که عبارت بودند از لیدیا، کاریا و فریجیه. به پولس اجازه خدمت در سفر بشارتی دومش در این حوالی داده نشد (اعمال ۱۶: ۶). ولی در سفر سومش حدود سه سال در افسس پایتخت آسیا ماند و تمام منطقه را بشارت داد (اعمال ۱۹، ۲۰: ۳۱). هفت کلیسای آسیا همه در این منطقه بودند (مکاشفه ۱: ۴، ۱۱).

ما فیجلس و هر موجدنس را نمی‌شناسیم (۲ تیموتائوس ۱: ۱۵). احتمال دارد ایشان رهبران کلیسایی بودند که با پولس مخالف بود و برای دفاع از او به روم نیامدند. از ایمانداران آسیایی انتظار می‌رفت از پولس حمایت کنند، اما ایشان از او عار داشتند و در عین حال دانسته یا نادانسته از مسیح شرمسار بودند (۴: ۱۶). پولس در شرایط سختی به سر می‌برد؛ دیماس او را رها کرده (۴: ۱۰) و دستیار دیگرش به نقطه‌ای دور برای خدمت فرستاده شد. اصول و تعالیم دروغین در کلیسا رواج یافته بود (۲: ۱۷-۱۸). چقدر پولس دلش می‌خواست آزاد می‌بود تا کلام را موعظه و از ایمان دفاع کند، ولی او در زندان رومیان گرفتار بود. این مسؤولیت تیموتائوس بود که کار خدا را ادامه دهد.

انیسیفورس تنها کسی بود که جرأت کرد افسس را ترک و برای کمک به پولس به روم برود. این نام به معنی "سودرسان" است و حقیقتاً او دوست ارزشمند پولس بود. ممکن است وی شماس کلیسای افسس بوده باشد ("خدمت" در ۱: ۱۸ از کلمه‌ای استخراج شده که مفهوم شماس از آن استنباط می‌شود). در زمان خدمت پولس در افسس، انیسیفورس و خانواده‌اش خادمینی وفاداری بودند. تیموتائوس در کلیسای افسس شبان بود و به همین دلیل او را خوب می‌شناخت.

اجازه دهید که اضافه کنم، شبانان خدا را برای اعضای وفاداری که ایشان را در خدمت یاری می‌کنند، شکر می‌کنند. من و همسر من از نعمت چنین خادمین برگزیده‌ای در سه کلیسایی که خدمت کردیم، بهره‌مند بودیم. خانه‌های ایشان به روی ما باز بود. قلبشان درد و نیازهای ما را حس می‌کرد و دعاهایشان مایه قوت ما در زمان سختی بود. این ایمانداران پشت صحنه خدمت می‌کردند ولی مسیح در "آن روز" آنها را در حضور همه پاداش خواهد داد (۱: ۱۸).

انیسیفورس از افسس به روم مسافرت کرد و مشتاقانه به دنبال پولس گشت؛ به نظر می‌آمد که یافتن شبان سابقش مشکل بود (۱: ۱۷). شاید بعضی از مسیحیان رومی هنوز با پولس مخالفت می‌کردند همان‌طوری که در دوره زندانی اولش چنین کردند (فیلیپیان ۱: ۱۲-۱۷). احتمالاً مقامات رومی همکاری نمی‌کردند و نمی‌خواستند زندانی مورد نظر کمکی دریافت کند. پولس دوره زندانی اولش را در خانه خودش گذراند (اعمال ۲۸: ۳۰)، اما اکنون در زندان رومیان تحت مراقبت شدید بود.

اما انیسیفورس مصمم بود. او پولس را پیدا کرد و جان خود را برای کمک به پولس در خطر انداخت. بعضی معتقدند که او را هم دستگیر و اعدام کردند. ایشان دلیل خود را بر این اصل می‌گذارند که پولس در ۴: ۱۹ به خانواده انیسیفورس خوشامد گفت نه به خود وی. همچنین پولس برای این خانواده لطف و رحمت، و برای انیسیفورس رحمت ابدی را طلب کرد (۱: ۱۶، ۱۸).

مسئله اینجاست که اگر انیسیفورس مرده بود، پولس برای مرده دعا می‌کرد (۱: ۱۸)، در کتاب مقدس به ما اجازه دعا برای مردگان داده نشده است.

هیچ دلیلی در دست نداریم که نشان دهد وقتی پولس این نامه را می‌نوشت انیسیفورس مرده باشد. این حقیقت که پولس از خدا برای خانواده‌اش طلب برکت کرد و نامی از او نبرد شاید به این دلیل باشد که در آن زمان او همراه خانواده‌اش نبود. "وقتی او در روم بود" (آیه ۱۷) نشان می‌دهد زمانی که پولس این نامه را می‌نوشت وی در روم نبود، پس باید جایی بین روم و افسس بوده باشد. پولس برای او و خانواده‌اش دعا کرد و نیازی به خوشامد گفتن به انیسیفورس نبود، چون پولس

وقت زیادی را با او صرف کرده بود، پس تنها به خوشامد گفتن به خانواده‌اش اکتفا کرد.

انیسیفورس از در بند بودن پولس شرمسار نبود. سربازی رومی بیست و چهار ساعت روز، پولس را تحت نظر داشت. او می‌توانست بهانه‌های مختلفی بیاورد و در افسس بماند، اما این سفر خطرناک را به جان خرید. "باعث دلگرمی و شادی من است" توصیفی است که پولس در مورد او به‌کار برد. کلمه یونانی آن به معنی "خنک شدن دوباره" است. ترجمه تفسیری می‌گوید "چون هوای تازه فرح‌بخش". چقدر از خدا برای مسیحیانی که در مشکلات همچون "نسیم بهاری طراوت‌انگیز" می‌مانند، سپاسگزاریم.

اگر به خاطر نامه پولس نبود، هرگز از خدمتی که انیسیفورس به کلیسا کرد آگاه نمی‌شدیم. اما خدا از آن آگاه بود و به او "در آن روز" پاداش خواهد داد.

ضروریات خدمت موفقیت‌آمیز تغییر نکرده است و همچنان نیازمند شور و شوق شجاعانه، رنج بدون خجالت و وفاداری روحانی می‌باشد.

## تشبیهات شبانی

### دوم تیموتائوس ۲

وقتی در یک گردهمایی حضور داشتم، به مردی برخوردی که روی لباسش دو برچسب نام زده بود. وقتی علتش را از او سؤال کردم، گفت که دچار بحران هویت است.

پولس نمی‌خواست تیموتائوس دچار چنین بحرانی شود و به همین دلیل به طور دقیق به شرح نقش شبان و وظایف او می‌پردازد (البته این اصول شامل همه مسیحیان می‌شود). پولس از هفت تشبیه جهت توصیف خدمت مسیحی مدد می‌جوید.

#### ۱- مباشر (۲ تیموتائوس ۲: ۱-۲)

خدمت روحانی چیزی نیست که آن را برای خودمان به دست آورده و حفظ کنیم. ما مباشران دارای ذخائر روحانی هستیم که خدا به ما عطا فرموده است. این مسؤلیت ما است که از این ذخائر حفاظت نموده، آن را به سایرین اعطا کنیم. آنان نیز باید در عوض کلام خدا را به نسل بعدی بشارت دهند.

آنچه حائز اهمیت است این است که گنجینه اصلی را از کلام خدا و نه از عقاید و فلسفه‌های مردم استخراج کنیم. ما معلمین مدرن را از روی شهرت، تحصیل یا مهارتشان نمی‌سنجیم، بلکه ایشان را با کلام خدا و به ویژه با اصولی که توسط پولس ارائه شده است، ارزیابی می‌کنیم. این ما نیستیم که صحت سخنان پولس را می‌سنجیم، بلکه سخنان او است که ما را می‌آزماید.

برای تعلیم کلام خدا، شهامت و قدرت لازم است. باید معادن گرانبهای نهفته در کلام (طلا، نقره و جواهرات) را استخراج کنیم (۱قرننتیان ۳: ۱۰-۲۳؛ امثال ۲: ۱-۱۰؛ ۳: ۱۳-۱۵؛ ۸: ۱۰-۲۱). تنها جلال خداوند است که قدرت می‌بخشد. راز خدمت روحانی عظیم پولس در رحمت و جلال خدا نهفته است (۱قرننتیان ۱۵: ۱۰).

در سایه رحمت خداوند است که ما قادر به خواندن، درک و تعلیم کلام خدا می‌گردیم. یکی از الزامات خدمت شبانی "اشتقاق به تعلیم کلام" است (اول تیموتائوس ۳: ۲؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۴). اشتقاق به تعلیم شامل اشتقاق به فراگیری است. بنابراین خدمتگزار خدا بایستی در مطالعه کلام خدا کوشا باشد.

## ۲- سرباز (۲ تیموتائوس ۲: ۳-۴، ۸-۱۳)

پولس اغلب در نامه‌هایش از تمثیلات نظامی بهره می‌جوید. البته این مایه تعجب نیست، زیرا او در وضعیتی نظامی به سر می‌برد و اغلب در زندان بود. پولس در این آیات به شرح ویژگیهای سرباز شایسته مسیح می‌پردازد.

*الف- تحمل دشواری (۲ تیموتائوس ۲: ۳).* بسیاری از مردم بر این عقیده‌اند که خدمت روحانی کار آسانی است. مزاح‌گویی و اعظین اغلب این طرز تفکر را به وجود می‌آورد که آنان تنبل بوده و باید از حقوقی که می‌گیرند خجل باشند، در حالی که خادم متعهد همواره در مبارزه‌ای به سر می‌برد که بردباری و شکیبایی روحانی می‌طلبد (افسیان ۱۰: ۶ به بعد).

*ب- پرهیز از گرفتاری در امور دنیوی (۲ تیموتائوس ۲: ۴).* سرباز باید کاملاً به فرماندهاش یعنی کسی که او را به خدمت گرفته است متعهد باشد. در مورد ما این مسیح است که ما را به خدمت گرفته است. حکایتی را از سربازی به یاد دارم که ساعت‌ساز بود. روزی شیپور

نبرد برای حمله به اردوگاه به صدا در آمد و سرباز معترض گفت:  
"من الان نمی‌توانم چون کلی ساعت برای تعمیر دارم".

گاهی شبان یا همسرش به دلیل عدم حمایت کافی از طرف کلیسا  
چاره‌ای ندارند جز اینکه به کاری جانبی مشغول شوند. این فداکاری  
است که از سوی آنها انجام می‌شود. شبانی که تحت حمایت کامل کلیسا  
می‌باشد، شایسته نیست که به انجام کارهای جانبی روی بیاورد؛ اقدام  
به چنین کاری مانع از تمرکز بر خدمت روحانی شده و باعث تضعیف  
آن می‌گردد. به شبانانی برخوردیم که به جای اینکه فکرشان روی  
کلیسا متمرکز باشد، به افزایش مستغلات و دارایی‌های خود می‌اندیشند.  
هدف خشنودی و رضایت خداوند است، نه خودمان!

ج- تجلی عظیم مسیح (۲ تیموتائوس ۲: ۱-۹). "مسیح را به خاطر  
داشته باش". این عبارتی است که مفهوم شکوه و بزرگی و جلال مسیح  
را منعکس می‌کند، بیشتر به مثابه بانگ نبرد می‌ماند: "آلامو را به یاد  
داشته باش"، "پرل هاربور را از یاد مبر". مسیح پیشوای نجات ماست  
(عبرانیان ۲: ۱۰) و هدف ما عزت نهادن و جلال بخشیدن به اوست.  
برای سرباز مسیحی که متحمل سختی و زحمت می‌شود، مسیح مایه  
خوشی و دلگرمی است، زیرا او مرد و قیام کرد و به این ترتیب ثابت  
نمود که رنج و عذاب به جلال می‌انجامد و اگرچه به ظاهر شکست  
است اما به پیروزی منتهی خواهد شد. با مسیح مثل یک خطاکار رفتار  
شد و با سربازان او نیز چنین رفتاری خواهد شد.

با کلام به بهترین روش می‌توان مسیح را عزت بخشید. پولس در  
بند بود، اما کلام خدا را نمی‌توان به زنجیر کشید. "کلام خدا بی‌درنگ  
محقق می‌شود" (مزمور ۱۴۷: ۱۵). "کلام خدا همه جا را فرا گرفت و  
بر تعداد ایمانداران افزوده شد" (اعمال ۱۲: ۲۴).



د- به فکر ارتش بودن (۲ تیموتائوس ۲: ۱۰). "برگزیدگان" خلق خدا هستند که به واسطه جلال خدا انتخاب و از طریق روح پاکش فراخوانده شده‌اند (۲ تسالونیکیان ۲: ۱۳-۱۴). رنج پولس نه تنها به خاطر خدا، که برای کلیسا نیز بود. هنوز عده زیادی بودند که باید ندای انجیل به گوششان می‌رسید و پولس می‌خواست که در این بشارت سهیم باشد. سربازی که تنها به فکر خودش است، خیانتکار و غیرقابل اعتماد می‌باشد.

ه- اعتماد به فرمانده (۲ تیموتائوس ۲: ۱۱-۱۳). این "وعدۀ وفاداری" احتمالاً بخشی از شهادت اولیه ایمانداران است (برای سایر قول‌های وفاداری به نامه‌های شبانی اول تیموتائوس ۱: ۱۵؛ ۴: ۹؛ و تیطس ۳: ۸ مراجعه کنید). ایمان و وفاداری ما به مسیح است که به ما پیروزی می‌بخشد (۱ یوحنا ۵: ۴). ما هر آسی از دشمنان نداریم، زیرا مسیح بر آنها غلبه کرده است.

با ایمان به مسیح جزئی از وجود او شدیم و در مرگ و دفن و رستاخیز او شریک گشتیم و به وسیله او بر همه چیز فائق آمدیم (رومیان ۶).

چه تناقضی! مرگ به حیات، و عذاب به حکمرانی با شکوه و پر جلال می‌انجامد. چیزی نیست که از آن بهراسیم. مسئله مهم این است که خداوندمان مسیح را انکار نکنیم، زیرا اگر در این دنیای زمینی او را انکار کنیم، او نیز در پیشگاه پدر آسمانی، منکر ما خواهد شد (متی ۱۰: ۳۳). چنانچه نام باعظمت او را انکار کنیم، در آن هنگامه عظیم که اسامی از روی کتاب خوانده می‌شود و نشان‌ها اعطا می‌شود، از پاداش بی‌بهره خواهیم ماند.

اما پولس روشن می‌سازد (۲ تیموتائوس ۲: ۱۳) که حتی ضعف ایمان ما، از وفاداری او نمی‌کاهد، او نسبت به ما وفادار می‌ماند، زیرا

نمی‌تواند ما را که جزئی از او هستیم، انکار کند. به ایمان و وفاداری یا احساساتمان اعتماد نمی‌کنیم زیرا دستخوش دگرگونی و شکست هستند، بلکه ایمان ما بر مسیح بنا شده است. جی. هادسون تیلر، مبشر بزرگ، اغلب می‌گفت: "جهد و کوشش ما در وفاداری نیست که باعث پیروزی می‌شود، بلکه وفاداری مسیح است که ما را سربلند می‌کند".

### ۳- ورزشکار (۲ تیموتائوس ۲: ۵)

در نوشته‌های پولس اصطلاحات ورزشی (کشتی، دو و تمرین)، زیاد یافت می‌شوند. یونانیان و رومیان از ورزش به شوق می‌آمدند و بازی‌های المپیک از وقایع مهم برای آنان به شمار می‌آمد. پولس تیموتائوس را تشویق کرده بود تا همچون ورزشکاری که به تمرین بدنی می‌پردازد، به تمرین روحانی همت گمارد (اول تیموتائوس ۴: ۷-۸) و حال به او هشدار می‌دهد تا از قوانین اطاعت کند.

ورزشکاری که تلاش می‌کند بازی را ببرد و عنوان قهرمانی را از آن خود کند، بایستی تمام قوانین آن را با دقت رعایت کند. به ویژه در بازی‌های یونان داوران توجه بیشتری به اجرای قانون داشتند. هر رقیبی بایستی تبعه کشور خود بوده، از شهرت خوبی برخوردار بود. برای شرکت در مسابقات ورزشی، استانداردهای خاصی رعایت می‌شد. چنانچه ورزشکاری از جهتی نقص داشت، نمی‌توانست در مسابقات شرکت کند. چنانچه پس از شرکت در مسابقه و برنده شدن، متوجه می‌شدند که قانونی را زیر پا گذاشته است، از عنوان قهرمانی محروم می‌شد. جیم تورپد، قهرمان بزرگ آمریکایی به این دلیل که قانون المپیک را شکست، مدال‌هایش را از دست داد.

از دیدگاه انسانی، پولس یک بازنده بود. هیچ‌کس او را به عنوان قهرمان تمجید و تشویق نمی‌کرد. "همه آنان که از ایالت آسیا هستند" از او روی برگردانده بودند (۱: ۱۵). او را به عنوان یک خطاکار در

زندان حبس کرده بودند، با این حال پولس یک برنده بود. او تمام قوانین کلام خدا را رعایت کرده بود و روزی پاداش خود را از مسیح دریافت خواهد نمود. پولس به تیموتائوس جوان گفت که مهمترین مسئله اطاعت از خداست و اهمیتی ندارد که مردم چه می‌گویند. تو برای جلب رضایت مردم یا کسب شهرت در این مسابقه نمی‌دوی، بلکه برای خشنودی مسیح تلاش می‌کنی.

#### ۴- کشاورز (۲ تیموتائوس ۲: ۶-۷)

این تشبیه جالب دیگری است که در نامه‌های پولس به چشم می‌خورد. پولس کلیسای محلی را به مزرعه‌ای تشبیه کرد که همه ایمانداران در آن زحمت می‌کشند (۱ قرنتیان ۳: ۵-۹). هر مسیحی وظیفه خاصی به عهده دارد: شخم زنی، پاشیدن بذر، آبیاری و درو. اما این خداست که به آن برکت و فزونی می‌بخشد.

می‌توان به چند مثال عملی در مثالی که از کشاورز ارائه شده، اشاره کرد. نخست کشاورز بایستی سخت کار کند. اگر مزرعه را به حال خود رها کنید، تنها چیزی که به عمل خواهد آمد علف هرز است. سلیمان با وقوف به این حقیقت، مثال آدم تنبل و مزرعه را آورد (امثال ۲۴: ۳۰-۳۴). خدمت روحانی واقعی کار سخت و طاقت‌فرسایی است و شبان و اعضای کلیسا باید همچون کشاورز، در مزرعه روحانی‌شان زحمت بکشند و عرق جبین بریزند. شبان کارت ساعت نمی‌زنند اما هر روز با ندای الهی از خواب برخاسته، عازم کارش می‌شود.

کشاورز باید صبر داشته باشد. مثل کشاورزی که برای برداشت محصول ارزشمند خود صبر می‌کند و به انتظار پاییز و باران‌های بهاری می‌نشیند (یعقوب ۵: ۷)، شما نیز صبر داشته باشید. دوست من

که شبان است اغلب به من یادآوری می‌کند که برداشت محصول آخر کار نیست، بلکه فقط آخر فصل است.

کشاورز سختکوش سزاوار دریافت حاصل زحماتش می‌باشد و باید اولین کسی باشد که از برداشت محصولاتش لذت می‌برد (۲ تیموتائوس ۲: ۶). پولس در اینجا عنوان می‌کند که شبان وفادار مستحق حمایت کلیسایش می‌باشد. او در اول قرن نهم: ۹: ۷ از سرباز، کشاورز و چوپان برای اثبات نظرش استفاده کرد. "کسی که زحمت می‌کشد، سزاوار پاداش است" (اول تیموتائوس ۵: ۱۸). پولس عمداً از حق خود برای کمک‌های مالی گذشت تا هیچ‌کس او را متهم به بهره‌جویی از انجیل برای منافع شخصی نکند (۱ قرن نهم: ۹: ۱۴). اما لازم نیست همه خدمتگزاران خدا از این خط مشی پیروی کنند.

با رشد و پیشرفت کلیسای محلی، مردم نیز باید وفادارانه حمایت مالی بیشتری نسبت به شبانان و کارگزاران کلیسایشان روا دارند. "ما که بذر نیکوی روحانی در دل‌های شما کاشتیم، آیا تقاضای زیادی است اگر از شما کمک مالی بخواهیم؟" (۱ قرن نهم: ۹: ۱۱). حزن‌آور است که برخی کلیساهای محلی پول را ضایع نموده، به زحمتکشان خود اعتنایی نمی‌کنند. خدا کلیسایی را که به خدمتگزاران وفادارش عزت می‌نهد و زحمتشان را پاس می‌دارد، برکت و فزونی می‌بخشد.

نکته‌ای که از مثال کشاورز به دست می‌آید این است که رهبران روحانی که کلام را به مردم بشارت می‌دهند، اولین کسانی هستند که از برکات آن بهره‌مند می‌شوند. واعظ و معلم همیشه بیش از شنوندگان از موعظه یا درسشان الهام می‌گیرند، از این جهت که تمام دقت خود را به آن معطوف می‌کنند؛ همچنین مشاهده به ثمر نشستن بذرهای کاشته شده در زندگی مردم شادی عظیمی نصیب ایشان می‌کند. کشاورزی کار

سختی است و گاهی هم یأس آور است اما حاصل کار به سختی آن می‌ارزد.

##### ۵- معمار (۲ تیموتائوس ۲: ۱۴-۱۸)

آیه ۲: ۱۵ دلالت بر "سخت‌کوشی و اشتیاق" دارد. این معنی را می‌توان در دوم تیموتائوس ۴: ۹ و ۲۱ و همچنین در تیطس ۳: ۱۲ یافت.

تأکید در این پاراگراف بر این است که معمار بایستی در خدمت به خدا سخت بکوشد تا هنگامی که خدمتش را ارزیابی می‌کنند، شرم‌نده نشود. "تقسیم عادلانه و به حق" به مفهوم "برش راست و مستقیم" می‌باشد که می‌تواند در وظایف مختلف بسیاری به کار برود، نظیر شخم زدن مستقیم شیار، برش مستقیم تخته یا دوخت مستقیم برش‌های پارچه.

شبان مطابق کلام خدا یک معمار است. خدمتگزار بایستی از کلام همچون گنجینه‌ای محافظت نموده و وقت خود را به آن اختصاص دهد. کلام خدا، شمشیر سرباز و بذر کشاورز همچون ابزاری در دست معمار برای شناخت، تقویت و اصلاح خلق خداست. واعظ و معلمی که کلام خدا را به درستی به کار ببندد، کلیسایش را مطابق خواست خدا بنا می‌کند. معمار شرور برای تعلیم کلام به حيله و نیرنگ توسل می‌جوید تا آنچه را که مطابق میل اوست موجه جلوه دهد (۲ قرن‌تیا ۴: ۲). باعث تأسف است آنگاه که خدا خدمات ما را در کلیسای محلی می‌آزماید، برخی از آنها مورد تأیید واقع نشوند (۱ قرن‌تیا ۳: ۱۰).

معماری تأیید می‌شود که با پشتکار مستمر کلام خدا را می‌خواند و سعی می‌کند آن را در زندگی خود نیز به کار بندد.

معماری خجل می‌شود که وقتش را صرف "وظایف دینی" دیگر نموده و چیزی برای عرضه به کلاس یا کلیسا نداشته باشد.

معماری از آزمون سر بلند بیرون می‌آید که وقتش را صرف مجادله در مورد بحث‌های بی‌ثمر نکند (۲ تیموتائوس ۲: ۱۴)، چون می‌داند اینگونه بحث‌ها تنها باعث تضعیف کار خدا می‌گردد (اول تیموتائوس ۶: ۴، تیطس ۳: ۹).

معماری در روز داوری مورد خشنودی خدا است که از بحث‌های باطل و ناپسند دوری گزیند (۲ تیموتائوس ۲: ۱۶ و اول تیموتائوس ۶: ۲۰)، چون می‌داند که این بحث‌ها باعث دوری از خدا می‌شود. رعب‌آور است وقتی افراد به ظاهر خیرخواه با تبادل اندیشه‌ها و عقاید روحانی جاهلانه‌شان به جای سود، ضرر می‌رسانند. معماری مورد پذیرش واقع خواهد شد که می‌داند اصول غلط و نادرست خطرناک است و با آنها مخالفت می‌کند. پولس این بحث‌های بی‌ثمر را به قانقاریا تشبیه می‌کند (۲ تیموتائوس ۲: ۱۷). این اصول باطل و نادرست مثل خوره به بدن ایمانداران یعنی کلیسا رسوخ کرده و آنها را نابود می‌سازد؛ پس باید آنها را شناسایی و ریشه‌کن کرد. تنها اصول درست و سالم، کلام است که موجب سلامتی و رشد کلیسا می‌شود.

پولس نام دو معلم دروغین را آورد و دلیل انحراف آنان را توضیح داد. احتمال دارد همینائوس (۲ تیموتائوس ۲: ۱۷) همان کسی باشد که در اول تیموتائوس ۱: ۲۰ نامش ذکر شده است.

اطلاعی از همکار او فلیطس در اختیار نداریم. هر دو ایشان "از حقیقت منحرف شدند" زیرا تعلیم می‌دادند که روز قیامت فرا رسیده است. شاید آنها فکر می‌کردند که نجات همان رستاخیز در معنی روحانی آن بوده و ایماندار نباید در انتظار قیامت مردگان باشد. در حالی که انکار قیامت مردگان موضوعی بسیار جدی است (۱ قرن‌تیا ۱۵: ۱۲ به بعد). اگر ایمان داشته باشیم مردگان در روز قیامت زنده نخواهند شد، پس مسیح هم زنده نشده است و برنامه خدا

برای نجات انسان‌ها ناتمام خواهد ماند. جای شگفتی نیست که تعلیمات این معلمین دروغین باعث "تضعیف ایمان عده‌ای" شد (۲ تیموتائوس ۲: ۱۸)، زیرا رستاخیز مسیح و قیامت مردگان حقیقت اصولی انجیل است.

هر یک از ما به‌عنوان معماران خدا یا تأیید شده یا خجل خواهیم شد. کلمه "تأیید شده" یعنی آنکه مورد آزمایش واقع شده، پذیرفته می‌شود. از این کلمه جهت آزمایش و محک زدن فلزات استفاده می‌شود. هر آزمایش ما را و او می‌دارد که کلام خدا را مطالعه کرده و اراده او را بجوییم. با به‌کارگیری درست و صحیح کلام، بر سختی‌ها و آزمایش‌ها غلبه کرده و مورد پذیرش خدا واقع می‌شویم. مارتین لوتر گفت که دعا، مطالعه دقیق کلام خدا مشقتی است که شبان را شبان می‌کند؛ و این عین حقیقت است. ما نمی‌توانیم مورد پذیرش واقع شویم مگر آنکه نخست مورد آزمایش و امتحان الهی قرار گیریم.

"خجل" یعنی چه؟ قطعاً بدین معنی است که کار معمار پایین‌تر از سطح استاندارد بوده و قابل پذیرش نیست و مستحق دریافت مزد نمی‌باشد. در زمان پولس اگر معماری به جزئیات کار توجه نمی‌کرد، جریمه می‌شد. در روز داوری مشخص می‌شود که آیا ما کلام خدا را به درستی و دقت به کار بسته‌ایم یا نه! چه بسا آنان که اکنون اول هستند در روز داوری آخر باشند.

#### ۶- ظرف (۲ تیموتائوس ۲: ۱۹-۲۲)

در این تشبیه، پولس به توصیف "خانه بزرگی" می‌پردازد که همان کلیسای واقعی می‌باشد. پایه این خانه محکم و استوار است، زیرا خداوند بر آن مهر زده است (در کتاب مقدس مهر و موم نشان تعلق و امنیت است، هیچ‌کس شهادت شکستن مهر و موم رومیان را نداشت). پولس از موسی نقل کرد: "خداوند به شما نشان خواهد داد چه کسی به

او تعلق دارد" (اعداد ۱۶: ۵). این گفته اشاره به جنبه الهی زندگی مسیحی دارد. خداوند آنان را که به او ایمان دارند به عنوان برگزیدگان خود انتخاب می‌کند (۲ تیموتائوس ۲: ۱۰).

البته جنبه انسانی زندگی مسیحی نیز وجود دارد: "باشد آنان که خود را از آن مسیح می‌دانند، از اعمال نادرست و گناه‌آلود کناره جویند" (۲: ۱۹). این آیه به اعداد ۱۶: ۲۶ اشاره دارد که در آن خدا به مردم هشدار می‌دهد از اطراف خیمه‌های قورح و بدکاران دور شوند. به عبارت دیگر آنان که برگزیدگان خدا هستند با زندگی پاک خود ثابت می‌کنند که به خدا تعلق دارند. در اثر فداکاری مسیح، ما از آن خدا و جزء برگزیدگان او شده‌ایم. خدا اراده نمود تا ما را پاک و بی‌لکه سازد (افسیان ۱: ۴).

این خانه عظیم نه تنها پایه استواری دارد که مهر نیز شده، بلکه دارای ظروفی (ابزار مختلفی) برای انجام امور خانه می‌باشد. پولس این ظروف را به دو دسته تقسیم می‌کند: ظروف شوکت و جلال (طلا و نقره) و ظروف معمولی (چوب و سفال). پولس بین مسیحیان فرق نمی‌گذارد، بلکه بین معلمین راستین کلام خدا و معلمین دروغین فرق می‌گذارد (۲ تیموتائوس ۲: ۱۶-۱۸). شبان وفادار همچون ظرف طلا یا نقره‌ای است که عزت و جلال به مسیح می‌بخشد. میزبان برای پذیرایی از میهمانان خود از ظروف گرانبها و زیبا استفاده می‌کند و بدین ترتیب مورد عزت و احترام قرار می‌گیرد. به خاطر دارم وقتی برای اولین بار تاج جواهرنشان و بقیه ظروف گرانبها را در برج لندن دیدم، از زیبایی و عظمت آنها به حیرت آمده بودم. این همان زیبایی و عزتی است که خدا به خدمتگزارانی که وفادارانه کلام او را اجرا می‌کنند، عطا می‌کند.



معلمین دروغین هیچ بها و ارزشی ندارند، مثل چوب و سفال می‌مانند که با همه استفاده‌ای که دارند هیچ عزت و سرافرازی نمی‌بخشد. چوب و سفال از آزمایش آتش صحیح و سالم بیرون نخواهد آمد. شایان ذکر است که اسم تیموتائوس از ترکیب دو لغت یونانی به دست آمده که به معنی "عزت خدا" می‌باشد. پولس تیموتائوس را تشویق می‌کند که مطابق اسمش، زندگی مقدسی را پیش گیرد تا نام خدا را پر جلال سازد.

مسئله مهم این است که ظروف بی‌مقدار از ارزش و بهای ظروف گرانبها نکاهد. کلمه "اینها" (۲: ۲۱) به ظروف ارزان و بی‌مقدار (۲: ۲۰) اشاره دارد. پولس به تیموتائوس هشدار می‌دهد تا از معلمین دروغین پرهیز کند تا خدا او را مورد عزت و احترام قرار داده و جهت مقاصد عالی روحانی تجهیز نماید. "در خدمت خدا بودن" (۲: ۲۱) چه افتخار عظیمی است. آنکه به عنوان وسیله‌ای مفید و ارزشمند به خدمت گرفته شده است، از امور دنیوی حتی "دنیای مذهبی" دوری می‌جوید. چنین فردی باید پاک و مقدس بماند و این مستلزم کناره‌جویی از امور دنیوی است که او را به فساد و تباهی می‌کشاند.

این امر شامل امیال و افکار شهوت‌آلود نیز می‌شود (۲: ۲۲). پولس تذکر مشابهی را در اول تیموتائوس ۶: ۱۱-۱۲ می‌دهد: "بگریز... پیشه خود ساز... بجنگ". توازن و تعادل ثمره‌ای است که به سبب جدایی از گناهان بر اساس حقیقت محض کلام پدید می‌آید. در صورت عدم تعادل، به جای جدایی دچار انزوا خواهیم شد. در حقیقت، پولس، این مرد خدا، به ما حکم می‌کند تا با "کسانی که خداوند را دوست دارند و قلبشان پاک است" معاشرت کنیم (۲ تیموتائوس ۲: ۲۲). هدف تعلیم کلام نیز بر همین مبنا استوار شده است (اول تیموتائوس ۱: ۵). حزن‌آور است که ایمانداران حقیقی به علت نگرش نادرستی که از

جدایی دارند، از سایر ایمانداران فاصله گرفته، در انزوا زندگی می‌کنند. برای اینکه خداوند از ما به عنوان ایزاری استفاده کند، باید خود را از هر نوع آلودگی حفظ کنیم تا خداوند روح ما را از وجود خود غنی سازد و برای جلال خود به‌کار گیرد. اما اگر روح ما مملو از گناه یا آلودگی حاصل از سرپیچی باشد، اول باید پاک شویم و این احتمالاً تجربه خوشایندی نخواهد بود. ایمانداران راستین و ایمانداران دروغین در "خانه عظیم" کلیسای واقعی یافت می‌شوند، پس باید از بصیرت روحانی برخوردار بوده و مراقب باشیم. چون ما ایزاری هستیم که خدا برای جلال و حرمت خود پاک ساخته است.

#### ۷- خادم (۲ تیموتائوس ۲: ۲۳-۲۶)

"خادم" به معنای "برده" می‌باشد. به همین دلیل پولس خود را "غلام عیسی مسیح" خواند (رومیان ۱: ۱، فیلیپیان ۱: ۱). غلام هیچ اراده‌ای از خود ندارد بلکه کاملاً تحت فرمان اربابش است. زمانی ما مسیحیان برده گناه بودیم اما اکنون مطیع خدا هستیم (رومیان ۶: ۱۶ به بعد). مثل غلام در عهد قدیم می‌گوییم که "من اربابم را دوست دارم... و او را بر آزادی خود ترجیح می‌دهم" (خروج ۲۱: ۵).

آنکه مطیع خداست در تعلیم کلام با شرایط دشواری روبرو خواهد شد، شیطان به مخالفت با او پرداخته و سعی در به دام افکندن پیروانشان دارد (۲ تیموتائوس ۲: ۲۶). همچنین برخی افراد طبیعتاً سخت‌تعلیم می‌پذیرند. آنها از بحث‌های پوچ و بی‌معنی لذت می‌برند و هیچ اشتیاقی ندارند که با کلام خدا تغذیه شوند. تا وقتی که تجربه نکنید، نمی‌دانید چقدر سخت است که حقیقت روحانی را به برخی مردم گمراه تعلیم داد.

چه راحت است تا به کسانی که از حقیقت دورند، بی‌اعتنا باشیم، اما بی‌توجهی ما به مخالفین باعث تسلط شیطان بر آنها می‌شود. پولس به

تیموتائوس هشدار داد تا از مباحثاتی که باعث خشم و نزاع می‌گردد اجتناب کند؛ اما این به معنای بی‌اعتنایی به مشاجره‌کنندگان و مخالفین نیست. شبان نباید بحث یا نزاع کند، بلکه باید صبر و ملایمت داشته باشد و کلام خدا را با بردباری و حوصله تعلیم دهد. تنها آشکار نمودن اشتباه و انکار آن کافی نیست، بلکه باید حقایق مثبت را تعلیم دهیم و به رشد روحانی ایمانداران کمک کنیم.

خادم خدا بایستی با مخالفین با ادب و فروتنی گفتگو کند شاید به این ترتیب از دام شیطان رها شوند. شیطان یک دروغگو است (یوحنا: ۴۴). او با وعده‌های دروغین خود مردم را اسیر می‌کند، درست همان طور که در باغ عدن حوا را فریب داد (پیدایش ۳ و ۲ قرن‌تین ۱۱: ۳). هدف خادم این نیست که بحث و مشاجره را به نفع خود تمام کند بلکه نجات روح انسان‌ها مقصود نهایی اوست. هدف خادم این است که توبه فریب‌خوردگان (یعنی این گفته را که "من اشتباه کردم، نظرم را عوض کردم") و تصدیق حقیقت را از زبان آنها بشنود.

کلمه "به‌هوش آیند" یا "بیدار شوند" (تیموتائوس ۲: ۲۶) کسی را توصیف می‌کند که از حالت مستی بیرون می‌آید. شیطان مردم را با دروغ‌هایش منحرف می‌سازد و وظیفه خادم این است که به آنها هشجاری ببخشد و نجات دهد.

می‌توان آخرین عبارت آیه ۲۶ را به سه شکل تفسیر کرد:

- ۱- آنها را اسارت دام شیطان رها شدند، چون شیطان آنها را وادار به انجام اراده خود کرده بود؛
- ۲- آنها تحت کنترل خادمین خدا هستند تا خواست خدا را به انجام رسانند؛
- ۳- آنها از اسارت دام شیطان رها شدند تا خواست خدا را به انجام رسانند.

من تفسیر سوم را ترجیح می‌دهم. با بررسی دقیق این هفت جنبه خدمات روحانی، به اهمیت و مشقت آن پی می‌برید. خدمت روحانی انضباط و تلاش می‌طلبد و با تن‌پروری نمی‌توان کاری از پیش برد. در خدمت روحانی دشمنانی را باید مغلوب ساخت و کارهایی را تکمیل کرد و آدم تنبل و بی‌مسئولیت جایی در آن ندارد. اعضای کلیسا موظف هستند برای شبانشان دعا کنند و آنها را تشویق نمایند. مسئولین کلیسا بایستی وفادارانه به خدمت خود بپردازند تا شبان خود را وقف خدمت کند (اعمال ۶: ۱-۷).

کلیساها باید از خادمین حمایت مالی کافی نمایند تا ایشان خود را به طور کامل وقف خدمت کنند. به عبارت دیگر، اعضا و خادمین باید برای خدمت به خدا به یکدیگر یاری رسانند و در سختی آن سهیم باشند.



## فصل یازدهم

# وظایف روزهای آخر

## دوم تیموتائوس ۳

تأکید در این فصل بر دانش و مسئولیت است. پولس خصوصیات روزهای آخر و نحوه مقابله با آن را به تیموتائوس شرح می‌دهد. هر عملی بایستی بر اساس دانش صورت بگیرد. اکثر مسیحیان مثل خلبانی هستند که به مسافران اعلام می‌کند "ما گم شده‌ایم اما اوقات خیلی خوبی داریم".

"این ایام آخر" با خدمت عیسی مسیح آغاز شد (عبرانیان ۱: ۱-۲) و تا هنگام بازگشت او ادامه خواهد یافت. این روزها "ایام آخر" نامیده شده زیرا در این روزها است که خدا هدفش را محقق می‌سازد. مسیح بازگشت خود را برای نجات گنهکاران بیشتری به تأخیر انداخته است. به همین دلیل برخی افراد وعده بازگشت او را به تمسخر می‌گیرند (۲ پطرس ۳: ۳). وعده بازگشت مسیح حتمی و قطعی است.

در این دوره "ایام آخر"، روزها (فصول) مختلفی خواهد بود، همانطور که به روزهای آخر نزدیک می‌شویم با خطرات بیشتری روبرو خواهیم بود. کلمه خطر مفهوم "خشونت، سختی و بیرحمی" را در بر می‌گیرد و این همان کلمه یونانی است که برای توصیف دو دیوانه زنجیری در سرزمین جرجسیان استفاده شده است (متی ۸: ۲۸). این نشان می‌دهد که خشونت و بیرحمی ایام آخر الهام گرفته از شیطان خواهد بود (اول تیموتائوس ۴: ۱).

شکی نیست که این وضعیت در زمان پولس خود را نشان داد و در عصر حاضر به شدت افزایش یافته است. دلیلش این نیست که بر

جمعیت جهان افزوده یا پوشش خبری ما از حوادث بهتر شده است. به نظر می‌رسد که شیطان با عمق و شدت بیشتری در زندگی مردم نفوذ کرده است و جامعه به طرز جسورانه‌ای آن را پذیرفته و بسط داده است. این‌طور نیست که طغیان و سرکشی را هر از گاهی اینجا و آنجا ببینیم، ظاهراً هرج و مرج بیشتر جاها را فرا گرفته است. ما حقیقتاً در "ایام وحشتناک و دشواری" زندگی می‌کنیم (۲ تیموتائوس ۳: ۱). پولس برای خدمت مؤثر تیموتائوس در این ایام سه نصیحت می‌کند:

۱- از دروغ و نادرستی مؤمن‌نماها دوری کن (۲ تیموتائوس ۳: ۱-۹).  
 "فریب اینگونه اشخاص خوش‌ظاهر را نخور" (۳: ۵، تفسیری). ایماندار راسخ نباید با کسی که پولس در این بخش توصیف می‌کند، معاشرت داشته باشد. شایان ذکر است که این افراد به نام مذهب دست به کارهای ناشایست می‌زنند. "افرادی به ظاهر مؤمن"، اما در باطن بی‌ایمان هستند. این افراد مذهبی و یاغی هستند. پولس سه حقیقت را در مورد این افراد روشن می‌کند:

الف- خصوصیاتشان (۲ تیموتائوس ۳: ۲-۵). دست‌کم ۱۸ خصوصیت مختلف در اینجا ذکر شده است و احتمالاً پولس بیشتر از این هم می‌توانست فهرست کند. تأکید در اینجا بر عشق است. خودپرست، پول دوست، حریص، عاشق لذت و دشمن خدا هستند. هر مشکلی از قلب نشأت می‌گیرد. خداوند به ما فرمان می‌دهد تا او را با تمام قلب و جان و فکر خود دوست بداریم و همسایه‌مان را به اندازه خود دوست بداریم (متی ۲۲: ۳۴-۴۰). در این عالم هستی، خدا وجود دارد. "مردم" و "چیزها" وجود دارند. بایستی خدا را پرستش کنیم و مردم را دوست بداریم و از چیزها بهره‌مند شویم.

اما اگر خود را بپرستیم، خدا را انکار کرده و به طرف چیزهای دنیوی می‌رویم و از مردم بهره‌جویی می‌کنیم. این تصویری از یک

زندگی فلاکت‌بار و شرم‌آور است. این در حالی است که بسیاری از مردم امروزه اینگونه زندگی می‌کنند. اشتیاق مردم به چیزهای مادی خود حاکی از آن است که قلب‌های مردم آلوده و از خدا دور شده است. عاقبت، آنکه خودپرست است و فقط خود را دوست دارد دچار تکبر می‌شود. "مثل خدا می‌شوی"، این وعده شیطان به حوا بود (پیدایش ۳: ۵) و نتیجه این شد که مردم به جای ایمان به حقیقت وجود خدا، دروغ را پذیرفتند و مخلوق خدا را به جای خالق پرستش نمودند (رومیان ۱: ۲۵). انسان جای خدا را گرفت؛ متکبران، مغروران (خودپسندان)، کفرگویان، آنانکه سخنان مضمّن‌کننده و اهانت‌آمیز بر زبان می‌آورند (۲ تیموتائوس ۳: ۲).

نافرمانی نسبت به والدین نشان می‌دهد که این بی‌دینی به خانواده نیز کشانده شده است. فرزندان ناسپاس بوده و قدر والدین خود را نمی‌دانند. ایشان نگرشی غیر الهی نسبت به والدین خویش دارند. "پدر و مادر خود را اطاعت کنید" دیگر تعلیم داده نمی‌شود و مورد احترام نیست. عشق خانوادگی امروزی عاری از عشق خدادادی و طبیعی است. در این ایام خانواده تحت حملات شدید دشمن است و دامنه آن به تمام خانواده‌ها و همه ملت‌ها کشیده شده است.

به جای عشق طبیعی که خدا در وجود مردان و زنان و خانواده‌ها نهاده است، امروز شاهد عشق غیر طبیعی هستیم که خدا محکوم کرده است (رومیان ۱: ۱۸-۲۷، ۱۹ قرن‌تین ۶: ۹-۱۰). این اعمال خلاف احکام خداست و خدا خلافکاران را مجازات خواهد کرد (رومیان ۱: ۲۸-۳۲).

نه فقط در خانه‌ها بلکه در جامعه و دنیای تجارت نشانه‌های ایام آخر را می‌بینیم. "آشوبگران" (۲ تیموتائوس ۳: ۳) افرادی هستند که مخالف



امورند. ایشان غیر قابل سازش بوده و همواره بر تمایلات و خواسته‌های خود اصرار می‌ورزند.

به منظور دفاع از موضع خویش، تهمت ناروا می‌زنند و مردم را بی‌حرمت می‌کنند. متأسفانه گاهی این رفتار در مسیحیان مؤمن نیز دیده می‌شود. رهبران مسیحی یکدیگر را در صفحات کتاب‌هایشان متهم می‌کنند. "عدم خویشتنداری" یعنی "عدم تسلط بر نفس". شعار جامعه امروزی این است که کار خود را انجام بده و لذت ببر! حزن‌آور است که فرزندان این افراد قربانی لذت تمایلات نفسانی والدینشان هستند زیرا به دلیل مواد مخدر، الکل یا بیماری‌های مقاربتی، این فرزندان معیوب (ناقص الخلقه) و یا فلج هستند.

عدم تسلط بر نفس خود را به شیوه‌های مختلف نشان می‌دهد. "وحشی" یعنی "رام نشده و بیرحم". وقتی این افراد به خواسته‌های خود نمی‌رسند، مثل حیوانات درنده می‌شوند. به جای احترام به چیزهای نیک و پسندیده، از آنها نفرت داشته و به کارهای شیطانی و ناپسند روی می‌آورند. در جامعه امروزی معیارهای درست و غلط تحریف شده‌اند. وای بر شما که خوب و بد را می‌دانید (اشعیا ۵: ۲۰).

"خائنین" (۲ تیموتائوس ۳: ۴) افرادی هستند که به دیگران خیانت می‌کنند و قابل اعتماد نیستند. دوستی و شراکت برای ایشان مفهومی ندارد. اگر لازم باشد برای دستیابی به مقاصد خود دروغ می‌گویند و وعده‌های خود را زیر پا می‌گذارند.

"خودسر" عبارت است از "بی‌پروا، عجول، کسی که بی‌فکر عمل می‌کند". پولس جسارت صادقانه را محکوم نمی‌کند بلکه بی‌پروایی ابلهانه را زیر سؤال می‌برد.

"روشنفکر" آن کسی نیست که افکار عالی دارد، بلکه منظور کسی است که خود را خیلی مهم می‌داند. مترادف مناسب این کلمه "خودپسند" می‌باشد.

"عاشق لذت- دشمن خدا"، این مفهوم را نمی‌رساند که ما باید بین لذت و خدا یکی را انتخاب کنیم. وقتی برای خدا زندگی می‌کنیم، حضور او ما را از شادی لبریز می‌کند (مزمور ۱۶: ۱۱). انتخاب بین عشق به لذت و عشق به خدا است. اگر ما خدا را دوست داشته باشیم، از زندگی در این دنیا و دنیای ابدی به طور کامل بهره‌مند خواهیم شد، هم لذت دنیوی خواهیم داشت و هم جاودانگی، اما لذت گناه دوامی ندارد (عبرانیان ۱۱: ۲۵). جای انکار نیست که ما دردنیایی آکنده از لذت و خوشگذرانی زندگی می‌کنیم، اما این خوشی و لذات اغلب سرگرمی‌هایی تهی و راهی برای گریز از حقیقت است. این لذات حقیقی نبوده و باعث غنای روح نمی‌شود.

پولس در توصیفی که از این افراد داد گفت که ایشان خود را مذهبی قلمداد می‌کنند. "مؤمن نما" (۲ تیموتائوس ۳: ۵) کسی است که در ظاهر مؤمن است اما در باطن ایمانش حقیقی نیست. ایشان هرگز به واقعیت قدرت خدا در زندگی پی نبرده‌اند. مذهب بدون واقعیت به مثابه جسم بدون نیرو است.

ب- پیروانشان (۲ تیموتائوس ۳: ۶-۷). این حقیقت که پولس به توصیف "زنان احمق" پرداخت به این معنی نیست که همه زنان از چنین ویژگی برخوردارند، یا اینکه مردان از نیرنگ معلمین دروغین در امانند. در آن زمان زنان جایگاه پایینی در جامعه داشتند به همین دلیل بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گرفتند. اشخاصی که این سیستم کاذب مذهبی را می‌پذیرند، خواه مرد یا زن دارای خصوصیات مشابهی هستند.

گناه، وجدان این افراد را آزار می‌دهد و به دنبال راه‌گریزی از این اسارت و ترس هستند. ایشان قادر به کنترل تمایلاتشان (شهوات) نیستند. احتمالاً تأکید در اینجا بر مسائل جنسی است. این قبیل افراد همواره از کسانی که تعلیم جدید دارند پیروی می‌کنند تا شاید به شناخت حقیقت دست یابند، اما هرگز رضایت درونی‌شان تأمین نمی‌شود. این نوع افراد طعمه خوبی برای باجگیران مذهبی و فرقه‌گرایان هستند.

این رهبران دروغین دینی از مشکلات مردم سوء استفاده می‌کنند و به ایشان راه‌حل‌های سریع و آسان را وعده می‌دهند. ایشان زیرکانه به زندگی مردم نفوذ کرده و بر آن مسلط می‌شوند. چندی طول نمی‌کشد که این رهبران، وفاداری و پول و خدمت پیروانشان را به چنگ می‌آورند و این مردم ساده لوح که گرفتار مشکلات بیشتری شده‌اند، فکر می‌کنند که اوضاع بر وفق مراد است.

به خاطر داشته باشید که تمام فعالیت‌های پنهانی و فریبکارانه به نام مذهب صورت می‌گیرد! جای شگفتی نیست که پولس به تیموتائوس گفت: "از آن بر حذر باش".

ج. رهبران مذهبی‌شان (۲ تیموتائوس ۳: ۸-۹). برای سابقه کشمکش بین موسی و جادوگران مصری به خروج ۷-۹ مراجعه کنید. طبق سنت، این جادوگران "ینیس" و "یمبریس" بودند؛ دو نفری که پولس ذکر کرد (۲ تیموتائوس ۳: ۸). این جادوگران با تقلید و انجام هر آنچه که موسی انجام می‌داد، با او مخالفت می‌کردند. هنگامی که عصای هارون به مار تبدیل شد، جادوگران نیز عصاهای خود را به زمین انداختند و عصاهایشان تبدیل به مار شد. موسی آب را به خون تبدیل کرد و جادوگران نیز همان معجزه را انجام دادند. وقتی موسی همه جا را پر از قورباغه کرد، جادوگران نیز چنین کردند. اما در بلای پشه، ایشان موفق به انجام آن نشدند (خروج ۸: ۱۶-۱۹).

شیطان تقلید می‌کند. شیطان آنچه را که خدا انجام می‌دهد، جعل می‌کند. رهبران دینی نیز در آخر زمان ایمان جعلی خواهند داشت و هدفشان اشاعه دروغ و مخالفت با حقیقت کلام خداست. ایشان قدرت کلام را انکار کرده، حکمت و فلسفه انسانی را جایگزین آن می‌کنند. در تلاش برای "مدرن زیستی" حقیقت گناه و نیاز مردم به نجات را انکار می‌کنند. "مردود" لغتی است که پولس برای توصیف آنها به کار برد که عبارت است از "چیزی که در اثر آزمایش، جعلی بودنش ثابت شده".

سرانجام گمراهی "ینیس" و "یمبریس" آشکار شد و ایشان به جزای عمل خود رسیدند. رهبران مذاهب دروغین نیز در ایام آخر مکافات عمل خود را خواهند دید. در روز داوری، هویت واقعی این جاعلین بر همه آشکار خواهد گردید.

## ۲- از ایماندارن راستین پیروی کن (۲ تیموتائوس ۳: ۱۰-۱۲)

پولس از رهبران دروغین رو برگرداند تا به تیموتائوس یادآوری کند که او خادم وفادار خداوند بوده است. بسیار حائز اهمیت است که در این ایام دشوار از رهبران روحانی حقیقی پیروی کنیم. این رهبران چه ویژگی‌هایی دارند؟

*الف- شیوه زندگی و هدفشان بر همه آشکار است (۲ تیموتائوس ۳:*  
۱۰). پولس چیزی برای پنهان کردن نداشت. همچون آفایش مسیح می‌توانست بگوید که "به کسی مخفیانه چیزی نگفته‌ام" (یوحنا ۱۸: ۲۰). او به اغریپاس گفت "سبک زندگی مرا از جوانی... همه یهودیان می‌دانند" (اعمال ۴: ۲۶). تیموتائوس با پولس زندگی کرده و با او زحمت و رنج‌هایی را متحمل شده بود و به خوبی او را می‌شناخت. پولس پشت ادعاهای مبالغه آمیز یا تبلیغات مذهبی پنهان نشده بود.

ب- اصول حقیقی را تعلیم می‌دهند (۲ تیموتائوس ۳: ۱۰). "تعلیم من" در مورد پولس منظور ایمان حقیقی، انجیل عیسی مسیح می‌باشد. اهمیتی ندارد که چقدر موعظه جالب و جذاب باشد، چنانچه واعظ حقیقت کلام را موعظه نکند، سزاوار حمایت و پشتیبانی نیست. امروزه در رادیو و تلویزیون، با مسیحی‌نماهای زیادی روبرو می‌شویم که روانشناسی و انگیزه موفقیت را با اندکی تعلیمات انجیل می‌آمیزند تا خود را مذهبی جلوه دهند. مراقب باشید!

ج- آنچه موعظه می‌کنند، خود به آن عمل می‌کنند (۲ تیموتائوس ۳: ۱۰). "شیوه زندگی" پولس، تجلی تعالیم او بود. او تعلیم فداکاری و رنج می‌داد و مطابق آن می‌زیست. او بیش از آنکه از دیگران بستاند، به آنها می‌بخشید. به خاطر حقیقت کلام تا آخر ایستادگی می‌کرد حتی اگر به قیمت از دست دادن دوستان و زندگی‌اش تمام می‌شد. پولس یک خادم بود نه یک آدم سرشناس و مهم!

د- هدف ایشان جلال بخشیدن به خداست (۲ تیموتائوس ۳: ۱۰). جای هیچ بحثی در مورد "هدف" پولس در خدمت وجود ندارد. او می‌خواست خواسته خدا را به انجام رساند و خدمتی را که خدا به او سپرده بود تحقق بخشد (اعمال ۲۰: ۲۴، فیلیپیان ۱: ۲۱). پولس مرد "ایمان" بود که به خدا برای تأمین مایحتاجش توکل می‌کرد؛ او مرد "رنج و صبر" بود که در برابر حملات مردم مقاومت می‌کرد، مرد نیکوکاری که با اشتیاق، خود را برای خدمت به دیگران وقف می‌نمود. کلمه صبر در پایان ۲ تیموتائوس ۳: ۱۰ به معنای بردباری است، یعنی پایداری و استقامت ورزیدن در هنگامی که شرایط سخت و دشوار است.

ه- آماده‌اند تا رنج و زحمت را با اشتیاق متحمل شوند (۲ تیموتائوس ۳: ۱۱-۱۲). پولس از دیگران نخواست تا برای او رنج

بکشند، بلکه او برای دیگران رنج می‌کشید. این حقیقت که او در این شهر و آن شهر مورد ظلم واقع شد ثابت می‌کند که زندگی خدایسندانه‌ای داشت. امروزه برخی مردم فکر می‌کنند، خدایسندانه زیستن یعنی گریز از سختی، حال آنکه درست عکس این صادق است. در شگفتم که پولس چگونه می‌توانست با مفهوم امروزی رهبری مسیحی برابری کند؛ او احتمالاً شکست می‌خورد. اگر برای خدمت در دنیای مدرن امروز، تقاضای کار می‌داد آیا پذیرفته می‌شد؟ او سابقه زندان و ضعف جسمانی داشت. هر جا که می‌رفت مشکلاتی پدید می‌آورد، فقیر بود و اعتنایی به ثروتمندان نمی‌کرد، با این حال خدا او را به خدمت گرفت و از دولت وفاداری اوست که ما سعادتمند هستیم.

### ۳- به کلام خدا ایمان راسخ داشته باش (۲ تیموتائوس ۳: ۱۳-۱۷)

تنها با حقیقت کلام خداست که می‌توان با دروغ‌های شیطان مقابله کرد، جمله "پس خدا گفت" جواب نهایی هر سوالی هست. شیاطین و فریبکاران روز به روز بدتر خواهند شد. چرا؟ چون خود فریب شیطان را خورده‌اند. در این ایام آخر فریب و تقلید بیشتر خواهد شد و تنها راهی که ایماندار می‌تواند درست را از غلط تشخیص دهد، کلام خداست.

تیموتائوس از کودکی کلام خدا را آموخته بود. ممکن است برخی مردم بگویند "من باید انجیل را وقتی جوانتر بودم می‌آموختم، الان دیگر نیازی به آن ندارم". چقدر این افراد در اشتباه‌اند؛ بزرگسالان به هدایت کلام بیش از بچه‌ها نیازمند هستند زیرا ایشان در معرض وسوسه‌های بیشتری قرار دارند و تصمیمات بیشتری می‌گیرند. مادر بزرگ و مادر تیموتائوس وفادارانه کلام خدا را به او تعلیم دادند (کلمه "او" در آیه ۱۴ جمع می‌باشد و به این زنان اشاره دارد، ۱: ۵ را

ملاحظه نمایید). تیموتائوس می‌بایست به آنچه آموخته بود ایمان راسخ داشته باشد. حکمتی که از کتاب مقدس نصیب ما می‌گردد، بی‌انتهاست. فرصت خوبی است که سخنی خطاب به والدین مسیحی بگوییم؛ به شما توصیه می‌کنم تا کتاب مقدس را به فرزندانان تعلیم دهید. من و همسرم از داستان‌های کتاب مقدس متعلق به کنت تیلر تحت عنوان "تصاویری برای چشمان کوچک"، کمک گرفتیم. در حقیقت، دو جلد از این کتاب‌ها را مستهلک کردیم. چقدر لذت‌بخش بود که می‌دیدم فرزندان بزرگتر که خواندن می‌دانستند این داستان‌ها را برای کوچکترها می‌خواندند و به آنها در پاسخ به سؤالات کمک می‌کردند. کم‌کم بچه‌ها بزرگ شده و به داستان‌هایی که مقتضی سن آنها بود، علاقه‌مند شدند تا اینکه بالاخره کتاب مقدس خود را تهیه کردند. چقدر راضی بودیم از اینکه مدرسه یکشنبه برنامه حفظ آیات کتاب مقدس را داشت. در کودکی فرزندانان را با کلام خدا و دعا آشنا کنید، وقتی بزرگ شوند دیگر برای این کار دیر است.

در این پاراگراف، پولس به چند نکته مهم در مورد کتاب مقدس اشاره می‌کند:

الف- آن کتاب "مقدس" است (۲ تیموتائوس ۳: ۱۵). کلمه مقدس ترجمه تحت‌اللفظی آن است. این نشان می‌دهد که تیموتائوس جوان الفبای عبری را از طریق حجی کردن کتب عهد قدیم فرا گرفته بود. کلمه مقدس به معنای تبرک شده جهت استفاده مذهبی می‌باشد. کتاب مقدس متفاوت از هر کتاب دیگری است، زیرا خدا این کتاب را برای مقاصد مقدس خاصی جدا کرده است. ما بایستی انجیل را به صورت کتابی خاص و متمایز بدانیم.

نگرشی که ما نسبت به کتاب مقدس داریم به دیگران نشان می‌دهد که چقدر برای این کتاب اهمیت و احترام قائل هستیم. نمی‌خواهم در این

مورد وسواس به خرج دهم اما باید اعتراف کنم که از دیدن کتاب مقدس روی زمین بیزارم. وقتی کتاب مقدس را به همراه کتاب‌های دیگر در دست داریم، کتاب مقدس باید روی کتاب‌های دیگر باشد. به هنگام مطالعه کتاب مقدس، علامتگذاری درست، نوعی احترام است. کسانی را دیده‌ام که فنجان قهوه خود را روی کتاب مقدس می‌گذارند. پولس نگرش درستی را که باید نسبت به کتاب مقدس داشته باشیم به ما یادآور شد (۱ تسالونیکیان ۲: ۱۳).

ب- کتاب مقدس ما را به نجات و رستگاری هدایت می‌کند (۲ تیموتائوس ۳: ۱۵). ایمان به کتاب مقدس نیست که باعث نجات می‌شود بلکه ایمان به عیسی مسیح که در این کتاب بر ما آشکار شده، نجات‌بخش است (یوحنا ۵: ۳۹). شیطان تعالیم کتاب مقدس را می‌داند اما نجات‌یافته نیست.

تیموتائوس در خانواده‌ای الهی و مطابق با تعلیمات کتاب مقدس تربیت و بزرگ شد، اما تا وقتی که پولس او را به مسیح هدایت نکرده بود، نجات نیافته بود.

رابطه بین کتاب مقدس و رستگاری چیست؟ اول اینکه کتاب مقدس نیاز به نجات را آشکار می‌سازد؛ مثل آینه‌ای است که به ما نشان می‌دهد در نزد خدا چقدر زشت و گناهکاریم. کتاب مقدس شرح می‌دهد که هر گناهکار گمراهی از "هم‌اکنون" محکوم است (یوحنا ۳: ۱۸-۲۱) و "اکنون" نیاز به نجات‌دهنده دارد. همچنین روشن می‌کند که گناهکار گمراه نمی‌تواند خود را نجات دهد.

کتاب مقدس نقشه حیرت‌انگیز خدا برای نجات را آشکار می‌سازد. مسیح برای گناهان ما مرد؛ اگر به او ایمان آوریم، نجات خواهیم یافت (یوحنا ۳: ۱۶-۱۸). همچنین به ما ضمانت نجات را می‌دهد (۱ یوحنا ۵: ۹-۱۳). کتاب مقدس مثل خوراک روحانی ما را تغذیه می‌کند تا بلکه



به فیض و رحمت خدا رشد کرده و مسیح را خدمت کنیم. کلام خدا شمشیر ما برای نبرد علیه شیطان و غلبه بر وسوسه‌ها است.

ج- کتاب مقدس عین حقیقت و قابل اعتماد است (۲ تیموتائوس ۳: ۱۶/الف). "تمام کتاب مقدس الهام گرفته از خداست". این اصل که کتاب مقدس الهام الهی است بسیار حیاتی است و این همان اصلی است که شیطان از همان آغاز به آن حمله کرده است: "آیا حقیقت دارد که خدا گفته است" (پیدایش ۳: ۱). باور کردنی نیست که خدا کتابی را به مردم عطا کند که قابل اعتماد نباشد. او خدای حقیقت است (تثنیه ۲۳: ۴). مسیح "حقیقت" است (یوحنا ۴: ۱۶) و "روح القدس" حقیقت است (۱ یوحنا ۵: ۶). مسیح در مورد کتاب مقدس فرمود: "کلام تو راستی و حقیقت است" (یوحنا ۱۷: ۱۷).

خدا روح القدس را در وجود مردان خدا قرار داد و حقیقت کلام مقدس را به ایشان آشکار نمود تا به رشته تحریر در آورند (۲ پطرس ۱: ۲۰-۲۱). روح خدا خصوصیات طبیعی این نویسندگان را از بین نبرد. در حقیقت، خدا بنا به مشیت خود، نویسندگان را برای نگارش کتاب مقدس مهیا نمود. هر نویسنده، سبک و واژگان متمایز خود را دارد. هر یک از کتاب‌های عهد جدید بر حسب شرایط خاصی نوشته شد. خدا با آماده‌سازی نویسندگان در مسیر تاریخ و با کاری که از طریق روح القدس انجام داد، معجزه کتاب مقدس را محقق ساخت.

نبایستی مفهومی را که از "الهام" استنباط می‌کنیم با درکی که مردم دنیا از آن دارند (مثلاً اینکه شکسپیر نویسنده الهام‌بخشی بود) اشتباه بگیریم. آنچه از الهام کتاب مقدس برداشت می‌شود، تأثیر فوق طبیعی روح القدس بر نویسندگان کتاب مقدس است که تضمین می‌کند که آنچه نوشتند معتبر و قابل اعتماد است. وحی، یعنی آشکار نمودن حقیقت به

انسان از طریق خدا؛ "الهام" به "ثبت" این حقایق وحی شده به شیوه‌ای که قابل اعتماد و مطمئن است مربوط می‌شود.

هر آنچه کتاب مقدس در مورد بشر، خدا، زندگی، مرگ، تاریخ و علم و هر موضوع دیگر بیان می‌کند، حقیقت است. البته این بدان معنی نیست که هر گفته‌ای که در کتاب مقدس هست حقیقت است، زیرا کتاب مقدس حتی دروغ انسان‌ها و شیطان را ثبت کرده است. آنچه راست و حقیقی است "ثبت" کتاب مقدس راست.

د- کتاب مقدس مفید است (۲ تیموتائوس ۳: ۱۶ ب). از این جهات مفید است: برای اصول (آنچه که راست و درست است)، برای تأدیب (آنچه نادرست است)، برای اصلاح (چگونه درستکار شد)، برای هدایت به درستکاری (چگونه درستکار باقی بمانیم). مسیحی که کتاب مقدس را می‌خواند و به آن عمل می‌کند در تقدس و پاکی رشد می‌کند و از سقوط در دام این دنیا مصون می‌ماند.

ه- کتاب مقدس ما را برای خدمت تجهیز می‌کند (۲ تیموتائوس ۳: ۱۷). پولس تیموتائوس را "مرد خدا" خوانده بود (اول تیموتائوس ۶: ۱۱). اما در اینجا پولس بیان می‌دارد که هر مسیحی می‌تواند مرد خدا باشد. چگونه؟ با مطالعه کلام خدا و اطاعت از آن و تحت تسلط آن بودن. شایان ذکر است همه مردان خدا که نامشان در کتاب مقدس آمده، نظیر موسی، سموئیل، الیاس، الیشع، داود و تیموتائوس مردانی متعهد به کلام بودند.

دو کلمه در این آیه مهم است: "کامل" و "مجهز". کلمه‌ای که "کامل" ترجمه شده، به معنی تمام عیار، به صورت عالی و در شرایط عالی می‌باشد. منظور کمال مطلق و عاری از هر گونه عیب و گناه نیست بلکه مفهوم آماده شدن و کامل شدن برای خدمت را می‌رساند. "مجهز" یعنی تجهیز شده برای خدمت. به عبارت دیگر، کلام خدا

ایماندار را از هر جهت آماده و مجهز می‌سازد تا زندگی خدایسندانه‌ای در پیش گیرد و اراده خدا را به انجام رساند. هر چه بیشتر کلام را بدانیم، نیکوتر زیسته و بهتر کار خدا را به انجام می‌رسانیم.

هدف از مطالعه کلام، صرفاً درک اصول و کسب قدرت جهت دفاع از ایمان نیست، گرچه اینها مهم هستند؛ اما هدف نهایی تجهیز ایماندارانی است که کلام را می‌خوانند. این کلام است که مردم را برای انجام مشیت الهی مجهز و مهیا می‌سازد.

زمانه بهتر نخواهد شد، اما ما مسیحیان می‌توانیم حتی در این شرایط بد و دشوار انسان‌های بهتری باشیم و باید از آنچه دروغ و غلط است بپرهیزیم و خود را وقف آنچه درست و راست است بکنیم و در مطالعه کلام خدا کوشا باشیم تا خدا ما را برای خدمت در این ایام دشوار آماده کند. آنگاه با مشاهده کسانی که به معرفت حقیقت نائل می‌شوند و نجات می‌یابند از شادی لبریز خواهیم شد.

## سخنان آخر

### دوم تیموتائوس ۴

سخنان آخر شخص بزرگ بسیار حائز اهمیت است. این سخنان پنجره قلب او را به سوی ما می‌گشاید یا به عبارتی معیاری برای ارزیابی زندگی‌اش است. در این فصل، سخنان آخر پولس به تیموتائوس و کلیسا را مطالعه می‌کنیم.

جالب است که پولس در سخنان پایانی‌اش اظهار پشیمانی و تأسف نکرد. حتی آنانی را که شرایط را برای او دشوار کردند، بخشید (۴: ۱۶). در این فصل اسامی بیش از ۱۷ نفر آورده شده است که نشان می‌دهد پولس علاوه بر اینکه برای نجات روح انسان‌ها تلاش می‌کرد، روابط دوستانه زیادی هم داشت. با اینکه زمان رحلتش فرا رسیده بود، هنوز به فکر دیگران بود. پولس سه سفارش نهایی به تیموتائوس کرد و برای هر کدام از آنها دلیلی آورد.

#### ۱- کلام را موعظه کن (تیموتائوس ۴: ۱-۴)

"تو را مکلف می‌سازم" را می‌توان این طور ترجمه کرد: "با جدیت گواهی می‌دهم". شرایط بسیار جدی بود و پولس می‌خواست تیموتائوس اهمیت آن را درک کند. اهمیت آن فقط به این دلیل نبود که زمان رحلت پولس فرا رسیده بود بلکه بیشتر به این علت که ایشان روزی در پیشگاه خدا داوری می‌شدند. چه نیک است گاهی در این حقیقت تفکر کنیم که روزی در پیشگاه خدا حاضر خواهیم شد و اعمال ما مورد داوری قرار خواهد گرفت. درک عمیق این حقیقت ما را ترغیب می‌کند

تا وظایف خود را با دقت و وفاداری انجام داده، از قضاوت انسان‌ها هراسی نداشته باشیم زیرا داور نهایی خدا است.

معرفت به این اصل به ما امید می‌دهد تا با وجود تمام دشواری‌ها از تلاش دست بر نداریم و به اعمال نیک خود ادامه دهیم. ما در خدمت خدا هستیم نه مطیع امیال خود!

"کلام را موعظه کن"، اصلی‌ترین مسؤلیتی است که پولس در این قسمت به آن توصیه کرد. هر چیز دیگر در ارتباط با این مسؤلیت قرار می‌گیرد. موعظه یعنی پیامی که منادی اعلام می‌کند. در روزگار پولس حاکم، منادی مخصوصی داشت که پیامش را به مردم می‌رساند. او مأموریت داشت تا پیام‌ها را با صدای بلند و شیوا اعلام کند طوری که همه بشنوند. منادی، فرستاده‌ای برای انجام مذاکرات نبود، بلکه پیام‌آوری بود که اخبار را به گوش مردم می‌رساند. بی‌اعتنایی و بدرقتاری با منادی پیامدهای جدی و شدیدی در پی داشت.

تیموتائوس موظف بود با قدرتی که خدا او را بدان مجهز کرده بود، کلام را به گوش همه برساند. گناهکاران و برگزیدگان هر دو به کلام خدا محتاجند. مایه تأسف است که کلیساهای بسیاری امور دیگر را جایگزین تعلیم کلام می‌کنند، اموری که شاید به جای خود نیکو باشند اما شایسته نیست جانشین اعلام کلام خدا شوند. من در خدمت شبانی خود، شاهد بوده‌ام که موعظه کلام چه کارهای عظیمی در کلیساها و زندگی افراد می‌کند و تصدیق می‌کنم که هیچ چیز دیگری نمی‌تواند جای آن را بگیرد.

تیموتائوس بایستی با سخت‌کوشی و هشیاری از هر فرصتی، مطلوب یا نامطلوب، جهت موعظه کلام استفاده می‌کرد. خیلی آسان است که فرصت‌ها را از دست بدهیم و بعد عذر و بهانه بیاوریم. خود

پولس هر فرصتی که به دست می‌آورد، خواه در محوطه معبد یا در دریای طوفانی و یا حتی در زندان به تعلیم کلام می‌پرداخت.

"آنکه در انتظار هوای مساعد بماند نه چیزی خواهد کاشت و نه چیزی درو خواهد کرد" (جامعه ۱۱: ۴). از عذر و بهانه آوردن دست بردارید و شروع به کار کنید. موعظه با سه رکن مشخص می‌شود: محکومیت، هشدار و توبیخ. جمله‌ای در مورد کار واعظ به خاطر دارم که می‌گوید: "او باید راحت‌طلبان را متأثر و غمگینان را تسلی بخشد". اگر محکومیتی هست اما اصلاحی صورت نمی‌گیرد بیشتر بر بار مردم می‌افزاییم. چنانچه آنانی را که باید توبیخ شوند تشویق کنیم، در ارتکاب به گناه به ایشان یاری رسانده‌ایم. موعظه‌ای که بر اساس کتاب مقدس انجام می‌گیرد، متعادل است.

سخنران خدا باید به هنگام موعظه کلام صبور باشد. همیشه نتایج به صورت آنی رخ نمی‌دهد. بایستی با آنانی که با تعالیم خدا مخالفت می‌ورزند بردبار باشیم و مهمتر از همه، واعظ باید اصول را تعلیم دهد. نبایستی صرفاً به نقل داستان‌های کتاب مقدس پرداخته و آن را با مثالی جالب مرتبط سازد یا آیه‌ای بخواند و بعد آن را فراموش کند. موعظه حقیقی یعنی تفسیر و کاربرد اصول کلام. هر چیز دیگری فقط سخنرانی مذهبی بیش نیست.

پولس مسؤولیت تعلیم کلام را سفارش کرد (۲: ۴) و دلیل آن را نیز ذکر کرد (۴: ۳-۴). او گفت زمانی فرا خواهد رسید (مدت مدیدی است که فرا رسیده) که مردم به "اصول سالم" کلام خدا گوش فرا نخوانند داد، بلکه برای ارضای خواهش‌های نفسانی خود، به سراغ ابداع‌کنندگان مسائل مذهبی خواهند رفت. ایشان از کسانی پیروی خواهند کرد که مطابق میلشان تعلیم می‌دهند. داشتن کلیسای بزرگ نشان‌دهنده آن نیست که واعظ، حقیقت را تعلیم می‌دهد. درحقیقت ممکن

است گواه بر این باشد که او مطابق میل مردم سخن می‌گوید و آنچه را که مردم می‌خواهند بشنوند، به خوردشان می‌دهد، نه آنچه که لازم است به آن گوش فرا دهند.

فاصله زیادی وجود ندارد بین گوش فرا دادن به مطالب دلخواه‌مان، و پشت کردن به حقیقت. به محض انکار حقیقت، مردم به قصه‌ها و افسانه رو می‌آورند. بعید به نظر می‌رسد که داستان‌های ابداعی بشر ایشان را محکوم به گناه یا وادار به توبه کند، در نتیجه جماعتی از مسیحیان مؤمن و راحت‌طلب به سخنان مذهبی که تهی از اصول کلام است گوش فرا می‌دهند. این قبیل افراد طعمه هر بدعتی می‌شوند زیرا زندگی آنها بر کلام خدا بنا نشده است. این حقیقتی مسلم است که اکثر پیروان فرقه‌های بدعت‌کار قبلاً عضو کلیسا بوده‌اند.

به تأکیدی که در کتاب مقدس است توجه کنید: " کلام را موعظه کن... با... اصول... ایشان به پیام راستین کلام خدا بی‌اعتنا خواهند بود و کورکورانه عقاید نادرست خود را دنبال خواهند کرد" (۴: ۲-۴) تأکید بر اصول راستین کلام در هر سه رساله شبانی پولس به چشم می‌خورد و این همان چیزی است که امروز بدان احتیاج داریم.

## ۲. خدمت خود را به کمال برسان (۲ تیموتائوس ۴: ۵-۸)

"خدمت خود را به اثبات برسان" یعنی تحقق خواست خدا به نحو احسن. خدمت تیموتائوس نمی‌توانست دقیقاً مثل خدمت پولس باشد، با این حال برای هدف مسیح مهم بود. خدمتی که از طریق خدا هدایت می‌شود نمی‌تواند کوچک و بی‌اهمیت باشد. در این فصل پایانی پولس به معرفی همکاران زحمتکشی می‌پردازد که اطلاعی از آنها در دست نداریم. ایشان نیز خدمت روحانی داشتند که باید به انجام می‌رساندند.

یک بار واعظ جوانی به چارلز اسپر جان واعظ معروف قرن ۱۸ شکایت کرد که از داشتن کلیسای بزرگی که شایستگی آن را دارد

محروم است، وی پرسید: به چند نفر موعظه می‌کنی؟ جوان پاسخ داد: حدود ۱۰۰ نفر. وی گفت: همین تعداد تو را در روز داوری کفایت می‌کند.

ما محقق شدن خدمت روحانی را تنها بر اساس آمار و یا آنچه مردم می‌بینند ارزیابی نمی‌کنیم. این وفاداری است که اهمیت دارد و خدا قلب ما را می‌بیند و به همین علت تیموتائوس باید در همه شرایط استوار می‌ایستاد (۴: ۵) و با جدیت به خدمتش ادامه می‌داد.

تیموتائوس تنها یک واعظ نبود بلکه سربازی بود (۲: ۳-۴) که باید "مصائب را تحمل می‌کرد" (۴: ۵). او بارها رنج و زحمت پولس را در راه خداوند دیده بود (۳: ۱۰-۱۲، ۲قرن‌تیان ۶: ۱-۱۰). بیشتر رنج‌های تیموتائوس از "جماعت مذهبی" بود که پذیرای حقیقت نبودند. این همان جماعتی بود که مسیح را مصلوب کرد، پولس را آزار و اذیت کرد و به زندان افکند.

"مردم را به سوی مسیح هدایت کن" (۲ تیموتائوس ۴: ۵) به تیموتائوس یادآوری کرد که اساس خدمتش باید بر نجات روح انسان‌ها پایه‌گذاری شده باشد. البته این بدان معنا نیست که تمام موعظه‌ها خطاب به گناهکاران باشد، زیرا ایمانداران نیز به تشویق و تغذیه احتیاج دارند. هر موعظه‌ای باید در برگیرنده پیامی برای گمراهان باشد و واعظ موظف است مسئولیت خود را در قبال ایشان به انجام رساند. این مسئولیت بایستی مشخصه خدمت شخصی شبان نیز باشد (اعمال ۲۰: ۱۷-۲۱ را برای توصیف خدمت متعادل مطالعه نمایید). خداوند مردان خاصی را برای رساندن پیام به کلیسا اعطا کرد (اعمال ۲۱: ۸، افسسیان ۴: ۱۱)، اما این امر شبان را از مسئولیت نجات گمراهان آزاد نمی‌کند. واعظین دارای عطایای روحانی یکسان نیستند، اما می‌توانند در این بار مسئولیت شریک بوده و پیام



نجات‌بخش انجیل را به گمراهان اعلام کنند. دوستی که یک بار موعظه واعظ معروفی را شنیده بود می‌گفت: "موعظه‌اش پیامی برای نجات گمراهان نداشت".

پولس به تیموتائوس گفت که چرا این مسؤلیت‌ها را به او می‌سپارد (۲ تیموتائوس ۴: ۶-۸). به زودی خدمتش به پایان می‌رسید و تیموتائوس باید جایش را می‌گرفت. پولس در این پاراگراف زیبا که شهادت شخصی خود را می‌دهد، به سه جهت مختلف می‌نگرد:

به اطراف نگر نیست (۴: ۶). پولس می‌دانست که وقتش به سر آمده است. او در روم محاکمه می‌شد و در نخستین جلسه دادگاه نیز شرکت کرده بود (۴: ۱۷). با اینکه به پایان خدمت خود نزدیک شده بود، از مرگ هراسی نداشت. دو لغت "ریختن" و "رحلت" (۴: ۶) از ایمان راسخ و اطمینان او حکایت می‌کنند. "ریختن" یعنی ریختن خون در قربانگاه. او از مثالی مشابه در فیلیپیان ۲: ۷-۸ استفاده کرد. در حقیقت پولس می‌گفت که این قیصر نیست که او را خواهد کشت بلکه او خود را فدای مسیح می‌کند. او قربانی زنده‌ای بود که از روز نجاتش مسیح را با جان و دل خدمت کرد و با فدا کردن جان خود، خدمتش را به پایان رسانید.

کلمه "رحلت" (۲ تیموتائوس ۴: ۶) در یونانی لغتی زیبا با مفاهیم متعدد است. بالا کشیدن لنگر و برافراشتن بادبان‌ها اولین مفهومی است که از این کلمه استنباط می‌شود. پولس به مرگ همچون رهایی از این دنیا می‌نگرد. فرصتی که بادبان‌هایش را برافراشته و به سوی ابدیت رهسپار می‌شود. "رحلت" به معنی "جمع کردن خیمه" در ۲ قرن‌تیان ۵: ۱-۸ آمده است که در آن پولس مرگ ایمانداران را به جمع کردن خیمه تشبیه می‌کند. با ترک بدن‌های خاکی است که وارد خانه یعنی بدن جاودانی آسمانی خواهیم شد. "رحلت" در یونانی، همچنین مفهوم "آزاد

نمودن زندانی" را در بر دارد. پولس با آزادی روبرو بود نه اعدام. "یوغ برداشتن" مفهوم دیگری است که از این لغت استنباط می‌شود. او سال‌های زیادی را در زحمت و سختی خدمت کرده بود. حال آفایش این یوغ را برداشته و او را به خدمت ملکوتی بالاتر ارتقا خواهد داد.

به گذشته نگریست (۲ تیموتائوس ۴: ۷). پولس خلاصه زندگی و خدمت روحانی‌اش را با تشبیهاتی توصیف کرد. مثل کشتی‌گیر یا مشت‌زن مبارزه خوبی داشت و مثل دهنده مسابقه زندگی را با پیرزوی به پایان رساند. او از قوانین اطاعت کرد و خدمتی را که عیسی مسیح به او سپرده بود به کمال رساند و شایسته دریافت پاداش بود (فیلیپیان ۳: ۱۳-۱۴، اعمال ۲۰: ۲۴). تشبیه سوم، مثل مباشری است که وفادارانه از ودیعه‌ای که ارباش نزد او گذاشته محافظت می‌کند. "من در ایمان راسخ و وفادار بودم" (۲ تیموتائوس ۴: ۷). پولس اغلب از این تشبیه در نامه‌های شبانی‌اش استفاده کرده است.

مایه دلگرمی است که از گذشته خود نادم و پشیمان نباشیم. پولس همیشه سرشناس و محبوب نبود و معمولاً آرامش و راحتی نداشت اما همواره وفادار ماند و این چیزی است که به حساب می‌آید.

به آینده نگریست (۴: ۸). قهرمان یونانی یا رومی که بازی را می‌برد از سوی تماشاچیان تشویق می‌شد و می‌باشد که تاج فاتح، یا مدال افتخار، حلقه گل یا برگ بلوط دریافت می‌کرد. در یونانی کلمه stephanos به معنی تاج پیروزی است و نام "استیقان" نیز از همین کلمه اخذ شده بهر حال به پولس تاج برگی که زود پژمرده می‌شود عطا نخواهد شد، تاجی که او شایستگی‌اش را دارد، تاج عدالت و درستکاری است که هرگز از بین نخواهد رفت. عیسی مسیح داور عادل است که همیشه به راستی و انصاف قضاوت می‌کند. محاکمه‌های پولس در روم عادلانه نبود. اگر عادلانه او را محاکمه

می‌کردند باید او را آزاد می‌کردند. چقدر پولس در دادگاه‌های مختلف محاکمه شد با این همه اکنون در پیشگاه آخرین داور و نجات دهنده خود، سرورش عیسی مسیح است. وقتی آماده بازگشت مسیح و داوری او هستید از داوری انسان‌ها نخواهید ترسید.

تاج عدالت پاداش خوبی است برای آنانی که زندگی وفادارانه و خداپسندانه‌ای داشته‌اند. وعده بازگشت مسیح به ما شوق و انگیزه می‌بخشد تا وفادارانه زندگی مقدسی را پیش گیریم. به عشق ظهور مسیح بود که پولس وفادارانه خدمت کرد و با پاکی زیست. به همین دلیل است که بازگشت مسیح اساس نصایح او را در این فصل تشکیل می‌دهد (۴: ۱).

ما فراخوانده نشده‌ایم که همچون پولس پیشوای دینی شویم؛ با این حال تاجی را که نصیب او شد می‌توانیم دریافت کنیم. اگر برای بازگشت مسیح پایداری ورزیم و در اطاعت کامل اراده خدا زندگی کنیم و به خدمتی که فراخوانده شده‌ایم مشغول باشیم ما نیز شایستگی دریافت تاج را از داور عادل خواهیم داشت.

### ۳- کوشا و وفادار باشید (۲ تیموتائوس ۴: ۹-۲۲)

"شتاب کن و به نزد من بیا" مفهوم نصیحتی است که پولس به تیموتائوس کرد (۴: ۹). "تیخیکوس" جانشین تیموتائوس در افسس شد (۴: ۱۲). تیموتائوس در راه روم، در شهر ترآس توقف کرد تا ردا، کتاب‌ها و اوراق پوستی پولس را بردارد (۴: ۱۳). پولس احتمالاً آنها را با عجله آنجا گذاشته بود. می‌بینیم که او می‌خواست در روزهای پایانی عمرش در کنار پسر روحانی محبوبش باشد. او همچنین آدم واقع‌بینی بود. ردای خود را برای گرم شدن و کتاب‌هایش را برای مطالعه می‌خواست. احتمالاً "کتاب‌ها" شامل دست‌نویس‌های پاپیروس آیات عهد عتیق و اوراق، دفاتری از پوست حیوانات بودند. اطلاعی از

محتویات این اوراق در دست نیست. جای تعجب نیست که عالمی مثل پولس به این وسایل برای مطالعه و نگارش احتیاج داشت.

قبل از اتمام نامه به تیموتائوس اصرار کرد که "قبل از زمستان آنجا باشد (۴: ۲۱)، چون می‌دانست کشتی‌ها به خاطر خطر زمستان در بندر می‌مانند. اگر تیموتائوس درنگ می‌کرد، فرصت را از دست می‌داد.

چرا تیموتائوس باید کوشا و وفادار می‌بود؟ آیه ۱۰ تا حدودی به این سؤال جواب می‌دهد. عده‌ای از اطرافیان پولس وفادار و قابل اعتماد نبودند. نام دیماس فقط سه بار در عهد جدید آمده و در هر سه آنها، داستان تأسف‌انگیز ناکامی‌اش را می‌شنویم. پولس او را هم‌ردیف مرقس و لوقا به عنوان همکاران زحمتکش خود معرفی کرد (فلیمون ۲۴)، اما بعد تنها او را "دیماس" خواند (کولسیان ۴: ۱۴). "دیماس مرا ترک کرده است" (۲ تیموتائوس ۴: ۱۰). پولس علت آن را دل‌بستگی به امور دنیوی دانست با اینکه طعم امور عالی آسمانی را چشیده بود (عبرانیان ۶: ۵). اما دنیای آلوده به گناه را ترجیح داد (غلاطیان ۱: ۴). جان بانیان در کتابش تحت عنوان "گذرگاه هستی"، دیماس را به کسی تشبیه می‌کند که صاحب معدن نقره در تپه‌ای پر از طلا است. احتمالاً عشق به پول دیماس را وسوسه کرد. شاید قلب پولس از دیدن گمراهی دیماس به درد آمده بود. این ممکن است برای هر ایمان‌داری اتفاق بیفتد و شاید به همین دلیل باشد که پولس لازم دید در نامه‌هایش از حرص به مال و ثروت سخن بگوید.

دلیل دیگری که پولس می‌خواست تیموتائوس در روم باشد، این بود که جلسه بعدی دادگاهش فرا می‌رسید و فقط لوقا با او بود. ایمانداران روم و افسس که باید از پولس پشتیبانی می‌کردند او را ترک کردند (۲ تیموتائوس ۴: ۱۶). اما او می‌دانست که تیموتائوس مأیوسش نخواهد

کرد، البته خدا پولس را از یاد نبرده بود (۴: ۱۷). خداوند به پولس وعده داده بود که نجاتش خواهد داد و او به وعده خود وفادار بود. پولس در قرننس مأیوس شده بود اما خدا به رویای او آمد و او را تشویق کرد (اعمال ۱۸: ۹-۱۱). پس از دستگیری او در اورشلیم خداوند به نزدش آمد و به او دلگرمی داد (اعمال ۲۳: ۱۱). در آن طوفان وحشتناک وقتی پولس در عرشه کشتی بود، خداوند به او قوت و دلگرمی داد (اعمال ۲۷: ۲۲ به بعد). و حال در آن زندان وحشتناک در روم دوباره حضور یاری‌رسان و قدرت‌بخش خدا را احساس کرد که وعده داد: "تو را هرگز تنها نخواهم گذاشت و ترک نخواهم کرد" (عبرانیان ۱۳: ۵).

توجه داشته باشید که نگرانی پولس راحتی و امنیت خودش نبود. او نگران تعلیم کلام بود تا بلکه بی‌ایمانان نجات یابند. این خدمت خاصی بود که خدا به او محول کرده بود که فیض نجات را به غیریهودیان اعلام نماید (افسیان ۳). وی حتی در شهر بزرگی چون روم از اعلام این مژده نجات‌بخش هراسان نبود (رومیان ۱: ۶). دوستانش او را ترک کردند و او دعا می‌کرد که خدا آنها را ببخشد؛ دشمنانش او را محاکمه می‌کنند اما او فرصتی را از دست نمی‌دهد تا پیام نجات ایشان را به آنها اعلام کند. وقتی زندگی تحت قدرت روح‌القدس قرار می‌گیرد، تحولات عظیمی رخ می‌دهد.

"مرا از دهان شیران نجات داد" (۲ تیموتائوس ۴: ۱۷). این شیر دلالت بر چه کسی یا چه چیزی دارد. نمی‌تواند شیر در معنی لفظی آن باشد، زیرا پولس تبعه روم بود و اگر محکوم می‌شد او را در جلوی شیران نمی‌انداختند بلکه سرش را از تنش جدا می‌کردند. آیا این شیر امپراطور نرون بود؟ احتمالاً نه.

اگر او از دست نرون آزاد شده بود به این معنی بود که او را تبرئه کردند اما او تا به حال در محاکمه حضور نیافته بود. شیر در اینجا نماد شیطان است (۱ پطرس ۵: ۸).

احتمالاً پولس به نقشه شیطان برای غلبه بر او و ممانعت از اعلام مژده نجات اشاره می‌کند. نجات یافتن از دهان شیر عبارت تشبیهی است به معنی رهایی از خطر بزرگ (مزمور ۲۲: ۲۱).

برای مسیحی گناه خطرناکتر از رنج و مرگ است. این همان چیزی است که در ۲ تیموتائوس ۴: ۱۸ به آن اشاره می‌شود. پولس ایمان داشت که خداوند او را از هر اتفاق بدی حفظ خواهد و او را به سلامت به ملکوت آسمانی خود خواهد برد. او از مرگ نمی‌ترسید بلکه بزرگترین ترسش این بود که خدا را انکار کند یا عملی مرتکب شود که نام مقدس خدا را بی‌عزت کند. مطمئن بود که زمان مرگش فرا رسیده است، می‌خواست مسابقه زندگی خود را به خوبی به پایان برساند و از بند گناه و نافرمانی رها شود. امید بخش است که می‌بینیم پولس اسامی شبانان زیادی را در فصل پایانی نامه‌اش آورده است. دست کم اسامی ۱۰۰ زن و مرد در اعمال رسولان و نامه‌های پولس به عنوان دوستان و همکاران آورده شده است. پولس نمی‌توانست خدمتش را به تنهایی انجام بدهد. او مرد شریفی است که نام افرادی را که در خدمت به او یاری رساندند، ذکر کرد و ایشان را در عظمت این کار شریک ساخت.

(لوقا ۴: ۱۱) "پزشک محبوبی" بود که با پولس سفر می‌کرد (کولسیان ۴: ۱۴). وی مؤلف کتاب لوقا و اعمال رسولان می‌باشد (به بخش‌هایی که در اعمال با ضمیر "ما" آمده توجه نمایید). پولس احتمالاً این نامه (۲ تیموتائوس) را به لوقا دیکته کرد. احتمالاً لوقا باید از اشاره‌ای که پولس به "قائاریا" کرد خشنود شده باشد (۲: ۱۷).

کریسکیس (۴: ۱۰) را پولس به غلطیه فرستاد. اطلاعی از او در دست نداریم. البته نیازی هم نداریم که او را بشناسیم. او زحمتکش وفاداری بود که دست پولس را وقتی کمک لازم داشت، گرفت.

تیطس (۴: ۱۰) همچون تیموتائوس، دستیار نزدیک پولس و مشکل‌گشایی قابل اطمینان بود. پولس تیطس را در قرن‌تس گذاشته بود تا به مشکلات کلیساها رسیدگی کند (تیطس ۱: ۴). با مطالعه نامه پولس به تیطس بیشتر با این خادم خدا آشنا می‌شویم. تیطس، پولس را در نیکوپولیس در فاصله زمانی بین دستگیری‌های او ملاقات کرده بود (تیطس ۳: ۱۲). حال پولس او را از روم فراخوانده و به "دلماطیه" (یوگسلاوی امروزی) فرستاد.

مرقس (۲ تیموتائوس ۴: ۱۱) پسر عموی برنابا، اولین شریک پولس بود (اعمال ۱۳: ۱-۳). مادرش مسیحی بنامی در اورشلیم بود (اعمال ۱۲: ۵-۱۲). متأسفانه یوحنا معروف به مرقس اولین مأموریت خود را به اتمام نرسانید (اعمال ۱۳: ۵، ۱۳). به همین دلیل پولس او را در سفر دوم به همراه نبرد و منجر به جدایی برنابا و پولس شد (اعمال ۱۵: ۳۶-۴۱). با این حال پولس تأیید کرد که او خادم ارزشمندی است و می‌خواست او در روم باشد. چه خوبست بدانیم یک بار ناکامی در خدمت مسیحی نباید کل زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد.

تیخیکوس، ایمانداری از ایالت آسیا بود (اعمال ۲۰: ۴) که با اشتیاق پولس را همراهی کرد و به‌عنوان خادم به شاگردان یاری رساند. در اولین دوره زندانی پولس همراه او بود (کولسیان ۴: ۷-۸، افسسیان ۶: ۲۱-۲۲). پولس تیخیکوس را به جای تیطس به قرن‌تس فرستاد تا تیطس به نزد او بیاید (تیطس ۳: ۱۲) و حال او را به افسس می‌فرستاد تا تیموتائوس را از خدمتش در آنجا مرخص کند. چه خوب است خادمینی

باشند که بتوان آنها را جای دیگران به خدمت گماشت. آنکه جانشین دیگری می‌شود شاید تمام افتخارات نصیبش نشود اما در نجات روح انسان‌ها سهمی دارد.

کارپوس (۲ تیموتائوس ۴: ۱۳) در تروآس می‌زیست و میزبانی پولس را می‌کرد. پولس بایستی با عجله او را ترک کرده باشد چون ردا و کتاب‌هایش را جا گذاشته بود (شاید او تحت تعقیب بود). بهر حال کارپوس برادری وفادار بود و وسایل پولس تا را وقتی که یکی آنها را برای او ببرد نگه داشت. حتی این وظایف به ظاهر ناچیز نوعی خدمت به خداست.

کسی نمی‌داند آیا اسکندر مسگر (۴: ۱۴) همان شخصی است که در اول تیموتائوس ۱: ۲۰ از او نام برده شده یا نه. البته ارزش حدس و گمان را هم ندارد! این اسم رایجی بود، امکان دارد او به روم رفته باشد تا برای پولس مشکلاتی به وجود آورد. شیطان خادمین خود را دارد. پولس با گفتن "خدایا تو خود مطابق اعمالش او را تنبیه کن" (۲ تیموتائوس ۴: ۱۴) او را نفرین نمی‌کند. چون این با تعالیم مسیحی مغایرت دارد (متی ۵: ۴۳-۴۸). "خدا او را به کیفر اعمالش خواهد رساند" ترجمه بهتری است.

فرسکا (پرسکلا) و اکیلا (۲ تیموتائوس ۴: ۱۹) زن و شوهری بودند که بارها به پولس کمک کردند (اعمال ۱۸: ۱-۳، ۲۴-۲۸؛ رومیان ۱۶: ۳-۴؛ ۱ قرنتیان ۱۶: ۱۹) و حال در افسس به تیموتائوس کمک می‌کردند. حیرت آور است که برای خلق خدا فرقی نمی‌کند که چه کسی رهبرشان باشد؛ ایشان در هر شرایطی، کار خدا را به انجام می‌رسانند.

انیسیفورس (۲ تیموتائوس ۴: ۱۹) و خانواده‌اش را در بخش ۱ ملاقات کردیم. ارستوس (۴: ۲۰) امکان دارد خزانه دار قرنتس باشد



(رومیان ۱۶: ۲۳) و شاید همان کسی باشد که با تیموتائوس در مقدونیه خدمت کرد (اعمال ۱۹: ۲۲).

تروفیمس (تیموتائوس ۴: ۲۰) اهل افسس، دوست تیخیکوس بود (اعمال ۲۰: ۴) و این همان کسی است که همراهی اش با پولس باعث شد که در اورشلیم آشوب به راه بیفتد (اعمال ۲۱: ۲۸-۲۹). او در میلیتس خدمت می‌کرد و حالا بیمار بود. چرا خدا او را شفا نداد؟ احتمالاً هر شخص مریضی نباید به طور معجزه‌آسا شفا یابد. سایر افراد ذکر شده (تیموتائوس ۴: ۲۱) برای ما ناشناخته هستند.

"فیض با شما باد" (۴: ۲۲)، وداع شخصی پولس بود که در آخر نامه‌هایش به صورت "نشانی" که مشخص می‌کرد نامه جعلی نیست، دیده می‌شود.

کتاب مقدس دانشی از روزهای پایانی عمر پولس در اختیار ما قرار نمی‌دهد. مطابق سنت گفته می‌شود که او مقصر شناخته و به مرگ محکوم شد. احتمالاً او را به خارج شهر برده، سرش را از تنش جدا کردند. اما تیموتائوس و بقیه ایمانداران متعهد مایوس نشدند و به کار خود ادامه دادند. جان و سلی اغلب می‌گفت: خدا خادمینش را به خاک می‌سپارد اما کار خدا هرگز متوقف نمی‌شود.

من و شما بایستی وفادار بمانیم تا نسل‌های آینده مژده نجات را شنیده و فرصت نجات را داشته باشند.

## رئوس مطالب فلیمون

موضوع: درخواست بخشش انیسیمس - برده همچون برادری  
مسیحی (۱۵-۱۶)

### ۱- شکرگزاری (۷-۱) "خدا را سپاس می‌گذارم"

- ۱- عشق پولس (۳-۱)
- ۲- شکرگزاری پولس (۷، ۴-۵)
- ۳- دعای پولس (۶)

### ۲- درخواست (۸-۱۶) "از تو تمنا دارم"

- ۱- شخصیت فلیمون (۸-۹)
- ۲- نجات انیسیمس (۱۰-۱۱)
- ۳- اراده خداوند (۱۵-۱۶)

### ۳- تضمین (۱۷-۲۵) "به حساب من بگذار"

- ۱- مشارکت پولس (۱۷-۱۹)
- ۲- اطمینان پولس (۲۰-۲۲)
- ۳- احوال‌پرسی پولس (۲۳-۲۵)



## فصل سیزدهم

# داستان دو شهر

## فلیمون

پولس در روم زندانی بود. دوستش فلیمون در کولسی بود و رابطه بین آنان از طریق برده فراری او به نام انیسیمس برقرار شد. از جزئیات اطلاعی در دسترس نیست. ظاهراً انیسیمس از اربابش دزدی کرده و به روم متواری شده بود. اما بنا به مشیت الهی پولس را ملاقات کرد و به مسیح ایمان آورد.

و حالا چه؟ شاید انیسیمس با پولس به خاطر کمک زیادی که نیاز داشت می‌ماند. اما مسؤولیت غلام نسبت به اربابش در کولسی چه می‌شد؟ قانون به ارباب اجازه اعدام برده یاغی را می‌داد. اما فلیمون مسیحی بود؛ اگر انیسیمس را می‌بخشید، بقیه اربابان و غلامان چه فکر می‌کردند؟ اگر مجازاتش می‌کرد ایمانش چه می‌شد؟ چه معظلی!

احتمالاً این نامه به همراه رساله کولسیان توسط تیخیکوس و انیسیمس به کولسی آورده شد (کولسیان ۴: ۷-۹). در این نامه، پولس با اتخاذ سه نقش مهم، سعی کرد به فلیمون در حل مشکلش کمک کند. همچنین، عظمت و شکوه کار خداوند که از طریق عیسی مسیح انجام شد متجلی می‌شود. مارتین لوتر گفت: "همه ما مثل انیسیمس هستیم." این عین حقیقت است.

### ۱- پولس دوست محبوب (فلیمون ۱-۷)

پولس در کولسی کلیسایی بنا نکرده و از آنجا بازدید هم نکرده بود (کولسیان ۱: ۸-۱، ۲: ۱). احتمال دارد که در نتیجه خدمت پولس در افسس این کلیسا به شبانی افراس (فلیمون ۲۳) بنا شده باشد (اعمال ۱۹:

۱۰، ۲۰، ۲۶). کلیسا در خانه فلیمون و اپفیه تشکیل می‌شد. عده‌ای بر این عقیده‌اند ارخپیس فرزند ایشان بود، اما قطعیت آن روشن نیست. شاید ارخپیس به جای اپفراس که به روم برای کمک به پولس رفته بود، خدمت می‌کرد. چنانچه این حقیقت داشته باشد، دلیل سفارش اکید پولس به ارخپیس در نامه‌ای که به کل کلیسا نوشته شده است (کولسیان ۴: ۱۷) معلوم می‌شود.

پولس در احوال‌پرسی خود محبت عمیق خود را نسبت به دوستان مسیحی‌اش ابراز کرد و به ایشان یادآوری کرد که سرباز عیسی مسیح است (۹-۱۰، ۱۳، ۲۳). گرچه نام تیموتائوس در احوال‌پرسی آمده است اما موضوع نامه به پولس و فلیمون مربوط می‌شد. خدمت پولس گروهی بود، اغلب نام دستیارانش را در نامه‌هایش ذکر می‌کرد و به واژه همکاران عنایت خاصی داشت (رومیان ۱۶: ۳، ۹، ۲۱؛ فیلیپیان ۲: ۲۵، ۴: ۳؛ کولسیان ۴: ۱۱؛ اقرنتیان ۳: ۹).

کلیساهای عهد جدید در خانه‌ها تشکیل می‌شدند (رومیان ۱۶: ۵، ۲۳؛ اقرنتیان ۱۶: ۱۹) و احتمالاً جماعتی که در خانه فلیمون گرد هم می‌آمدند یکی از دو کلیسای کولسی بود (کولسیان ۴: ۱۵). فلیمون توسط پولس به مسیح ایمان آورده بود (فلیمون ۱۹) و دل مسیحیان را شاد کرده بود (آیه ۷).

پولس همیشه نامه‌هایش را با شکرگزاری و دعا آغاز می‌کرد (به استثناء غلاطیان). او در این قسمت نامه، فلیمون را انسانی با محبت و با ایمان نسبت به مسیح و خلق خدا توصیف کرد. عشق فلیمون دیگران را تحت تأثیر قرار داده بود. اعمال نیک و کلام او دل‌های ایمانداران را طراوت بخشیده بود. پولس به فلیمون گفت که برای او دعا می‌کند و از خدا می‌خواهد که برای دیگران الگوی مؤثری باشد (با در میان گذاشتن ایمانت با دیگران) تا بلکه ایشان تحت تأثیر قرار گرفته، به

مسیح ایمان آورند. پولس همچنین دعا کرد که وی به درک عمیق‌تری از برکاتی که در سایه ایمان به مسیح نصیب او شده نائل شود. شناخت بیشتر مسیح و درک عمیق‌تر برکات و رحمت‌های او اشتیاق شدیدی را بر می‌انگیزد تا این سعادت را با سایرین در میان گذاریم.

## ۲- وساطت ملتسمانه پولس (فلیمون ۸-۱۶)

آمار نشان می‌دهد که ۶۰ میلیون برده زن و مرد در امپراطوری روم وجود داشتند که همچون کالا خرید و فروش می‌شدند. ضرب‌المثلی بود که می‌گفت: "برده هر چه زیادتر، دشمن زیادتر."

برده معمولی ۵۰۰ دینار فروخته می‌شد (یک دینار مزد روزانه یک کارگر معمولی بود). برده‌های تحصیل کرده و با مهارت به بهای ۵۰۰ هزار دینار فروخته می‌شدند. ارباب می‌توانست برده را آزاد کند یا برده آزادی خود را بخرد (اعمال ۲۲: ۲۸).

اگر برده‌ای فرار می‌کرد، اسم و مشخصات او رسماً ثبت می‌شد و در لیست افراد تحت تعقیب قرار می‌گرفت. هر کسی که برده فراری را پیدا می‌کرد، می‌توانست او را در اختیار بگیرد و یا حتی وساطت او را نزد اربابش بکند. برده مجبور نبود خود به خود نزد اربابش برگردد یا بلافاصله به مرگ محکوم شود. گرچه برخی اربابان بیرحم بودند (به عنوان مثال مردی برده‌اش را خوراک کوسه ماهی کرد) اما بسیاری منطقی و عادل بودند. با این همه، برده‌داری شخصی ارزشمندی بود و خلاصی از او برای مالک گران تمام می‌شد.

پولس برای وساطت انیسیمس پنج خواهش کرد. اولین خواهش او به شهرت فلیمون مربوط می‌شد. او برکت و شادی برای دیگران به ارمغان آورده بود. کلمه "از این رو" در آیه ۸ به معنای "مطابق آن" است. فلیمون ایمانداری "نشاط بخش" و "پر فیض" بود. به همین دلیل پولس می‌خواست به او فرصتی دهد تا این محبت را نیز نسبت به برده

خود روا دارد تا قلب پولس از آن شاد شود. فلیمون دل‌های ایمانداران بسیاری را شادی و تازگی بخشیده بود و می‌توانست نسبت به غلام خود که تازه ایمان آورده و نجات یافته بود، رحیم و مهربان باشد. پولس می‌توانست از اقتدارش استفاده کرده و دوستش را وادار به اطاعت کند، اما ترجیح داد درخواست خود را با محبت بیان کند (آیه ۹). چه مدبرانه پولس وضعیت خود را به فلیمون یادآور شد: "پولس پیر و در بند (به خاطر عیسی مسیح)" (آیه ۹). چه کسی خواهش ایماندار رنج‌دیده‌ای مثل پولس را رد می‌کند! احتمالاً در این زمان پولس ۶۰ سال داشت، ولی برای مردان آن روزگار این سن خوبی بود. علاوه بر منش فیض‌بخش و محبت مسیحی فلیمون، پولس درخواست سومش را بر مبنای ایمان انیسیمس به مسیح قرار داد (آیه ۱۰). انیسیمس دیگر "برده" نبود، او فرزند پولس در ایمان و برادر مسیحی فلیمون بود! در عیسی مسیح فرقی نمی‌کند "برده یا آزاد" باشیم (غلاطیان ۳: ۲۸). البته آزادی انیسیمس در مسیح، او را از نظر قانونی آزاد نمی‌کرد یا قرضش را به قانون و یا اربابش ادا نمی‌کرد. انیسیمس موقعیت جدیدی نزد خدا و خلق او داشت و فلیمون باید این مهم را مورد توجه قرار می‌داد.

چهارمین خواهش این بود که انیسیمس برای خدمت پولس در روم مفید بود (آیات ۱۱-۱۴). انیسیمس یعنی "مفید". در آیه ۱۱ بازی کلمات را می‌بینیم (فلیمون به معنی "دلسوز و مهربان" است. اگر از غلام انتظار می‌رفت که مطابق اسمش عمل کند، از ارباب چه انتظاری می‌توان داشت؟). پولس انیسیمس را دوست داشت و می‌خواست او را نزد خود در روم نگاه دارد تا کمک او باشد. اما از طرفی هم دلش نمی‌خواست که فلیمون را مجبور به انجام کاری کند. خواست خدا از فرزندان، فداکاری و خدمت از روی اختیار و از صمیم قلب است.

خواهش پنجم در ارتباط با مشیت الهی است (۱۵-۱۶). پولس با ذکر این نکته که "ایماندار مسیحی باید یقین داشته باشد که خدا حتی سخت‌ترین شرایط زندگی را تحت کنترل دارد"، نشان می‌داد که متعصب نبود. خدا انیسیمس را به روم هدایت کرد تا پولس را ملاقات کرده، به مسیح ایمان آورد (قطعاً فلیمون و خانواده‌اش الگوی شایسته‌ای برای غلامشان بودند و برای او دعا می‌کردند). انیسیمس اربابش را مدت کوتاهی ترک کرد، اما بعد نزدش بازگشت تا برای همیشه به او خدمت کند. وقتی به روم رفت "برده" بود، وقتی به کولسی بازگشت او را "برادر مسیحی" می‌خواندند. کارهای خداوند باشکوه و کنترل او بر اوضاع عظیم است.

با نگاهی بر این پنج خواهش پی می‌برید که پولس به چه طمأنینه و مهربانی دوستش فلیمون را متقاعد کرد تا برده نافرمانش را پذیرفته، او را بیخشد. اما این کار ساده‌ای برای فلیمون نبود. اگر بر انیسیمس آسان می‌گرفت، احتمال داشت که سایر غلامان نیز تحت تأثیر قرار گرفته و "مسیحی" می‌شدند و بر اربابانش اثر می‌گذاشتند. اگر خیلی سخت می‌گرفت سیرت و خدمت مسیحی خود را در کولسی زیر سؤال می‌برد.

در اینجا، پولس پیشنهادی داد. این پیشنهاد برایش خیلی گران تمام می‌شد، اما او حاضر بود بها را بپردازد.

### ۳- پولس، شریک در حل مشکل (فلیمون ۱۷-۲۵)

Koinonia کلمه‌ای است که "شریک" ترجمه شده و به معنی "شریک بودن در چیزی" می‌باشد. در آیه ۶ این کلمه "ارتباط" ترجمه شده است که مفهوم "مشارکت" از آن استنباط می‌شود. پولس با اختیار انتخاب کرد "شریک" فلیمون شده و به او در حل مشکلاتش کمک کند.



وی دو پیشنهاد داد: "از او همان‌طور که از من استقبال می‌کنی، استقبال کن و هر آنچه از تو دزدیده را به حساب من بگذار".

برای پولس به عنوان شریک جدید مقدر نبود روم را ترک کرده، به فلیمون در کولسی ملحق شود، اما می‌توانست انیسیمس را که حال نماینده شخصی‌اش بود بفرستد. "هر طور که با انیسیمس رفتار کنی، انگار که با من آن‌طور رفتار کردی؛ درست مثل اینکه قلبم را می‌فرستم" (آیه ۱۲).

این تجلی کاری است که عیسی مسیح برای ما ایمانداران انجام داده است. خلق خدا هویتی جدید در عیسی مسیح دارند، طوری که خدا ما را همچون فرزند خود (عیسی مسیح) به حضور می‌پذیرد. "خدا به خاطر تعلق ما به فرزند عزیزش مسیح لطف و رحمتش را نصیب ما کرده است" (افسیان ۱: ۶) و ما را عادل و بی‌گناه شمرده است" (۲قرنتیان ۵: ۲۱). بدون شک، به سبب نیکویی و شایستگی ما نیست که خدا ما را پذیرفته، بلکه به واسطه "عیسی مسیح" است که ما جزء خانواده خدا شدیم. کلمه "پذیرش" در آیه ۱۷ به معنی "وارد خانواده شدن" است. برده‌ای را تصور کنید که جزء خانواده اربابش می‌شود! گناهکاری را تصور کنید که به خانواده خدا وارد می‌شود!

پولس به فلیمون توصیه نمی‌کرد که از سر تقصیر غلامش و دینی که به او دارد بگذرد، بلکه پولس بهای آن را می‌پرداخت". "به حساب من بگذار، من ضرر تو را می‌پردازم"، اینها کلماتی بودند که پولس در این آیه استفاده کرد و در حکم تعهد قانونی آن زمان بود. این تضمینی بود که پولس به دوستش فلیمون برای پرداخت دین غلامش داد.

چیزی فراتر از محبت برای حل مشکل لازم است. عشق باید بها را بپردازد. عشق خداوند نبود که ما را نجات داد؛ او تمام دنیا را دوست داشت اما تمام مردم نجات نیافتند. فیض خداوند است که گناهکاران را

نجات می‌دهد (افسیان ۲: ۸-۹)، فیض خدا محبتی است که بها را می‌پردازد. خداوند در تقدسش نمی‌توانست دین ما را نادیده بگیرد، زیرا در آن صورت قانون خود را زیر پا می‌گذاشت، پس دین ما را پرداخت.

علمای الهیات این را "اصل نسبت" می‌نامند (نسبت دادن یعنی به حساب کسی گذاشتن). گناهان ما با مرگ مسیح روی صلیب به حساب او گذاشته شد و با او همان رفتاری را کردند که باید با ما می‌شد. با ایمان به او به عنوان نجات‌دهنده، درستکاری او به حساب ما گذاشته شد و اکنون خدا ما را در مسیح می‌پذیرد.

مسیح به خداوند آسمانی گفت: "او دیگر دینی به تو ندارد و من آن را به طور کامل روی صلیب پرداختم، از او همان‌گونه که از من استقبال می‌کنی، استقبال کن و او را به خانواده‌ات بپذیر." با این حال باید در نظر داشته باشیم که بین پذیرشی که به واسطه مسیح انجام می‌گیرد با قابل پذیرش بودن برای مسیح، فرق وجود دارد. آنکه به عیسی مسیح برای نجات ایمان می‌آورد به خانواده الهی پذیرفته می‌شود (رومیان ۴: ۱-۴)، اما رفتار و شیوه زندگی روزمره ایماندار باید به گونه‌ای باشد که خدا را خشنود سازد (رومیان ۱۲: ۲؛ ۱۴: ۱۸، عبرانیان ۱۲: ۲۸، ۲۹: ۵). خدای پدر مشتاق است که آنچه به مسیح گفت به ایمانداران هم بگوید، "از تو بسیار خشنودم".

آیه ۱۹ نشان می‌دهد که فلیمون از طریق پولس به مسیح ایمان آورد. پولس از این رابطه ویژه‌ای که به واسطه مسیح ایجاد شده بود استفاده کرد تا دوستش را تشویق به پذیرش انیسیمس کند. فلیمون و انیسیمس نه تنها برادران روحانی در مسیح بودند بلکه پدر روحانی‌شان نیز پولس بود (آیه ۱۰ و ۱۱: ۴: ۱۵).

آیا پولس در آیه ۲۱ سعی دارد به طور ضمنی به فلیمون بگوید که تو حتی باید انیسیمس را آزاد کنی؟ در همین ارتباط، چرا پولس مستقیماً برده داری را محکوم نکرد. این نامه قطعاً فرصت ایده‌آلی برای پولس بود تا عقیده خود را درباره برده‌داری ابراز کند. پولس چه در این نامه و چه در نامه‌های دیگر برده‌داری را محکوم نکرد، گرچه اغلب نصایحی به بردگان و اربابان می‌داد (افسیان ۶: ۵-۹؛ کولسیان ۳: ۲۲، ۴: ۱؛ اول تیموتائوس ۶: ۱-۳؛ تیطس ۲: ۹-۱۰). در حقیقت او برده‌های مسیحی را تشویق کرد در صورت امکان آزادی خود را به دست بیاورند (۱ قرنتیان ۷: ۲۱-۲۴).

در طول جنگ‌های داخلی آمریکا (جنگ استقلال ایالت‌های جنوبی)، طرفین از یک انجیل برای "اثبات" دعوی خود به نفع یا علیه برده‌داری استفاده کردند. یکی از مشاجره‌های رایج این بود که اگر برده‌داری اشتباه است چرا مسیح و حواریون با آن مخالفت نکردند، پولس نصایحی برای قانونمند کردن نظام برده‌داری ارائه داد، اما آن را محکوم نکرد.

یکی از بهترین تشریحات را می‌توان در تفسیری که الکساندر مک‌لارن از کولسیان ارائه داد، یافت:

اول، پیام مسیحیت در مرتبه نخست خاص افراد است و جامعه در مرتبه دوم قرار می‌گیرد. افرادی که تحت تأثیر این پیام قرار می‌گیرند بر توده‌های مردم اثر می‌گذارند. دوم، این پیام حالات روحانی و اخلاقی را منقلب می‌کند و متعاقب آن بر اعمال و عرف اثر می‌گذارد. سوم، این پیام از خشونت بیزار و کاملاً به وجدان روشن‌بینانه اعتقاد دارد. بنابراین دخالت مستقیم با هیچ تشکیلات سیاسی و اجتماعی ندارد بلکه اصولی را بنا می‌نهد که به طور بنیادی این نهادها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در اذهان نفوذ می‌کند.

اگر مسیحیان اولیه جنگ علنی علیه برده‌داری به‌راه انداخته بودند توسط مخالفان محکوم می‌شدند و پیام خوش انجیل با برنامه سیاسی و اجتماعی اشتباه گرفته می‌شد. به این فکر کنید که چقدر برای مردم انگلیس و آمریکا مبارزه علیه برده‌داری سخت بود و این دو ملت می‌توانستند به کمک تحصیلات و دین مسیحی که داشتند شرایط را مهیا نمایند. همچنین در کشمکش‌های حاصل از جنبش حقوق مدنی مدرن حتی در درون کلیسا بیندیشید. اگر نبرد برای ما در قرن نوزدهم و بیستم خیلی سخت بوده، کشمکش قرن اول چقدر سخت‌تر بوده است.

مسیحیان نمک و نور عالم هستند (متی ۵: ۱۳-۱۶) و باید نفوذ روحانی ایشان در جامعه نمودار باشد تا مردم نیز خدا را تمجید و ستایش کنند. خداوند یوسف را در مصر، استر و نحمیا را در زمین پارس، دانیال را در بابل به خدمت گرفت. در سراسر تاریخ، ایماندارانی بودند که مسئولیت‌های سیاسی داشتند و وفادارانه خدا را خدمت کردند. اما مسیحیان امپراطوری روم نمی‌توانستند از طریق نهاد سیاسی دمکراتیک محلی آن زمان اقدام کنند؛ بدون حمایت قدرت سیاسی ایجاد تحول عملی نبود. تغییر باید از درون ایجاد می‌شد و اگر چه قرن‌ها طول کشید ولی بالاخره نظام برده‌داری برچیده شد.

پولس این نامه را با تقاضاهای شخصی و احوال‌پرسی معمولی خود پایان داد. او با اطمینان انتظار می‌کشید که از زندان آزاد شده، به ملاقات فلیمون و اپفیه در کولسی برود (کلمه "شما" در آیه ۲۲ در مفهوم جمع است). حتی این حقیقت به فلیمون دلگرمی می‌داد که از نصایح پولس پیروی کند تا وقتی که او را حضوری ملاقات می‌کند شرمسار نباشد. احتمالاً افراس شبان کلیسا بود و به روم رفته بود تا به پولس کمک کند. اطلاعی از اینکه او به خاطر پولس "از روی اختیار" در زندان به سر می‌برد یا واقعاً توسط رومیان زندانی شده بود در

دست نداریم. تعهد او به مسیح و پولس ستایش‌انگیز است. مرقس با پولس زندانی بود (کولسیان ۴: ۱۰) و این همان کسی بود که در نخستین مأموریتش پولس را ناامید کرده بود (اعمال ۱۲: ۱۲، ۲۵، ۱۵: ۳۶-۴۱). پولس مرقس را بخشید و خدا را برای خدمت وفادارانه‌اش سپاسگزار بود (۲ تیموتائوس ۴: ۱۱).

ارسترخس اهل تسالونیکه بود و پولس را به اورشلیم و از آنجا به روم همراهی کرد (اعمال ۱۹: ۲۹، ۲۷: ۲). نام دیماس سه بار در نامه‌های پولس تکرار شده است. دیماس همکار من (فلیمون ۲۴)، دیماس (کولسیان ۴: ۱۴)، دیماس مرا ترک کرده (۲ تیموتائوس ۴: ۱۰). مرقس پولس را ناامید کرد، اما بعد وفاداری خود را ثابت کرد. دیماس خدمتگذار خوبی بود اما بعد اسیر تمایلات انسانی شد.

لوقا پزشک محبوبی بود (کولسیان ۴: ۱۴) که پولس را همراهی کرد و به او خدمت کرد و در نهایت انجیل لوقا و اعمال رسولان را نوشت.

دعای پایانی پولس نشان رسمی نامه‌هایش بود (۲ تسالونیکیان ۳: ۱۷-۱۸) که در آن فیض خدا را جلال می‌بخشید. در نهایت این فیض مسیح بود که ما را نجات داد (افسیان ۲: ۱-۱۰). این مسیح بود که اعلام کرد: "آن را به حساب من بگذار، ایشان را آن‌طور که مرا می‌پذیری، بپذیر".

سوالاتی برای کمک  
به مطالعه



## فصل اول

# پایداری در خدمت

- ۱- "آگهی" ویرزی را در ابتدای فصل اول مطالعه کنید. پیشنهاد شما چیست؟
- ۲- برای پیروی از مسیح، حاضر به چه فداکاری هستید؟
- ۳- به نظر شما مشکل‌ترین خدمت شبان که تیموتائوس نیز با آن روبرو بود چیست؟
- ۴- پولس نامه‌ای به تیموتائوس در مورد اصول کاذب و معلمین دروغین نوشت. به نظر شما معلمین دروغین امروز چه ویژگی‌هایی دارند؟
- ۵- حوزه خدمات کلیسای امروز گسترده است. به نظر شما چه بخشی از این خدمات را باید به تعلیم اصول ایمان اختصاص داد؟
- ۶- کلیسای امروزی چقدر در تعلیم اصول موفق بوده است؟
- ۷- پولس در مورد "تشریفات" مذهب که ممکن است باعث سرپوش‌گذاری بر ایمان حقیقی گردد، اخطار داد. چگونه می‌توان حقیقت را تشخیص داد اگر ندانید فرد به چه چیز ایمان دارد و از چه قوانینی پیروی می‌کند؟
- ۸- پولس از تشبیهات نظامی استفاده می‌کرد تا تیموتائوس را تشویق به انجام و ادامه اعمال نیک کند. از چه لحاظ زندگی مسیحی با خدمت نظامی شباهت دارد؟
- ۹- چگونه می‌توان در کلیساها تعادل مناسبی بین تعلیم اصول ایمان و انجام اعمال نیک برقرار کرد؟



## خدمت یا سیرک

### اول تیموتائوس ۲

- ۱- رویدادی را شرح دهید که بدترین بی‌نظمی و هرج و مرج را در آن شاهد بوده‌اید.
- ۲- سرپیچی کلیسا از توصیه پولس مبنی بر انجام کارها "با احترام و انضباط" چه تأثیری بر جامعه دارد؟
- ۳- روش‌هایی را شرح دهید که با وجود آزادی در پرستش، انضباط روحانی برقرار باشد؟
- ۴- مسؤولیت هریک از ما در کلیسا در مورد دعا چیست؟
- ۵- از انواع دعایی که پولس ذکر کرد (رفع نیاز، شفاعت، شکرگزاری)، چرا گاهی گرایش ما به یکی بیش از دیگری است؟
- ۶- چگونه اختلافات داخلی کلیسا قدرت دعا را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
- ۷- پولس به این نکته اشاره می‌کند که خدا اولویت‌ها را بر حسب نقش زن و مرد در کلیسا تعیین می‌کند. به نظر شما آیا تعادل نقش زن و مرد در رهبری کلیسای امروز حفظ شده است؟
- ۸- شیوه‌هایی که زن و مرد باید برای اطاعت و احترام به یکدیگر در رهبری کلیسا اتخاذ کنند، چیست؟
- ۹- به نظر شما در خدمت روحانی، زن و مرد هر یک چه ویژگی‌های منحصر به فردی دارند؟

## فصل سوم

# پیروی از رهبران

## اول تیموتائوس ۳

- ۱- ویژگی‌های رهبری را که بیشترین تأثیر را بر ایمان شما داشته است، توصیف کنید؟
- ۲- از شیوه‌ای که فرد، خانواده و ازدواجش را اداره می‌کند، به چه چیزهایی می‌توان پی برد؟
- ۳- چه خطراتی متوجه کلیسا خواهد بود چنانچه شبان شهرت خوبی در خارج از کلیسا نداشته باشد؟
- ۴- پولس می‌نویسد که کشیش باید آزموده و تأیید شود. در صورت اعطای مقام رهبری به یک نوایمان چه خطراتی کلیسا را تهدید می‌کند؟
- ۵- پولس می‌نویسد که رهبر کلیسا باید منضبط باشد. چنین شخصی چه ویژگی‌هایی دارد؟
- ۶- مطابق سخن پولس شماس نباید دو رو باشد. عاقبت کسی که شایعه پراکنی می‌کند یا محرم اسرار نیست چیست؟
- ۷- طمع چه تأثیری بر فرد در رهبری کلیسا دارد؟
- ۸- چگونه کلیسای محلی همچون خانواده و اعضا همچون خواهر و برادر عمل می‌کند؟
- ۹- ارزیابی شما از کلیسای شهرتان در مورد اینکه باید ستون حقیقت باشد، چیست؟
- ۱۰- اگر کلیسای شما تنها منبع برای شناخت مسیح باشد، مردم از طریق این کلیسا چه شناختی از مسیح خواهند داشت؟

## شرط خادم خدا بودن

### اول تیموتائوس ۴

- ۱- مطابق با پرسش و پیرزبی، توصیفی که شبان از شغل خود ارائه می‌دهد، چه تفاوتی با توصیف شما از شغل ایشان دارد؟
- ۲- تعلیمی که انسان درستکار از عیسی مسیح می‌دهد، چیست؟
- ۳- چگونه می‌توان رهبر ریاکار را شناخت؟
- ۴- چه پیشنهادی دارید برای شبانی که خود را مشغول امور جزئی می‌کند و وقت لازم را برای مطالعه کلام و دعا اختصاص نمی‌دهد؟
- ۵- پولس زندگی یک مسیحی را به ورزشکار تشبیه می‌کند. از چه لحاظ آمادگی روحانی "شبییه آمادگی جسمانی" است؟
- ۶- چطور ایمان را تمرین کنیم؟
- ۷- چطور دانش کسب کردن از کلام خدا را تمرین کنیم؟
- ۸- چطور عطایای روحانی را تمرین کنیم؟
- ۹- فرد چه "آمار روحانی" باید از خود داشته باشد؟
- ۱۰- ویرزبی می‌گوید که تقویت نجات‌یافتگان و نجات گمراهان باید هدف کلیسا باشد. با در نظر گرفتن این معیار، ارزیابی شما از برنامه‌های کلیسای امروز چیست؟

## فصل پنجم

# نظم در کلیسا

## اول تیموتائوس ۵

- ۱- زمانی را توصیف کنید که کلیسا نسبت به شما یا هرکس که می‌شناختید سهل‌انگاری کرده است؟
- ۲- برای کسی که محتاج است چه تعادلی بین درخواست از کلیسا و سوء استفاده از آن وجود دارد؟
- ۳- چگونه می‌توان شرط پولس برای بیوه زنان محتاج را در مورد افرادی که امروز نیاز به کمک کلیسا دارند به کار برد؟
- ۴- دستورات پولس کمک می‌کند بین حمایت از مردم و تشویق ایشان به تنبلی تعادل برقرار شود. آیا کلیساهای امروز این دستورات را به خوبی اجرا می‌کنند؟
- ۵- امروزه اغلب می‌شنوید اختلافات کوچک عقیده‌ای در کلیسا جنجالی بزرگ ایجاد می‌کند. این چه حقیقتی را در مورد کلیسا و اعضایش آشکار می‌کند؟
- ۶- به نظر شما کدام یک از دو وظیفه، حکومت کردن یا تعلیم دادن، کشمکش بیشتری ایجاد می‌کند؟
- ۷- موقعیتی را توصیف کنید که توبیخ عضو کلیسا منجر به بازگشت او به حقیقت شده است؟
- ۸- مطابق اخطار پولس، موقعیتی را شرح دهید که غیبت و شایعه پراکنی باعث جدایی در کلیسا شده است؟
- ۹- از آنجایی که هیچ کس کامل نیست، چگونه می‌توان رهبری خداپرست و بی‌عیب برای کلیسا انتخاب کرد؟

## دستورات مافوق

### اول تیموتائوس ۶

- ۱- از چه لحاظ زندگی روحانی شما به مثابه نبرد است؟
- ۲- پولس در مورد غلامی که ارباب غیرمسیحی را خدمت می‌کند نصیحتی به تیموتائوس داد. کسی که برای غیرایماندار کار می‌کند با چه چالش‌هایی روبروست؟
- ۳- فوائد و مضرات کار کردن با کسی که ایمان مشترکی با شما دارد چیست؟
- ۴- پولس به تیموتائوس در مورد تشخیص نگرش "معلمین کاذب" هشدار داد. چگونه می‌توان کسی را که مطابق سیستم سازمان کلیسا عمل نمی‌کند، شناسایی کرد؟
- ۵- چرا نمی‌توان به شبانی که به فکر امرار معاش یا پرداخت صورت حساب‌هایش است، اعتماد کرد؟
- ۶- تفاوت بین "خدمت واقعی روحانی" یا "تجارت مذهبی" چیست؟
- ۷- ویرزی نوشت "همیشه وحدت، خوب و جدایی بد نیست"، تجربه شما چیست؟
- ۸- مطابق آنچه در اول تیموتائوس خواندیم، پیروی از چه رهنمودهایی ما را یاری می‌کند تا در زمان مناسب بگریزیم، یا به اعمال نیک خود ادامه دهیم یا بجنگیم؟
- ۹- پولس در مورد پول‌پرستی یا خداپرستی به تیموتائوس هشدار داد. به عقیده شما رهبران کلیسا در این خصوص تا چه حد موفق بوده‌اند؟

## فصل هفتم

# نماینده ما در کریت

## تیطس ۱

- ۱- شما چگونه تیطس را که مسؤولیت شبانی کلیسای سختی را بر عهده داشت، تشویق می‌کردید؟
- ۲- در دنیای امروز سخت می‌کوشیم تا کلام را به کار بریم یا آن را متناسب فرهنگ خود کنیم. این باعث می‌شود به جای وفاداری به کلام، تعالیم جدیدی ابداع شود. چگونه می‌توان پیام نجات‌بخش را بدون تحریف و در عین حال متناسب با فرهنگ حفظ کرد؟
- ۳- فرزند یاغی چه حقیقتی را در مورد خانواده‌اش آشکار می‌کند؟
- ۴- چگونه می‌توان کسی را که عادل و درستکار است، شناخت؟
- ۵- رابطه بین مدیریت پول و مدیریت کلیسا چیست؟
- ۶- خطر زن و مرد خشمگین در رهبری کلیسا چیست؟
- ۷- چه فرقی است بین شبانی که استقلال فکری دارد و معلم کاذبی که حاضر به اطاعت کسی نیست؟
- ۸- پولس به تیموتائوس در مورد معلمین کاذب هشدار داد که باعث نزاع و اختلاف در کلیسا می‌شوند. امروزه با چه تعاریفی می‌توان این تأثیرات را مشخص کرد؟
- ۹- به نظر شما آیا این جمله درست است: "همین که ایمان داری کافی است؛ مهم نیست به چه ایمان داری".

## کلیسای سالم

### تیپس ۲-۳

- ۱- کلیسای سالم را توصیف کنید.
- ۲- نسل سالخورده کلیسا نسبت به نسل جوانتر چه مسؤولیت‌هایی دارند؟
- ۳- نسل جوانتر کلیسا نسبت به نسل سالخورده چه مسؤولیت‌هایی دارند؟
- ۴- تأثیر ازدواج سالم و با محبت بر خانواده سالم و کلیسای سالم را توضیح دهید.
- ۵- پولس تیموتائوس را تشویق کرد تا سرمشق دیگران باشد. ویژگی‌های شبانی را توصیف کنید که موعظه و رفتار شما را تحت تأثیر قرار داده است.
- ۶- رابطه شما با مسیح چه رابطه‌ای بر رابطه شما با کارفرمایان دارد؟
- ۷- با ارائه مثال توضیح دهید چگونه فیض خدا تمام ابعاد زندگی‌تان را تحت تأثیر قرار داده است؟
- ۸- مسؤولیت ما به عنوان عضو کلیسا در انجام اعمال نیک در خارج و داخل کلیسا چیست؟
- ۹- پولس نصایحی در مورد مقابله با کسانی که در کلیسا مشکل ایجاد می‌کنند، ارائه داد. چگونه می‌توان در دنیای امروز این نصایح را به طور مؤثر به کار بست؟

## فصل نهم

# شجاعت مسیحیان

## ۲ تیموتائوس ۱

- ۱- مسیحی پر شور و شوقی را که می‌شناسید یا درباره او شنیده‌اید، توصیف کنید.
- ۲- پولس برای تیموتائوس دعا کرد. دعا برای دیگران چه تأثیری بر زندگی آنها و شما دارد؟
- ۳- چه شرایطی باعث می‌شود در تلاش برای اطاعت از خدا بیم و هراس داشته باشیم؟
- ۴- چگونه روح‌القدس قدرت تسلط بر بیم و هراس را در خدمت خدا به شما می‌بخشد؟
- ۵- چند نمونه ارائه دهید که روح‌القدس روح محبت را در وجود شما نسبت به کسی قرار داده است؟
- ۶- طبق وعده پولس به تیموتائوس، چگونه روح‌القدس قدرت خویشترداری به ما می‌بخشد؟
- ۷- چگونه تسلط مسیح بر مرگ زندگی ما را متحول کرد؟
- ۸- چگونه تمرکز بر دعوت خدا به ما کمک می‌کند رنج را تحمل کنیم؟
- ۹- پولس تیموتائوس را تشویق به وفاداری کلام نمود. چگونه می‌توان به کلام وفادار بود؟
- ۱۰- پولس کسانی را که به او کمک کرده بودند، تأیید و تحسین کرد. چگونه می‌توان رهبر کلیسا را حمایت کرد و به او شادی و طراوت بخشید.



## تشبیهات شبانی

### ۲ تیموتائوس ۲

- ۱- به نظر شما سه خصلت عالی شبان خوب چیست؟
- ۲- شبان، مباشر چه گنجی است؟
- ۳- از چه لحاظ یک شبان خوب همچون سرباز از کشور خود دفاع و از مافوقش اطاعت می‌کند؟
- ۴- چگونه یک شبان خوب باید در تمرین مثل ورزشکار حرفه‌ای باشد؟
- ۵- از چه لحاظ یک شبان خوب همچون صنعتکار است؟
- ۶- شبان برای حرفه‌اش به چه ابزاری احتیاج دارد؟
- ۷- چگونه خدا شبان را همچون ظرف به خدمت می‌گیرد؟
- ۸- اگر شبان همچون ظرف است، چگونه می‌تواند حقیقت خدا را با ما سهیم شود؟
- ۹- چگونه یک شبان خوب که رهبر کلیساست می‌تواند نشان دهد که واقعاً خادم خداست؟

## فصل یازدهم

# وظایف روزهای آخر

## ۲ تیموتائوس ۳

- ۱- پولس در مورد روش شناسایی افراد شرور به تیموتائوس هشدار داد. افراد شرور در اطراف شما چه ویژگی‌هایی دارند؟
- ۲- طبق سخنان ویرزبی، چه شواهدی نشان می‌دهد که جامعه درگیر "من" شده است؟
- ۳- طبق سخن ویرزبی، چرا فکر می‌کنید دروغ‌ها و ندهای فریبده اکثراً سرپوش‌های مذهبی هستند؟
- ۴- یکی از ویژگی‌هایی که پولس فهرست کرد، عدم خویشتنداری بود. نمونه‌هایی از آن را که در جامعه می‌بینید، ذکر کنید.
- ۵- تأکید ۲ تیموتائوس ۳ بر این است که مراقب تعالیم جدید باشیم و به هر تعلیمی گوش ندهیم. چگونه می‌توان به مسیحی نوایمان در شناسایی تعالیم جدید و گمراه‌کننده کمک کرد؟
- ۶- چرا خدمتگزارانی چون پولس مورد جفا قرار می‌گیرند؟
- ۷- چگونه می‌توان برای آمادگی کامل در مقابل دروغ و جفا خود را تجهیز کرد؟
- ۸- چه روش‌هایی را می‌شناسید که به والدین کمک می‌کند فرزندان‌شان را مطابق کلام تربیت کنند.
- ۹- زمانی را که آیات کتاب مقدس عملاً در زندگی شخصی شما مؤثر بوده است، توصیف کنید.

## سخنان آخر

### ۲ تیموتائوس ۴

- ۱- همچون پولس اگر می‌خواستید سخنان آخر خود را به شاگردتان بنویسید، چه می‌نوشتید؟
- ۲- زمانی را که موعظه کلام قدرت زیادی داشته و بسیاری را تحت تأثیر قرار داده است، توصیف کنید.
- ۳- ویرزبی می‌گوید چنانچه محتوای موعظه بی‌بهره از اصول کلام باشد، "سخنرانی مذهبی" بیش نیست. از موعظه‌هایی که در طی پنج سال گذشته شنیده‌اید، چه مقدار از آن سخنرانی مذهبی بوده است؟
- ۴- چرا فکر می‌کنید معیار سنجش موفقیت روحانی بر اساس تعداد اعضای کلیسا، خیلی وسوسه‌انگیز است؟
- ۵- چگونه می‌توان تشخیص داد که خدمت روحانی بنا به خواسته و اراده خداست؟
- ۶- چه نگرشی باید داشته باشیم وقتی فکر می‌کنیم انجام خدمت روحانی در زمانی خاص محال است؟
- ۷- پولس می‌دانست به آخر عمرش نزدیک شده است؛ پس از تیموتائوس خواست سه چیز را همراه خود بیاورد که کتاب‌ها از جمله آن بود. کلام خدا چه آرامشی هنگام مرگ می‌دهد؟
- ۸- دل‌بستگی به دنیا (همچون دیماس) چگونه باعث دور شدن ما از خدمت روحانی می‌شود؟
- ۹- ما امروز در زمان امپراطور نرون زندگی نمی‌کنیم. چه خطراتی خدمت روحانی ما را در عصر حاضر تهدید می‌کند؟

## فصل سیزدهم

# داستان دو شهر

## فلیمون

- ۱- کتاب فلیمون درباره بخشش است، نه به سبب لیاقت فرد، بلکه به خاطر اینکه پذیرفته شده است. چه بازتابی این پیام بر رابطه ما با خدا و با یکدیگر دارد؟
- ۲- پولس از کسی حمایت کرد که سزاوار کمک نبود. این نوع تصمیم‌گیری چه چالش‌ها و رنج‌هایی را به همراه دارد؟
- ۳- فلیمون مطابق ایمان جدیدش، با انتخاب سختی مواجه بود که عواقب شدیدی داشت. چه احساسی به هنگام چنین تصمیم‌گیری دارید؟
- ۴- از فلیمون خواسته شد کسی را ببخشد که در فرهنگش به او خیانت کرده بود و مجازاتش مرگ بود. چگونه می‌توان چنین فردی را بخشید.
- ۵- چه درس‌هایی می‌توان از روش مدبرانه و هوشیارانه‌ای که پولس در متقاعد نمودن فلیمون به کار برد، آموخت؟
- ۶- پولس از طرف انیسیمس که ایماندار جدیدی بود، از فلیمون درخواست بخشش کرد. چنانچه مسئولیت خاصی نسبت به دوست مسیحی خود احساس می‌کنید، آن را توصیف کنید.
- ۷- چگونه درک عمیق ما از مسیح به ما کمک می‌کند تا با دیگران رفتار محترمانه و محبت‌آمیز بیشتری داشته باشیم؟